

# گفت‌و‌گو با دبیران خواهر استان‌های کشور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گفت و گو با دبیران خواهر

استان‌های کشور

## گفت‌وگو با دبیران خواهر استان‌های کشور

- به کوشش: یونس باقری
- طرح روی جلد: جعفر وافی
- صفحه آرای: الهام الیکایی
- شمارگان: ۲۰۰ نسخه
- سال انتشار: ۱۴۰۰
- نوبت چاپ: اول



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

## فهرست

مقدمه / ۵

دوگانگی بین دانش‌آموزان علوم انسانی و دیگر رشته‌ها را رفع کنید / دبیران درس

دین و زندگی در استان هرمزگان خطاب به مؤلفان کتاب / ۷

ساعت آموزش قرآن را مستقل کنید / خواسته‌های دبیران میناب از مؤلفان کتاب‌های

دینی و قرآن سوم متوسطه / ۲۱

مدیریت بحران همین است که ما گرفتار آنیم / به گفته‌ی خواهران دبیر در بجنورد / ۳۷

دختران در باب حجاب خیلی سؤال دارند / گفت‌وگو با دبیران دینی و قرآن استان

کردستان / ۵۶

استدلال‌های کتاب پایه دهم باید بیشتر شود / دبیران مدارس کردستان در گفت‌وگو

با رشد / ۶۹

اگر گفت‌وگوها فرمایشی نباشند، باید تأثیر پیشنهادها را در درس‌ها دید! / خواهران

دبیر در دبیرستان‌های اردبیل / ۸۳

کتاب‌های دوره آموزش متوسطه اول در بوتۀ نقد / گپ‌وگفت با معلمان اهل سنت / ۹۶

مجلات رشد را نمی‌شناسیم، آن‌ها را معرفی کنیم! / گپ‌وگفتی با دبیران دینی و قرآن

مدارس دخترانه شیراز / ۱۱۵

شیوه درست مقاله‌نویسی را در مجله رشد آموزش بدهید! / پای صحبت دبیران دینی

و قرآن دبیرستان‌های دخترانه اصفهان / ۱۳۰

دینی و قرآن سال اول و دانش‌آموزان دبیرستان نرجس / گفت‌وگو با دانش‌آموزان شهر

تهران درباره کتاب دینی و قرآن سال اول دبیرستان / ۱۴۵

دینی و تدریسی فراتر از کلاس درس / گفت‌وگو با فریبا حنیفی، دبیر دینی برگزیده / ۱۵۲

- معلم نمونه من / میزگرد «بررسی نحوه تأثیر گذاری معلم» از زبان دانش‌آموزان / ۱۵۹
- دو صد گفته چون نیم کردار نیست / گفت‌وگو با کتابون (زهرا) آزادی، دبیر پیام‌های آسمانی ناحیه ۴ شیراز / ۱۶۵
- فرصت اندیشیدن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم / گفت‌وگو با سهیلا صلاحی اصفهانی، دبیر موفق دین و زندگی / ۱۷۵
- ترفیق یا تفکیک؛ مسئله این است! / دبیران استان مرکزی در گفت‌وگو با رشد آموزش قرآن / ۱۸۴
- ترفیق یا تفکیک؛ مسئله این است / گفت‌وگو با صدیقه باقری و سهل‌البیع، دبیران درس «دینی و قرآن» / ۲۰۱
- معلمان را تغذیه فکری کنیم / دو تن از دبیران درس «دینی و قرآن» در گفت‌وگو با مجله رشد آموزش قرآن / ۲۱۱

در دههٔ شصت مجلات رشد به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی یکی پس از دیگری منتشر و با عناوین مختلف راهی مدارس می‌شد تا معلمان گرامی با توشه‌ای افزون بر کتاب‌های درسی دانش‌آموزان عزیز را آموزش داده و تربیت کنند، در دهه‌ای که از فضای مجازی خبری نبود و اینترنت به شکل فعلی وجود خارجی نداشت و برنامه‌های تلویزیون عموماً در یک قاب و آن هم به صورت سیاه و سفید پخش می‌شد. مجلات رشد بار گرانی را بر دوش گرفته و به سر منزل مقصود رساندند و استقبال مدیران، دبیران و دانش‌آموزان از این مجلات نشان موفقیت این مجلات بوده است.

از میان مجلات منتشر شده، یکی مجله «رشد معارف اسلامی» بود که به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در اختیار دبیران قرآن، معارف اسلامی، فلسفه، منطق و عربی قرار می‌گرفت.

البته بعدها برای چندسالی مجله رشد قرآن از معارف اسلامی مستقل و به صورت جداگانه چاپ شد و بعد از مدتی مجدداً مجله رشد قرآن نیز با عنوان رشد قرآن و معارف اسلامی با هم و در یک مجلد منتشر شدند و در سال ۱۴۰۰ نیز مجدداً به دلیل تفکیک حوزه‌های یادگیری درس قرآن و

عربی از دروس معارف اسلامی و حکمت مجله رشد قرآن و عربی از مجله معارف اسلامی مستقل شده است.

در مجلات قرآن و معارف اسلامی مطالب متنوعی چاپ و در اختیار دبیران گرامی قرار گرفته است و استمرار چاپ این مجله نشان از موفقیت آن بوده است.

پس از گذشته چندین دهه از انتشار مجله رشد قرآن و معارف اسلامی دفتر انتشارات و فناوری آموزشی اقدام به نشر گلچینی از مقالات و گفت‌وگوهای منتخب کرده است.

کتاب پیش‌روی شما با عنوان «گفت‌وگو با دبیران خواهر استان‌های کشور» محصول بیش از چهار دهه زحمات دست‌اندرکاران و معلمان عزیز در انتشار این مجله است که به صورت یکجا در اختیار شما عزیزان قرار می‌گیرد.

امید است در سال‌های آتی مجموعه‌های دیگر نیز تکمیل شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرد.

## دبیران درس دین و زندگی در استان هرمزگان خطاب به مؤلفان کتاب: دوگانگی بین دانش آموزان علوم انسانی و دیگر رشته‌ها رافع کنید

مهدی مروجی

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی

### اشاره

زهره شه‌ریاری مقدم، فریده منش‌دی‌پور و فرحناز پورنظر سه تن از دبیران با سابقهٔ درس دین و زندگی در ناحیهٔ یک آموزش و پرورش شهر بندرعباس‌اند. آنچه می‌خوانید، حاصل گفت‌وگو با این همکاران دربارهٔ کتاب «دین و زندگی» پایهٔ دوازدهم است.

۷

● بسم‌الله الرحمن الرحیم. ضمن ابلاغ سلام مؤلفان کتاب‌های دین و زندگی و خانوادهٔ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی خدمت شما همکاران محترم در مرکز استان هرمزگان - بندرعباس - آنچه در نقد کتاب دین و زندگی پایهٔ دوازدهم در این گفت‌وگو خواهید فرمود، از طریق مجلهٔ رشد به آنان خواهد رسید. پرسش را از وضعیت ظاهری کتاب آغاز کنیم. می‌توانید دربارهٔ کیفیت جلد کتاب، عکس‌ها



و طرح‌های داخل صفحه‌های کتاب، اندازه حروف، رنگ و آنچه مربوط به گرافیک و چشم‌انداز زیبایی‌شناسی و بصری کتاب می‌شود، با دید اصلاحی و برای افزایش جاذبه بصری، اظهار نظر بفرمایید؟

**شهریاری مقدم:** رنگ‌ها در کتاب پایه دوازدهم نقشی در جاذبه بصری ندارند. آیات کتاب رشته انسانی بدون ترجمه است، ولی برای رشته تجربی با ترجمه آمده است. این تفاوت سبب می‌شود که دانش‌آموزان تجربی، خود را برای ترجمه به زحمت نیندازند، ولی در رشته انسانی بچه‌ها خود را درگیر می‌کنند. یکی از علت‌های این امر آن است که زمان تدریس در رشته انسانی چهار ساعت و در رشته تجربی دو ساعت است.

● **لطفاً پاسخ را متوجه پرسش کنید. به موارد دیگر خواهیم رسید.**

**شهریاری مقدم:** بچه‌ها می‌گویند که: آیات جداگانه، یا در انتهای کتاب، همراه با ترجمه و شأن نزول یا حتی در کتابچه‌ای می‌آمدند تا می‌توانستند در صورت لزوم و نیاز بدان رجوع و از آن استفاده کنند. در نظرسنجی هم، همین نکته را اعلام کردم، ولی از آن نظرسنجی چیزی را در این کتاب نمی‌بینم.

**منشدی پور:** به نظر بنده اگر آیات قرآنی لابه‌لای مطالب کتاب باشند، بهتر است. چرا؟ به این علت که اسم کتاب «دین و زندگی» است و ما می‌خواهیم قرآن در متن زندگی جاری باشد و بچه‌ها حس نکنند که قرآن از زندگی جداست.

روش کارم در کلاس این است که با تدریس قرآن شروع می‌کنم و دانش‌آموزی که صوت خوبی دارد و بچه‌ها دوست دارند که او بخواند، قرآن را قرائت می‌کند. بعد اجازه می‌دهم تک‌تک دانش‌آموزان آیات را بخوانند. البته ترجمه آیات نیز خوانده می‌شود تا با موضوع درس آشنا شوند. وقتی وارد متن درس می‌شویم، به کرات به آیات اول درس برمی‌گردم و بدین ترتیب بچه‌ها را متوجه این نکته می‌کنم که آیات اول درس با محتوای آن ارتباط دارند.



● شما هم درباره سؤال چیزی نفرمودید!

**منشدی پور:** بچه‌ها می‌گویند چرا مناره روی جلد به وضوح نیامده و هلال آن نیز نامشخص است؟

**پور نظر:** در کل تصاویر کتاب خوب هستند؛ آن هم از نظر من معلم. ولی برای دانش‌آموزان باید بهتر و با جاذبه بیشتر تدارک شود.

**منشدی پور:** رنگ‌ها خیلی ملایم هستند. وقتی کتاب را باز می‌کنیم، این رنگ آبی ملایم خیلی آرامش‌بخش است، البته برخی از دانش‌آموزان می‌گویند، این رنگ اول صبح کمک می‌کند که سرکلاس بخوابیم.

**پور نظر:** تصویر و طرح روی جلد امکان بهتر شدن دارد؛ البته با توجه به آنچه دانش‌آموزان سرکلاس می‌گویند، عرض می‌کنم. بچه‌ها دوست دارند، جلد کتاب هم گیرایی داشته باشد و هم پیام را به‌گونه‌ای انتقال دهد که زود قابل درک باشد.

**شهریاری مقدم:** اگر رنگ‌ها را با توجه به موضوع درس انتخاب می‌کردند، خیلی بهتر بود و تنوع ایجاد می‌کرد.

● اگر شما مؤلف کتاب بودید، کدام یک از عنوان‌های درس را حذف می‌کردید، چرا؟ چه درسی را با چه عنوان اضافه می‌کردید، چرا؟

**پور نظر:** اگر مؤلف بودم، درس هشتم، یعنی «احکام الهی در زندگی امروز» تعدیلش می‌کردم. زیرا بچه‌ها با این درس به دلیل تناقض‌هایی که می‌بینند، خیلی مشکل دارند. البته این تناقض‌ها بین احکام اسلامی و آنچه در جامعه وجود دارد، بچه‌ها رغبت کمتری دارند. وقتی می‌خواهم این درس را بگویم، می‌گویند اجازه بدهید خودمان بخوانیم. می‌گویند: یا سؤال دارند چطور ممکن است چیزی حلال باشد و پس از مدتی همان چیز حرام شود؟! البته الان در این درس مؤلفان یادآوری کرده‌اند که فکر نکنید همه چیز حرام است.

تجربه کاری بیست و چند ساله به من آموخته است که قبل از ورود به بحث احکام اسلامی، از امور انسانی شروع کنم. اول باید انسان باشیم. برای مثال، اگر در خانواده بخواهیم به بچه بگوییم دروغ نگو، بگوییم دروغ‌گویی از نظر انسانی غلط است، نه اینکه بگوییم، اگر دروغ بگویی خدا چه کارت می‌کند! همین نوع آموزش‌های نادرست را سبب می‌شوند که تصویر ناخوشایندی از خدا در فکر و ذهن بچه‌ها به وجود بیاوریم. یا چرا بچه‌ها را تا این حد از جهنم می‌ترسانیم؟ آن هم برای یک اشتباه کوچک که برای هر کسی ممکن است پیش بیاید. در کارم بچه‌ها را تشویق می‌کنم که انسان باشند. انسان خوب، زبانه را توی کوچه و خیابان نمی‌ریزد، زیرا از نظر انسانی ریختن زبانه در خیابان نادرست است. از این طریق می‌رسم به اینکه احکام اسلامی نیز برای ساختن انسان آمده‌اند تا بچه‌ها به دین جذب شوند.

بنابراین درس هشتم را باید تعدیل و به کلیات آوردن احکام بسنده کنیم. علت احکام را بگوییم و اینکه چرا این حکم را خداوند قرار داده است. وقتی کلیات گفته شوند، بچه‌ها می‌توانند مصداق را برای تطبیق با حکم کلی پیدا کنند. وارد شدن به جزئیات، در کلاس تنش به‌وجود می‌آورد.

**شهریاری مقدم:** بخش اول کتاب برای تدریس واقعاً سخت‌تر از بخش دوم است. بچه‌ها نیز همین‌طور را دارند که بخش دوم (در مسیر) آسان‌تر از بخش اول (تفکر و اندیشه) است. اگر من مؤلف بودم، این دو بخش را ادغام و یک در میان می‌آوردم. یا درس پنجم (قضا و قدر) را روشن‌تر بیان می‌کردم. این درس برای بچه‌ها به‌غول تبدیل شده است.

در رشته انسانی که ساعت تدریس بیشتر است، گاهی وقت اضافه می‌آوریم. در این وقت اضافی طبق برنامه‌ریزی کارهایی را می‌کنم یا حرف‌هایی را که بچه‌ها دوست دارند، می‌زنم. زیرا معلم دینی در اولین مرحله باید برای خود جایی در دل بچه‌ها باز کند و بچه‌ها به او اعتماد داشته باشند تا حرف‌هایش را با جان و دل بپذیرند.

سال هاست این کار را انجام می‌دهم و پس از سال‌ها که یکدیگر را می‌بینیم، از همین نوع آموزش‌ها ذکر خیر می‌کنند. برگردم به پاسخ سؤال؛ پاسخ برخی از نیازهای بچه‌ها هم به درس اضافه می‌کردم؛ آن هم در ابتدای درس و نه در پایان آن. یعنی در ابتدای هر درس کتاب این کار را می‌کردم.

**منش‌دی‌پور:** من امسال درس پایه دوازدهم را ندارم، ولی سال‌های پیش داشتم. من قبل از شروع درس هشتم، از بچه‌ها می‌خواستم، مسائلی را که به‌طور روزمره با آن‌ها درگیرند و مشکل دارند، مطرح کنند. برای مثال شرب‌آب‌خواری، قمار یا اینکه چه مواردی در اینترنت اشکال دارد. اکثر بچه‌ها از فلسفه احکام بی‌اطلاع‌اند. برخی می‌گویند: یکی دو قطره چه اشکالی دارد؟ یا اگر الکل آن کم باشد که مست نمی‌کند! ما نباید از این پرسش بچه‌ها هراس داشته باشیم که چرا حلال است یا چرا حرام است. اکثرشان مرجع تقلید هم ندارند. لذا باید به آنان تفهیم شود که حرام و حلال را افراد وضع نمی‌کنند، بلکه این حکم خداست. همان‌طور که در سال‌های گذشته خواندیم، هر حکم خداوند براساس مصلحتی وضع شده است تا انسان از مصالح و مفاسد آن آگاه شود و از مفسده دوری کند تا گرفتارش نشود. در حقیقت احکام خداوند برای بهبود وضع خود انسان قرار داده شده‌اند و رعایت آن‌ها برای کسی که به خداوند اعتقاد دارد، الزامی است.

یکی از درس‌های خیلی جدی، درس پنجم (قضا و قدر) است که نه تنها دانش‌آموزان بلکه تمام آدم‌ها با هر سن و سال و در هر مقام و منصب با آن درگیرند. اینکه بچه کوچک گاهی می‌پرسد: «چرا این باید مامان من باشد؟» حرف قضا و قدری است، ولی خودش نمی‌داند.

با این حال در کتاب، مصادیق فوق‌العاده اندک‌اند. زیرا آوردن مصادیق به بچه‌ها کمک می‌کند که با وقایع زندگی خودشان کار تطبیقی انجام دهند.

به‌طور کلی بنده در مقام مؤلف، دنبال حذف نمی‌روم، بلکه در جاهای لازم مصادیق

روزآمد می‌آورم تا برای دانش‌آموزان درک موضوع و مباحث آسان‌تر شود.

● یکی از هدف‌های مؤلفان با آوردن قسمت‌هایی مانند «تدبر در قرآن»، «اندیشه و تحقیق»، «تفکر»، «بررسی»، «پاسخ به سؤالات»، از یک سو جلب مشارکت دانش‌آموزان و فعال کردن آنان در کلاس و درس، و از سوی دیگر، تشویق آنان به تفکر و اندیشه‌ورزی است، به‌نظر شما آیا این هدف‌ها قابلیت تحقق دارند، یا موانعی وجود دارند که امکان عملیاتی کردن چنین کارهایی را از معلم و دانش‌آموز می‌گیرند؟

**پورنظر:** پیشنهاد من این است که در هر درس دو تا سه آیه بیاید. زیرا هم بچه‌ها زودتر یاد می‌گیرند، و هم سؤال‌های سخت کنکور برایشان آسان‌تر می‌شود. بچه‌ها گله دارند که بیشترین مشکلشان در کنکور، تشخیص ارتباط آیات با مفهوم است. طراحان خیلی دو پهلو سؤال‌ها را طرح می‌کنند. لذا خوب است از تعداد آیات کاسته شود. البته بنده نظر به حذف ندارم، زیرا تدبر در آیات مفید است.

**شهرباری مقدم:** اولاً فرصت لازم را نداریم. ثانیاً دانش‌آموزان دو گروه هستند: گروهی که به تدبیرها خیلی علاقه دارند و اهل تفکر و اندیشه‌اند، و گروه دیگری که اصلاً تدبر را دوست ندارند. البته عده‌ای از بچه‌ها هم می‌گویند: بهتر بود این موارد را در پایان درس می‌آوردند تا می‌فهمیدیم، این موارد در درس نقش اساسی دارند. اما به نظر من کار خوبی است که بچه‌ها را به تدبر و اندیشه دعوت کنیم. نکته‌هایی که هنگام نقل آیات می‌خواستیم مطرح کنیم، به داخل چارچوب (کادر) منتقل شده‌اند که در مجموع کار و اقدام مناسبی است.

**منش‌دی‌پور:** بنده روی درس‌ها تأکید می‌کنم. در برخی از درس‌ها میزان تدبر در قرآن زیاد است، مثل درس ششم با عنوان سنت‌های خداوند در زندگی که بحث در تدبر قرآنش زیاد است. خوب بود که این مطالب را لابه‌لای مطالب متن درس قرار

می‌دادند تا دانش‌آموزان هر عنوانی را که می‌خوانند، تدبیر مربوط به آن را هم همان جا یاد می‌گرفتند. اما برخلاف این درس در برخی از درس‌ها بخش تدبیر کم است. اگر آیه قرآنی را به عنوان مصداق عناوین می‌آوریم، می‌خواهیم بچه‌ها در آن آیه تدبیر کنند که کار خیلی خوبی است و باید در این درس بیشتر شود. بهتر است مصداق را از آیات و داستان‌های قرآنی بیاورند.

حرف بنده این است که: روشی در تأثیرگذاری مؤثرتر است که همراه با عنوان درس باشد و تدبیر نیز همان‌جا صورت گیرد و از متن درس تفکیک نشود.

● ارزشیابی هم موردنظر معلمان است و هم موردنظر دانش‌آموزان، در ابتدای کتاب زیر عنوان «سخنی با دبیران»، مؤلفان شیوه ارزشیابی را تشریح کرده‌اند. آیا این نوع ارزشیابی با عنایت به نمره‌گذاری و امتحان و نتایج حاصل از آن مناسب است؟

**پورنظر:** این نوع ارزشیابی خوب است. بنده با روش ارزشیابی قبلی مخالف بودم که ۸ نمره برای قرائت و ۱۲ نمره برای امتحان کتبی مقرر شده بود. دانش‌آموز ۸ نمره را از قبل برای خودش کنار می‌گذاشت و حق خودش می‌دانست که باید به وی داده شود. حتی به نیم نمره و بیست‌وپنج صدم اعتراض می‌کرد که چرا از ۸ نمره‌اش کم شده! الان البته ۴ نمره را هم حق خودشان می‌دانند. به طور کلی شیوه ارزشیابی کنونی را قبول دارم.

**منش‌دی‌پور:** بنده هم با همکار محترم پورنظر هم‌رأی هستم. ارزشیابی و نمره‌گذاری امسال خیلی خوب است. انجام فعالیت‌های داخل درس، مثل تدبیر یا فعالیت‌های کلاسی را هم داریم. «حضور فعال در فرایند تدریس» و مشارکت نیز در زمره فعالیت‌های کلاسی قرار می‌گیرد. بحث «ارزشیابی مستمر» مورد سوم مؤلفان، خوب است تا میزانی کم شود و به‌طور مشخص تعیین شود که به چه چیز نمره

می‌دهیم و از ۵ نمره به ۸ نمره برسد. یعنی ۱۰ نمره برای مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، ارزشیابی هم که انجام می‌شود، و ۲ تا ۳ نمره را خود دبیر برای کارهای خاص مقرر کند که دانش‌آموزان سر کلاس انجام می‌دهند؛ مثل دادن کنفرانس، آماده کردن پاورپوینت، همکاری در مراسم مختلف، خطاطی، مشارکت در اجرای سرود، و مانند این‌ها. یعنی ارزشیابی‌ها باید ریزتر و مشخص‌تر شوند.

**پورنظر:** البته این کار را خود دبیر می‌تواند بکند.

**منش‌دی پور:** بله! اما به دلیل امتحان نهایی باید طوری باشد که به هیچ دانش‌آموزی اجحاف نشود و از رفتار سلیقه‌ای دبیران که هر طور بخواهند نمره بگذارند، جلوگیری کند. من مثلاً در نمره دادن دست و دل بازم، ولی دبیر دیگری سخت‌گیری می‌کند که این تفاوت خوب نیست و اثر سوء روی بچه‌ها می‌گذارد.

**شهریاری مقدم:** به نظر من ۴ نمره الان، هم برای قرائت زیاد است، چه برسد به ۸ نمره پارسال! حداکثر نمره قرائت باید ۲ تا ۳ نمره باشد و نسبت ۱۷ و ۳ خیلی مناسب است.

● با توجه به حجم درس‌ها و زمان تدریس موجود، آیا در پایان سال می‌توانید به خودتان بگویید خدا را شکر! موفق شدم چنان که باید کتاب را به پایان ببرم و هر درس را در حد کفایت چنان تدریس کرده‌ام که بچه‌ها بفهمند و راضی باشند؟  
جدا از حواشی کار، موضوع را بررسی کنید.

**پورنظر:** برای تدریس کتاب پایه دوازدهم مشکلی ندارم و ۲ ساعت کفایت می‌کند. حتی تست کار می‌کنم و آزمون‌های زیادی می‌گیرم. بچه‌ها می‌گویند از درس دینی بیشترین نمره را می‌گیرند. اما در پایه‌های دیگر مشکل دارم و وقت کم می‌آورم.

**منش‌دی پور:** من هم مشکلی نداشتم. زیرا خود بچه‌ها در سال دوازدهم با جدیت بیشتری درس می‌خوانند.

**شهریاری مقدم:** امسال من هم در رشته انسانی و هم در رشته تجربی تدریس می‌کنم و با کمبود زمان مواجه نمی‌شوم. فکر می‌کنم برای انسانی ۴ ساعت زیاد است، زیرا با تجربی یکی دو درس فرق دارد. این تفاوت دو برابر نیست که ۴ ساعت تدریس به آنان اختصاص داده‌اند. ۳ ساعت برای رشته انسانی کافی است. ۴ ساعت موجب خستگی بچه‌ها می‌شود.

● در جاهای دیگر همکاران می‌گفتند، مگر دینشان با هم فرق می‌کند که از نظر حجم درس و ساعت تدریس بین دانش‌آموزان رشته علوم انسانی و تجربی تفاوت گذاشته‌اند؟

(هر سه نفر و همکاران می‌گویند حرف و اعتراض ما به این نکته است.)

**پورنظر:** بنده همیشه ناراحتم که چنین تمایزی بین بچه‌ها قائل شده‌اند. این کار اشتباه بزرگی است. خود دبیر هم هنگام طرح سؤال گیج می‌شود. برای طرح سؤال باید برگ برگ کتاب را نگاه کنم، زیرا برای انسانی توضیح بیشتری آورده‌اند. این تمایز سبب ناراحتی بچه‌ها شده است. درباره ساعت تدریس رشته‌ها نیز با نظر خانم شهریاری موافقم.

**شهریاری مقدم:** ای کاش مثل قبل می‌شد. من معلم در یک روز باید شش جلد کتاب را با خودم حمل کنم؛ آن هم با وضع جسمی بد و داشتن دیسک گردن و کمر؛ به‌ویژه که خود را موظف می‌دانم کتاب‌ها را ببرم، زیرا عادت ندارم از دانش‌آموز کتاب بگیرم.

● یکی از مسائلی مطرح در کلاس، فعال بودن دانش‌آموزان و مشارکت آنان در امور درسی است. به‌نظر شما این اصل در کلاس شما تحقق می‌پذیرد تا بتوانید، با داشتن فرصت و رغبت از یک‌سو و با وجود رغبت دانش‌آموزان از سوی دیگر،



### آنان را در فرایند یادگیری مشارکت بدهید؟

**پورنظر:** از این روش در کلاس‌هایم زیاد استفاده می‌کنم. در اولین جلسه هر سال، درباره کنفرانس، تحقیقات و ساخت وسایل کمک آموزشی توسط دانش‌آموزان صحبت می‌کنم. بچه‌ها هم در هر سه کار همکاری می‌کنند. تاکنون حاصل کار و فعالیت آنان را در نمایشگاه مدرسه یا در سطح گروه در معرض دید قرار داده‌ام. گاهی بچه‌ها کارهای جالبی می‌کنند که برای من قابل تصور نبوده است. برای مثال، یکی از دانش‌آموزان ماکت حدیثی از امام صادق (ع) را درست کرده بود. بچه‌هایی داریم که موضوع کنفرانس جالبی را انتخاب می‌کنند، آن را هم خوب می‌پروارند و بیان جالبی هم دارند. یا چند هفته پیش در حیاط مدرسه، جمعشان کردم، تخته هم گذاشتم و تدریس کردند. بسیار همه راضی بودند. یعنی در تمام روش‌ها سعی در جذب آنان داریم.

**منشدهی پور:** معمولاً روش تدریسم با فصل سال ارتباط دارد، اینکه هوا گرم است یا خنک. مدرسه‌ای که در آن تدریس می‌کنم، حیاط خیلی بزرگی دارد و فضای سبزی هم پشت مدرسه قرار دارد. گاهی که هوا ابری است و نم‌نم باران می‌آید، در هوای آزاد، زیر باران درس می‌دهم تا خاطرهای ماندگار برایشان باشد. در بندر عباس اکثر فصل‌ها هوا گرم است و مجبوریم در کلاس بمانیم. بنده هم در اولین روز سال تحصیلی، کارهایی را که دانش‌آموزان باید در پایان سال انجام بدهند، تشریح می‌کنم و می‌گویم برای فراموش نشدن، در برگ سفید اول کتابتان بنویسید. برای کنفرانس، دانش‌آموزان موضوع‌های خوبی را انتخاب می‌کنند؛ مثل مدگرایی در جامعه، انواع اعتیاد رایج در جامعه ما خواندن کتاب و خلاصه کردن محتوا و بیان آن در کلاس از دیگر فعالیت‌های بچه‌هاست و خوش‌بختانه مدرسه ما کتابخانه دارد و انتخاب کتاب هم آسان است. این نوع فعالیت‌ها خیلی مؤثر و نشاط‌انگیز هستند.

● برخی از همکاران می‌گویند فرصت مشارکت دانش‌آموزان را نداریم، اما شما انگار فرصت‌سازی می‌کنید تا بچه‌ها به فعالیت مثبت و سازنده بپردازند.

**شهریاری مقدم:** کار بنده هم شبیه کار همکاران است و تکرار نمی‌کنم. هر سه نفر ما در مدارس خاص، مدارس عادی و مدارس غیرانتفاعی تدریس می‌کنیم. فعالیت بچه‌ها در مدارس خاص خیلی خوب است. در این مدارس اگر بگویم پاوربیینتی آماده کنند، به راحتی از عهده این کار برمی‌آیند و از حاصل کارشان در جای دیگری استفاده می‌کنم. در مدارس عادی بچه‌های رشته علوم انسانی چندان به مشارکت رغبت دارند که گاهی احساس می‌کنم در میانشان گم شده‌ام. واقعاً بچه‌ها دوست دارند، خودشان کاری انجام دهند.

● فکر می‌کنید موضوع‌های درسی کتاب جالب‌اند که بچه‌ها جذب می‌شوند یا شیوه‌های رفتاری و روش تدریس همکاران محترم زمینه مشارکت را فراهم می‌کند؟

**پورنظر:** هر دو مؤثرند. نمره‌ای هم که برای مشارکت لحاظ می‌شود، بر تشدید فعالیت می‌افزاید.

**شهریاری مقدم:** تشویق از طریق نمره دادن اهمیت دارد و در حقیقت نمره در ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت خیلی مؤثر است. البته برخی از بچه‌ها را، حتی نمره به میدان فعالیت و همکاری نمی‌کشاند. با این حال باید منصفانه بگویم که علاقه بچه‌ها به مشارکت درونی است.

**منشدی پور:** نیم‌سالی که گذشت، یکی از دانش‌آموزان کنفرانسی داد. وقتی به بحث تبعیض‌ها رسید، آن را به سهمیه‌های کنکور ارتباط داد. با این کنفرانس‌ها، بچه‌ها اطلاعات تازه‌ای درباره موضوع‌ها پیدا می‌کنند یا فکرشان تغییر می‌کند. آنچه از طریق کنفرانس‌ها و بحث‌ها یاد می‌گیرند، ماندگارتر از آن مطالبی است که در

کتاب می‌خوانند. زیرا گفت‌وگوها و پرسش و پاسخ‌ها شکل خاطره دارند و در یادها بیشتر می‌مانند و مؤثرترند.

● **نظر شما درباره تغییر ساعت کلاس از چهار ساعت به دو ساعت چیست؟**  
**منش‌دی‌پور:** نباید بین رشته انسانی و تجربی فرقی باشد. دو ساعت برای بچه‌های سال دوازدهم خوب است، اما برای تراز کردن ساعت‌های تدریس رشته‌ها، نه دو و نه چهار ساعت، بلکه سه ساعت کفایت می‌کند.  
**پورنظر و شهریار مقدم:** با نظر همکارمان موافقیم که برای تمام رشته‌ها سه ساعت باشد.

● **درباره کنکور بفرمایید. درباره شیوه طرح سؤال‌ها در کنکور و تأثیر آن بر آموزش درس دینی چه نظری دارید؟**

**پورنظر:** با توجه به کار کردن انواع سؤال‌ها با بچه‌ها در چند سال اخیر، متوجه شدم که در برخی از سؤال‌های کنکور اشکال صوری وجود دارد. یعنی سؤال خیلی طولانی است، با سه چهار جای خالی و دانش‌آموز متوجه نمی‌شود که طراح سؤال از وی چه می‌خواهد. این نوع سؤال‌ها دانش‌آموز را گیج می‌کنند. خود من باید درباره آن فکر کنم تا دریابیم که سؤال چه می‌گوید و چه می‌خواهد. ایراد دیگر این است که بین طرح سؤال از آیات و متن کتاب تعادلی برقرار نیست. طراحان بیشتر می‌خواهند بین آیات و متن درس ارتباط برقرار کنند. در حالی که از متن درس خیلی کم سؤال استخراج می‌کنند که همه دانش‌آموزان معترض‌اند.

**شهریار مقدم:** همان‌طور که همکارم فرمود، اغلب سؤال‌های کنکور از آیات کتاب هستند. به بچه‌ها می‌گوییم متوجه باشند که آیات مطابق با همان درس است و درس مفهوم آیات را بیان می‌کند. طراحان سؤال حتی اگر آیه‌ای در پی نوشت کتاب

باشد و مؤلفان یادآوری کرده‌اند که نباید در کنکور مطرح شود، باز آن را در کنکور می‌آورند. یا در رشته انسانی آیتی در متن آمده‌اند، ولی در تجربی در متن نیستند و در قسمت «بیشتر بدانیم» قرار دارند که نباید در سؤال مطرح شوند، ولی طراح از همین قسمت سؤال می‌سازد؛ گویا با مؤلفان کتاب و دانش‌آموزان لجاجت دارد. کار بدی می‌کند. روی هم رفته طرح سؤال‌های مفهومی کار را سخت می‌کند. برای تشویق بچه‌ها به آن‌ها گفتم اگر ۸۰ درصد به بالا جواب بدهند، امتیاز دارند.

**منشدهی پور:** نظر من این است که کنکور آن هم در درس دینی، در کار دبیر اختلال ایجاد می‌کند، زیرا در سال دوازدهم، تمام توجه بچه‌ها به این نکته معطوف است که بتوانند خوب تست بزنند، نه اینکه خوب یاد بگیرند و درک کنند. در حالی که عنوان کتاب «دین و زندگی» است و نه کنکور. دین باید در زندگی جاری شود و نه اینکه دین کمک کند که در کنکور قبول شود. دانش‌آموز در کنکور قبول می‌شود، ولی چیزی از دین نمی‌داند.

گاهی تست‌زنی را در کلاس تمرین می‌کنیم. عده‌ای با رغبت این کار را می‌کنند، ولی عده‌ای هم هیچ شوقی برای این کار ندارند. زیرا نه می‌خواهند در کنکور شرکت کنند و نه می‌خواهند به دانشگاه کنکوری بروند. می‌خواهند رشته‌های بدون کنکور دانشگاه آزاد بروند. وقتی برای کنکور سر کلاس وقت می‌گذارم، حق این دانش‌آموزان ضایع می‌شود. آنانی که می‌خواهند در کنکور شرکت کنند، باید بروند بیرون کار کنند.

متأسفانه نمی‌شود درس دینی را از کنکور حذف کرد. اگر حذف شود، آن وقت دانش‌آموزان به این درس بی‌توجه می‌شوند. طرح بسیار ریزبینانه و مفهومی سؤال‌ها نیز سبب می‌شود بچه‌ها سطحی‌نگر شوند، فقط دنبال جواب بروند و در مسائل دینی تعمق و تفکر نکنند.

● رسیدیم به این نکته که آنچه را فکر می‌کنید، در سؤال‌های ما مطرح نشده است، ولی لازم می‌دانید بیان کنید، در این فرصت بفرمایید.

**پورنظر:** یکی از اشکالات موردنظر بچه‌ها درباره درس دینی این است که چرا دلیل عقلی برای احکام دینی کمتر هست؟ البته می‌گوییم که برخی از احکام ابتدایی دینی، تعبدی هستند و مسلمان باید آن‌ها را بپذیرد. می‌گویند: همیشه به ما بایدها و نبایدها را یادآور می‌شوند، بدون اینکه دلیل عقلی آن‌ها را بیان کنند. جوانان برای انجام دادن یا انجام ندادن هر کاری دنبال دلیل عقلی‌اند، تحکم را نمی‌پذیرند و در مقابل آن واکنش نشان می‌دهند.

● گریزی هم بزنییم به مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی. همکاران مجله شما انتظار دارند با آنان همکاری بفرمایید. مطالب و مسائل خود را به دفتر مجله بفرستید.

**منش‌دی‌پور:** سال‌های بیشتر، برخی از مجلات رشد را، مثل رشد معلم و رشد دانش‌آموز، زیاد به مدارس می‌فرستادند، ولی چند سالی است که این مجلات را هم نمی‌بینیم.

**شهریاری مقدم:** مدارس باید درخواست کنند. هر مجله رشدی را درخواست کنند، می‌فرستند.

**پورنظر:** اگر بدون هزینه باشد، بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند. ضمن اینکه جاذبه مجله‌ها هم کم است.

## خواسته‌های دبیران میناب از مؤلفان کتاب‌های دینی و قرآن سوم متوسطه ساعت آموزش قرآن را مستقل کنید

رمضانعلی گرجی‌زاده

مهدی مروجی

### اشاره

«میناب» - شهر کهن‌زاد - در شرق استان هرمزگان و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری مرکز استان قرار دارد. این شهر با ۲۶۰ هزار نفر جمعیت (طبق سرشماری سال ۱۳۹۵) دومین شهر بزرگ استان بعد از «بندر عباس» است. از میناب به «گلستان جنوب» کشور نیز تعبیر کرده‌اند. گفته‌اند به دلیل داشتن آب فراوان و رودخانه پرآب و شیرین، میناب شهره شده است. آب شرب بندر عباس از سد استقلال این شهر تأمین می‌شود. دشت‌های میناب حاصل‌خیزند. این شهر گذشته از طبیعت سرسبز و زیبا، از جاذبه‌های تاریخی برخوردار است.

ما این چیزها را ندیدیم، ان شاءالله شما ببینید. زیرا به دلیل تنگی فرصت، صبح از بندرعباس به اداره آموزش و پرورش میناب رفتیم. در جمع خواهران

و برادران معلم شرکت کردیم و با آنان به گفت‌وگو نشستیم. به محض اتمام جلسه فوری به بندر عباس برگشتیم، به فرودگاه رفتیم و به تهران آمدیم. در میناب تعدادی از دبیران درس دینی و قرآن پایه دوازده برای گفت‌وگو گرد هم آمدند. همکاران محترم از جاسک و سیریک نیز آمده بودند. خوش‌بختانه در جمع حضار سه تن از دبیران اهل سنت نیز حضور داشتند. آنچه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگوست که در این فرصت کوتاه فراهم آمده است.

● بسم‌الله الرحمن الرحیم. با توجه به جمعیت حدود ۲۰ نفره همکاران بهترین پرسش این است: اگر هر یک از شما مؤلف کتاب پایه دوازدهم دین و قرآن باشید، با توجه به تجربه‌هایی که دارید، کدام یک از عنوان‌های کتاب موجود را حذف، کدام یک را اصلاح و چه عنوان یا عنوان‌هایی را اضافه می‌کنید، و به هر حال چرا؟ شمیسا امینی‌پور (جاسک، دبیر اهل سنت): با وجود آنکه کتاب جدید [التألیف] است، تمام سرفصل‌های آن خوب‌اند، ولی اگر درباره توحید مطالب بیشتری باشد، خیلی بهتر می‌شود ولی باید به قضا و قدر در درس پنجم بیشتر بپردازند. صفیه ذاکری (میناب): با همکارم موافقم که بحث قضا و قدر در کتاب، مجمل و برای دانش‌آموزان نامفهوم است. اما در باب توحید، سه درس اول، دوم و سوم اختصاص دارند؛ توحید عملی و نظری. بچه‌های پایه دوازدهم، به ویژه در رشته‌های ریاضی و تجربی با کتاب جدیدی مواجه‌اند؛ هم از نظر محتوا و هم از نظر نوع کلام. زیرا این دانش‌آموزان با مباحث فلسفی و کلامی به این شکل و با این رویکرد مواجه نبوده‌اند.

به این دلیل با آن‌ها مشکل داریم و بخشی از این مشکل به کوتاه و محدود بودن زمان برمی‌گردد که برای تدریس و تفهیم چنین موضوع‌هایی در اختیار داریم. اما

اصل آن به محتوای کتاب در این سه درس مربوط می‌شود. به این نکته اشاره کنم که در کنار سه درس توحید و خداشناسی در کتاب فقط یک صفحه به «توسل» اختصاص دارد؛ آن هم با ارجاع به آیات قرآن کریم.

اما نکتهٔ دیگر: در کتاب قدیم «دو پندار ویرانگر»، یعنی جبر و اختیار مطلق را با هم داشتیم، ولی در کتاب جدید فقط بحث جبر آمده است. چرا اختیار حذف شده است؟ آیا اختیار مطلق و آزادی مطلق پندار ویرانگری نیست؟ نکتهٔ سوم این است که در کتاب موردی که مرا خوش حال کرد، ذکر نمونه‌های به‌روز در درس سوم، یعنی «توحید و سبک زندگی» است. یعنی اگر دربارهٔ افزایش بصیرت دینی بخواهیم صحبت کنیم یا افزایش محبت خداوند، برای مثال از فتنهٔ زمان امیرالمؤمنین علی (ع) می‌گویند و یک نمونه هم از تکفیری‌های زمان حال و امروز دارد که افزودهٔ هوشمندان‌های است. کاش می‌شد ذکر چنین نمونه‌هایی در تمام کتاب تعمیم می‌یافت. روزآمد کردن به‌ویژه در حوزه مهدویت باید انجام بشود.

مورد خیلی خوب دیگر این کتاب، بررسی فلسفهٔ احکام در درس نهم (پایه‌های استوار) است که ارائهٔ آن به جوانان بسیار اهمیت دارد. ولی این درس فلسفهٔ احکام را در حوزهٔ اقتصاد بیان می‌کند که بیانی خیلی گنگ دارد. وقتی بحث اقتصاد مطرح می‌شود، پای بانک به میان می‌آید. بنده به‌عنوان معلم دین و زندگی اعلام می‌کنم که موضوع بانک و سرمایه، دغدغهٔ تمام دانش‌آموزان از پایهٔ دهم تا پایهٔ دوازدهم است، اما پاسخ دقیق و روشنی برای دانش‌آموزان نداریم.

۲۳

**حجت مکی نصیرایی (میناب):** برخلاف نظر همکارم دربارهٔ درس نهم (پایه‌های استوار) که فرمودند این درس فلسفهٔ احکام را گفته، به نظرم چیزی دربارهٔ فلسفهٔ احکام نگفته است. دو بحث دارد: یکی دربارهٔ موسیقی، فقط گفته موسیقی سنتی و کلاسیک و موسیقی غیرسنتی و مدرن حلال است، اما هر نوع موسیقی که بی‌بند و باری و شهوات را تحریک کند و مناسب مجالس لهو و لعب باشد، حرام است.



در بند ۶ درس هشتم (ص ۱۰۵) نوشته‌اند: «شرکت در مجالس شادی، مانند جشن عروسی، جشن‌های مذهبی و ملی جایز است و حتی اگر موجب تقویت صلۀ رحم یا تبلیغ دین شود، مستحب است؛ به شرط آنکه در این مجالس احکام دین مانند پوشش مناسب خانم‌ها رعایت شوند.» مشکل اصلی ما در مجالس، موسیقی است که اسمی از آن نبرده است. اصلاً دربارهٔ موسیقی توضیح خاصی مگر آنچه در بند ۴ آمده، ندارد. باید دربارهٔ آثار روانی، جسمی و روحی موسیقی نکاتی گفته می‌شد. زیر موضوع ورزش همین درس، اشاره‌ای به ورزش بانوان نشده است.

**سهراب کریمی (میناب):** بنده دبیر دین و زندگی ام. سالیان سال است که در دبیرستان و هنرستان تدریس می‌کنم. اگر بنده مؤلف کتاب بودم، کتاب دین و زندگی را شماره‌گذاری (۱، ۲ و ...) نمی‌کردم. دانش‌آموز می‌پرسد، «آقای کریمی آیا خدا هست؟» چرا؟ زیرا ما نتوانسته‌ایم با این همه کتاب دین و زندگی او را دربارهٔ وجود خداوند قانع کنیم. چرا؟ زیرا زیربنای کار ما مشکل دارد.

کتاب پایهٔ دوازدهم موردنظر ما در این جلسه با داشتن «دانش تکمیلی»، «بیشتر بخوانیم»، «بیشتر بدانیم»، «تدبر در آیات» و «تفکر در آیات» خیلی خوب است، اما دانش‌آموزان به ترجمهٔ آیات کتاب خیلی توجه ندارند. آیات را خودم یک بار می‌خوانم و بچه‌ها هم بالاخره چهار نمره را می‌گیرند، ولی آن‌ها نمی‌توانند قرآن را بخوانند. حجم کتاب خیلی زیاد است. علاوه بر این، در رشته‌های ریاضی و تجربی کمبود وقت داریم.

**سیدمهدی موسوی (میناب):** در ابتدای هر درس در یک صفحه آیات قرآن مجید را آورده‌اند (برای پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم). آیات دورهٔ دبستان با رسم‌الخط عثمان طه است، اما در دبیرستان این رسم‌الخط کاملاً عوض شده است. حتی اشکال چاپی وجود دارد. در رسم‌الخط عثمان طه «آ» نیست، زیرا دانش‌آموز آن را با مدّ (~) اشتباه می‌گیرد. یکی از سؤال‌ها این است که: آیا رسم‌الخط کنونی

آیات قرآن در کتاب درسی برای خواندن طراحی شده است یا خیر؟ به نظر بنده زیاد خوب نیست. دانش‌آموزی دارم که حافظ کل قرآن است. دانش‌آموز دیگری دارم که حافظ ۱۵ جزء قرآن است. آشنایی آن‌ها با قرآن، با رسم‌الخط عثمان طه بوده است. وقتی با این رسم‌الخط مواجه شدند، در قرائت مشکل پیدا کردند. بازگشت کتاب درسی به رسم‌الخط عثمان طه خیلی بهتر است، زیرا قرآن‌های خانه‌ها و مساجد با این رسم‌الخط است.

**صفیه ذاکری (میناب):** برای رفع مشکل در قرائت قرآن (که حرف همکاران بود) باید ساعات دینی و قرآن از هم تفکیک شوند.

**حجت مکی نصیرایی (میناب):** اکثر مباحث عقلی-فلسفی که در این کتاب داریم، در کتاب فلسفه آمده‌اند. بنابراین خوب است که جهت کتاب دین و زندگی، بیشتر اخلاقی بشود، زیرا با روال موجود، دانش‌آموز گیج می‌شود.

**عصمت جلالی (میناب):** عنوان درس سوم «توحید و سبک زندگی» است. مقام معظم رهبری به کرات فرموده‌اند: افرادی با سمت‌های مختلف در جامعه موفق می‌شوند که ایمانشان قوی باشد. با توجه به عنوان درس، چقدر توانسته‌ایم توحید را بشناسیم و در مقام عمل بدان پایبند باشیم؟ از نظر اخلاقی نیز دچار ضعفیم که در کتاب باید بدان توجه شود. بنده با نظر همکار محترم آقای نصیرایی موافقم.

در بخش کاربردی، جای دعاها در کتاب خالی است. دانش‌آموزان هیچ شناختی از این همه دعاها پر محتوا و برانگیزاننده‌ای که داریم، ندارند.

درس اول (هستی‌بخش) خیلی فلسفی تبیین شده است، و چنین رویکردی برای دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی و تجربی که با فلسفه چندان آشنایی ندارند، مشکل‌زاست. اگر در آخر درس حداقل فرازهایی از دعاها بیاید، به ویژه آن‌هایی که به اخلاق ارتباط نزدیک دارد، خیلی بهتر خواهد بود.

**حسین رئیسی (میناب):** با توجه به صحبت خواهر و برادر همکارم عرض

می‌کنم، اگر ما رویکرد فلسفی را ضعیف مطرح کنیم، با توجه به شبهه‌هایی که الان مطرح‌اند، به صلاح نیست. زیرا در این وضعیت باید بچه‌ها را از نظر عقلی اقتناع کنیم. می‌دانید که به حوزه توحید هجمه زیاد می‌شود و حمله به دین خیلی بیشتر از تبلیغ دینی است. اگر در صدد تضعیف ابعاد عقلی، فلسفی و کلامی باشیم و فقط به مباحث اخلاقی بسنده کنیم، به نظرم آموزش سطحی می‌شود و در برابر هجمه‌ها آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد. اینکه گفته می‌شود، دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی و تجربی با مباحث فلسفی آشنایی ندارند، مقرون به صحت نیست. به نظر بنده این دانش‌آموزان توانایی بالقوه بیشتری برای درک مباحث فلسفی دارند. حتی پیشنهاد ما این است که به‌ویژه در رشته ریاضی، درس منطق گنجانده شود. زیرا در ریاضی، بیشتر بر جنبه‌های فلسفی و عقلانی تأکید می‌شود. به‌طور کلی نباید در جهت تضعیف رویکرد فلسفی و کلامی دروس حرکت کنیم که به صلاح نیست.

**شمیسا امینی‌پور (جاسک):** به آسیب‌های اجتماعی اشاره شد. این مورد، از مشکلات حاد ما در مدارس هستند. همه مشکلات و آسیب‌هایی که ما داریم، به هیجان‌ات برمی‌گردند. می‌توانیم این هیجان‌ات را طبق آیات قرآن و احادیث کنترل کنیم. چه خوب است که برای کاهش این آسیب‌ها، آیات و احادیث مربوط را هم در کتاب بیاوریم.

**حسین رئیسی (میناب):** در این کتاب جای مباحث روز خالی است. با توجه به شبهه‌هایی که در فضای جامعه مطرح می‌شوند، باید آسیب‌شناسی کرد و پس از آن با تهیه پادزهر لازم و مناسب، جوانان را در مقابل این آسیب‌ها واکسینه کنیم.

**زارعی (میناب):** به‌عنوان جمع‌بندی دو پیشنهاد دارم: اول، عرض کنم درس هفتم دین و زندگی (۳) علوم انسانی را به کتاب علوم تجربی منتقل کنند، تا خلأ اخلاقی آن پر شود. دوم، سیره عملی اهل بیت (ع) را به این کتاب اضافه کنند. اگر این دو نکته رعایت شوند، خیلی خوب می‌شود.

**نسرین سالاری نژاد:** دبیر اهل سنت (سیریک): بنده در منطقه اهل سنت نشین تدریس می‌کنم. ما برای دانش‌آموزان اهل سنت به کتاب ضمیمه نیاز داریم. به ویژه برای درس قضا و قدر من همواره ضمیمه‌ای تدارک می‌دیدم، زیرا در رشته علوم تجربی و فنی و حرفه‌ای، بچه‌ها در این مورد خیلی سؤال دارند و لازم است به صورت دقیق به آن‌ها پاسخ بدهیم.

● در این کتاب «اندیشه و تحقیق» یا «تدبر در قرآن» و «تفکر در متن» داریم که هدف آن‌ها تشویق دانش‌آموزان به اندیشیدن و تفکر درباره همه چیز است. از طرف دیگر، مؤلفان دبیران محترم را به جلب مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تعلیم و تعلم فرا خوانده‌اند. با توجه به تمام جوانب کار شما، آیا می‌توانید این هدف‌ها را محقق کنید؟ به عبارت دیگر، تا چه اندازه در این زمینه کار شما قرین موفقیت است؟

**شمیسا امینی پور (جاسک):** روش من در کلاس استدلالی است و تدبر و تفکر در تفهیم موضوع درس خیلی کمک می‌کند. بنابراین قبل از اینکه خودم درس را تشریح کنم، از دانش‌آموزان می‌خواهم آنچه را از موضوع درس درک کرده‌اند، بیان کنند. اشکال هم ندارد، ناقص یا اشتباه حرف بزنند. البته به‌عنوان معلم، نقش هدایت‌گری‌ام را از یاد نمی‌برم. پس از این مرحله، از ابتدا موضوع درس را با توجه متن کتاب توضیح می‌دهم. بچه‌ها با توجه به آنچه خودشان بیان کرده‌اند، و آنچه در کتاب آمده است، نکاتی را که بنده می‌گویم، خیلی بهتر متوجه می‌شوند. به این ترتیب، هم به بخش اندیشه و تفکر عمل می‌شود و هم مشارکت معنا پیدا می‌کند. اضافه کنم که فرصت کم است، اما با مدیریت زمان و جلب مشارکت بچه‌ها، می‌توان از وقت موجود استفاده بهینه کرد.

**حجت مکی نصیرایی (میناب):** نویسنده کتاب تربیتی «من دیگر ما»، قبل از

آنکه بخواهد دربارهٔ مفهومی توضیح بدهد، داستانونه‌های را نقل می‌کند. نویسندهٔ آن آقای عباسی وادی است. همین شیوه کتاب را جذاب و شیرین کرده است و خواننده می‌خواهد هر چه زودتر آن را بخواند.

با توجه به این شیوهٔ کار، اگر ممکن باشد، خوب است برای هر درسی، خودمان داستان یا داستانونه‌های بنویسیم یا مؤلفان کتاب برای هر موضوع درس، داستانی تدارک ببینند. اگر نمی‌شود این داستان‌ها را در کتاب درسی آورد، آن‌ها را در کتابی به‌صورت کمک آموزشی بگنجانند و در اختیار معلم‌ها قرار دهند. به‌نظر می‌رسد و تجربه هم نشان داده است که انتقال مفاهیم - به‌ویژه مفاهیم پیچیده - از طریق بیان داستانی آسان‌تر و قابل فهم‌تر است و مخاطب را نیز به فکر کردن وادار می‌کند.

**صفیه ذاکری (میناب):** از امتیازهای کتاب همین مواردی است که برخی را شما ذکر کردید. برخی دیگر عبارت‌اند از: پیام آیات، پاسخ سؤالات شما، یا بررسی و خودارزیابی. این بخش‌ها ما را تشویق می‌کنند که دانش‌آموزان را در فرایند کار آموزشی فعال کنیم. اما من نظر مؤلف بزرگوار کتاب را به این نکته جلب می‌کنم که در کتاب پایهٔ یازدهم، به لزوم وجود امام بعد از پیامبر (ص) پرداخته‌اند و اینکه با توجه به گسترش دین اسلام، به وجود امام به دلیل اوضاع و احوال و شبهه‌هایی که مطرح می‌شوند، نیازمندیم. ما در عصر غیبت امام (ع) زندگی می‌کنیم و معلمان دین و زندگی، دارند کار امام را انجام می‌دهند. با این حال و با وجود این همه دغدغه‌ها و دشمنی‌ها علیه دین ما و اینکه انتظار دارند، دانش‌آموزان را در فرایند آموزش مشارکت بدهیم، آیا زمانی که در اختیار ما قرار دارد، کافی است؟

روشن است که هیچ نسبتی بین آن انتظارات و دغدغه‌ها با زمان کلاس و تدریس وجود ندارد. موضوع‌های کتاب خیلی عالی، اما کلی‌اند. من معلم باید کلیات هر درس را جزئی کنم و قبل از آن ذهن دانش‌آموزان را با مقدماتی و به گفتهٔ آقای مکی نصیری با داستانی آماده کنم که کلی وقت می‌طلبد. در درس هشتم سال دوازدهم

داستانی آمده است. من برای بقیهٔ درس‌ها هم باید حداقل یک داستان بیابم و برای دانش‌آموزان نقل کنم تا متوجه موضوع شوند. ولی متأسفانه ساعت و زمان تدریس در خور درس‌ها و حجم کتاب نیست. لذا سهم مشارکت دانش‌آموز نیز کمتر است. یعنی هر چه زمان بیشتر باشد، مشارکت و فعالیت دانش‌آموز بیشتر می‌شود. در حال حاضر، ما حتی فرصت حضور و غیاب نداریم و فوری درس را شروع می‌کنیم.

● این سؤال دربارهٔ شیوهٔ ارزشیابی است که مؤلفان در ابتدای کتاب آورده‌اند: آیا نمره‌گذاری در امتحان، با توجه به نتایج ارزشیابی درس‌ها مناسب است؟ لطفاً نظر خودتان را مستدل بفرمایید.

**حسین رئیسی (میناب):** پیشنهاد من این است که بخشی از ۲۰ نمرهٔ پایانی را به کارهای پژوهشی دانش‌آموزان اختصاص بدهیم تا آنان به صورت مستقل و پس از تعیین موضوع از طرف دبیر، کار تحقیقی را انجام بدهند. در اینجا نمره در حقیقت مشوق به حساب می‌آید. پیشنهاد دیگرم این است که پژوهش‌های برتر دانش‌آموزی در بخش خاصی از مجلهٔ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی چاپ شوند.

**امینه جمشیدی (میناب):** با عنایت به این نکته که در سال دوازدهم به امتحان نهایی می‌رسیم، شیوهٔ ارزشیابی مؤلفان را قبول دارم. زیرا اکثر کارهای تحقیقاتی دانش‌آموزان برگرفته از اینترنت است. بنده تأثیر خاصی را روی دانش‌آموز مشاهده نکرده‌ام.

اما اگر تحقیق و پژوهش در حد توان دانش‌آموز به صورت اصولی و از راهش صورت گرفته باشد، مفید است.

اگر چهار نمره قرائت برای سال دهم و یازدهم بیشتر می‌شد، خیلی بهتر بود. باید کاری کنیم که قرآن از حاشیه خارج شود. الان چون بچه‌ها برای نمره درس می‌خوانند، اصل نیست و در حاشیه قرار می‌گیرد. اگر در کنار دین و زندگی، کتاب

مهارت‌ها را هم داشته باشیم، خیلی خوب خواهد بود.

**حجت مکی نصیرایی (میناب):** ترتیب نمره‌ها در نوبت اول ارزشیابی دین و زندگی ۱۶ و ۴ است، اما در نوبت دوم قرائت را حذف کرده‌اند؛ آن هم زمانی که دانش‌آموز باید به قرائت توجه کند. مثل نوبت اول همان ۱۶ و ۴ باشد.

● **سازمان سنجش** که متولی تمام و کمال برگزاری کنکور است، از وزارت آموزش و پرورش جداست و به منویات آموزش و پرورش کمتر توجه می‌کند. برای نمونه در همین درس دین و زندگی، مؤلفان به وضوح نوشته‌اند که از جاهای مشخص هیچ نوع سؤالی استخراج نشود. اما دبیران و دانش‌آموزان می‌گویند، طراحان سؤال کنکور از همین جاها و حتی از پانوشته‌های کتاب سؤال طرح می‌کنند. با توجه به این شرایط، درباره تأثیر کنکور بر شیوه تدریس دین و زندگی چه نظری دارید؟

**صفیه ذاکری (میناب):** در سؤال‌های کنکور از کلمات ثقیل استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد طراح یا طراحان سؤال می‌خواهند با این کار بار مفهومی سؤال را بالا ببرند. دیدم که «حاط» یا «محیط» را در زمینه پرسش مربوط به توحید نظری به کار برده‌اند. دانش‌آموز می‌ماند که آن‌ها را چه‌طور ترجمه کند تا بعد بتواند گزینه را انتخاب کند. چرا از کلمات متناسب با معلومات دانش‌آموزان استفاده نمی‌کنند؟ مخالف طرح سؤال مفهومی در کنکور نیستیم، ولی پرسش‌ها باید واضح و قابل فهم باشند.

**علی سنگری (کارشناس گروه‌های آموزشی میناب):** سؤال شما درباره کنکور در راستای کار تخصصی بنده است. همه هم می‌دانیم که کنکور چالش فراگیر برای دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌هاست. دوستان می‌گویند ما نمی‌توانیم سؤال‌های تستی کار کنیم. و آقای وزیر آموزش و پرورش هم به‌صورت رسمی در

رسانه ملی اعلام کرد که توان حذف کنکور را ندارد. پس اگر می‌دانیم که کنکور حذف نخواهد شد، وظیفهٔ دبیر، آموزش درس به صورت کنکورمحوری است. چرا؟ چون ضرر آن به دانش‌آموز می‌رسد. اگر آموزش ما غیر کنکورمحوری باشد، شهر ما ضرر می‌کند. همهٔ شهرهای بزرگ بر همین اساس کار آموزش را پی می‌گیرند؛ مگر در شهرهایی مثل شهر ما که می‌گویید، هزینهٔ کلاس کنکور را نداریم. البته حق هم دارند و کسی هم حمایت نمی‌کند.

امسال ما با همکاری مسئول محترم آموزش و پرورش میناب کلاس کنکور برگزار کردیم، ولی نتوانستم هیچ اعانه‌ای برای این کار جذب کنم. جملهٔ نهایی این است که ما دربارهٔ کنکور هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم مگر اینکه خودمان را با وضعیت کنکور وفق بدهیم. اگر غیر از این است، بفرمایید چگونه؟ بنده هم تسلیم می‌شوم. در چنین حالتی کتاب و دبیران محترم کنکور محور هستند.

در رشته‌های فنی و حرفه‌ای، انسانی و ریاضی بچه‌ها قبول می‌شوند و فقط رشتهٔ تجربی می‌ماند. برای نمونه عرض کنم: فرزند من با نمرهٔ کنکور ۳۶۰۰ جایی قبول نمی‌شود، در حالی که نفر اول میناب بود، می‌خواهم بگویم در هر خانه چند نفر دارای دیپلم و غیر دیپلم زندگی می‌کنند. همه هم بی‌کارند. لذا انگیزه‌ای برای کنکور و رفتن به دانشگاه ندارند تا هزینهٔ کلاس کنکور را تأمین کنند.

**صفیه ذاکری:** بنده دارم با جزئیات با دانش‌آموزان کار می‌کنم، ولی احساس کردم، با این روش آموزش که توأم است با گفتن نکته‌های ریز و توضیح دربارهٔ سؤال‌های تستی؛ بچه‌ها نمی‌توانند به سؤال‌های تشریحی در امتحان پاسخ لازم را بدهند. ناچار باید امتحان نهایی را هم مثل کنکور برگزار کنیم.

**عباس زارعی (میناب):** شیوهٔ ارزشیابی کنکور معمولاً تلفیقی است. بنده پیشنهادم این است که تألیف کتاب باید منطبق با این رویکرد باشد. در کتاب‌های



دینی، در پایان کتاب یا در پایان هر درس، بخشی خاص و اضافه برای مطالعه در کادر قرار بگیرد و بگوید این درس ادامهٔ درس قبلی است. در حالی که الان ما معلمان می‌گوییم، این آیه ادامهٔ آیهٔ فلان درس است. برای مثال، در کتاب امسال، آنجا که معیارهای پیغمبر (ص) را آورده، سال گذشته مطلبی دربارهٔ امامت حضرت علی (ع) آمده بود. گاهی یک آیه سه پیام یا در مواردی چهار پیام دارد. آیهٔ «والذین جاهدوا فینا...» هم به سنت‌ها اشاره دارد و هم عوامل رستگاری را گفته است. در کتاب پایهٔ دهم ارجاع بدهند که به امید خدا در فلان درس چنین خواهیم گفت و در همهٔ درس‌های پیوسته این نکات در کادر آورده شوند تا وقتی دانش‌آموز هر درسی را می‌خواند، متوجه این تلفیق بشود.

الان دبیر باید با تجربه و کاملاً متخصص باشد تا بتواند بگوید این نکته و آیه و روایت در کجا ذکر شده است. در یک سؤال کنکور به سه درس ارجاع می‌دهند، در حالی که همیشه همه درس‌ها پیوسته نیستند و متفاوتند. می‌خواهند دانش‌آموز بفهمد که فقط در فیزیک و ریاضی نیست که فرمول‌ها با هم ربط دارند، بلکه ارتباط درس‌ها و مفاهیم در درس دینی هم وجود دارد. متأسفانه برخی از دبیران ما تجربه، اشراف و تخصص لازم را ندارند و نمی‌توانند در جای خود به این پیوستگی‌ها اشاره کنند. آن وقت دانش‌آموز هر درس را مطلب تازه‌ای می‌بیند.

**صفیه ذاکری (میناب):** نکته‌ای که آقای زارعی اشاره کردند، مهم است. من امسال همین کار را کرده‌ام یعنی نکته‌به‌نکته ارتباط‌ها را یادآور می‌شوم. اگر مؤلفان محترم، این ارتباط‌ها را برای درس‌های یک کتاب یا درس‌های کتاب‌های متفاوت را مشخص کنند، کارها برای معلم و دانش‌آموز راحت و کمبود وقت هم تا حدی جبران می‌شود.

**سیدمهدی موسوی (میناب):** در همین زمینهٔ کنکور، صداقت ما دبیران خدشه‌دار شده است زیرا اول سال می‌گوییم: بچه‌های عزیز! از موارد ۱، ۲، ۳ و ... نباید

در کنکور سؤالی طرح کنند. ولی دو سه سال متوالی مشاهده کرده‌ایم، نقض غرض کرده‌اند و از نیایدها سؤال داده‌اند! البته فقط صداقت ما دبیران خدشه‌دار نمی‌شود، در درجهٔ اول صداقت مؤلفان کتاب درسی خدشه‌دار می‌شود، زیرا مؤلفان نوشته‌اند که از چه قسمت‌هایی نباید در هیچ نوع امتحانی سؤال بیاید.

● یکی از هدف‌های ما در این سفرها، معرفی مجلهٔ رشد است. همه درس‌ها رشد دارند. درسی را که شما تقبل کرده‌اید، فصل‌نامه‌ای به نام «رشد آموزش قرآن و معارف دینی» دارد. هدف خانوادهٔ رشد این است که این مجله بتواند به آموزش درس‌های قرآن و معارف کمک کند. اگر جواب برخی از سؤال‌ها و شبهه‌ها را در کتاب و در برخی از سخنرانی‌ها نیافتید، بتوانید در این مجله پیدا کنید. به ما در رسیدن به این هدف از طریق نقد کتاب‌ها و درس‌ها، فرستادن تجربه‌های موفق آموزشی، ارسال سؤال‌های مبتلا به خاص و هر موضوعی که در این چارچوب می‌گنجد، کمک کنید. سرانجام می‌رسیم به این نکته که حرف نگفته اما مهمتان را بفرمایید.

**سهراب کریمی:** بنده دبیر شیعه مذهبیم، ولی هم به مدارسی رفته‌ام که تمام دانش‌آموزان آن سنی مذهب بوده‌اند، و هم در مدارسی تدریس کرده‌ام که دانش‌آموزان سنی و شیعه در کنار هم در یک کلاس نشسته‌اند و نماز را با هم برگزار می‌کنند. شکر خدا هیچ‌گاه مشکلی را مشاهده نکرده‌ام. ضمن اینکه بنده هم پشت سر برادران اهل سنت نماز می‌خوانم. لذا اگر صحبتی می‌کنیم، از باب وظیفه است. بنده هنگام درس دربارهٔ موضوع‌های خاص در این کلاس‌ها، به منابع متفاوت مثل قرآن کریم و صحیح نسائی ارجاع می‌دهم. یعنی موضوع درس را با استناد به منابع مورد قبول بیان می‌کنم و خیلی بی‌طرفانه این کار می‌شود.

**سیدمهدی موسوی (میناب):** بین برخی از آیات منتخب و درس مربوطه

هماهنگی نیست که سبب چالش می‌شود.

**حجت مکی نصیرایی (میناب):** شبهه‌ها هر روز تولید می‌شوند، زیرا عده‌ای فقط برای اینکه چطور شبهه تولید کنند، با هم می‌نشینند و فکر می‌کنند، ولی ما برنامه خاصی برای پاسخ‌گویی به روز شبهه‌ها نداریم. به نظرم خوب است که مؤلفان هر سال مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین شبهه‌های دینی آن سال را در کتاب مطرح کنند و بدان‌ها پاسخ دهند. یا در صورت لزوم آن‌ها را در کتابچه‌هایی جمع کنند و پاسخ بدهند و برای مدارس بفرستند تا دبیران هم در جریان قرار بگیرند و از شبهه‌سازان عقب‌نمانند.

**ابوطالب بلندآبادی (میناب):** به نظرم سؤال‌های کنکور خیلی سخت نیستند، ما باید به دانش‌آموز روش خواندن و یادگیری درس دین و زندگی را بگوییم. در درس دین و زندگی، فهم علت و معلول خیلی مهم است. زیرا فقط در این صورت می‌توان ارتباط بین آیات و متن درس را درک کرد. در کنکور از علت و معلول سؤال می‌آید و دانش‌آموز با خواندن تمام کتاب‌های دین و زندگی (دهم و یازدهم و دوازدهم) بر اساس علت و معلول قادر خواهد بود، ۷۰ تا ۸۰ درصد تست‌ها را درست بزند.

**عصمت جلالی (میناب):** درس اول کتاب سال دوازدهم برگرفته از خطبه‌های آغازین «نهج‌البلاغه» است، ولی اشاره‌ای بدان ندارد. اگر این کار بشود، دانش‌آموز می‌تواند به نهج‌البلاغه مراجعه کند و این رجوع اگر با تحقیق باشد، به وی در فهم درس کمک می‌کند. بخش تدبرها برای تفکر واگرا خیلی مفید است. دانش‌آموزان نظرهای جالبی می‌دهند که سبب می‌شود برای دبیر هم فضاهای جدیدی در آن مورد به وجود بیاید. لذا در ارزشیابی باید دست معلم تا حدی باز باشد تا بتواند این دانش‌آموزان را که تفکر واگرا دارند، تشویق کند. معیارها همیشه نباید متوجه دانش‌آموزان دارای تفکر هم‌گرا باشد.

**خانم جعفری (میناب):** همان‌طور که در متوسطه اول درس‌های دینی و قرآن

جدا هستند، در متوسطه دوم هم برای قرآن تک ساعت بگذارند تا اهمیت قرآن مشخص شود. در ضمن در انتهای هر درس احکام را بیاورند بهتر است تا درس خاصی را به احکام اختصاص دهند.

**زهرا زارعی (میناب):** بنده چند سال در کلاس‌هایی متشکل از دانش‌آموزان شیعه و سنی تدریس کرده‌ام و هیچ مشکلی با این کتاب نداشته‌اند. درباره کنکور عرض کنم، هر درسی را که تدریس می‌کنم، در آغاز جلسه بعد، ابتدا از بچه‌ها امتحان تستی می‌گیرم. بعد اگر لازم شد، امتحان تشریحی برگزار می‌کنم. شکر خدا این روش جواب داده است و در کارم موفق بوده‌ام.

**لیلا صادقی (میناب):** در صفحه ۱۰۱ کتاب دین و زندگی تجربی، در بند آخر به انحراف‌های جوامع قبل از اسلام و در برخی از جوامع امروزی اشاره کرده‌اند. این انحراف «ارتباط جنسی خارج از چارچوب شرع است.» به نظرم حذف آن بهتر است، زیرا در جای دیگری هم به موضوع زنا و لواط اشاره شده است و لزومی به تکرار آن نیست. زیرا تکرار یک موضوع ناموجه خوشایند نیست و نباید ذهن بچه‌ها را با این مسائل درگیر کرد.

**صفیه ذاکری (میناب):** بنده هم با همکارم خانم صادقی موافقم که نباید مسائل قبیح در شرع را تکرار کرد، زیرا سوء تأثیر دارند؛ به‌ویژه که متأسفانه در فضای مجازی به آن‌ها دامن زده می‌شود. متأسفانه در دوره متوسطه دوم، قرآن در حاشیه قرار گرفته است. باید ساعت خاصی به قرآن اختصاص بدهیم. آیا رسالت معلم دین و زندگی فقط این است که دانش‌آموز را برای کنکور آماده کند؟ رسالت معلم دین و زندگی، تربیت عقیدتی دانش‌آموز است. متأسفانه کار ما فقط آموزش شده و تربیت مهجور مانده است. هنگام جنگ تحمیلی، عکس یک شهید، روی همه ما تأثیر مثبت و عمیق می‌گذاشت، ولی متأسفانه الان چیزی برای این کارکرد عمل نداریم، زیرا همواره به آموزش پرداخته‌ایم.

متأسفانه این همه که حرف می‌زنیم، جلسه می‌گذاریم؛ انتقاد می‌کنیم و پیشنهاد می‌دهیم، هیچ تأثیری ندارد. بنده روز اولی که آقای زارعی (سرگروه دین و زندگی در استان هرمزگان) را دیدم، گفتم: آقای زارعی! امروز که به سر کلاس شما آمده‌ام، به علم من اضافه شد. زیرا در همان روز اول، کتاب را نقد می‌کردیم، اما از مواردی که نقد کرده‌ایم، چه چیزهایی حذف و چه چیزهایی اضافه شدند؟! خیلی‌ها حذف شدند، اما متأسفانه مطالب بدتری به جای آن‌ها گذاشته‌اند!

**سهراب کریمی (میناب):** بنده سعی می‌کنم در تمام کلاس‌های دکتر زارعی (سرگروه دین و زندگی استان) شرکت کنم، زیرا بسیار مفیدند. دریافت‌های من از کلاس‌های ایشان بیشتر از دریافت‌های من از کتاب‌هاست.

**ابوطالب نکویی زاده (میناب):** در علوم پایه، درس‌هایی با عنوان شیمی و آزمایشگاه، و فیزیک و آزمایشگاه داریم. در برخی از مدارس هیچ آزمایشی انجام نمی‌دهند، چون امکانات آن را ندارند، ولی ساعت آن را برای درس‌ها، گذاشته‌اند. در حالی که در رشته‌های ریاضی و تجربی، برای روخوانی قرآن یک ساعت خاص قرار داده‌اند. با توجه به اهمیت موضوع باید این کار انجام بشود و برای تدریس متن کتاب نیز ساعت دیگری مقرر کنند. ضمن اینکه متن درس باید با آیات منتخب همان درس متناسب باشد.

نکته مهم این است که اکثر دبیران دین و زندگی درباره درس قضا و قدر با مشکل یا ابهام مواجه‌اند. در وضعیت موجود خوب است، این درس حذف شود.

## مدیریت بحران همین است که ما گرفتار آنیم

به گفتهٔ خواهران دبیر در بجنورد

رضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مه‌دی مروجی

خواهران دبیری که در «نشست نقد کتاب دین و زندگی پایهٔ یازدهم» در بجنورد شرکت کردند، عبارت اند از:

۱. زهره ایزانلو: با ۲۳ سال سابقهٔ تدریس، در دبیرستان‌های نمونه و فرزاتگان خدمت می‌کند.

۲. نساء برزگر: با ۲۳ سال سابقهٔ تدریس، اکنون در دبیرستان‌های کار دانش فعالیت دارد.

۳. نفیسه براتی: با ۲۵ سال سابقهٔ تدریس، ابتدا در دورهٔ ابتدایی تدریس می‌کرد. بعد به دبیرستان منتقل شد و اکنون در دبیرستان و هنرستان سر کلاس می‌رود.

۴. روشنک رضانیان: با ۲۷ سال سابقهٔ تدریس در شهرهای مشهد و قوچان، اکنون در بجنورد در هنرستان و مدارس شبانه‌روزی تدریس دارد.

۵. اکرم نیستانی: تحصیل کرده‌ی جامعه‌الزهرای قم است و با مدرک کارشناسی

الهیات دبیر مدارس است.

۶. عفت بسطامی: سرگروه دین و زندگی در استان خراسان شمالی.

● **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.** مستحضرید که در کتاب دین و زندگی پایه‌ی یازدهم تغییرات گرافیکی و محتوایی به عمل آمده است و هر درس شامل عنوان‌هایی است که برخی از آن‌ها در کتاب قبلی نبوده‌اند؛ مانند «تکمیل کنید»، «بیشتر بدانیم»، «پاسخ به سؤالات شما»، «دانش تکمیلی» و... این عنوان‌ها تا چه حد به خواسته‌های شما جواب گفته‌اند؟ آیا این عنوان‌ها به یادگیری بهتر مطالب توسط دانش‌آموزان کمک می‌کند یا خیر؟ به هر دلیل، چرا؟

**ایز انلو:** بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. تغییرات کتاب جدی‌اند. البته قسمت‌هایی مثل «تکمیل کنید» زیاد به چشم نمی‌آیند، زیرا خیلی کم مطرح شده‌اند. اما «پاسخ به سؤالات شما» را که مطالعه کردم، دیدم مفید است. این قسمت در زمره‌ی ارزشیابی قرار ندارد و متأسفانه بچه‌ها آن را نمی‌خوانند. به دلیل کمی زمان، بنده به‌عنوان دبیر فرصت ندارم مطالب آن را در کلاس مطرح کنم و میان دانش‌آموزان به بحث بگذارم. در حالی که یکی از بخش‌های مهم کتاب همین قسمت، پاسخ به سؤالات شما است. قسمت «تدبیر» کتاب هم خیلی خوب است. قسمت «پیشنهادها» کافی نیست و لازم است بیشتر شود. زیرا هنگام دادن نمره‌ی تشویقی مربوط، معمولاً پرسش‌ها تکرار می‌شوند. اگر پیشنهادها بیشتر بودند، دانش‌آموزان هم می‌توانستند درباره‌ی موضوع‌های بیشتری تحقیق کنند. در حال حاضر معمولاً دانش‌آموزان مطالب مشابهی را به کلاس می‌آورند.

● **فعالیت‌هایی که با علامت مشخص شده و مؤلفان مدعی‌اند که این فعالیت‌ها واگرایند، چطور؟**

**ایزانلو:** این قسمت هم چندان چشمگیر نیست.

**برزگر:** بنده هم با حرف‌های همکارم درباره «تکمیل کنید» موافقم. خوب بود بیشتر می‌شد. «فعالیت‌های واگرا» نیز همین‌طور، در حالی که سال‌های قبل تعداد سؤال‌ها بیشتر بود. به هر حال، به دلیل تأثیر نداشتن در امتحان پایانی، مورد توجه دانش‌آموزان نیست. «بیشتر بدانیم» و «پاسخ به سؤالات شما» خیلی خوب‌اند.

● «خوب» یعنی چه؟

**برزگر:** زیرا به سؤال‌های بچه‌ها و سؤال‌هایی که در ذهن من هم بودند، جواب می‌دهند. «پیشنهادها» در کتاب سال‌های قبل هم بود. این قسمت که نمره تشویقی دارد، دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند به آن توجه داشته باشند. به‌ویژه کسانی که نمره کم گرفته‌اند، می‌خواهند از این طریق جبران کنند. با نظر همکارم خانم ایزانلو موافقم که جواب‌ها مشابه و تکراری می‌شوند. قسمت «دانش تکمیلی» کتاب هم خیلی خوب است.

**نیستانی:** پیرو صحبت همکاران محترم، باید به چند نکته اشاره کنم. یکی درباره «فعالیت‌های واگرا» است.

امیدوارم برداشتم اشتباه نباشد. برای مثال، در صفحه ۱۸۸ کتاب تجربی و صفحه ۲۰۸ همین کتاب نیز آنچه آمده، انواع واگراست، ولی در کتاب، زیر این عنوان نیامده است.

دوم، همکاران محترم درباره «پیشنهادها» اظهار نظر فرمودند. موضوع اجرای نمایش‌نامه در کلاس در این قسمت آمده است که اصلاً در کلاس قابل اجرا نیست؛ چون وقت بسیار کمی داریم. لذا بهتر است این پیشنهاد را حذف کنند.

**رمضانیان:** بچه‌های ما متأسفانه، کتاب‌های غیردرسی را مطالعه نمی‌کنند یا خیلی کم مطالعه می‌کنند. اگر بشود این موضوع را به قسمت «پیشنهاد» اضافه کنند تا دانش‌آموز کتابی را بخواند و برای این کار نمره کلاسی در نظر بگیرند. البته



لازم نیست خلاصه کتاب را بنویسند و به دبیر تحویل بدهند. کفایت می‌کند که خلاصه و عصاره کتاب را برای هم‌کلاسی‌ها گزارش و برداشت و نتیجه‌گیری خود را از محتوای کتاب تشریح کنند. نمره هم فقط برای تشویق است. اما قسمت «بیشتر بدانیم» خیلی قشنگ و جالب است.

● این قشنگ و جالب بودن، چه کمکی به دانش‌آموزان می‌کند؟  
رضانیان: آگاهی و اطلاعات آن‌ها را افزایش می‌دهد.

● برای افزایش سطح آگاهی دانش‌آموزان چه کار می‌کنید؟

رضانیان: متأسفانه در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ این درس را برای تدریس نداشتیم، ولی می‌گفتند بیشتر سؤالات امتحان از «بیشتر بدانیم» می‌آید و نه از محتوای درس.  
براتی: بنده خیلی از «پیشنهاد»‌های کتاب استفاده نمی‌کنم. سعی می‌کنم خودم ابتکار عمل داشته باشم. زیرا فکر می‌کنم، ما دبیران وظیفه داریم با درس و کتاب دینی، روی بچه‌ها اثر بگذاریم. این کار من به نوعی تأیید گفته همکار محترم خانم رضانیان است. البته در جاهایی که تدریس می‌کنم (حاشیة شهر، هنرستان و مدرسه نمونه)، از روش مناسب برای همان جا استفاده می‌کنم. مثلاً در زمینه زندگی شهدا کتابی به آن‌ها می‌دهم که بخوانند و بعد در کلاس کتاب را معرفی کنند. یا کتاب مهم «مفاتیح الحیاة» آیت‌الله جوادی آملی را در دبیرستان نمونه معرفی کردم، تا هر قسمتی را که دوست دارند، بخوانند و در کلاس مطرح کنند. البته نوبت به همه نمی‌رسد. ولی متفق‌القول بودند که از آنچه خوانده‌اند، لذت برده‌اند و به‌ویژه از شکل بیان آیت‌الله جوادی آملی تعریف می‌کردند. می‌گفتند فکر چنین روش بیانی را نمی‌کردند. حداقل نتیجه این است که کتاب مفیدی را در خانه نگه می‌دارند. یادآور شوم که خرید کتاب اجباری نیست.

پیشنهاد دیگرم حفظ سورة خاصی است. ولی از پیشنهادهای کتاب نتوانسته‌ام زیاد استفاده کنم.

● مؤلفان ۱۰ دقیقه اول هر کلاس را به قرائت قرآن با هدف تحقق انس با کلام خداوند اختصاص داده‌اند. آیا با توجه به زمان، می‌توانید به این توصیه عمل کنید؟ اگر نمی‌توانید، علت آن را با دلیل بفرمایید.

**ایزائلو:** به خانم بسطامی (سرگروه دینی اداره کل) عرض کردم که اگر مؤلفان کتاب با توجه به قرآن عثمان طه، آیات را در کتاب درسی بیاورند، من که قلم قرآنی دارم (البته در دو مدرسه‌ای که تدریس می‌کنم، قلم قرآنی دارند)، خیلی راحت و سریع می‌توانم آیات را انتخاب کنم. من این کار را می‌کنم، ولی گاهی به دلیل تنگنای زمان نمی‌توان به این توصیه عمل کرد.

**بسطامی:** آیات کتاب درسی به خط قرآن عثمان طه، ولی با نگارش جدید است؛ به اصطلاح روش کم علامت است. اما پاسخ بنده به سؤال این است که با توجه به زمان کلاس انجام این کار حداقل به صورت مستمر ممکن نیست.

**ایزائلو:** صحبت بنده درباره رسم الخط نیست، درباره ترتیب صفحه‌بندی است. من هم فقط در دو جلسه توانستم این کار را بکنم. زیرا اول سال است و هنوز به بخش‌های کتاب درسی ورود نکرده‌ایم. بعد از شروع درس، این کار ممکن نیست.

این نکته را هم بگویم که اگر قرار است دانش‌آموزان با قرآن انس بگیرند، استفاده از قلم قرآنی هم زیاد به صلاح نیست.

همگان تأیید می‌کنند که با توجه به وقت کلاس، زمانی برای قرائت نمی‌ماند و این توصیه عملیاتی نمی‌شود.

**رمضانیان:** سال ۱۳۷۰ که در مشهد تدریس می‌کردم، ساعت قرآن جدا بود. آن وقت دانش‌آموزان بامیل و رغبت بیشتری، به ویژه در قسمت تفسیر و قرائت، وقت

می گذاشتند. مادر کلاس هم‌خوانی می‌کردیم. حتی دانش‌آموزان ما در مشهد کلاس را اداره می‌کردند و علاقه‌مند بودند که هم‌خوانی کنند.

● آن دوره به «دوره تفکیک» معروف بود که با توجه به آرای معلمان و همکاران محترم، دوره تفکیک به سر آمد و به اصطلاح «دوره تلفیق» تکرار شد. پس طوری نقد کنید که هرگونه تغییر بعدی، سبب انتقاد آیندگان نشود.

**نیستانی:** دلیل فقط کمبود وقت نیست. کم بودن وقت باز می‌گردد به کثرت تنوع و زیادی حجم درس‌ها، لذا وقتی برای قرائت نمی‌ماند. راه‌حل این است که قسمت‌های دیگر را کم کنند تا فرصت برای قرائت قرآن داشته باشیم. بچه‌ها هم به قرائت قرآن علاقه دارند و متقاضی تکرار آیات می‌شوند، ولی وقت نیست.

**براتی:** مشکل ما الان به تفکیک یا صرف تلفیق بازمی‌گردد، بلکه با وجود تلفیق، به زمان تدریس اضافه نشده است. جالب است در رشته تجربی، ساعت دین و زندگی از ۴ ساعت به ۳ ساعت و بعد به ۲ ساعت تقلیل یافته است. گویا دانش‌آموزان رشته تجربی نیازی به دین ندارند.

**نیستانی:** اینکه می‌گویند در دوره ابتدایی و متوسطه اول بچه‌ها باید قرائت قرآن را یاد بگیرند، گرچه درست است، ولی بنده به‌عنوان معلم درس دینی و قرآن نمی‌توانم بی‌خیال باشم و بگویم پس به من مربوط نیست که دانش‌آموز دبیرستانی نمی‌تواند آیات قرآن را از رو بخواند و وظیفه بنده فقط نمره دادن است. نه! نمی‌شود به این روش صورت مسئله را پاک کرد.

● در کتاب بخشی با عنوان «اندیشه و تحقیق» داریم و اینکه خواسته شده است، تفکر و تدبیر بشود. آیا این بخش‌ها با عنایت به مدیریت شما در کلاس، توانسته‌اند عرصه فکری برای دانش‌آموزان باشند و آنان را به اندیشیدن و تفکر

و تدبر ترغیب کنند؟ اگر خیر، چرا؟

**نیستانی:** هر سؤالی که با ما در میان می‌گذارید، ما باز به سر خط کمی زمان تدریس باز می‌گردیم. با وجود اینکه عنوان‌ها عالی و جذاب‌اند، ولی فرصت پرداختن به آن‌ها را نداریم. عجیب اینجاست که پیام آیات را داریم و در کنکور هم از پیام آیات سؤال می‌شود، اما چگونه ممکن است ترجمه آیات نباشد، ولی بر پیام آیات تأکید شود؟! تا پارسال ترجمه آیات را داشتیم، ولی در کتاب جدید، ترجمه آیات را حذف کرده‌اند. وقتی دانش‌آموز نمی‌تواند آیه را به فارسی بفهمد، چگونه می‌تواند چیزی از پیام آیه بداند؟!

● ۱۰ دقیقه قرائت که ممکن نیست. تدبر و تفکر هم با اشکال مواجه است. پس در کلاس چه کاری می‌شود کرد؟

**ایزائلو:** این‌طور نیست که کاملاً کنار گذاشته شوند، بلکه همه نصفه نیمه انجام می‌شوند.

(همگان متفق‌القول می‌گویند: کارها به صورت رضایت‌بخش و مطلوب انجام نمی‌شوند.)

**بسطامی:** البته یادمان باشد که با توجه به روحیات هر معلم، ممکن است بخش یا بخش‌هایی مورد توجه بیشتری قرار بگیرند.

**نیستانی:** نمی‌فهمم چرا ترجمه آیات را حذف کرده‌اند. باید ترجمه همراه هر آیه بیاید.

**براتی:** با توجه به نگرانی همکاران درباره حذف ترجمه آیات و ارتباط آن با تدبر و پیام آیات، عرض کنم که خیلی خوب بود اگر همین آیاتی را که در کتاب دینی داریم، در کتاب درس عربی بیاورند. زیرا همین بچه‌ها هستند که این کتاب‌ها را می‌خوانند. اگر این کار انجام شود، نتیجه بهتری خواهد داشت.

● آیا آیات موجود در کتاب، در دانش‌آموزان رغبت و شوق رجوع به قرآن کریم را در خارج از کلاس و درس به وجود می‌آورند تا آنان روزانه یک یا چند آیه را بخوانند یا قرآن را مرجعی برای یافتن پاسخ به سؤال‌ها به حساب آورند؟

**ایزائلو:** متأسفانه زندگی‌های ما چنان صبغۀ مادی یافته‌اند که بچه‌ها احساس نمی‌کنند باید به قرآن رجوع کنند یا آنان را بخوانند. گاهی می‌گویند بخوانیم که چه بشود؟! شما که قرآن می‌خوانید، چه اتفاقی برایتان افتاده که خوشایند است؟ و منی که نمی‌خوانم، آن اتفاق نمی‌افتد؟ در حقیقت بیشتر جهان‌بینی مادی بر ذهن‌ها سیطره دارد تا جهان‌بینی معنوی. با معنویت بیگانه‌اند. فکر می‌کنند، درس دین و زندگی دوی هیچ دردی نیست، مگر در همان حد ضریب ۳ در کنکور! می‌خواهم بگویم، به این دلیل جواب من منفی است و ایجاد رغبت نمی‌کند.

● یعنی از ۳۰ یا ۴۰ نفر دانش‌آموزان یک کلاس همه این‌طوری‌اند؟

**ایزائلو:** مطلق نیست. به منظور ترغیب دانش‌آموزان برای تقویت قرائت قرآن، نمره تشویقی گذاشتم تا بهتر یاد بگیرند. همین‌طور برایشان شرح می‌دهم، نمونه می‌آورم که قرآن چه تأثیری بر من و افراد دیگر داشته است.

**نیستانی:** واقعیتی که باید پذیرفت، فاصله گرفتن بچه‌ها از کتاب دینی است. این واقعیت را دبیران هم‌کار می‌دانند. شاید برخی بر این واقعیت چشم بسته و بی‌تفاوت‌اند، اما باید بپذیریم که این کتاب برای دانش‌آموزان جاذبه‌ای ندارد.

● چرا برای دانش‌آموزان جاذبه ندارد؟

**رضانیان:** زیرا برخوردهایی را از افراد منسوب به دین در جامعه می‌بینند که نمی‌توانند هضم کنند. در جامعه ما خیلی تناقض وجود دارد؛ از جمله تناقضی که میان مطالب کتاب و رفتارها دیده می‌شود. لذا بچه‌هایی که این کتاب، به‌ویژه سه

درس مربوط به مسائل حکومتی را می‌خوانند، مطلب را با آنچه در جامعه وجود دارد، متفاوت می‌بینند و نمی‌توانند این تفاوت را هضم کنند. به‌ویژه دنیای مجازی نیز نقش خاص خود را دارد. به این‌ها باید معضلات خانواده‌ها را نیز اضافه کرد.

بنده اعتراف می‌کنم که در دورهٔ دانش‌آموزی، عاشق این کتاب و عاشق دبیرش بودم و علت مهم انتخاب این مسیر و رشته نیز دبیرم بود. به عقیدهٔ بنده، جاذبهٔ این کتاب به جاذبهٔ دبیر کلاس برمی‌گردد. اگر دبیر بخواهد با سختگیری‌ها و تعصب‌های خاص در کلاس با دانش‌آموزان مواجه شود، حتی آن علاقهٔ نشستن سر کلاس و شنیدن چند جملهٔ مفید را نیز از دست می‌دهند و به چیزی توجه نمی‌کنند.

این نکته را با توجه به دیده‌ها و شنیده‌ها می‌گویم. حال که دانش‌آموزان در فکر کنکورند و مجبورند که به کنکور فکر کنند، ما هم باید در این جهت از فرصت استفاده کنیم. لذا ما در مدارس کار دانش بیشتر روی اخلاقیات کار می‌کنیم. زیرا در این مدارس گرفتار کنکور نیستند. به نظرم دبیران محترم نباید خیلی به نکات حساسیت‌برانگیز بپردازند. یا روی تعصبات نامربوط انگشت بگذارند. ما دبیران هم باید به ظرایف کار و نوع تعامل با نوجوانان و جوانان خیلی دقت کنیم. در این صورت در کارمان موفق خواهیم بود.

**نیستانی:** بحث «اندیشه و تحقیق» در صفحهٔ ۴۵ خیلی طولانی است. باید حذف

شود.

● تا چه حد آیات و عنوان‌های کتاب، آن را با نیازهای امروز و فردای دانش‌آموزان هماهنگ می‌کند؟

**نیستانی:** به نظرم از درس نهم به بعد این کتاب بیشتر مورد توجه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، زیرا ارتباط و تطبیق بیشتری با نیازهای روز دانش‌آموزان دارد. در این قسمت چالش‌هایی را مطرح می‌کند که سبب به هم خوردن طراحی پیامبر(ص)

می‌شوند. در درس امام زمان (عج) که می‌گوید: جامعه باید آماده شود تا زمینه ظهور حضرت پدید بیاید، به نظر می‌رسد فاصله خاصی بین نیاز دانش‌آموزان با این درس‌ها وجود ندارد. در این درس‌ها، به انواع سؤال‌های دانش‌آموز جواب داده می‌شود؛ به‌ویژه سؤالات همیشگی بچه‌ها درباره «پیوند مقدس». اکثر بچه‌ها به موضوع درک و تفهیم «پیوند مقدس» احساس نیاز می‌کنند. حتی می‌خواهند ابتدا این درس تدریس شود و بعد به درس‌های دیگر بپردازیم.

**رضانیان:** اگر درس «پیوند مقدس» بیشتر هم بشود، مفیدتر است؛ زیرا واقعاً به چنین مطالبی نیاز دارند. به‌ویژه بچه‌هایی که از نظر فرهنگی ضعف دارند، خیلی دنبال این موضوع هستند. برای مثال، وقتی درباره مراسم خواستگاری حرف می‌زدیم و از سؤال‌هایی می‌گفتم که در مراسم مطرح می‌شود، می‌پرسیدند: مگر در مراسم خواستگاری باید سؤال‌های خاصی مطرح کرد؟ خوب نمی‌دانند. بنده در درس‌های مربوط، تمام موارد لازم و سؤال‌ها را بیان می‌کنم و بعد هنگام خواستگار آمدن، طرف مشورتشان قرار می‌گیرم. به‌ویژه که با دانش‌آموزانی سروکار داریم که در مدارس کار دانش‌اند و عموماً از سطح فرهنگی نازل‌تری بهره‌مند هستند و به اطلاعات سالم، مفید و درست نیاز دارند. بنابراین این گروه از بچه‌ها تفاوت‌هایی با دانش‌آموزان مدارس نمونه و تیزهوش دارند.

**ایزائلو:** اما بچه‌های مدارس نمونه و تیزهوشان همین درس‌های «پیوند مقدس» را نقد می‌کنند و می‌گویند: این‌ها وقت ما را می‌گیرند و نباید باشند. الان وقت فکر کردن به ازدواج نیست، وقت یادگرفتن نکات کنکوری است. خانم، به ما نکته‌های کنکوری بگو!

ولی درسی مثل «عزت‌نفس» بیشتر باشد، خیلی خوب است؛ زیرا بنیه و باور بچه‌ها را تقویت می‌کند.

● اگر شما به عنوان نویسنده یا عضو هیئت مؤلفان کتاب باشید، کدام یک از عنوان‌های کتاب را حذف یا چه عنوان‌هایی را اضافه می‌کنید، چرا؟

**رمضانیان:** من در این نکته متحیر مانده‌ام که چرا کتاب‌های تجربی و انسانی را جدا کرده‌اند؟ آیا دانش‌آموزان رشته تجربی نسبت به دانش‌آموزان رشته علوم انسانی نیاز کمتری به دین و اخلاق دارند؟!

● این سؤال شما را خیلی‌های دیگر هم مطرح کرده‌اند. ما به آقای دکتر اعتصامی به عنوان مؤلف این نکته را گفته‌ایم.

**رمضانیان:** حتماً باید به این مورد رسیدگی و آن را اصلاح کنند. اسم کتاب هم باید عوض شود. در زمان ما اسم کتاب «بینش اسلامی» بود. چرا «دین و زندگی» گذاشته‌اند؟ آیا این دین الان در زندگی دانش‌آموزان ما تأثیر دارد؟

● مؤلفان استدلال می‌کنند، تأثیر دارد و باید داشته باشد! اما شما سکوت نکنید حرف خودتان را بزنید. شما هم استدلال بکنید که نه، ندارد!

**رمضانیان:** «درس ولایت» برای دانش‌آموز گنگ و سخت است. این درس را برای پایه دوازدهم می‌گذاشتند، بهتر بود. به علاوه باید آن را روشن‌تر تشریح کنند. از کلام امام علی (ع) در «تهج البلاغه» برای تألیف کتاب استفاده می‌کردند که متأسفانه استفاده‌ای از آن نشده است. علت حذف کلام امام علی (ع) را در کتاب درسی نمی‌دانم، در حالی که برای دانش‌آموزان شیرین، جذاب و گویاست.

**برزگر:** باید به اخلاقیات بیشتر توجه شود، گرچه درس «عزت نفس» را داریم. باید جوانان را با اخلاق بیشتر آشنا کنیم، زیرا وقتی وارد زندگی اجتماعی و جایی مشغول به کار می‌شوند و پست و سمتی می‌گیرند، خیلی به کارشان می‌آید.

**براتی:** درس سیاسی کتاب مثل همین درس «ولایت فقیه»، گنگ است و به نظر



بنده خانم رضانیان درست می‌گویند. بچه‌ها فرق بین مجمع تشخیص مصلحت نظام، دولت و ولایت فقیه را متوجه نمی‌شوند. روش من در کلاس این است که اجازه می‌دهم هر کدام از دانش‌آموزان نظر خود را بگویند. یا روی حرف هم حرف بیاورند. آن وقت وظایف هر یک را تشریح و مرزها را مشخص می‌کنم. لذا در کتاب باید بادقت و وضوح بیشتری جایگاه‌ها، ارتباطها و مرزها را مشخص کنند.

**ایزائلو:** جای احکام در کتاب پایهٔ دهم خالی است. دانش‌آموز هنوز با شکایات نماز آشنایی ندارد. نمی‌داند اگر مشکلی در رکعت سوم و چهارم نماز به‌وجود آمد چه باید بکند.

قبلاً بخش تقلید را داشتیم که خوب بود. زیرا دانش‌آموز با فلسفهٔ این موضوع آشنایی ندارد و می‌پرسد چه نیازی به تقلید داریم. زیرا احساس می‌کند، با آن مقداری که ریاضی و فیزیک را یاد گرفته، عالم به تمام معنی است و به کسی و چیزی از جمله به تقلید در عبادات نیازی ندارد. لذا باید به بخش احکام توجه لازم بشود.

بخش اخلاق در کتاب ضعیف است. چرا بحث‌های توحید و خداشناسی را به سال دوازدهم برده‌اند؟ بهتر است که در همان سال دهم مطرح شوند. ما توحید، نبوت و معاد را به ترتیب داریم، ولی آمدند این ترتیب را به هم زدند و برعکس کردند. بعد از اثبات نبوت و معاد، آخر سر می‌گویند خدا هم هست! البته مؤلفان برای خودشان استدلال دارند که چرا این ترتیب را به هم زده‌اند. می‌گویند به این دلیل که مبحث خداشناسی، مبحثی فلسفی است، باید در کلاس بالاتر بیاید. در حالی که ابتدا باید در من خودشناسی و خداشناسی تقویت شود. اگر خداشناسی در من تقویت شد و خدا را قبول کردم، می‌پذیرم همین خدا برای من برنامهٔ زندگی ریخته است.

**براتی:** مقاله‌ای که خدمت شما داده‌ام، با عنوان «ساده‌ترین روش ایمان‌سازی در مخاطب» که منظور از «ایمان‌سازی» همان «ایمان به مبدأ» است و در آن از ادبیات قرآنی بهره گرفته‌ام. این روش را در میان دانش‌آموزان خودم امتحان کردم، زیرا

در سال اول که الان می‌شود کلاس دهم، بچه‌ها با اصل وجود خداوند مشکل پیدا می‌کنند و خیلی درباره‌ی خدا می‌پرسند. قبلاً من سعی می‌کردم، از طریق تشریح نظام علیت پاسخ بدهم، ولی نتیجه‌ی لازم را نمی‌گرفتم. با روشی که در این مقاله آورده‌ام، به نتیجه‌ی خیلی خوبی رسیدم و به خوبی به پرسش‌ها جواب می‌دهم.

روش من این‌طور است که اجازه می‌دهم هر سؤالی دارند بپرسند، ولی به برخی از پرسش‌ها فوری جواب نمی‌دهم. می‌گویم با توجه به سؤال مهم و عمیق شما، اجازه بدهید سر فرصت پاسخ بدهم؛ زیرا باید درباره‌ی آن فکر کنم. در ادامه هم از ادبیات قرآنی استفاده می‌کنم و به خوبی از آن نتیجه می‌گیرم. بچه‌ها همه راضی‌اند. به این دلیل، دانش‌آموزان نیز روش بیان خود را تغییر می‌دهند و با همین زبان صحبت می‌کنند. اما این ادبیات چیست؟

خیلی ساده است، یعنی استفاده از همان روشی است که خداوند در قرآن دارد با انسان‌ها صحبت می‌کند. خدا نمی‌فرماید: برف بارید، باران بارید و گیاه روید. می‌گوید: گیاه را رویاندم، برف را باراندم، ابرها را به حرکت درآوردم و زنده کردم. یعنی به قول آیت‌الله مصباح یزدی، قرآن کریم اصرار عجیبی دارد که همه چیز را منوط به مشیت الهی جلوه دهد. خب، ما چرا سعی نمی‌کنیم از این ادبیات استفاده کنیم؟ لذا بنده مجاب شدم که با همین ادبیات در کلاس با دانش‌آموزان صحبت کنم و واقعاً هم نتیجه گرفته‌ام.

برای مثال، درباره‌ی سلول نمی‌گویم که سلول از چه ساخته شده است. یا درباره‌ی آب نمی‌گویم: یک مولکول آب، از دو مولکول هیدروژن و یک مولکول اکسیژن ساخته شده است، بلکه می‌گویم: خداوند دو مولکول هیدروژن را در کنار یک مولکول اکسیژن قرار داده و آن را به یک مولکول آب تبدیل کرده است. یا مثلاً پرتقالی سر کلاس می‌برم و نشان می‌دهم و می‌گویم خداوند داخل پرتقال ویتامین ث قرار داده است. نمی‌گویم: پرتقال ویتامین ث دارد. در حقیقت فاعل حقیقی امور را همواره

لحاظ می‌کنم و آخر سال می‌بینم که دیگر بچه‌ها سؤالی دربارهٔ وجود خداوند ندارند. می‌خواهم بگویم، اینکه تعمیق ایمان فقط به درس دینی ربط دارد، چنین نیست، بلکه مربوط به تمام درس‌ها مثل شیمی، فیزیک و بقیه درس‌هاست و به درس دینی هم ربط دارد. خوب است ابتدا تعمیق ایمان به این روش صورت بگیرد بعد مباحث فلسفی در سال آخر تشریح شوند.

**ایزائلو:** کتاب دین و زندگی جهان‌بینی ضعیفی دارد، لذا دانش‌آموز با جهان‌بینی در حد لازم آشنا نمی‌شود. ایدئولوژی (عقیده) هست و دربارهٔ تدبر صحبت می‌کنیم که چقدر خوب است، تدبر و تفکر کنند یا دنبال تحقیق بروند، اما متأسفانه به دلیل ضعف در تشریح جهان‌بینی دینی و معنوی در کتاب، دانش‌آموزان مادی‌گرا می‌شوند. می‌گویند دنیا محل مسابقه است و همهٔ ما سعی می‌کنیم دنبال رفاه و آسایش بیشتر برویم. لذا حتی بین همکاران ما هم دربارهٔ معنویت صحبت نمی‌شود.

● اکنون می‌رسیم به شیوهٔ ارزشیابی مطرح در مقدمهٔ کتاب. می‌خواهیم بدانیم این شیوه مناسب است یا نیست. آیا این شیوه را می‌پسندید؟ اگر نمی‌پسندید، راهکار خودتان را بیان کنید.

**ایزائلو:** باز باید به کمبود وقت اشاره کنیم. دانش‌آموزان فقط ۱۰ تا ۱۲ نفر نیستند تا بشود در دو سه جلسه از همه پرسیم. قرائت آیه را نمی‌شود از همگان پرسید و بعد طبق آنچه گفته‌اند نمره بدهم. این شیوه ارزشیابی با توجه به وقت و تعداد دانش‌آموزان، جز به جزء قابل اجرا نیست.

**برزگر:** بنده هم با خانم ایزائلو هم‌نظرم. این شیوهٔ ارزشیابی را نمی‌شود اجرا کرد. به نظرم خوب است برای کار گروهی مثل اندیشه و تحقیق، نمرهٔ جداگانه‌ای در نظر بگیرند. زیرا در طول سال شاید فقط یکی یا دو بار بتوان از همهٔ دانش‌آموزان پرسید. وقت کافی نداریم. به نظرم خوب است قرائت نمرهٔ جدا و موارد دیگر نمرهٔ جدا داشته باشند.

**براتی:** بنده هم نتوانسته‌ام این روش نمره‌دهی را پیاده کنم. لذا امتحان پایانی می‌گیرم تا بچه‌ها نمره داشته باشند.

**رمضانیان:** ببخشید، اگر دبیران ما دنبال حاشیه نروند، وقت آنچنان که می‌گویند، کم نیست.

من عاشق همکاران خودم هستم. من با بچه‌های مدرسه صحبت می‌کنم. از صحبت‌ها متوجه می‌شوم، همکاران خیلی حاشیه‌روی دارند. به چیزهایی می‌پردازند که اصلاً لازم نیست و ضرورت ندارد که در کلاس گفته شود. باید لب مطلب را روشن بیان کنند.

● یعنی می‌فرمایید باید مدیریت زمان داشته باشیم.

**رمضانیان:** احسنت! مدیریت زمان اصل است. البته اضافه کنم که زمان کلاس نسبت به قبل کمتر است و بدان معترف و واقفم، ولی حال که زمان کم است و از کمی زمان اطلاع داریم، باید این زمان کم را مدیریت کنیم. مدیریت بحران همین است که ما گرفتار آنیم؛ «بحران کمی وقت»! خوب باید مدیریت کنیم.

● درست است. اگر ما در کلاس ضعیف باشیم، بچه‌ها ما را به طرف دلخواه خود می‌کشند. بنده به‌عنوان دبیر همکار شما این حرف را می‌زنم. البته کار راحتی نیست، زیرا معلمان از یک سطح اطلاعات عمومی و دینی برخوردار نیستند. مشکلات خاص خود را هم دارند. بچه‌ها هم رندی‌های خاص خود را دارند. بنابراین مدیریت زمان برای همکارانی راحت‌تر است که از اشراف کافی نسبت به موضوع و محتوای کتاب و همین‌طور مسائل و وقایع پیرامونی و دغدغه‌های ذهنی دانش‌آموزان برخوردار باشند. سرکار خانم رمضانیان! ما دربارهٔ مدیریت زمان حق را به شما می‌دهیم، ولی باید هم‌صدا با همکاران دیگر گفت: کار راحتی نیست و

سخت است.

**براتی:** درس را می‌دهم، ولی ارزشیابی از بچه‌ها فقط با مدیریت زمان میسر است. یعنی هر کس به شیوه خودش این کار را می‌کند.

● درست است، کار سختی است، به‌ویژه بچه‌ها تمام مسائل و ذهنیات خود را در کلاس دینی مطرح می‌کنند. در کلاس مثلاً فیزیک این کار را نمی‌کنند. البته گرچه تنگنای وقت ایجاد می‌کنند، ولی فرصتی هم برای معلم دینی به‌وجود می‌آورند که با آنان ارتباط برقرار کند و همدل و همراز آنان بشود. در حقیقت معلم دینی را به جای همه مدیران و مسئولان اجرایی کشور قرار می‌دهند تا به پرسش‌های آنان پاسخ بدهند!

**ایز انلو:** ما معلمان دینی از نظر بچه‌ها نماینده همه نهادهای کشوریم! **بسطامی:** به نظر من یک دلیلش این است که مؤلفان به کتاب دینی ما در مقایسه با کتاب‌های درسی دیگر، صبغه سیاسی داده‌اند؛ در حالی که نباید این‌طور باشد. این هم یک درس مثل درس‌های دیگر است. ما اوایل انقلاب، درس دینی داشتیم که اصلاً این حرف‌ها در آن نبود. بچه‌ها معلم دینی را دوست داشتند و به کتاب دینی هم به‌عنوان یک درسی، مثل دیگر درس‌ها نگاه می‌کردند. اما اکنون چنین نگرشی وجود دارد و به این درس لطمه می‌زند. متأسفانه تا حدی به نوع نگاه موجود در مدارس هم مربوط می‌شود. زیرا تمام کاسه کوزه‌های برنامه‌ها را روی درس دین و زندگی می‌شکنند و مدیران، برنامه‌های جانبی خویش را براساس اسقاط این درس تنظیم می‌کنند.

● درباره تأثیر کنکور و روش سؤال‌های کنکور از این درس هر نظری دارید، بفرمایید.

**ایز انلو:** قبلاً در ابتدای کتاب نوشته بودند که حفظ آیات الزامی نیست. اما

سؤال‌های کنکور می‌گوید که دانش‌آموز باید آیات را حفظ کند. به این صورت که آخر آیه را می‌آورد و اول آیه را باید بنویسند یا به‌عکس. اگر مبنای سؤالات کنکور مفهومی باشد و از حالت حفظ آیه خارج شود، بهتر است. از ۲۵ سؤال کنکور، ۱۷ سؤال مربوط به آیات است. دانش‌آموزان مجبورند آیات را حفظ کنند. خوب است تعداد سؤال از آیات را کمتر بکنند.

**براتی:** من سعی می‌کنم آیات را کلیدواژه‌ای بکنم و حتی اگر لازم باشد، معنی را هم می‌گویم. لذا اگر سؤالات مفهومی باشند، کلیدواژه‌ها کار را راحت می‌کنند.

**رمضانیان:** سؤالات دینی کنکور خیلی سخت است. قوی‌ترین دانش‌آموزان درس دینی هم در پاسخ به آن‌ها در می‌مانند. شاید برخی از دبیران هم نتوانند به آن‌ها پاسخ بدهند. نمی‌دانم چرا طراحان سؤال کنکور دوست دارند دانش‌آموزان را بیچانند. بهترین سؤال‌های کنکور درس دینی را سؤال‌هایی می‌دانم که آیه را آورده و بعد شعرهایی را قرار داده و توانسته‌اند که بگویند آیه با کدام شعر تطبیق می‌کند. این نوع سؤال‌ها خیلی قشنگ‌اند. زیرا بین آیات قرآنی با ادبیات ارتباط برقرار می‌کنند. این کار خوب است. بنده به‌عنوان دبیر احساس می‌کنم، دانش‌آموزان هم از چنین سؤال‌هایی راضی‌اند.

**ایزائلو:** گاهی هم در سؤالات از لغات سخت استفاده می‌کنند که دانش‌آموز باید فرهنگ لغت به همراه ببرد و پس از دیدن معنای لغات، برود ببیند می‌تواند به سؤال جواب بدهد یا خیر! این کار درستی نیست. به‌عنوان نمونه بگویم، یک بار همکاری سؤال‌های دینی کنکور را آورده بود و یکی از دبیران باتجربه و دبیر دیگری نشستند به سؤال‌ها پاسخ بدهند. اما نتوانستند به برخی از سؤال‌ها پاسخ قطعی بدهند، زیرا مشابهت خیلی زیاد است و این یعنی پیچاندن دانش‌آموزان که کار درستی نیست.

● دربارهٔ جاذبه‌های بصری و گرافیک کتاب از طراحی جلد، رنگ‌ها، اندازهٔ حروف،

فاصلهٔ سطور، جدول‌ها، نقاشی‌ها و... هر نظری دارید بفرمایید. به‌ویژه دختران باید دقت بیشتر به این موارد و زیبایی‌شناسی و کار هنری داشته باشند، به همین دلیل هم رتبه‌های اول و بالای کنکورها را هر سال دختران کسب می‌کنند.

**بسطامی:** کارهای گرافیکی در این کتاب نسبت به کتاب‌های قبلی کمتر شده است. باید کتاب را زیباتر و آراسته‌تر کنند. البته قسمت «بیشتر بدانیم»ها را آبی یا قسمت‌های دیگر را سبز کرده‌اند که این کار هم با هدف تفکیک صورت گرفته است. اگر از نقاشی یا طرح و عکس هم استفاده می‌کردند، به کتاب جلوه می‌بخشیدند.

**برزگر:** اسم‌های جلالهٔ خداوند در آیات قرآنی با رنگ مشخص بیایند.  
**ایزائلو:** نگذاشتن برخی از علائم روی حروف آیات، دانش‌آموزان را با مشکل قرائت مواجه می‌کند.

**بسطامی:** ابتدای تمام درس‌ها را نقطه‌چین کرده‌اند، نمی‌دانم چرا؟ حامل هیچ معنی و مفهومی نیست.

**ایزائلو:** اگر در ابتدای هر درس یک بیت شعر متناسب با موضوع درس بیآورند، نظرها بچه‌ها را به خود جلب می‌کند.

● دربارهٔ نگارش نظری ندارید؟ جایی هست که ابهام یا نارسایی وجود داشته باشد؟

**بسطامی:** این سال‌ها با توجه به بازنگری‌ها، خیلی از مشکلات نگارشی رفع شده‌اند. اما در کتاب رشتهٔ علوم انسانی، در صفحهٔ ۱۳۹ درس دوازدهم آمده است: «حضرت مهدی (عج) دوازدهمین امام ما در سپیده...». یکی از دانش‌آموزان اهل سنت بنده آمد و به من گفت: چرا نوشته‌اند «امام ما» و آن را منحصر به شیعه کرده‌اند؟ مگر امام ما مسلمان‌ها و اهل سنت هم نیست؟ این دانش‌آموز می‌گفت: من حضرت مهدی را دوست دارم. خب این‌ها ظرایف کار است که باید دقت شود. البته

این مورد را به دفتر تألیف گفتم که یک واژه «ما» موجب چنین ابهامی می‌شود. کافی است باشد: «دوازدهمین امام». از طرف دیگر، کتاب تجربی ۱۸۴ صفحه دارد و کتاب انسانی ۲۱۶ صفحه.

● **خب! این از موارد هر چه دل تنگت می‌خواهد بگوست.**

**بسطامی:** اختلاف فقط ۳۲ صفحه است، ولی ساعت کلاس تجربی دو ساعت و برای انسانی چهار ساعت است. کار درستی نیست.  
(همه متفق‌القول می‌گویند باید کتاب‌های تجربی و انسانی را یکی کنند.)

● **متشکریم و موفق باشید.**



## دختران در باب حجاب خیلی سؤال دارند گفت‌و‌گو با دبیران دینی و قرآن استان کردستان

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مهدی مروجی

### اشاره

در خانهٔ معلم شهر سنندج - مرکز استان کردستان - در جمع پنج تن از دبیران «دین و زندگی» پایهٔ دهم (متوسطهٔ دوم) حاضر شدیم و ضمن طرح پرسش‌هایی دربارهٔ ظاهر و باطن کتاب، سخنان همکاران را شنیدیم، ثبت و تدوین کردیم و اکنون به مخاطبان فصل‌نامهٔ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی تقدیم می‌کنیم.

۵۶

### آشنایی با دبیران:

الف) مریم محمدی: با ۲۲ سال سابقه، ضمن کار و تجربهٔ اجرایی در آموزش و پرورش، در تمام پایه‌های تحصیلی مدارس تدریس کرده است.  
ب) بشری مبارکی: با ۲۸ سال سابقه در آموزش و پرورش و ۱۲ سال کار اجرایی،

۱۶ سال تدریس کرده است: او می‌گوید: «از این کار بسیار راضی‌ام و از تدریس معارف دینی لذت می‌برم.»

(ج) **لیلا حسینی:** با ۱۸ سال سابقه، با مدرک زبان و ادبیات عرب، چند سالی است در کنار عربی، دینی هم تدریس می‌کند. می‌گوید: «تدریس زبان عربی، به دلیل داشتن قواعد مشخص، این زبان خیلی آسان است، اما تدریس دینی با موضوع تربیتی و ظرافت‌هایی که دارد، خیلی سخت است.»

(د) **روناک حسینی:** مدرک کارشناسی ادبیات فارسی دارد؛ با پنج سال سابقه در تدریس دینی. او یادآور می‌شود: «در کلاس دینی و معارف خیلی راحت‌ترم. بین من و دانش‌آموزان جوی صمیمی برقرار است. آنان دوست دارند با من در کلاس دینی باشند. اجازه نمی‌دهند زنگ درس دینی را به درس دیگری بدهند.»

(ه) **بهی محمدی:** با ۲۳ سابقه در تمام دوره‌های تحصیلی تدریس کرده است. ۱۲ سال سابقه حضور در دبیرستان تیزهوشان دارد و از ۱۰ سال پیش هم سرگروه دین و زندگی در استان کردستان است.

### **خواسته به حق دبیران مدارس سنندج در گفت‌وگو با مجله رشد: سازمان سنجش باید به کتاب ضمیمه دین و زندگی در کنکور توجه کند**

۵۷

– اگر هر یک از شما مؤلف کتاب درسی کلاس دهم بودید کدام درس‌ها را حذف می‌کردید، چرا؟ چه موضوعی را به جای آن طرح می‌کردید، چرا؟

**مبارکی:** کلاس دهم دوره آغازین جدیدی برای متوسطه دوم است. به‌نظرم بهتر است از بحث خداشناسی و خداگرایی، تقویت ایمان، القای مهر الهی به دانش‌آموزان، از زیبایی‌های طبیعت و ارتباط آن با حکمت الهی شروع شود، ولی بحث معاد را وسط

کتاب آورده‌اند که به‌نظر بنده کار درستی نیست. وقتی به بحث معاد می‌رسیم، در بچه‌ها دلهره و ترس ایجاد می‌شود، آن هم فقط در کلاس. ولی بیرون که می‌روند، همه‌چیز را از یاد می‌برند. پیشنهاد بنده این است که موضوع معاد را به انتهای کتاب ببرند. پیشنهاد بنده به این دلیل است که در طول سال، پایه‌ایمانی - ان‌شاءالله - تقویت شود و رابطه با خدا افزایش یابد.

آن‌وقت به بحث معاد برسند. پیشنهاد تکمیلی‌ام این است؛ بجاست که درس معاد را برای پایه‌ی بعدی (پایه‌ی یازدهم) بگذارند. این کار ما را به هدف نزدیک‌تر می‌کند و آمادگی بچه‌ها هم بیشتر می‌شود.

خوب است به بچه‌هایی که از دوره‌های پایین‌تر به دوره‌های بالاتر می‌آیند، ابتدا شادی داده شود تا روحیه بگیرند و دین برایشان زیبا جلوه کند.

موضوع و محتوای کتاب تا حدودی هدف‌های تعیین شده را برآورده می‌کند، ولی در بحث اخلاق چنین نیست، زیرا اخلاق به بحث مستوفایی نیاز دارد. اگر پایه‌ی اخلاقی بچه‌ها تقویت شود، مبانی توحیدی و ایمانی را می‌پذیرند.

**مریم محمدی:** کتاب پایه‌ی دهم پختگی لازم را ندارد. همان کتاب پایه‌ی دوم سال‌های پیش است که آن را به این شکل تدوین کرده‌اند. هنوز موضوع‌ها و مباحث این کتاب ارتباط لازم را با هم ندارند و در آن توالی و نظم برقرار نیست. پس از بحث معاد، اخلاق آمده و پس از آن مباحث اقتصادی را آورده‌اند که همه جسته و گریخته‌اند، یعنی از هر بحثی چیزی را مطرح کرده‌اند و در نهایت، معلم و دانش‌آموز به نتیجه‌ی مشخص نمی‌رسند و نمی‌دانیم غرض مؤلفان از این موضوع‌ها و بحث‌ها چیست؟

نظر همکار محترم خانم مبارکی را هم قبول دارم که بچه‌ها باید از زیبایی‌هایی که خداوند در جهان پدیدآورده است، به‌عنوان زیبایی دین یاد کنند. لازم نیست برای پایه‌ی دهم، فوری به معاد بپردازیم که بخش عظیمی از آن به سؤال و جواب و بهشت

و جهنم مربوط می‌شود که سبب ترس دانش‌آموز می‌شود.

این مبحث را در دوره قبل، در کتاب سال دوم داشتیم و در سال اول بحث معاد مطرح نبود.

**بہی محمدی:** ضمن تقدیر و تشکر از مؤلفان محترم کتاب که مباحث خوبی را در کتاب پایه دهم آورده‌اند، باید عنایت داشت کتاب درسی برای نوجوان‌ها و جوان‌ها در دوره متوسطه دوم آماده شده، ولی این نسبت ظاهری کفایت نمی‌کند. نکته مهم این است که متن درس و محتوای کتاب بتواند ارتباط نوجوان‌ها و جوان‌ها را با خود برقرار کند. کار خوب نظرخواهی و اعتبارسنجی که آقای دکتر اعتصامی و آقای دکتر شکرانی در این زمینه انجام دادند، سبب شد تغییرات عمده‌ای در کتاب سال تحصیلی ۹۶ به‌وجود آید. این نظرخواهی و اعتبارسنجی از طریق سامانه اینترنتی انجام شد. ولی به این دلیل که اولین بار بود چنین کاری صورت گرفت، با استقبال زیاد همکاران مواجه نشد. ولی نمایندگان هر استان، در سامانه به تحلیل محتوای کتاب پرداختند. بنده کتاب زیر چاپ را در سامانه دیده‌ام، تا حدی محتوای آن بهبود یافته است. ولی تألیف فعل بشری است. فعل بشری قطعاً بدون نقص نیست. لذا اگر در زمینه آداب معاشرت، روابط اجتماعی و به‌ویژه در کتاب‌های پایه‌های سوم و چهارم متوسطه دوم موضوع‌های ازدواج، توکل، قناعت و صداقت بیابند، خیلی مفیدتر است. زیرا با تقویت این موضوع‌هاست که زندگی خانوادگی دوام می‌یابد.

پس هنوز باید محتوای کتاب‌ها تغییر کنند. حجم کتاب پایه دهم نیز زیاد است و سبب خستگی دانش‌آموزان می‌شود. متأسفانه در پایه یازدهم رشته تجربی همین مشکل را سال آینده تحصیلی خواهیم داشت. لذا از اکنون باید از همکاران بخواهند دروس پایه دهم را تحلیل کنند. زیرا آقایان دکتر اعتصامی و دکتر شکرانی خیلی بر اطلاع از آرای همکاران معلم تأکید دارند و آن را مهم می‌دانند. براساس همین آرا می‌توان محتوا و موضوع را تغییر داد یا ترمیم کرد.

در کتاب سال پیش‌رو، نام همکاران معلمی که محتوای کتاب را تحلیل کرده‌اند، در آخر کتاب آمده است.

**لیلا حسینی:** در حین تدریس همکاران متوجه شدیم، کتاب پایه دهم انسجام کافی ندارد. کتاب موضوع‌های ارزشمندی دارد، ولی اگر آن را از بحث توحیدی، مثلاً از ذات و صفات خداوند شروع می‌کردند، خیلی خوب بود. زیرا دانش‌آموزانی داریم که هنوز در باورهای اولیه و اصولی که پایه‌های ایمانی را تقویت می‌کنند، مردد مانده‌اند. دانش‌آموزان انتظار دارند حال که از دوره اول متوسطه به دوره دوم آمده‌اند، به آنان تفهیم شود که برخی از صفات خداوند با برخی دیگر از صفات حضرت حق تناقض ندارد.

زیرا در جهان واقع، این نوع صفات متناقض به حساب می‌آیند. یعنی ما هنوز در اصول توحید و خداشناسی مانده بودیم که یک‌دفعه در پایه دوم وارد بحث معاد شدیم؛ که یکسره «بازخواست» است و این وضعیت می‌تواند از بچه‌ها «دین‌زدایی» کند. مثال روشن بزنم؛ من معلم که هنوز درسی نداده‌ام، ناگهان به بچه‌ها بگویم آماده امتحان شوید، که این رفتار برای نوجوان و جوان خوشایند جلوه نمی‌کند و آن‌ها را دچار اضطراب می‌کند.

– پس می‌فرمایید ابتدا باید بحث خداشناسی کامل شود، بعد موضوع معاد را مطرح کنیم. در مقدمه کتاب پایه دهم مؤلفان نوشته‌اند هدف اصلی موضوع معاد است. **روناک حسینی:** اشکال همین نکته است که در پایه دهم نباید معاد را مطرح کرد. **مبارکی:** برای شروع کار لازم نیست و ما را به هدف نمی‌رساند.

– نگفتید چه موضوع و درسی را می‌خواهید حذف کنید یا جای آن را در پایه دهم تغییر دهید تا در پایه دیگر بیاید؟

**بهی محمدی:** به‌نظر نمی‌رسد در کتاب موضوع‌های قابل حذف داشته باشیم، اما برخی از قسمت‌ها، به‌دلیل زیاد بودن حجم درس‌ها، باید کوتاه یا خلاصه شود. اگر هم نمی‌خواهند این کار بکنند، مثلاً برای علوم تجربی، ساعات تدریس را بیشتر کنند. اکنون آنچه معلم و دبیر می‌خواهند در کلاس ارائه کنند، با ساعات مقرر کنونی تناسب ندارد.

اگر ساعت تدریس بیشتر باشد، آوردن برخی موضوع‌ها مثل مسائل فقهی و پاسخ به پرسش‌های فقهی لازم است که اکنون در کتاب‌های درسی آن را نداریم. البته در پایه یازدهم و در ویرایش جدید کتاب پایه دهم، بخشی طراحی شده که سؤال و جواب آن را در بردارد. به‌نظر این بخش برای همکاران دبیر و نیز دانش‌آموزان جذاب خواهد بود. این قسمت اگر در پایه دوازدهم هم بیاید، بسیار خوب خواهد بود؛ به‌ویژه که سبب اضطراب در دانش‌آموزان نمی‌شود، زیرا در کنکور از این بخش سؤال نمی‌آید و فقط برای ارزشیابی و زیاد شدن اطلاعات خودشان است.

**– آیا حجم کتاب درسی پایه دهم با زمان تدریس مقرر تناسبی دارد؟**

**روناک حسینی:** خیر، متناسب نیست. زمان تدریس، به‌ویژه در رشته‌های تجربی و ریاضی که دو ساعت (و در علوم انسانی سه ساعت) است، تناسبی ندارد و وقت کم داریم. زیرا باید آیات را قرائت کرد که این قسمت طولانی است و در ضمن بچه‌ها هم باید آیات را بخوانند. بعد هم باید برسیم به تدریس که امکان ندارد.

**مبارکی:** از نظر ظاهری حجم کتاب کم است، ولی محتوای آن بسیار گسترده است. در زمان بندی برای تدریس کتاب پایه دهم، ۱۰ دقیقه را به روخوانی آیات قرآن اختصاص داده‌اند، در حالی که بنده به‌عنوان معلم، اول باید نیم‌ساعت بخوانم و تجوید را توضیح بدهم، بعد برسم به درس. امکان دارد هنگام تدریس دانش‌آموز یک نکته را مطرح کند که لازم است برای آن وقت گذاشت تا قابل فهم شود. سال‌های گذشته

زمان تدریس چهار ساعت بود. معلوم است که بهتر بود. الان نصف آن زمان را داریم که معلم نمی‌داند با این دو ساعت در رشته‌های تجربی و ریاضی چه کار کند! لذا دانش‌آموز هم نمی‌تواند به هدفی که کتاب تعقیب می‌کند، برسد.

**لیلا حسینی:** همان‌طور که خانم مبارکی فرمودند، حجم کتاب ظاهراً کم است، ولی بحث‌برانگیز است و ایجاد چالش می‌کند. دو ساعت برای تدریس واقعاً کم است.

– کدام یک از موضوع‌های کتاب خیلی چالش‌برانگیز است؟ و بچه‌ها از کدام

درس‌ها استقبال می‌کنند و فکر می‌کنند در زندگی‌شان قابل لمس است؟

**روناک حسینی:** فکر می‌کنم بحث حجاب (دو درس آخر) خیلی بحث برمی‌انگیزد. دخترها خیلی می‌پرسند که باید توضیح بدهیم و قوانین حجاب را بیان کنیم. گاهی هم بین بچه‌ها در این زمینه بحث درمی‌گیرد.

– به نظر شما در کتاب این موضوع به خوبی تشریح و تدوین شده است؟

**روناک حسینی:** کتاب کلیات را بیان می‌کند. نظر ادیان را درباره حجاب گفته است و معلم باید آن‌ها را باز کند. لذا زمان بر است، به‌ویژه که چالش خیز هم هست. موضوع جذاب برای بچه‌ها، وقایع معاد است که مرحله به مرحله اتفاق می‌افتند. کتاب هم خیلی موجز هر مرحله را بیان کرده، ولی ما باید برای بچه‌ها توضیح لازم را بدهیم. البته از جلسه قبل به بچه‌ها می‌سپاریم که بروند تحقیق کنند و در جلسه بعد سر کلاس کنفرانس بدهند.

**مبارکی:** دو درس آخر (حجاب) برای دختر خانم‌ها خیلی جالب است که درباره فضیلت آراستگی و حجاب مطالبی دارد. ولی درس یازده یک نقص دارد و آن هم در برداشتن آیه قرآنی است. باید محتوای درس را با آیات قرآنی تلفیق کرد و بین آن‌ها ارتباط به‌وجود آورد. باید با آوردن آیات قرآنی و حدیث آن را مستند کرد تا پذیرش

از طرف دانش‌آموزان بیشتر شود.

دبیر هم نمی‌داند چقدر باید توضیح بدهد. این درس کتاب فقط سررشته را دست دبیر داده است.

**بهی محمدی:** با توجه به وقت کلاس عرض می‌کنم، می‌توانند در این کتاب هم، مثل کتاب پایه یازدهم، بخش «بیشتر بدانیم» را اضافه کنند و در این بخش با آوردن توضیحاتی، موضوع را بازتر بیان کنند.

**بهی محمدی:** به‌طور قطع، در کلاس بحث «تدبر» هنگام تدریس مطرح می‌شود. اما آنچه در این بخش کتاب آمده، کمتر از آن است که مشخص کرده‌اند. اگر ما در کلاس بخواهیم گسترشش بدهیم، وقتی به مرحله مفهوم آیات می‌رسیم باید توضیح بدهیم. به‌دلیل گروهی کار کردن دانش‌آموزان، فعالیت‌های تکمیلی گروه‌ها، بعد از تدریس دبیر، از جمله این پرسش است که با توجه به ترجمه، از آیات موجود چه برداشتی کرده‌اید؟ بچه‌ها پس از گفت‌وگوی گروهی نکاتی را بیان می‌کنند که با تدبر همراه است و در بطن خود سبب بروز خلاقیت هم می‌شود. ولی به دلیل کم بودن زمان و داشتن درس‌های دیگر، به هدف اصلی که شکوفایی خلاقیت است، کمک خاصی نمی‌شود. این نکته را هم اضافه کنم که بخش تدبر خیلی کم است و باید بیشتر شود.

**مریم محمدی:** به نظر من هم بخش تدبر در کتاب جدید کم است. در کتاب قبلی، تکلیفی به بچه‌ها محول می‌شد و آن‌ها برای تفکر و تدبر راهنمایی هم می‌شدند. بنده نیز درباره آیات پرسش‌هایی را با الگوی تدبر کتاب طرح می‌کردم.

مثلاً آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور این کار را می‌کردم. بچه‌ها حتی روزنامه دیواری درست کردند.

– دانش‌آموزان به مشارکت در این کار تمایل دارند؟ یا خود شما آن‌ها را به مشارکت در کار تشویق می‌کنید؟ برخی از همکاران در بخش تدبر هم به بچه



گفت‌وگو با دبیران خواهر استان‌های کشور

کمک می‌کنند که نباید این کار بشود!

همکارانم هم موافق‌اند که خود بچه‌ها باید این کار را بکنند و ما هم به آن تأکید داریم. این بخش از بخش‌های خوب کتاب است.

– بخش «اندیشه و تحقیق» هم در کتاب پایهٔ دهم داریم. از این بخش چه استفاده‌ای می‌کنید؟

**مریم محمدی:** در کتاب قبلی پایهٔ دهم بحث اندیشه و تحقیق تا حدی بازتر بود، ولی در کتاب جدید این بحث بسته است؛ یعنی دانش‌آموز فقط باید به مطلب کتاب رجوع کند، زیرا جواب عیناً در کتاب هست و نیاز به رجوع به کتاب‌ها و منابع دیگر ندارد.

– چه تغییری باید در این بخش به‌وجود بیاید که کار بچه‌ها به اصل معنی تحقیق نزدیک‌تر شود؟

**بهی محمدی:** باید واگراتر مطرح شود. این نکته را هم یادآوری کنم که آنچه به اندیشه مربوط می‌شود، خوب است. ولی بخش تحقیق آن مناسب و خوب نیست و کتاب امکان تحقیق و رجوع به منابع دیگر را از بین برده است.

**مریم محمدی:** موضوع‌های کتاب مشخص‌اند. برای مثال می‌شود مؤلفان در کتاب نشانی یکی دو آیه را بدهند یا حدیثی را بیاورند و به این ترتیب دانش‌آموز را به خارج از کتاب درسی هدایت کنند که به اندیشه و تحقیق نزدیک‌تر است. همکاران معتقدند کتاب قبلی در این بخش بهتر بود و کتاب کنونی کاستی و ضعف‌هایی دارد.

– با «پیام آیات» موافق هستید؟ موافق هستید که این بخش کار خود دانش‌آموزان

است و نباید معلم پیام را یادآوری کند؟

**بهی محمدی:** کاملاً درست است. اما کنکور سبب شده، ما معلمان از رسالت اصلی خودمان دور شویم. هدف ما آموزش زیست دینی و اخلاق دینی است، ولی وضع طوری است که دانش‌آموزان معلم را نماینده سازمان سنجش می‌دانند و وظیفه قطعی معلم کار کنکوری است. این مصیبت کل کشور و از جمله استان کردستان است.

متأسفانه درس دینی ابزاری در خدمت کنکور است و نه آموزشی برای زندگی بهتر و در جهت رستگاری.

– آیا شیوه ارزشیابی که در اول کتاب آمده است، قابلیت اجرا دارد؟

**مبارکی:** در این کتاب به قرآن کریم ظلم شده است. برای مثال چهار نمره‌ای که به قرائت اختصاص یافته، خیلی کم است. با این وضع، تمرکز لازم بر روی بخش «قرائت» به وجود نمی‌آید. زیرا پیش‌زمینه درس دینی، روخوانی و روان‌خوانی قرآن است. دو صفحه اول تمام درس‌های پایه دهم به روخوانی اختصاص دارند. این دو صفحه از نظر ظاهری و رسم‌الخط بسیار جالب‌اند، ولی متأسفانه نمره‌اش خیلی کم است. به همین دلیل بچه‌ها دقتی به این قسمت نمی‌کنند و می‌گویند ۱۶ نمره بقیه را می‌گیریم. به‌نظرم باید آیات ابتدای درس در کتاب جداگانه‌ای، مثلاً با عنوان «روان‌خوانی قرآن» بیاید و ۲۰ نمره کامل هم داشته باشد. در این صورت مؤثرتر است.

**بهی محمدی:** آیاتی که در متن درس آمده و با هدف مستندسازی موضوع درس انتخاب شده‌اند، باید به همین صورت باشند، ولی درباره دو صفحه اول با پیشنهاد خانم مبارکی موافقم. همکاران با جدا کردن آیات اول کتاب و اختصاص ۲۰ نمره به آن توافق دارند. به‌نظر ما با این کار از یک طرف حرمت قرآن حفظ می‌شود و از طرف دیگر درست‌خوانی دانش‌آموزان تأثیر مثبت می‌پذیرد. انس با قرآن نیز بیشتر می‌شود.

– آیا آیات اول کتاب به فهم متن کتاب کمک نمی‌کنند؟

**بهی محمدی:** نه! زیرا هیچ ارتباطی ندارند.

**لیلا حسینی:** بنده دانش‌آموزان را به خواندن آیات اول درس مجبور نمی‌کنم. خودم شفاهی معنی آیات را می‌گویم (زیرا آشنایی داریم)، ضمن اینکه خیلی از این آیات با موضوع درس ارتباطی ندارند. به نظر بنده باید آیاتی که با موضوع درس ارتباط دارند، اینجا بمانند، و بقیه را بردارند. برای مثال، بسیاری از آیات اول درس معاد با موضوع درس مرتبطاند، ولی بچه‌ها نمی‌دانند ویژگی قرآن الگوی کلام در کلام آوردن یا از شاخه‌ی به شاخه‌ی پریدن است. در همین درس هم آیات غیرمرتبط داریم که لازم است برداشته شوند.

**روناک حسینی:** برخی از آیات با درس زیر آن مرتبطاند. ولی هدف از آوردن این دو صفحه نه پرداختن به پیام آیات و نه معنی آیات است؛ ضمن اینکه فرصت این کار را هم نداریم که بر روخوانی توقف کنیم.

– آیا آیات موجود در کتاب پایه‌ی دهم به زندگی دانش‌آموزان مربوط می‌شوند؟

**لیلا حسینی:** استقبال بچه‌ها از آیات معاد خیلی عالی بود. زیرا عینی بود و در جلوی دیدگان‌شان صحنه‌سازی و تصویر می‌کرد و دانش‌آموزان به راحتی می‌پذیرفتند. ولی در درس حجاب و عفاف، برای نسل امروز که پذیرش راحتی ندارند، هضم آیات حجاب و عفاف راحت نیست، زیرا با واقعیت بیرونی هم خوانی ندارد!

– البته شما باید به عنوان معلم که واقعیات روز را می‌داند، همیشه خود را برای بحث‌های چالش خیز آماده کنید. شکر خدا شما می‌فرمایید با درس معاد ارتباط برقرار می‌کنند و می‌پذیرند، در حالی که خیلی‌ها می‌گویند این بخش چالش خیز است؛ همان‌طور که برخی از دوستان در این جلسه آوردن این بخش (معاد) را در

پایه دهم لازم نمی‌دیدند.

**لیلا حسینی:** در بحث حجاب و عفاف، ابتدا از احکام اسلام استفاده نمی‌کنم، نمی‌خواهم مستقیم بدان بپردازم. از جمله می‌شود از آنچه در کتاب به اهمیت حجاب در ادیان مختلف آمده، بحث را شروع کرد. یا از واقعیت‌های موجود بحث را کلید می‌زنم که بچه‌ها دوست دارند.

برای بچه‌ها جالب است که می‌شنیدند ملکه انگلیس درباره پوشش مناسب به عروس خانواده خود تذکر می‌دهد. باید به دانش‌آموزان گفت و مستند صحبت کرد که حجاب مخصوص دین اسلام و ما نیست، در حالی که در ادیان دیگر چنین است و در اروپا هم بازگشت به پوشش مناسب و بیزاری از برهنگی بحث مطرحی است.

**مریم محمدی:** آیاتی که بچه‌ها درباره آن‌ها سابقه ذهنی دارند و آیاتی که در آن‌ها داستان پیامبران مطرح است، در کتاب بیایند. این برایشان جاذبه دارد و زودتر با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. در کتاب قبلی، داستان حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) آمده بود که از آن خیلی درس می‌گرفتیم، زیرا مرحله به مرحله زندگی آن حضرت را با طرح آیات قرآن شرح می‌دادیم و بچه‌ها به نتایج عملی می‌رسیدند.

زمانی که خودم محصل بودم، به یاد دارم داستان حضرت موسی (علیه‌السلام) در سوره طه مطرح بود. الان هم وقتی به این آیات می‌رسم، برایم جذابیت بیشتری دارد. بچه‌های ما هم همین علاقه‌ها را دارند.

— درباره طراحی‌های هنری در کتاب، از جمله از جلد آن، بشمارید تا صفحات. همین‌طور، درباره رسم الخط هم می‌توانید نظر بدهید.

**مبارکی:** رسم الخط خوب است. متأسفانه طراحی‌ها و رنگ‌های کتاب خیلی تیره‌اند. طرح‌ها باید جذاب‌تر شوند و از رنگ‌های روشن و شاد استفاده شود. صفحاتی که ابتدای آن‌ها آیات قرآن آمده‌اند، مثل قرآن‌های کامل، خیلی جالب‌اند. از طرح

جلد کتاب رضایت ندارم.

**روناک حسینی:** ما «از آینده روشن» صحبت می‌کنیم، در حالی که طراحی‌های خوب باید با رنگ‌های روشن کامل شوند. متأسفانه رنگ‌ها خیلی تیره‌اند. کتاب سال گذشته عده‌ای از بچه‌ها برگ‌های گاهی داشت و با رنگ‌های تیره، تصاویر را خیلی دلگیر کرده بود. غیر از درس عفاف و حجاب که تصویر گلی را آورده‌اند، که رنگ چشمگیری دارد، بقیه رنگ‌های کتاب تیره‌اند.

**مریم محمدی:** لازمه درس‌های کتاب داشتن طرح‌ها و تصاویر مناسب است. بنده قبل از ورود به هر درسی، خطاب به بچه‌ها می‌گویم درباره طرح درس فکر کنید و در گوشه کتاب نظرتان را بنویسید. وقتی نظر دانش‌آموزان کلاس را جمع‌بندی می‌کنیم، بهتر درس را می‌فهمند.

**بهی محمدی:** به تصاویر خیلی نیاز داریم. تصاویر به تفهیم درس خیلی کمک می‌کنند. اما باید گویا باشند، با رنگ جذاب آراسته شوند و به گونه‌ای باشند که دانش‌آموز بتواند در ارتباط با موضوع و متن درس، از آن‌ها برداشت‌هایی کند و مفاهیم کلیدی را در بیاورد.

– حرف آخر و آخرین حرف این جلسه را بیان کنید.

**بهی محمدی:** شکر خدا کتاب‌ها دارد بهتر می‌شود و از نظر همکاران در این زمینه استفاده می‌شود. اما بحث‌های مجله رشد آموزش قرآن و معارف هم باید در جهت مطالب و موضوع‌های کتاب باشند و به الگوهای تدریس هم پرداخته شود.

از اینکه در این گفت‌وگو شرکت کردید از همه شما ممنون هستیم و امیدواریم در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان عزیز موفق باشید.

## استدلال‌های کتاب پایه دهم باید بیشتر شود دبیران مدارس کردستان در گفت‌وگو با رشد

رضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مهملدی مروجی

کتاب «دین و زندگی» پایه دهم (سال اول متوسطه دوم) را چهار تن از دبیران استان کردستان در نشست با خبرنگاران مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی نقد کردند. این عده، ضمن بررسی گرافیک عمومی این کتاب، موضوع و محتوای هر درس را به همراه آیات قرآنی منتخب مؤلفان و نیز احکام، در بوتۀ نقد گذاشتند و سبک و سنگین کردند.

در این نشست، همکاران محترم زیر حضور داشتند:

۱. امین زند؛ از قروه: ۲۶ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارد. ضمن فعالیت در سمت‌های مدیریت، معاونت مدیر و مشاوره، در تمام پایه‌های تحصیلی تدریس کرده است.

۲. **عابد صاعدی؛ از سنندج:** کارشناس دینی و عربی با ۲۶ سال سابقه. چهار سال سرپرست مدرسۀ شبانه‌روزی بوده است. در پایه‌های گوناگون دبیرستان تدریس کرده و اکنون دبیر دبیرستان‌های شاهد و تیزهوشان است.
۳. **انور محمدی؛ از سنندج:** کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق و معارف اسلامی، ۲۲ سال سابقۀ آموزش و پرورشی و ۲۱ سال تجربۀ تدریس دارد.
۴. **خانم بهی محمدی:** سرگروه دین و زندگی استان کردستان است.

– گفت‌وگوی این نشست خودمانی و همکارانه را از جاذبه‌های بصری کتاب شروع می‌کنیم. بفرمایید ارزیابی شما از طرح و تصویرها و رنگ‌آمیزی جلد و داخل کتاب چیست و آن‌ها را تا چه حد در خدمت محتوای کتاب و موضوع هر درس می‌دانید؟ درباره‌ی به‌روز بودن و نبودن طرح و تدوین کتاب نیز اظهار نظر کنید.

**زند:** خیلی خوب است، ولی به برداشت معلم بستگی دارد که از طرح‌ها و تصویرها چه دریافت کند و آن‌ها را به دانش‌آموزان منتقل کند. هر چه معلم دقیق‌تر در طرح‌ها تعمق کند و بین طرح و موضوع درس ارتباط بیابد، بهتر می‌تواند در تفهیم موضوع درس به دانش‌آموز کمک کند. برای مثال، طرح روی جلد که ترکیبی از کبوتر، معماری اسلامی و آب است، پاکی و معصومیت و آزادی را در اسلام نشان می‌دهد.

**صاعدی:** سؤال شما متوجه کتاب دینی پایه‌ی دهم است. طرح و تصاویر این کتاب تا حدی با موضوع درس‌ها مرتبط است، ولی برخی تصاویر کتاب قبلی که دو سه سال پیش تدریس می‌شد، حتی مطالب آن، بهتر و مفیدتر از کتاب موجود دین و زندگی بودند. موضوع طرح و تصویر، با تأیید گفته‌ی همکار محترم، بستگی به ذوق و اطلاعات معلم دارد که بتواند آن را با موضوع درس مرتبط کند. در اینجا تصاویر صرفاً موقعیت تزئینی ندارند، بلکه می‌خواهند در درک محتوای درس به دانش‌آموز

کمک کنند. تصویر روی جلد کتاب قبلی اول دبیرستان چنان قابل توجه بود که دو جلسه روی آن وقت می‌گذاشتیم و صحبت می‌کردیم و تازه در جلسه سوم وارد مقدمه درس اول می‌شدیم. البته دانش‌آموزان را با گروه‌بندی وارد بحث سه ساعته‌ای برای همفکری می‌کردیم. به نظرم تصاویر خیلی مهم‌اند و به‌ویژه برای دانش‌آموزان در این سن و سال حرف اول را می‌زنند. «شنیدن کی بود مانند دیدن». تصویر هم دیداری و دیدنی است. در همان کتاب قبلی، تصاویر دو درس آخر (بحث دوستی و دوست‌یابی)، دو گل را کنار هم کشیده بودند. خیلی گویا بود...

– لطفاً همه صحبتتان را به کتاب قبلی معطوف نکنید. به کتاب موجود هم پردازید. **صاعدی:** تصاویر بد نیستند، با پرداختن به کتاب قبلی می‌خواستم بگویم، طرح‌ها و تصاویر کتاب موجود دین و زندگی پایه دهم ارزش‌های هنری و مفهومی کتاب قبلی را ندارند.

– شما دو همکار محترم بر آگاهی و مهارت معلم در استفاده از طرح‌ها و تصویرها برای تبیین آن‌ها تأکید کردید، ولی تصویرها باید چنان انتخاب و طراحی شوند که تک‌تک دانش‌آموزان بدون کمک معلم بتوانند از آن‌ها درک و دریافت خاصی داشته باشند. زیرا کار برای مخاطبان اصلی یعنی دانش‌آموزان است. از این زاویه هم نگاه کنید و نظرتان را بگویید.

**زند:** نظام آموزشی ما فقط روی خواندن و حفظ کردن تأکید دارد و هنوز وارد درک و فهم نشده است. به نظرم، در چند سال اخیر این کتاب‌ها خیلی خوب تدوین شده‌اند؛ از جمله کتاب دین و زندگی. ولی خروج از مرحله محفوظات و ورود به مرحله تفکر و ادراک زمان می‌برد. هنوز دانش‌آموزان به تأمل و تفکر عادت نکرده‌اند. باید آرام‌آرام هم ما و هم دانش‌آموزان به این سمت برویم که با دیدن تصویر به کنه



مطلب برسیم. این کتاب‌ها البته به این جهت‌گیری کمک می‌کنند.  
**محمدی:** در نگاه اولیه، شکل و اندازه و رنگ‌آمیزی برخی از تصاویر زیاد گویا و واضح نیستند. در صفحه‌آرایی هم مشکلاتی مشاهده می‌شود. تصاویر باید جذابیت داشته باشند تا کشش ایجاد کنند. در مجموع، این کتاب طرح‌ها و تصاویر با جاذبه و پرکشش دارد، اما در برخی طرح‌ها و تصویرها باید تجدیدنظر کرد.

- نگارش و رسم‌الخط آیات قرآن در کتابی آموزشی، مثل دین و زندگی، بیش از آنکه در گرو زیبایی باشد، به بعد آسان‌خوانی و یادگیری راحت‌تر توجه می‌کند. آیا این هدف با رسم‌الخط «کم‌علامت» برآورده می‌شود؟  
**زند:** رسم‌الخط آیات قرآن در کتاب مشکلی ندارد و دانش‌آموز می‌تواند به راحتی کلمات را بخواند.

**صاعدی:** فونت خط و پاراگراف‌بندی خوب است، ولی بهتر از این هم می‌تواند باشد. مثلاً در درسی که پیامبر خدا (ص) را به‌عنوان الگو معرفی می‌کند، قبل از آن به تفاوت الگوهای کنونی و آن زمان می‌پردازد و می‌پرسد: آیا می‌توانیم از الگوهای قبلی در زمان حال هم استفاده کنیم؟ مطلب زیر این عنوان بحث جالبی دارد که خودم از آن استفاده کرده‌ام. این مطالب باید برجسته می‌شد تا بیشتر به چشم بیاید. ولی این کار نشده است. می‌شد در بندی جدا و با اندازه حروف درشت‌تر، آن را مشخص کرد و در چارچوب قرار داد. الان در میان مطالب گم است، در حالی که سؤال همه دانش‌آموزان همین است. خودم به بچه‌های کلاس گفتم زیر این قسمت را خط بکشند تا موضوع در یادشان بماند. برای جلب نظرشان گفتم، اگر من طراح سؤال باشم، به احتمال ۹۰ درصد از این قسمت سؤال طرح می‌کنم.

**محمدی:** در کل کتاب، توجه به تدوین و اندازه حروف خوب است، ولی می‌توان ضمن بازی با حروف، اولویت‌ها را مشخص‌تر کرد.

**خانم محمدی:** به این دلیل که دانش آموزان در پایه‌های پایین‌تر با این رسم‌الخط آشنا شده‌اند، برایشان خوب است. ولی اگر از رسم‌الخط عثمان‌طه استفاده می‌شد شاید جالب‌تر بود. در حال حاضر، اگر به پیشنهاد همکاران در برجسته‌سازی نکات و قسمت‌های مهم عمل شود، مفیدتر است.

- می‌دانیم که کتاب دانش آموز - محور تدوین شده است، از جمله آیات منتخب که در کتاب آمده‌اند. سؤال این است که آیا آیات منتخب مؤلفان می‌تواند دانش آموزان را ترغیب کند. غیر از کلاس و کتاب درسی، به قرآن هم رجوع کنند و ضمن قرائت آیات، در آن‌ها به تفکر بپردازند؟ یا چنین نیست؟ پیشنهاد و انتقاد ممکن‌تان را هم بفرمایید.

**زند:** اگر همراه آیات، ترجمه هم در کتاب می‌آید، بهتر بود. دانش آموز فکر نمی‌کند آنچه در کتاب آمده توضیحات مؤلفان کتاب است. برداشتش این است که هر چه آمده، با آیات قرآن ارتباط دارد و توضیح آن‌هاست.

**صاعدی:** سؤال خوبی است. حرف هم زیاد است، ولی وقت کم داریم. به‌نظرم دینی پایه دهم در قیاس با دین و زندگی سال قبلش، ۱ به ۱۰ هم نیست، این نظر بنده است که دارم سال‌ها تدریس می‌کنم. به عبارت روشن‌تر عرض کنم، شکل طرح آیات در کتاب دین و زندگی پایه دهم اصلاً جالب نیست. به همین علت، مفید هم نیست. لذا نه معلم و نه دانش آموز، به آن‌ها توجه ندارند. وجداناً ما هم زیاد به آن‌ها توجه نمی‌کنیم. البته بنده خارج از حوزه تدریس، کار قرائت کرده‌ام. چهار بار در مسابقات قرائت کشوری شرکت کرده‌ام و خودم به قرائت قرآن در کلاس برای بچه‌ها علاقه دارم، ولی از همه همکاران شنیده‌ام که وقت قرائت قرآن در کلاس را ندارند. بهترین طرح برای آوردن آیات قرآن کریم در کتاب پایه دهم، طرح کتاب پیش‌دانشگاهی یا طرح کتاب دین و زندگی قبلی است. یعنی آیات را در ضمن درس

قرار دهیم؛ نیمی از آن ترجمه‌دار و نیمی بدون ترجمه باشد. در این صورت، معلم می‌تواند هم آیات را روخوانی کند و هم به مفاهیم آن‌ها بپردازد. به چه دلیل؟ به این دلیل که ما در حیطه‌های شناختی گفتیم، دانش‌آموز دبیرستانی به مرحله‌ی درک و فهم رسیده است و دیگر لازم نیست در این مرحله به وی روخوانی و روان‌خوانی یاد بدهیم، زیرا در دوره‌ی دبستان و راهنمایی مراحل روخوانی و روان‌خوانی را گذرانده است. در دبیرستان باید به تفسیر و پیام و مفهوم آیات پرداخت، اما کتاب دو صفحه‌ی آیات قرآن عثمان‌طه را جدا آورده است. بنده که کار قرائت می‌کنم، هر چه سعی کردم هر دو صفحه را بخوانم، نتوانستم صفحه‌ی دوم را بخوانم. به صراحت می‌گویم، فقط یک بار فرصت کردم؛ آن هم در مدرسه‌ی تیزهوشان. هیچ جای دیگر چنین فرصتی فراهم نشد.

خدمت شما عرض کنم که اصلاً رغبتی هم در بچه‌ها به وجود نمی‌آید و هیچ هم قرآن را یاد نمی‌گیرند. دینی طرح قدیم بسیار خوب بود.

**صاعدی:** فرمایش شما را متوجه شدم. من به‌عنوان دبیری که در مدارس خاص مثل تیزهوشان و شاهد تدریس کرده است و هنوز هم تدریس می‌کنم، و به‌عنوان شاهد عینی، عرض می‌کنم، یک نفر از دانش‌آموزان را ندیده‌ام که به این آیات به‌عنوان منبع درسی رجوع کند. اصلاً این بخش اضافی است و کاربردی ندارد. مگر خود ما معلمان بچه‌ها را وادار به خواندن کنیم، یا در امتحانات شفاهی از این آیات سؤال پرسیم. ولی این نوع طراحی برای بچه‌ها جالب نیست. در متن درس کتاب پایه‌ی دهم امسال، آیات را با ترجمه آورده‌اند و از دانش‌آموزان خواسته‌اند مفهوم آیات را به محتوا ربط بدهند. این‌طور هم جالب نیست. به نظرم کتاب قبلی خوب بود، زیرا دانش‌آموز هم آیات را ترجمه می‌کند و هم بین مفاهیم ارتباط برقرار می‌کند.

بنده سال گذشته تحصیلی برای تدریس کتاب پایه‌ی دهم اذیت شدم. خانم محمدی، به‌عنوان یک سرگروه فعال در گروه معارف، خبر دارد که بنده همواره

کلاس را با مشارکت بچه‌ها و گروه اداره کرده‌ام، ولی پارسال در تدریس کتاب دین و زندگی پایه دهم مانده بودم چه کنم و مجبور به بهره‌گیری از روش مشاوره‌ای شدم. ابتدا موضوع را توضیح می‌دادم و بعد از بچه‌ها می‌خواستم توضیح بدهند. با این حال، کلاس رمقی نداشت. اما باز می‌گویم، با کتاب قبلی، گروه‌ها فعال بودند؛ در آن حد که محتاج ثانیه‌ها بودیم. آن هدف‌گذاری را این کتاب تأمین نمی‌کند.

**محمدی:** با همکارم جناب صاعدی اتفاق نظر دارم. آوردن آیات به این صورت و در این قالب مفید نیست و دانش‌آموز خیلی راحت از آن‌ها چشم می‌پوشد. آن وقت هم که با مطالب درگیر می‌شود، احساس می‌کند چیزی کم دارد تا ارتباطش را با آیات برقرار کند.

**زند:** قبلاً مدت تدریس چهار ساعت در هفته بود، الان دو ساعت در هفته شده است. با این همه مطلب، واقعاً زمان این درس خیلی کم است.

- دوستانی پیشاپیش نظر خود را درباره این پرسش که با شما در میان می‌گذاریم، فرموده‌اند. در هر حال، سؤال این است: اگر شما مؤلف کتاب پایه دهم بودید، به چه موضوع‌هایی توجه نشان می‌دادید و چه موضوع‌هایی را حذف یا اصلاح می‌کردید؟ لطفاً لب کلام را بگویید. کتاب تألیفی شما حاوی چه موضوع‌هایی می‌شد؟

**زند:** مقتضیات زمان به گونه‌ای است که دانش‌آموزان ما مشغله‌های زیادی دارند. لذا اطلاع لازم یا هیچ اطلاعی از تکالیف دینی ندارند. در پی یادگیری نیز نیستند. به نظر من می‌رسد احکام ضروری دین در کتاب پایه دهم خیلی کم است. باید به این بخش توجه بیشتر بشود. پاسخ به شبهات مبتلابه دانش‌آموزان نیز باید در کتاب جایی داشته باشد.

– شبهات در چه قالبی مطرح می‌شوند؟

**زند:** مثل وام بانکی. دانش‌آموز می‌گوید این کار بانک اسلامی است که ۲۰ درصد و بیشتر سود می‌گیرد! در واقع به شبهاتی باید پرداخت که مربوط به رفتار و اعمال در جامعه و ادارهٔ جامعه است و به نظر می‌رسد با آنچه دین می‌گوید، یا تضاد یا فاصله دارد. خوب است با توجه به کم‌حوصلگی و نداشتن سعهٔ صدر خانواده‌ها و اجتماع، در این زمینه نیز روایاتی از پیشوایان دینی یا از سیرهٔ آنان آورده شود و از الگوهای اجتماعی دورهٔ خودمان نیز استفاده کنیم.

**صاعدی:** دوست ما نکته‌های خوبی فرمودند: بنده هم نکاتی را اضافه کنم. براساس منویات مؤلفان کتاب که در مقدمه خوانده‌ام و دوره‌ای هم در خدمتشان بودم، در این دورهٔ تحصیلی، اصول دین در آموزش موردنظر است، مثلاً توحید را در پایهٔ اول و معاد را در پایهٔ دوم و نبوت را در پایهٔ سوم دبیرستان (متوسطهٔ دوم) آموزش می‌دهیم. با توجه به این هدف، چینش موضوع در پایهٔ دهم زیاد نامناسب نیست، ولی به حد کافی استدلالی نیست. آنجا که معاد را ثابت می‌کند، خوشم آمد. به یاد دارم، زمانی که ۲۰ سال پیش در دبیرستان تعلیمات دینی یا معارف اسلامی تدریس می‌کردم، درس خیلی فلسفی، استدلالی و پرمحتوا بود؛ دانش‌آموز هم کیف می‌کرد. آن زمان برای اثبات معاد پنج دلیل آورده بودند که دو دلیل دربارهٔ ضرورت و سه دلیل مربوط به امکان معاد بود، اما امسال همان‌ها را در کتاب پایهٔ دهم آورده‌اند که به دلیل استدلالی بودن، خوشم آمد. ولی کتاب باید چنان محتوایی داشته باشد که به شبهات دانش‌آموزان هم جواب بدهد. بچه‌ها در کلاس معلم را سؤال پیچ می‌کنند، زیرا دنیا دنیای جدیدی است. سؤال و انتقاد زیاد و مهم دارند که باید به آن‌ها پاسخ بدهیم.

در آخر کتاب، احکام را آورده‌اند. از مؤلف بزرگواری که احکام روزه را آورده است، باید بپرسیم، خودت متوجه آنچه نوشته‌ای، می‌شوی؟ بنده که معلم به حساب

می‌آیم، چند بار خوانده‌ام و چیزی سر در نیاورده‌ام. از رساله و کتاب دیگری استفاده کردم و موضوع را به دانش‌آموزان تفهیم کردم.

باید احکام را روان و آسان بیان کنیم. بیش از شش موضوع برای این سن و سال لازم نداریم. نماز است که در این کتاب خوب به نماز پرداخته‌اند. وضو هم مثل نماز خوب تشریح شده است؛ روزه و فوایدش و نیز غسل. اگر احکام حلال و حرام نیز در یک یا نیم‌صفحه بیاید، خوب است، ولی باید برای بچه‌ها واضح، شفاف و قابل فهم باشد.

- عرض کنم خدمت شما که مؤلفان با آگاهی قبلی محتوای این کتاب را بر پایه استدلال نچیده‌اند تا دانش‌آموزان را در کلاف استدلال‌های فلسفی و کلامی وارد نکنند، بلکه شمایی از استدلال را نشان می‌دهند و در واقع قصد ایجاد ارتباط بین فکر و ذهن دانش‌آموز با توحید را دارند و آن هم از طریق رجوع به فطرت است. استدلال ملموس و قابل فهم مؤلفان این است که بگویند علاقه آدمی به بهترین، توانا‌ترین و زیباترین است و براساس محتوای کتاب، در واقع خداست که منحصرأً چنین ویژگی و صفاتی را دارد. اما اینکه معلم از یک سو و دانش‌آموز از دیگر سو می‌تواند با این روش مؤلفان ارتباط برقرار کند و اشباع شود، شما به عنوان معلمان با تجربه باید داوری کنید.



**صاعدی:** درست می‌فرمایید و هدف مؤلفان را خوب تشریح کردید، ولی اینجا بحث بهشت را هم در فرایند درس طراحی کرده‌اند که دانش‌آموز منتظر استدلال است.

- می‌فرمایید دوگانگی در محتوای کتاب مشاهده می‌شود.

**صاعدی:** بله! آنچه در کتاب آمده است، سبب سؤال‌های گوناگون و فراوان برای

دانش‌آموزان می‌شود. آن وقت از من معلم می‌خواهند که جواب بدهم!  
**محمدی:** خدمت شما عرض شود که نام کتاب «دین و زندگی» است؛ یعنی می‌خواهد بین مجموعه قوانین و برنامه‌های دین با زندگی روزمره بچه‌ها ارتباط برقرار کند، ولی کل کتاب چنین ارتباطی را نمی‌رساند.

- آیا بخش تدبر کتاب توانسته است زمینه‌های حضور احساسات درونی و خلاقیت دانش‌آموزان را فراهم بکند؟

**زند:** با توجه به زندگی ماشینی و پیچیده امروز، اگر دانش‌آموز ما حتی مقداری در آیات قرآن و محتوای کتاب دین و زندگی فکر کند و با قرآن مأنوس شود، می‌تواند به آرامشی برسد و از اضطراب‌ها و تشویش‌ها و استرس‌ها رهایی یابد.  
**صاعدی:** در این بخش دبیر باید خودش آیات درس‌ها را پردازش کند. لذا بنده زیاد به مطلبی که در تدبر آیات است، خوش‌بین نیستم، زیرا امکان بهتر شدن و غنی‌تر شدن را دارد تا دانش‌آموز را به تدبر وا دارد.

- آیا «بهتر و غنی‌تر شدن» موردنظر شما با سطح فکری دانش‌آموزان تناسب دارد و همگن است؟

**صاعدی:** ۵۰ درصد دانش‌آموزان امروز جلوتر از محتوای کتاب حرکت می‌کنند. شاید من که در مدارس خاصم، این‌طور فکر می‌کنم. دانش‌آموزی داشتم که مطالب موجود کتاب را خیلی بهتر از متن کتاب بیان می‌کند.

- حداقل این است که میانگین سطح فکر و استعداد دانش‌آموزان را در برآوردتان لحاظ کنید.

**صاعدی:** میانگین زیاد نامناسب نیست، ولی بهتر از وضع موجود می‌تواند

باشد. می‌دانم منظور شما کل دانش‌آموزان کشور اعم از شهرها و روستاها و حاشیه‌نشین‌هاست.

**محمدی:** اگر در صدی در نظر بگیریم و بخواهیم بدانیم که دانش‌آموزان در آیات تدبیر می‌کنند؟ یا می‌تواند دانش‌آموزان را با تدبیر بار بیاورد، شاید بتوان گفت، ۷۰ تا ۸۰ درصد این هدف برآورده می‌شود. در جاهایی، چینش و طرح و تدوین مطالب طوری است که دانش‌آموزان را از این هدف دور می‌کند. ولی جاهای زیادی هم در کتاب هست که برای تدبیر ایجاد انگیزه می‌کند و البته خود دانش‌آموز باید خواستار تدبیر و تفکر باشد. در کل خوب است؛ گرچه امکان بهتر شدن هم دارد.

**خانم محمدی:** ندبری که در متن درس گنجانده شده، خیلی کم است.

– این سؤال مربوط است به بخش «اندیشه و تحقیق» در کتاب. آیا کتاب با این محتوا می‌تواند دانش‌آموزان را به اندیشه و تحقیق ترغیب کند و حداقل ذوق کار تحقیقی را در آنان به وجود بیاورد؟

**زند:** اکثر جواب‌های بخش اندیشه و تحقیق در متن درس وجود دارد و دانش‌آموز به این علت دنبال کتاب‌ها یا منابع دیگر، غیر از کتاب درسی، نمی‌رود. باید سؤال‌های این بخش طوری مطرح شوند که دانش‌آموز را به خارج از کتاب درسی ارجاع بدهد؛ مثلاً به خود قرآن کریم.

۷۹

**صاعدی:** سؤال‌ها طولانی شده‌اند. تا بخواهی به آخر سؤال برسی، اول آن از یادت می‌رود. پیشنهاد می‌کنم «اندیشه و تحقیق» کتاب پایهٔ دو را بردارند، مال «دین و زندگی» را بیاورند جایش قرار دهند. آن وقت درست می‌شود. «اندیشه و تحقیق» دین و زندگی قبلی خیلی جالب و فرای کتاب درسی بود. دانش‌آموزان را به دنبال تفاسیر گوناگون می‌فرستادیم به‌طور مثال در مورد سؤال به سراغ کتاب «علم و ایمان» شهید مطهری رفت.



در این کتاب، فقط سؤال را کش داده، ولی جوابش جلوی دستش هست. جواب را برمی‌دارد می‌گذارد سر جایش و بقیه‌اش بیکاری است. بنده به‌عنوان شاگرد کوچک جامعه دینی آموزش و پرورش ناحیه ۲ یک سؤال دارم: چرا کتاب «دین و زندگی» را برداشتند و کتاب دینی پایه ده را جایش گذاشتند؟ کتاب دین و زندگی خیلی قشنگ و غنی بود. این کتاب نمی‌گذارد ما با دانش‌آموزان کار گروهی کنیم!

**محمدی:** اگر همان چهار ساعت بود، کتاب بد نبود، ولی با دو ساعت چه کار می‌شود کرد! در هر حال، اگر بخواهیم به بخش «اندیشه و تحقیق» نمره بدهیم، من کمتر از ۱۰ می‌دهم. دلیلش همین صحبت‌هایی است که همکار محترم صاعدی فرمودند.

– شما درباره آیات کتاب به‌صورت پراکنده نکاتی را یادآوری کردید. برای تکمیل مطالب خود اگر حرف دیگری دارید، بیان کنید.

**زند:** ۱. حجم آیات زیاد است؛

۲. یک صفحه آیات اضافه است و با موضوع درس هم ارتباط ندارد. این حجم از آیات دانش‌آموز را گیج می‌کند.

**صاعدی:** این نکته اگر تکراری است ببخشید. طراحی کتاب پایه دهم را بگذارید در چارچوب فرم طراحی کتاب دین و زندگی. شاید مؤلفان محترم بگویند به این علت که پیش‌دانشگاهی حذف شده است داریم مطالب آن را در کتاب‌های سال‌های قبل از آن می‌آوریم. این حرف را می‌پذیرم، ولی ما با طرح این کتاب مشکل داریم. اگر منطبق با طرح کتاب دین و زندگی باشد، حرفی نداریم. ساعت کلاس را هم اضافه کنند.

**خانم محمدی:** ساعت خیلی کم است. حداقل چهار ساعت باشد. اینجا اتفاق نظر همکاران درباره ضعف مفرط دانش‌آموزان در خواندن قرآن را باید یادآوری کنیم و این طنز معنادار را از زبان ماموستایی که همکار محترم آقای صاعدی نقل کرد،

بیاوریم: پای سخنرانی ماموستایی در مسجد نشسته بودم، ماموستا که مرا به‌عنوان معلم می‌شناخت، گفت، دانش‌آموزان مدارس هیچ‌یک قرآن نمی‌دانند و هیچ‌کدام تجدید نمی‌شوند. بعد با پوزخندی تکرار کرد، عجیب است قرآن نمی‌دانند، تجدید هم نمی‌شوند!

**آقای صاعدی** ادامه داد: می‌گویید برای امتحان شفاهی ترم چهار نمره بگذارید. آخر وقت شد بنده درس بدهم که بعد هم امتحان بگیرم؟! سرکلاس گفتم، گوش کنید برای شما می‌خوانم، دانش‌آموز گفت که چهار نمره بیشتر ندارد. من ۱۶ نمره را می‌گیرم! واهمه این چهار نمره (خواندن قرآن) را ندارد.

- شما شیوه نمره‌دهی را ارزیابی کرده‌اید. اگر دوستان دیگر نظری دارند، بفرمایند. **زند:** با توجه به روال موجود و ساعات تدریس، این شیوه خوب است. اگر بخواهیم نتیجه عالی بگیریم، باید برای قرآن ۲۰ نمره اختصاص می‌یافت و برای دینی هم ۲۰ نمره در نظر می‌گرفتند. البته الزامی است که ساعات تدریس را هم چهار ساعت کنند. اکنون دو ساعت تدریس و چهار نمره برای قرائت فرمالیته است و به هدف نمی‌رسیم.

متأسفانه کنکور هم به مصیبت می‌افزاید. همیشه هم از پیام آیات سؤال می‌دهند و دانش‌آموز را بدبین می‌کنند. دانش‌آموز به جای کتاب درسی دینی، کتاب‌های کنکور را می‌آورد که از مؤسسه‌های کنکور می‌خرد. حداقل در کنکور بهتر است از متن کتاب سؤال طرح کنند نه از پیام آیات، چون با این کار بچه‌ها را از آیات قرآن دلزده می‌کنند!

**صاعدی:** من در طول ۲۳ سال تدریسم فقط یک مورد را به یاد دارم که والدین از من درباره نمره درس دینی بچه‌شان بپرسند. همین! چرا چنین وضعی داریم؟ زیرا کنکور به شدت ضریب احترام به درس دینی را تنزل و اضطراب بچه‌ها را افزایش داده

است. دانش‌آموز از من درس دینی نمی‌خواست. می‌گفت، آقا فقط سؤال و نکته‌های کنکور را بگو و بس کن! ای کاش به آسیب‌شناسی هم می‌پرداختیم.

- حرف‌هایی را که نگفته‌اید و لازم می‌دانید بگویید، فهرست کنید.

### صاعدی:

۱. وقت تدریس کتاب دینی کم است؛
۲. آموزش قرآن (تجوید) در کتاب گنجانده شود.
۳. دربارهٔ بخش ضمیمه صحبت نکردیم؛
۴. دربارهٔ آسیب‌شناسی دینی دانش‌آموزان و خانواده‌ها حرفی نزدیم؛
۵. چرا همکاران برای همکاری با مجلهٔ رشد یا رغبت ندارند یا اگر دارند خیلی کم است؟؛
۶. اگر درس دینی معلم‌محور باشد، تأثیر این درس از وضع کنونی بدتر می‌شود. زیرا طراحی کتاب پایهٔ دهم بیشتر معلم‌محور است تا دانش‌آموز‌محور.



همکاران متفق‌القول و با تأکید یادآوری کردند، بخش ضمیمهٔ کتاب در کنکور تکلیف مشخصی ندارد. لذا دانش‌آموز نمی‌داند آن را بخواند یا نخواند. این وضعیت، معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌ها را نگران کرده است. نامه‌های زیادی هم نوشته شد که هنوز کسی جوابی، نه از وزارت آموزش و پرورش و نه از وزارت آموزش عالی، به ما نداده است! دوستان همکار گله‌مند بودند که مجله به دستشان نمی‌رسد. خوب است رایگان شود و نیز پیشنهادشان این بود که مطالب کوتاه‌تر و جمع‌بندی شده باشد تا وقت کمتری بگیرد. اگر الکترونیکی بشود خیلی خوب است.

- از زحمتی که برای این جلسه کشیده‌اید، متشکریم.

## خواهران دبیر در دبیرستان‌های اردبیل اگر گفت‌وگوها فرمایشی نباشند، باید تأثیر پیشنهادها را در درس‌ها دید!

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مهدی مروجی

### اشاره

کتاب درسی «دین و زندگی» پایهٔ دهم محمل گفت‌وگوی ما با پنج تن از خواهران دبیر این درس در دبیرستان‌های اردبیل قرار گرفت. این گروه به‌عنوان نمایندگان همکاران خویش، ضمن تأکید بر توجه به روان‌شناسی نسل جوان در گرایش به شادابی و نشاط، بر تغییر رنگ در طرح‌ها و تصویرها و استفاده از روزآمدی آن‌ها اصرار دارند که در آوردن احکام و بایدهای شرعی، به‌ویژه به فلسفهٔ هر یک بپردازند. زیرا دانش‌آموزان در پی کشف علت هر پدیده و آگاهی از منطق درونی هر باید و نبایدی هستند. همکاران در اردبیل بر چگونگی ارزشیابی‌ها نیز انگشت گذاشته و خواستار تغییر وضع کنونی‌اند. می‌گویند نباید احساس کنیم این گفت‌وگوها فرمایشی و فرمالیته‌اند و در عمل بدان‌ها توجهی نمی‌شود!

- همکاران محترمی که در این گفت‌وگوی انتقادی حضور داشتند، عبارت‌اند از:
۱. **پریسا جباری کلخوران:** ۲۵ سال سابقه همکاری با آموزش‌وپرورش دارد. ۱۵ سال در مدارس تهران و ۱۰ سال نیز در مدارس اردبیل و در تمام دوره‌ها تدریس کرده است. ایشان سابقه دو سال تدریس در دانشگاه را هم دارد.
  ۲. **ریاب بالای:** بیشترین زمان ۲۴ سال همکاری وی با آموزش‌وپرورش به تدریس در پایه چهارم دبیرستان (پایه دهم متوسطه دوم) گذشته است.
  ۳. **میترا خان‌بابازاده:** سابقه ممتدی در تدریس معارف، فلسفه و منطق دارد.
  ۴. **صغری مولایی:** ۱۷ سال سابقه آموزش‌وپرورش دارد. دوره‌ها و پایه‌های زیادی تدریس کرده و تجربه معلمی در مدارس خاص را هم دارد. اکنون نیز دانشجوی دوره دکتری قرآن و حدیث است.
  ۵. **سوسن دادوند:** از ۲۱ سال سابقه معلمی، ۲۰ سال آن را برای دین و زندگی دانش‌آموزان وقت گذاشته است.

● از جلد و تصاویر کتاب شروع کنیم. نظر تان را درباره جلد کتاب، قسمت‌های هنری آن، و هر چیزی که می‌تواند به محتوای کتاب کمک کند و به اصطلاح در حوزه جاذبه بصری قرار گیرد، بفرمایید.

○ **ریاب بالای:** «ان الله جمیل و یحبُّ الجمال»: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. ما انسان‌ها هم که منشأیی خدایی داریم، زیبا خلق شده و زیبادوستیم. در این کتاب هم (کتاب پایه دهم دین و زندگی) اکثر آثار هنری خیلی عالی هستند و زیبایی‌های معنوی در تصاویر نشان داده شده‌اند. برای مثال، تصویر صفحه ۷۱ که نشانگر دو گروه بهشتی و دوزخی است، و یک نفر اهل بهشت که نامه عمل خود را بالا برده است. برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهم که فقط نمی‌خواهد نشان بدهند یک نفر کارنامه زندگی خود را بالا نگه داشته، بلکه می‌گوید بیایید نامه اعمال مرا

بخوانید. و یک نفر هم در دوزخ، با توجه به نامه اعمالش، می گوید: ای کاش این نامه اعمال را به من نمی دادند. آن وقت خطاب به دانش آموزان می گویم: برای انسان سربلندی در همه جا لازم است؛ کسی که نامه عملش را در دست راست گرفته، سربلند است و اعمالی که در دنیا انجام داده، در این نامه ثبت شده است.

● آیا همه تصویرهای کتاب دین و زندگی پایه دهم چنین اند که شما می فرمایید؟

○ همان طور که عرض کردم، تا حدودی این ویژگی را دارند.

**جباری کلخوران:** تا حدودی تصاویر کتاب گویای آن مطلبی هستند که محتوای

کتاب در بردارد.

**بالای:** درباره تصویر صفحه ۷۱ صحبت کردم، ولی آیه ای که در کتاب آمده، کاملاً برعکس تصویر است. آیه ای از سوره واقعه را باید در همان صفحه درس هفتم می آوردند، ولی در درس ششم آورده اند. اگر این طور می شد، تصویر، آیه و متن همدیگر را کامل می کردند.

● یعنی توالی حفظ نشده است؟

○ بالای: همین طور است.

**خان بابازاده:** درباره طرح و تصویر باید دنبال به روز کردن و شاداب بودن آنها باشیم. این را یادآوری کنم که تصاویر کتاب به طور صریح پرداخته اند به مجازات و آتش و دوزخ. بشارت نیست و انداز است. قبل از رسیدن به این مرحله، باید خیلی مطالب دیگر داشته باشیم. روی کتاب سیاه است. می شد گل و بلبل باشد و منظره بهشتی زیبا. بنده با کلیت گرافیک و رنگ آمیزی مشکل دارم. نمی پسندم. باید رنگها روشن تر باشند و از سیاهی بیرون بیایند. باید از رنگهای جوان پسند بهره بگیرند. در درس عفاف احساس می کنم با ذهنیت تبعیض وارد شده و فقط عکس زن را

چاپ کرده‌اند. ملاحظه می‌کنید که در راز و نیاز، عکس آقایی را دارد ولی در عفاف عکس خانم است. این موارد را دانش‌آموزان درک می‌کنند و می‌پرسند چرا؟ مولایی: دربارهٔ حجاب و عفاف که عکس خانم را آورده، به این دلیل است که زن بشر را اجتماعی می‌کند. زن تداعی‌گر ملائک است:

«زن اگر پاکی کند پیغمبر است»

«زن اگر معصوم باشد محشر است»

زن اگر حجابش را حفظ کند، مرد نیز حفظ می‌کند. در واقع، حرفم موافقت با بودن عکس خانم است. اما عکس‌ها باید خوش‌رنگ‌تر باشند.

**دادوند:** ضمن تأیید مطالب همکاران، بر به‌روز بودن و خوش‌رنگ‌تر شدن طرح‌ها و تصاویر تأکید دارم، زیرا بچه‌ها، به‌ویژه بچه‌های امروز، بیشتر با تصاویر ارتباط برقرار می‌کنند تا با نوشته. پس تصاویر هر چه با متن درس دین و زندگی مرتبط‌تر باشند، بهتر است. به نظرم حداقل ۵۰ درصد کار تدریس و تفهیم را انجام می‌دهند.

**باباخان‌زاده:** دربارهٔ تصویر بهشت و جهنم و آن نامه‌ای که یکی در دست دارد، به دانش‌آموزان گوشزد می‌کنم نامهٔ اعمال ورق کاغذ یا کتاب نیست، ولی اینجا ورقی به دست طرف داده شده است.

**مولایی:** خواسته تجسم ببخشد، ولی این تصویر گویای واقعیت نیست.

● آیا رسم‌الخط آیات قرآن را در آموزش و خواندن و یادگیری کارآمد می‌دانید؟

دانش‌آموزان با آن مشکل ندارند؟ پیشنهادی در این مورد دارید؟

○ **بالای:** این رسم‌الخط خوب است. قبلاً در قسمت «بیشتر بدانیم»، مطالب را به‌صورت ریز و ناخوانا نوشته بودند. اما امسال شکر خدا این مشکل تا حدودی رفع شده است.

**جباری کلخوران:** بنده هم رسم‌الخط قرآن را خوب و کارآمد می‌دانم.

● برخی از همکاران متفاوت بودن رسم الخط قرآن در کتاب درسی را با رسم الخطهای قرآن‌های رایج در خانه و جامعه سبب دوگانگی می‌دانند که دانش‌آموزان را دچار مشکل می‌کند. آیا شما با این مورد مواجه شده‌اید و فکر می‌کنید این مشکل چه حد است؟

○ مولایی: مشکل این است که روی برخی از حرف‌ها علامت ندارند. برای مثال، در صفحه ۶۳ علامت سکون در کلمه «اصحاب» و «حن» نگذاشته‌اند.

● به این علت است که این رسم الخط به «کم‌علامت» اشتباه دارد. نیامدن سکون به همین دلیل است. زیرا هنگام تلفظ، به‌طور طبیعی سکون آن تلفظ می‌شود.

○ جباری کلخوران: بنده تاکنون یک مورد هم نداشتم که دانش‌آموزی بگوید، به این علت که این رسم الخط با رسم الخطهای دیگر متفاوت است، دچار مشکل می‌شوم.

● آیات منتخب در کتاب درسی پایه دهم این ویژگی را دارند که دانش‌آموزان را ترغیب کنند تا در بیرون از کلاس، در خانه هم به قرآن رجوع کنند و سبب انس با قرآن شوند؟ این آیات منتخب با مشکلات روز هم پیوند دارند و بچه‌ها می‌توانند درباره مسائل زندگی‌شان از آن‌ها استفاده بکنند؟

○ بالای: به نظرم چنین اثری ندارد که دانش‌آموزان را به خواندن قرآن در غیر ساعت کلاس ترغیب کند. اما خودم می‌گویم که هر روز حداقل یک آیه از سوره یاسین را بخوانند، زیرا بچه‌ها با این سوره بیشتر آشنايند. به‌ویژه که ما معلم‌ها باید زمینه علاقه به رجوع به قرآن را در دانش‌آموز به وجود بیاوریم. زیرا بچه‌ها با زبان عربی آشنا نیستند و کمبود وقت کلاس نیز اجازه کار دلخواه را نمی‌دهد.

خان بابازاده: ما بسته و گریخته قرآن را در کلاس قرائت می‌کنیم، زیرا وقت



نداریم و باید مترصد فرصتی باشیم. اگر قرار هم شد، یک تا دو نفر بتوانند قرآن بخوانند که این کار با شأن قرآن کریم مناسبت ندارد. در برخی از جاهای درس نیز ارتباط آیات با متن گسسته است و بینشان هم‌خوانی نیست. لذا ما باید قرآن را از متن سوا کنیم؛ مثل دوره تفکیک قرآن و دینی از هم که گاهی به تفسیر گریز می‌زد و هم‌خوانی‌هایی نیز بین درس دینی و آیات دیده می‌شد. در حال حاضر، بین متن درس و آیات قرآن تا حدی ارتباط وجود ندارد و به حد کفایت، حرمت قرآن حفظ نشده است.

**مولایی:** پیشنهاد می‌کنم آثار مترتب به هر سوره، که در کتاب آیاتی از آن آمده، نیز نوشته می‌شد تا دانش آموز با ویژگی‌های آن سوره آشنا شود. همین آشنایی او را به خواندن سوره‌ها ترغیب می‌کند.

**دادوند:** تأکید داریم که آیات منتخب با متن درس ارتباط مستقیم و کامل داشته باشند، زیرا این کار به یادگیری بچه‌ها خیلی کمک می‌کند.

● بخش تدبر هم در کتاب داریم. آیا این بخش می‌تواند با توجه به تفاوت‌های فردی و سن دانش‌آموزان، آنان را به اندیشیدن و تدبر سوق دهد و زمینه‌ی خلاقیت را به وجود می‌آورد؟

○ **مولایی:** به نظرم، تدبر در کلمات و آیات قرآن، بار فرهنگی هم به وجود می‌آورد. اگر از تفسیرها، مانند المیزان، نور و جوان استفاده شود، میزان تدبر در آیات افزایش می‌یابد.



● آیا شما در کلاس از این بخش استفاده می‌کنید؟

○ **مولایی:** بلی! خود بچه‌ها آزادند اظهار نظر کنند.

**خان بابازاده:** امکان تدبر زمانی وجود دارد که ما دانش‌آموزان را با چرایی مطالب

آشنا کنیم و آنان را به پرسیدن عادت بدهیم. دانش آموز باید فلسفه احکام را بداند تا بتواند بپرسد و تدبیر کند.

● پس شما به بخش تدبیر در کلاس عمل نمی کنید؟

○ **خان بابازاده:** خیر! عمل نمی کنم. محفوظات اجازه این کار را نمی دهد. با ایجاد چالش است که به اندیشیدن و تدبیر نیاز داریم؛ در حالی که وقت این کار را نداریم، ضمن اینکه باید متخصص قرآن و متخصص احکام باشم و آن قدر باید شناخت قوی داشته باشم که بتوانم زمینه چالش را به وجود بیاورم. همچنین، مسائل مبتلا به روز زمینه تدبیر را بیشتر فراهم می کنند. علاقه دانش آموزان هم به مسائل روز بیشتر است.

**بالای:** به این نکته هم توجه کنید که برای این بخش نمره ارزشیابی در نظر نگرفته اند. به همین علت، دانش آموز به تدبیر زیاد بها نمی دهد. به نظر بنده، اگر برخی از قسمت های بخش تدبیر را در متن درس وارد می کردند، بهتر و مفیدتر بود.

● اگر شما به جای مؤلفان کتاب بودید، چه کار می کردید: کدام عنوان ها را حذف می کردید، چرا؟ چه عنوان هایی را اضافه می کردید، چرا؟ متن را تغییر می دادید و درباره موضوع و عنوان اصلی مطالب دیگری می آوردید یا شیوه بیان را دگرگون می کردید؟

○ **خان بابازاده:** البته کتاب نقص ندارد. مطالبش جامع است، ولی مانع نیست. ما می خواهیم بین نسل قبلی با نسل بعدی پیوند برقرار کنیم. باید ببینیم شکاف در کجاست و چرا به وجود آمده است؟ پس لازم است مشکلات این نسل را بدانیم و با آنها دست و پنجه نرم کنیم. بنده هم مادر هستم و هم معلم. یعنی از بُعدی ولی دانش آموزم و از بُعد دیگر اولیای دانش آموزان مخاطب بنده اند. به این علت، بنده و

همانند بنده از دو جهت مسائل و مشکلات را لمس کرده‌اند و می‌شناسند. با این حال، نمی‌دانم چه آفتی دامنگیر جوانان ما شده است که فقط به کنکور فکر می‌کنند و برای قبولی در کنکور درس می‌خوانند. اصلاً کیفیت رها شده است و در چاه کمیت افتاده‌ایم. بخش مهم مشکلات دانش‌آموزان و خانواده‌ها و به‌طور کلی جامعه، از همین کمیت‌اندیشی و رها کردن کیفیت ناشی می‌شود.

● صحبت شما خیلی کلی است. مؤلف نباید کلی‌گویی کند. باید با مصادیق بیان مطلب کند.

○ **خان بابازاده:** مثلاً دانش‌آموزی می‌پرسد «چرا برای نماز باید وضو بگیریم؟» می‌پرسد چرا کتاب «به فلسفه احکام وضو نپرداخته است؟ چرا گناه را از بعد روان‌شناسی و شرعی باز نکرده است؟» دانش‌آموز دنبال فهم احکام دین است. بنابراین، من عنوان «گناه چیست؟» را اضافه می‌کنم، فقط اینکه بگوییم فلان عمل و فلان حرف و فلان ارتباط حرام است، نمی‌پذیرد، زیرا می‌خواهد بداند «چرا حرام است؟»

باید اخلاقیات را هم در کتاب بیاوریم. در کتاب اشارهای به احترام به پدر و مادر نیست. کی باید این موارد را یاد بگیرد؟! اگر والدین خودشان فهمیده و آینده‌نگر باشند، این چیزها را یاد می‌دهند، ولی اگر نباشند، بچه‌ها یاد نمی‌گیرند.

**جباری کلخوران:** من اگر جای مؤلفان کتاب بودم، مباحث روز را در کتاب می‌گجاندم. برای مثال، چگونگی استفاده از ماهواره، حد روابط دختر و پسر یا استفاده از پیشرفت‌های علمی. من معلم دینی جنبه‌های شرعی را قبول دارم و به واجبات عمل می‌کنم، زیرا درسش را خوانده‌ام و تجربه زندگی دارم، ولی جوان امروز فقط آن را درسی می‌بیند که باید بخواند و قبول شود. درس‌ها باید او را راغب کنند که بفهمد چرا باید حد و مرزها را بشناسد و آن‌ها را رعایت کند. باید بتوان فطرت

جوان و نوجوان را تحریک و بیدار کرد. بنده اگر مؤلف بودم، در تمام درس‌ها به چرایی هر باید و نبایدی تأکید می‌کردم.

● عرض کنم، برآورد بنده از کلام همکاران این است که دارید درددل می‌کنید. ما آمده‌ایم این درددل‌ها را بشنویم، ولی باید به موضوع و محتوای کتاب مربوط باشد. شما باید مورد به مورد کتاب را نقد کنید. درددل شما باید با بود و نبود یا ترمیم و اصلاح بخش‌های هر درس همراه باشد، وگرنه کتاب شما هم کارآمد و مفید نخواهد بود.

○ **جباری کلخوران:** عرض کردم. به کتاب ایراد وارد نمی‌دانم، ولی اگر بخواهیم در عرصه آموزش امروز نسلی را پرورش بدهیم، باید و واجب است که به مقتضیات زمان توجه کنیم. اشکال اصلی کتاب به‌روز نبودن موضوع و محتوای آن است. من ۲۵ سال است دارم همین چیزها را می‌گویم؛ باید نیازها و پرسش‌ها و مشکلات روز را بیان کرد. مؤلفان گذشت زمان و تغییر نسل را در نظر نمی‌گیرند. بنده قبلاً هم خدمت دکتر اعتصامی در جلسه‌ای رسیده‌ام. کتاب سال اول را طبق خواسته ایشان نقد و بررسی کردیم و تحویل دادیم.

● **مورد به مورد نقد کنید. بگویید فلان موضوع و درس فلان به چه درد بچه‌ها می‌خورد؟**

○ **خان بابازاده:** دانش‌آموز می‌پرسد خانم من که حمام کردم، تمیزم. دیگر چرا باید وضو بگیرم؟ مگر نمی‌گویید: «النجافة من الايمان» خب، من هم تمیزم! چرا باید وضو بگیرم؟ اینجا است که باید فلسفه وضو را تشریح کرد. بچه‌ها می‌خواهند نکته به نکته احکام را بدانند. چرا باید مسح سر و پا کنند؟

● می‌فرمایید در درس‌ها باید به فلسفه عبادت توجه داشت و آن‌ها را تشریح کرد؟  
○ (همکاران یکصدا: باید به فلسفه احکام و شرعیات، باید و نباید، و بکن و نکن پرداخت. دانش‌آموز می‌خواهد شیرفهم شود. باید راهکار به بچه‌ها داد، صرف باید و نباید کفایت نمی‌کند.)

● تدبر برای همین جاهاست. یکی از همکاران فرمودند باید چالش باشد تا تدبر کنیم. خوب، همه این‌ها مجادله‌برانگیز و چالش‌خیزند. البته روشن است که معلم و به‌ویژه کتاب هم باید زمینه‌ساز باشند.

○ مولایی: اگر مفاهیمی مانند اخلاق و رفتار مناسب، عمل اخلاقی، آرامش روان، اضطراب و تشویش، افزایش زیبایی و جذابیت در اجرای قوانین الهی در متن درس بیاید، به این دلیل که به نیازهای جوان جواب می‌دهد، کار مفیدی است.  
دادوند: با توجه به اینکه ساعات کلاس خیلی کم است، معلم اگر بخواهد به محتوای درس به حد کافی و لازم بپردازد، نمی‌تواند. باید درباره این معضل فکر جدی کرد.

می‌دانیم که دین و زندگی سال دهم برای رشته‌های تجربی و ریاضی با انسانی فرق دارد. در رشته انسانی، درسی به نام «من و صابر»، حجم سنگینی برای دانش‌آموزان دارد. در کتاب‌های علوم تجربی، ابعاد معنوی را تکرار می‌کنند ولی پیش‌نیاز این درس را حذف کرده‌اند. به همین علت، در رشته تجربی نمی‌توان به مفهوم اصلی درس رسید.

جباری کلخوران: سؤال من این است که چرا کتاب رشته انسانی باید با رشته‌های تجربی و ریاضی تفاوت داشته باشد؟ آیا برای دانش‌آموزان رشته انسانی درس دینی مهم‌تر است؟

همکاران یکصدا: این شیوه کار و تفاوت‌گذاری مؤلفان، در واقع به دانش‌آموزان

رشته‌های تجربی و ریاضی می‌فهماند که شما چندان به این چیزها نیاز ندارید. سرتان در کار خودتان باشد!

● کدام‌یک از درس‌های کتاب برای دانش‌آموزان بهترین عنوان و موضوع را دارد؟ و کدام‌یک اگر نبود، اهمیتی نداشت؟

○ **نظر جمع همکاران:** عنوان‌های فضیلت آراستگی و فرجام کار، به‌ویژه در محتوای این درس‌ها، به مقتضای سن توجه شده است و متن با مسائل روز مربوط به جوانان ارتباط دارد.

● مؤلفان در مقدمه کتاب نکاتی را دربارهٔ تدریس آورده‌اند و مدعی شده‌اند، اگر همکاران معلم این نکات را در تدریس، رعایت کنند، به هدف‌های تدریس براساس عنوان‌ها و محتوای کتاب خواهیم رسید. شما چقدر با این یادآوری موافق هستید؟

○ **جباری کلخوران:** ببینید، دو ساعت از وقت کم شده است. آنچه را دربارهٔ روش تدریس به معلم گفته‌اند، امکان اجرایش به‌طور کامل فراهم نیست. به‌ویژه که هفته‌ای یک جلسه کلاس داریم و نمی‌توان مطابق یادآوری‌های مقدمه کار کرد. شیوه‌ای هم که مطابق فرم برای ارزشیابی داریم پاسخ‌گو نیست. من همین که بخواهم دو تا سؤال از دانش‌آموز بپرسم، وقت تمام می‌شود. اگر ارزشیابی را مطابق ۲۰ نمره در اختیار معلم بگذارند، در رسیدگی به کلاس به معلم کمک می‌شود.

**بالای:** نمرهٔ اندیشه و تحقیق چهار نمره است، آن هم برای دو تا پرسش. این را باید دو نمره می‌کردند و دو نمره هم برای سؤال از متن قائل می‌شدند.

**مولایی:** بهتر بود در کتاب می‌پرسیدند، نظر شما دربارهٔ شیطان و گناه کردن چیست؟ یا چه کارهایی مانع گناه کردن ما می‌شوند؟ به نظر، اگر سؤال استنباطی

باشد، بهتر از سؤال‌های اندیشه و تحقیق است.

**دادوند:** با توجه به تغییر دوره تحصیلی دانش‌آموزان، آنان باید دو صفحه مقدمه کتاب را بخوانند و بعد وارد درس اصلی بشوند. زیرا این مقدمه اهداف و خواسته‌ها را بیان می‌کند و دانش‌آموزان باید ابتدا با این موارد آشنا شوند.

● **مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی** به نام شما و برای شما تولید می‌شود. اگر در حال حاضر به آن نمره کمی می‌دهید، باز به شما برمی‌گردد. هدف بالا بردن این نمره است و این کار نیز با همکاری تک تک شما ممکن می‌شود. درباره کیفیت مطالب، خلأ موجود، چگونگی توزیع و... اظهار نظر بفرمایید.

○ **جباری کلخوران:** بنده از این مجله استفاده می‌کنم و به آن علاقه هم دارم؛ به‌ویژه که مدرسه چند سالی است آن را به رایگان به ما می‌دهد. پیشنهاد می‌کنم برای افزایش مخاطب سؤال‌هایی در هر شماره مطرح شوند و جواب‌ها را از مخاطب بخواهید تا قبل از شماره بعدی به دفتر مجله بفرستند که در شماره بعدی به آن پرداخته شود.

**خان بابازاده:** در مجله به معلمان و نظراتشان بها بدهید و نوشته‌های آنان را به نام خودشان چاپ کنید. ضمن اینکه مسیر تأیید مقاله را کوتاه‌تر کنید.

● **این کار تاکنون انجام شده است.** مقاله با نام فرستنده‌اش چاپ می‌شود.

○ **مولایی:** بنده خیلی می‌نویسم، ولی تا به حال برای مجله رشد مطلبی نفرستاده‌ام.

● **چرا این مجله خودتان است!** بفرستید تا همکاران هم استفاده کنند.

○ **دادوند:** به نظرم باید مطالب مجله رشد با متن درس‌ها مرتبط باشند تا در تدریس به همکاران کمک کنند.

● رسیده‌ایم به بخش «هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو»!  
○ بالای: این گفت‌وگوها و وقت گذاشتن‌ها فرمالیته و صوری نباشد. واقعاً حداقل یکی دو مورد از انتقادات، پیشنهادهای و خواسته‌های همکاران اجابت و در کتاب درسی لحاظ شود.

● متشکریم، موفق باشید.



## کتاب‌های دوره آموزش متوسطه اول در بوته نقد

### گپ‌وگفت با معلمان اهل سنت

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مهدی مروجی

#### اشاره

فروزان میره‌وند، با ۲۱ سال سابقه تدریس در دوره‌های متوسطه اول و دوم، که یک مرکز پیش‌دبستانی را نیز مدیریت می‌کند. بهاره جعفری، دارای مدرک کارشناسی دینی و عربی، کارشناسی ارشد مدیریت و دانشجوی دوره دکترای مدیریت اجرایی است که اکنون در «مدرسه نمونه دولتی شهید مرادی» سنندج تدریس می‌کند. و فرشته علی بهشتی، با مدرک کارشناسی ارشد الهیات و فقه شافعی و ۲۰ سال سابقه تدریس، در حال حاضر در مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی تدریس می‌کند. این سه تن از معلمان با سابقه‌اند که آرای خود را با خبرنگاران فصل‌نامه «رشد آموزش قرآن و معارف دینی» درباره کتاب «پیام‌های آسمان» پایه اول در میان گذاشتند. آنچه می‌خوانید نتیجه تجربه ایشان در تدریس این کتاب است.

شما کتاب «پیام‌های آسمان» را تدریس می‌کنید، اما سؤال ما شما را در جایگاه مؤلف می‌نشانند. بفرمایید، اگر شما مؤلف بودید، چه تغییراتی در کتاب به‌وجود می‌آوردید؟ در عناوین شانزده‌گانه درس‌ها؛ در محتوای زیرعنوان‌ها؛ در بخش تدبیر؛ فعالیت‌ها؛ بیشتر بدانید؛ و در بخش پیشنهاد.

**جعفری:** کتاب پایه هفتم با عنوان پیام آسمان، متن و حجم زیادی برای دانش‌آموز دارد. معمولاً در تألیف کتاب‌های درسی از معلمان مربوط استفاده می‌شود، اما در کتاب پیام‌های آسمان، براساس نوع نگارش و ... مشهود است که از معلمان دوره‌های سه‌گانه، مخصوصاً ابتدایی به‌درستی استفاده نشده است و دارای ارتباط مؤثر نبوده‌اند. از جمله مزایای کتاب این است که معلم یا دانش‌آموز را از حالت انفعالی و فقط شنونده بودن خارج می‌کند و او را وامی‌دارد، در بحث و گفت‌وگو شرکت کند. بحث و گفت‌وگو همه به وقت نیاز دارد؛ به‌ویژه که دانش‌آموز دوست دارد، در مواردی مثل احکام و اخلاق بحث کند. در دنیای امروز که دغدغه اخلاقی داریم. معلم خیلی تأثیرگذار است. اگر وقت باشد که دانش‌آموز در کلاس بحث کند، خیلی مثرتر خواهد بود.

برخی از قسمت‌های کتاب برای دانش‌آموز پایه هفتم ثقیل است و قابل فهم نیست. کتاب خیلی خشک است. نه تصویر مناسب و نه جاذبه‌ای دارد تا رغبت دانش‌آموز را برانگیزد. دانش‌آموز فقط مطالب را می‌خواند و حفظ می‌کند تا برای رفتن به کلاس بالاتر نمره بگیرد. قسمت تحقیق و پیشنهاد باید در اختیار معلم باشد، نه کتاب. یعنی معلم موضوع را مشخص کند نه کتاب. در بخش قرآن، بهتر است دانش‌آموز تمرین‌ها را بررسی کند و جواب بدهد و این کار را کتاب نکند. «معانی کمکی» اشکالی ایجاد نمی‌کند، اما به صورت جمله‌ای به رنگ آبی که توسط مؤلفان در کتاب نوشته شده است، نه تنها کارایی ندارد، بلکه اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

**علی بهشتی:** مثال‌های کتاب، عینی‌تر و به‌روز شوند. داستان‌ها برایم جالب‌اند، اما

مثل‌ها خیلی قدیمی هستند، در حالی که مطالب دینی باید با زندگی بچه‌ها عجین شوند. بچه‌ها که از مدرسه به خانه می‌روند، باید درباره آن‌ها فکر کنند، نه اینکه در آخر درس کلاس، کتاب را ببندند و بعد وقت امتحان آن را حفظ کنند. مثال‌ها باید درباره فضای مجازی هم باشند تا بچه‌ها بتوانند راحت‌تر آن را در پیوند با زندگی‌شان ببینند

**میره‌وند:** یکی از اشتباهات نظام آموزشی ما، عدم تلفیق آیات قرآن با زندگی عملی است. تا آن حد که قرآن کریم به تنهایی به کنجی رانده شده است و تا حالت کلیشه‌ای و تشریفاتی بیابد اما سعی نشده است، بحث‌ها و تبادل نظرهای جمع‌ها و همایش‌ها و حتی جمع‌های فضای مجازی، به دروس دینی راه پیدا کند. بیشتر درس‌های دینی نظری است. دلیل کم‌توجهی نوجوانان و جوانان همه ریشه سیاسی اجتماعی دارد و نه اعتقادی. می‌توان ضمن تدریس علوم اجتماعی، زیست‌شناسی و ریاضیات و غیره، مفاهیم قرآنی را هم لحاظ کرد و شانه به شانه در طول سال تحصیلی آن را به جلو برد و تقویت کرد.

برای مقطع نوجوانی و به‌منظور پاسخ دینی به بسیاری از سؤال‌های نوظهور، باید کار گروهی متشکل از فقیه، روان‌شناس، جامعه‌شناس و متخصصان مسلط به علوم روز و با بهره‌گیری از ادوات نوین آموزشی تشکیل شود. اما کتاب دینی پایه هفتم در این زمینه کمتر کاربردی دارد و در روند اخلاقی دانش‌آموز من هیچ تأثیری نمی‌گذارد. همچنان که خانم جعفری فرمودند، فقط حفظ می‌کنند و نمره می‌گیرند و تمام.

بنده که معلمی با ۲۱ سال سابقه تدریس هستم، ۱۲ درس تدوین کرده‌ام تا در کلاس پایه هفتم تدریس شوند. درس‌ها از این قرارند: درس اول: اثبات وجود خدا؛ درس دوم: حضرت آدم؛ درس سوم: هستی؛ درس چهارم: حقانیت پیامبر (ص)؛ درس پنجم: وحی؛ درس ششم: معجزات؛ درس هفتم: اسلام؛ درس هشتم: توحید؛

درس نهم: انحراف در بشریت؛ درس دهم: یهودیت؛ درس یازدهم: مسیحیت؛ درس دوازدهم: معاد.

طی ۲۰ جلسه این ۱۲ موضوع در مراکز آزاد علمی تدریس می‌شوند. با اجازه شما درس اول را توضیح می‌دهم. درس باید با آیات قرآنی متناسب با موضوع شروع شود. درس اول با این آیه قرآنی آغاز می‌شود که خداوند می‌فرماید: «انتم تخلقونهُ ام نحن الخالقون (واقعه/ ۵۹): آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم؟!»

این آیه درباره اصل موضوع است. سپس نکاتی درباره اثبات وجود خداوند یا داستان‌هایی را در این مورد مطرح می‌کنم تا برای دانش‌آموز عینی شود. مثل این داستان که یکی از بزرگان فرموده است: «روزی عده‌ای بی‌باوران به وجود خدا، پیش وی آمدند و پرسیدند: چگونه ذات الهی را برای ما اثبات می‌کنی؟»

ایشان هم فرمودند: به من خبر رسیده که یک کشتی همراه با آذوقه و بار، بدون خدمه و ملوان و ناخدا روان است و راه خودش را به‌سوی بندر طی می‌کند.

گفتند: چنین چیزی محال است و شما دارید مزاح می‌کنید!

ایشان گفت: اگر چنین چیزی محال است، چطور جهانی با این عظمت و پهناوری و این همه حوادث و مخلوقات بدون هیچ‌سکان‌دار و خدایی است؟

بعد از شنیدن این سخن، همه آنان مسلمان شدند.»

با شنیدن این حرف‌ها، دانش‌آموز به فکر فرو می‌رود و به نتیجه می‌رسد که خداوندی هست. برای هر درس هم داستانی از بزرگان یا امامان را می‌آوریم. امام جعفر صادق که امام شافعی شاگرد ایشان بود، چه‌طور می‌شود این‌قدر شاگرد در اطراف ایشان باشد؟ یعنی حرف‌ها را در قالب داستان و روایت بیان می‌کردند.

ممکن است برای اثبات کلام خودتان نمونه روشنی از کتاب بیاورید؟ گرچه دارید محتوای کل کتاب را نقد می‌کنید.

میرهوند: وقتی می‌خواهم کتاب را تدریس کنم، به دانش‌آموزان می‌گویم، زود کتاب را باز کنید و در مدت یک ربع به سؤال‌ها پاسخ می‌دهم. بعد می‌گویم کتاب را ببینید. آن وقت درس را با وارد کردن بچه‌ها به دنیای حقایق امروز ادامه می‌دهم و هر جلسه اعلام می‌کنم، یک ربع اول جلسه آینده را از شما امتحان کتبی می‌گیرم. امتحان هم همان سؤال و جواب‌هایی است که مطرح شد و تمام دانش‌آموزان نمره ۱۷ به بالا می‌گیرند.

بعد برنامه‌ای را اجرا می‌کنم که اصول اعتقادی دانش‌آموز را بالا ببرم. من سال گذشته برای تعلیم قرآن کریم وقتی به کتاب رجوع کردم، دیدم هیچ تفسیری ندارد و نمی‌توانم در هر کلاس، آیه‌ای را درس بدهم که دانش‌آموز آن را ملاک زندگی خودش قرار بدهد. متوجه شدم، هدف فقط روخوانی و ترجمه است. گفتم اگر هدف مؤلفان فقط روخوانی کتاب با استفاده از ترجمه است، پس در هر جلسه، یک تا دو صفحه معنای واژه‌ها را می‌گویم و از دانش‌آموزان می‌خواهم که واژه‌ها را یاد بگیرند و حفظ کنند.

با کمک مدرسه و خیران برای ۱۵ شاگردی که در پایه‌های اول، دوم و سوم داشتیم، ۱۵ جلد کتاب قرآن تهیه کردم و به آن‌ها دادم. روز اول گفتم: بچه‌ها امروز باید تا آیه ۱۵۰ سوره بقره خوانده شود و هر کدام از شما هم بخوانید. گفتند: آمادگی نداریم. قلم قرآن داشتیم. با استفاده از آن، همه تلاوت می‌کردیم. بعد می‌باید در خانه هم ۱۰۰ آیه بعدی را بخوانند تا موفق شوند قرآن کامل را در طول سال تحصیلی ختم کنند. گفتم در اردیبهشت یا نوروز به مناسبت ختم کامل قرآن می‌خواهم جشنی برگزار کنم.

این برنامه - الحمدلله - در پایان فروردین و اول اردیبهشت به صورت کامل اجرا شد. با همکاری مدیر مدرسه، برای بچه‌ها تقدیرنامه چاپ کردم، محل جشن را تزئین کردم و از بچه‌ها در لباس کردی عکس گرفتیم. بعد به هر کدام یک قطعه عکس

و تقدیرنامهٔ ختم قرآن را اهدا کردم. بچه‌ها خیلی راحت قرآن را ترجمه می‌کردند. در تدریس قرآن ابتدا یک آیه را می‌آورم. برای مثال، دربارهٔ غیبت کردن این آیه را (آیهٔ ۱۲) از سورهٔ حجرات می‌آورم: «ولا یغتب بعضکم بعضاً ایحب احدکم أن یاکل لحم اخیه میتاً فکرمتهموه.» معنی دو تا لغت مشکل «لا یغتب» و «لحم» را می‌گویم و بعد تفسیر می‌کنم و فواید تربیتی را بیان می‌کنم:

۱. مؤمنان برادران یکدیگرند و حفظ و پاس‌داری از این اخوت واجب است.
۲. هر سخن یا حرکتی که سبب تضعیف یا سستی این روابط شود، حرام است.
۳. برخی از اعمالی که سبب می‌شوند، بین مسلمانان رابطهٔ عداوت و کینه‌توزی به‌وجود بیاورد، عبارت‌اند از: غیبت؛ گمان بد بردن؛ افترا؛ سخن‌چینی؛ لقب‌تراشی؛ تجسس.
۴. غیبت یعنی در غیاب مسلمان چیزی بگویی که اگر به گوشش برسد، ناراحت شود.
۵. غیبت حرام است چه در مورد خود فرد باشد، چه در مورد شخصی از اعضای خانواده و فرزندان.

آیه را هم می‌گویم تا حفظ کنند. روخوانی هم می‌کنیم و بقیه را باید در منزل انجام دهند. پس هدف حفظ آیه است و اینکه پیامش را دریابند تا وقتی به فرض مادرش غیبت می‌کند، بگوید این آیهٔ قرآن است که سفارش می‌کند، غیبت نکنید و آن را از حفظ بخواند.

اگر واقعاً می‌خواهیم برای بچه‌ها آموزش عقیدتی داشته باشیم، راهش این است.  
**علی بهشتی:** مطالب شما خیلی واضح و متین بود. بنده با شما موافقم.

در مقدمهٔ کتاب پایهٔ هفتم، مؤلفان مطالبی را خطاب به دانش‌آموزان آورده‌اند. از جمله اینکه پیام‌های آسمان می‌خواهند راه درست زندگی را به شما نشان دهند، خداوند مهربان را به شما معرفی کنند و به شما بگویند، به چه علت از خداوند در کارهای تان کمک می‌خواهید. اضافه می‌کنند: چه هنگام بالغ می‌شوید؟ وظیفه تان

در دوران بلوغ چیست؟ و ... به نظر شما که مدرس این درس هستید، آیا این اهداف از طریق محتوای کتاب محقق می‌شوند؟

**علی بهشتی:** به این علت که کلی گفته شده، محتوای کتاب نتوانسته است اهداف موردنظر را محقق کند. یعنی به مطالب دیگری توجه شده است. **جعفری:** کتاب از این شاخه به آن شاخه می‌پرد، ضمن آنکه خیلی کلی است. بنده برای تکمیل درس کارشناس دعوت می‌کردم، زیرا مطالب کتاب کافی نیست. یا وسیله کمک آموزشی درست می‌کردم تا دانش‌آموزان متوجه می‌شدند که تأثیر خوبی هم داشت.

همکار محترم، سرکار خانم میره‌وند، همان ابتدا نظرش را درباره کل کتاب بیان داشت. اگر بخواهید می‌توانید به موردی بپردازید تا نظر تان را کامل کند. **میره‌وند:** آنچه را شما از مقدمه کتاب بیان داشتید، فقط جنبه نظری دارد و معلوم نیست چقدر در عمل به کار بیاید.

**علی بهشتی:** ایرادهایی مثل این مورد دارد. وقتی در کتاب می‌خواهند درباره آیه‌ای توضیح بدهند، مفهوم آیه را دقیق بیان نمی‌کنند. در آیه‌ای مربوط به کمک کردن، معنی و مفهوم آیه را کامل بیان نکرده‌اند. حتی داستان کتاب نیز با متن آن فرق دارد.

در مقدمه به رویکرد جدید اشاره کرده‌اند که عبارت از جلب مشارکت دانش‌آموزان و سهیم کردن آنان در کار تدریس است و از همکاران معلم خواسته‌اند که ۴۰ دقیقه از وقت کلاس را به این رویکرد اختصاص بدهند تا یاد دهی و یادگیری آسان شود و دانش‌آموز هم در کلاس فعال باشد. آیا امکان تحقق این هدف مؤلفان را در کلاس دارید؟

**علی بهشتی:** دانش آموز یا باید کنفرانس بدهد یا نمایش اجرا کند. اگر خواهد نمایش اجرا کند، برخی از داستان‌های کتاب برای مثلاً ۱۰ دقیقه قابلیت اجرا و انتقال پیام ندارند، زیرا خود داستان نیز در انتقال پیام به سختی افتاده است. اگر قرار باشد دو نفر کنفرانس بدهند، همین دو نفر درس را حفظ کرده‌اند، ولی بقیه دانش‌آموزان در این فضا نیستند. حتی معلم شاید با اجبار بتواند توجه دانش‌آموزان را به درس جلب کند. بنده کمتر دینی تدریس می‌کنم، بلکه بیشتر قرآن درس می‌دهم. برای جلب توجه دانش‌آموزان به این درس، هر جلسه فیلم‌های مناسبی را نمایش می‌دهم. یا مهارت زندگی را به تماشا می‌گذارم یا از سی‌دی‌های «مناسب» استفاده می‌کنم و هر جلسه یک ربع را به آن اختصاص می‌دهم. پس از دیدن فیلم نیز نظرشان را بیان می‌کنند.

شما که بیشتر قرآن تدریس می‌کنید، نظرتان را درباره رسم الخط آن هم بیان بفرمایید.

**علی بهشتی:** رسم الخط قرآن مدارس با رسم الخط عمومی قرآن تفاوت دارد. وقتی می‌خواهم که قرآن کامل را همراه بیاورند، می‌بینیم در اعراب‌گذاری این دو تفاوت وجود دارد. دانش‌آموزان که علت آن را نمی‌دانند، حیران می‌مانند و دلیل این تفاوت را می‌پرسند. آن وقت باید درباره علائم وقف و به‌طور کامل درباره تجوید توضیح بدهم تا یاد بگیرند؛ قرآن کامل علامت‌گذاری‌های دقیق‌تری دارد، ولی قرآن مدارس چنین نیست. قصد مؤلفان ساده‌سازی است. ولی وقتی قرآن را می‌خوانم، دانش‌آموز دقت دارد و می‌پرسد: «چرا این جور می‌خوانی؟» می‌گویم: من که با اعراب و علائم قرآن کامل آشنایی دارم، این‌طور می‌خوانم.

این نوع نگارش به نگارش کم‌علامت معروف شده است. می‌خواهند دانش‌آموزان از پایه با این روش قرآن را بخوانند و یاد بگیرند. تجربه تازه‌ای است. برخلاف قرآن‌های



دیگر که پر از اعراب و علائم‌اند و حتی افراد باتجربه را در قرائت دچار مشکل می‌کنند. می‌گویند آموزش با این رسم‌الخط آسان‌تر است و هنگام قرائت نیز امکان اشتباه سهوی خیلی کاهش می‌یابد. آنجا چشم خیلی باید روی علائم متمرکز شود، ولی در شیوه نگارش جدید ذهن فعال می‌شود. به هر حال هنوز جای نقد دارد. لذا از این به بعد هم باید آن را مورد توجه قرار داد و در نقد لحاظ کرد.

**علی بهشتی:** نکته‌ی درستی است که می‌فرمایید، اما باید به مخاطب توجه داشت، باید دید مخاطب ما کیست و چقدر زمینه پذیرش دارد. متأسفانه خیلی از بچه‌هایی که از دوره ابتدایی وارد کلاس هفتم می‌شوند، اصلاً بلد نیستند قرآن بخوانند. «ا» را از «ا» تشخیص نمی‌دهند. یعنی در دوره ابتدایی روی قرآن‌آموزی کار لازم انجام نمی‌شود. چرا؟ زیرا آزمون تیزهوشان یا آزمون مدارس نمونه دولتی دارند! دانش‌آموزان همیشه می‌گویند: خانم کلاس قرآن ما را به معلم ریاضی می‌دهند! یا وقت قرآن را به دبیر علوم می‌دهند. یا می‌گویند: از بیرون معلم آوردند و زنگ قرآن با ما «تست‌زنی» کار می‌کند.

به ناچار در جلسه اول باید کلمات قرآن را به همان روش مکتب‌خانه‌ای هجی کنیم. بچه‌ای که به مکتب‌خانه می‌رفت، در شش ماه قرآن را کامل یاد می‌گرفت. بنده خودم با روش هجی کردن قرآن را یاد گرفتم. خیلی هم عالی بود. یکی از دانش‌آموز بنده در اول دبیرستان، حتی یک سطر قرآن را نمی‌توانست بخواند.

**جعفری:** بنده ترجمه تصویری قرآن را تجربه کرده‌ام. یعنی آیه‌ای را به دانش‌آموز می‌دهم و می‌گویم آنچه از آیه متوجه شده‌ای، به صورت تصویر نشان بده! از طریق شکل خطوط و رنگی که به کار می‌برد، فهم خود را بیان می‌کند. متأسفانه در کتاب اصلاً به تصویر توجهی نشده است. وقتی دانش‌آموز بتواند با این روش حتی روی یک آیه کار کند، خیلی با ارزش است؛ زیرا زمینه استعداد دانش‌آموز نیز کشف می‌شود. **میرهوند:** خواهر علی بهشتی درباره مشکلات کلاس قرآن فرمودند. خوب این

اشکال مدیریت در ادارهٔ مدرسه را نشان می‌دهد. ولی از نظر بنده رسم‌الخط قرآن مدرسه عالی است. دختر خودم کلاس اول ابتدایی است. به معلم دخترم گفتم: هیچ کار آموزشی با دخترم نمی‌کنم، ولی با استفاده از همین رسم‌الخط و در نتیجهٔ آموزش مدرسه، قشنگ می‌تواند قرآن را بخواند. شکر خدا این رسم‌الخط خیلی موفق است.

بنده از کلاس قرآن، پنج دقیقه را هم اجازه نمی‌دهم، به درس دیگر بپردازند. متأسفانه مدیریت مدارس توجهی ندارند، باید معلم دینی و قرآن اجازهٔ چنین کاری را ندهد. به‌نظرم این رسم‌الخط اقدام خوبی است و از حسنات جاریه است.

**علی بهشتی:** لازم است یادآور شوم که حجم آیات کتاب زیاد است. ضمن اینکه مفاهیم آن تکراری‌اند. اکثر آنچه آورده‌اند، سؤال برانگیزند.

**میرهوند:** اصلاً چیزی به‌عنوان مفاهیم به‌عنوان توضیح آیات ندارد.

دربارهٔ بخش فعالیت‌ها نیز در مقدمه نکاتی آمده است و نیز دربارهٔ بخش «بیشتر بدانیم»، بخش «پیشنهاد» و بخش «الهی». آیا هر یک از این بخش‌ها، یاددهی و یادگیری را آسان می‌کنند؟

**علی بهشتی:** در مواردی خیلی کم!

**جعفری:** می‌تواند، به شرطی که جابه‌جا شود.

چه‌طور جابه‌جا شود؟

**جعفری:** «بیشتر بدانیم» در اول درس قرار بگیرد تا در دانش‌آموز ایجاد انگیزه بکند.

**علی بهشتی:** من قبول ندارم، زیرا دانش‌آموز اصلاً آن را نمی‌خواند.

**جعفری:** وقتی در ابتدای درس قرار بگیرد که زندگی یکی از بزرگان دینی را

بیان می‌کند، در دانش‌آموز انگیزه ایجاد می‌کند. ما سر کلاس با تنظیم وقت، حتماً

«بیشتر بدانیم» را می‌خوانیم. بخش «الهی» را به صورت خاصی می‌خوانیم؛ به صورت گروهی یا در قالب سرود و از آن مطلب خاصی استنتاج می‌شود. لذا باید در اول کتاب بیاید و همراه با ایجاد انگیزه تا یادگیری دانش‌آموز را افزایش دهد. دانش‌آموز داستان را که می‌خواند، به درس هم توجه بیشتر می‌کند تا بداند درس درباره چه موضوعی است. پارسال درس اول کتاب «شکرگزاری» بود. با دانش‌آموزان بعد از پیش‌مطالعه‌ای که داشتند، رفتیم به نانوایی پدر یکی از دانش‌آموزان. آنجا همه دیدند که چه طور با زحمت زیاد و عرق جبین نان را آماده می‌کنند. آن وقت متوجه شدند که نباید نانی را که به خانه می‌آید و حتی خرده‌ریزها را اسراف بکنند. مادر یکی از دانش‌آموزان به من می‌گفت: ما دیگر نان دورریز در خانه نداریم. اگر نانی باشد که واقعاً قابل استفاده نباشد، جلوی پرندگان می‌ریزیم. لذا من بدون برنامه مناسب برای هر درس به سرکلاس نمی‌روم. ولی اگر حجم کتاب کمتر بشود، با توجه به تنگنای وقت، مفیدتر خواهد بود.

**میرهوند:** همان‌طور که عرض کردم و خانم جعفری فرمودند، برای اثبات وجود خدا، فکر کردیم یک داستان واقعی را نقل کنیم. داستان برای دانش‌آموز پایه هفتم خیلی مهم است و همین بخش «بیشتر بدانیم» کتاب، پایه یادگیری دانش‌آموز است. البته اگر پس از آوردن یک آیه داستان بیاید، دانش‌آموز درک می‌کند و «پیام»‌هایش را در می‌یابد. لذا دیگر بخش‌ها را اضافه می‌دانم، اما می‌گویم بروید تحقیق کنید و روایت و داستان‌های دیگری از بزرگان و پیشوایان دینی پیدا کنید که مثل همین داستان بخش بیشتر بدانیم باشد و بیاورید سرکلاس بخوانید. هر جلسه یکی دو نفر می‌آورند و می‌خوانند که برای اثبات وجود خدا، خوب و مفید بود.

برای اینکه بچه‌ها با کتاب‌ها هم آشنا شوند، پس از تشکیل جلسه‌ای با والدین در اول سال، دانش‌آموزان را به مرکز خرید کتاب سنندج می‌برم.

**علی بهشتی:** همکار محترم میرهوند درست می‌فرمایند. ای کاش در چندین

درس چنین داستان‌هایی باشد تا همهٔ معلمان بتوانند این کار را بکنند. اما من که در مدرسهٔ تیزهوشان تدریس می‌کنم، اگر بخواهم بچه‌ها را از در حیات مدرسه بیرون ببرم. باید مجوز داشته باشم. بارها خواسته‌ام بچه‌ها را به مسجدی ببرم که همسایهٔ مدرسه است، گفته‌اند باید رضایت کتبی والدین باشد که کار مشکلی است.

**جعفری:** ما در آموزش و پرورش «سند تحول بنیادین» داریم. در این سند روی ایجاد عدالت آموزشی تأکید شده است. بهره‌مندی دانش‌آموزان از آموزش می‌تواند نمونه‌ای از این عدالت باشد. یکی دیگر از مصادیق عدالت آموزشی، برخورداری دانش‌آموزان از احکام است. لطفاً به گوش مسئولان برسانید، در قسمتی از کتاب، احکام دینی (اهل سنت و اهل تشیع) حتماً بیاید. به ویژه اگر در پایان کتاب احکام را بیاورند، خیلی بهتر است.

**نظر شما را همکاران آقا نیز یادآوری کردند.**

**جعفری:** سند بنیادین باید عملیاتی و اجرا شود، و گرنه هیچ فایده‌ای ندارد و تمام زحمات به هدر می‌روند. یکی از اهداف سند تربیت انسان وارسته و ملتزم به اصول اخلاقی و دینی است. ما باید دانش‌آموز را برای ظهور منجی آماده کنیم. وقتی دانش‌آموز شاهد اختلافات باشد و ببیند این و آن یکدیگر را قبول ندارند، نمی‌تواند برای آن هدف موردنظر آماده شود.

۱۰۷

**علی بهشتی:** من همیشه احکام هر دو گروه را برای همهٔ بچه‌ها بیان می‌کنم. هم اهل تشیع و هم اهل تسنن در کلاس حضور دارند و خیلی هم خوب است. لذا باید دقت کرد که لزومی ندارد احکام اختلافی در جزئیات بیایند.

این مورد را هم یادآوری کنیم: بهتر است، «ضمیمهٔ کتاب» پیام‌های آسمان اول سال همراه کتاب باشد تا دانش‌آموزان آن را از جلسهٔ اول داشته باشند. معمولاً آذرماه ضمیمه در دسترس قرار می‌گیرد و اول سال ناچار می‌شویم از آن به تعداد اعضای

کلاس کیبی تهیه کنیم. اگر ضمیمه کتاب نباشد، نمی‌توانیم تدریس کنیم.  
**میرهوند:** طرحی که برای موضوع‌های کتاب درسی خدمت شما داده‌ام (۱). اثبات وجود خدا، ۲. آدم و ... اهمیت دارد، زیرا بچه‌ها احکام را در خانواده یاد می‌گیرند. اثبات وجود خدا برای همه لازم است. حتی اگر یک نفر مسیحی هم سر کلاس بیاید، متوجه می‌شود که بحث اعتقادی مسلمانان جدی است.

البته خواسته شما قابل توجه است، ولی باید عنایت کرد که در همین زمینه دیدگاه دیگری هم مبنی بر لزوم آموزش احکام دینی وجود دارد که باید به آن دیدگاه هم توجه شود.

**میرهوند:** بنده هم مطرح کردم تا نقطه‌ای باشد برای آغاز تفکری که ان‌شاءالله همه چیز بین مسلمانان به سمت هم‌گرایی و وحدت سوق پیدا کند و خدای نکرده مفاد اختلافی در کتاب درسی نباشد.

نویسنده برای آسان‌سازی یاددهی و یادگیری از امکانات متفاوت مثل تصویر استفاده می‌کند. به‌نظر شما بعد هنری و کار گرافیکی کتاب (طراحی صفحه، استفاده از طرح و تصویر، اندازه حروف، عنوان‌های میان‌متنی و ...) در خدمت هدف درس و در راستای آموزش مناسب قرار دارند؟ آیا عنوان کتاب «پیام‌های آسمان» با محتوای کتاب هم‌خوانی دارد؟

**علی بهشتی:** روی جلد کتاب طرح مسجدی را آورده‌اند که گرچه جالب است، ولی به بچه‌ها القا می‌کند که دین را در نماز خواندن خلاصه کنند. در حالی که دین باید در زندگی جریان بیابد و مبنای اخلاق قرار بگیرد. آموزه‌های دینی باید در رفتار پدر و مادر مشهود باشد. دین این نیست که فقط در رفتار کسی که در مسجد نماز می‌خواند، تجلی بیابد و کسی که در خانه نماز می‌خواند، فکر کنیم چنین نیست.

تصویر اهمیت دارد. شما تصویرهای کتاب‌هایی را که در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی تدریس می‌کنند، ببینید. خیلی جذاب‌تر از تصویرهای کتاب‌های دینی مدارس است. آن‌ها با دیدن آن عکس‌ها بهتر متوجه درس می‌شوند.

آنان در کنار مؤلف، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان را دارند و کتاب را با دید روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تألیف می‌کنند. ما این موارد را یا نداریم یا کم داریم. **میرهوند:** همان‌طور که می‌فرمایید، باید تمام کارشناسان مناسب موضوع دور هم جمع شوند. به نظرم عنوان کتاب باید تغییر کند. عنوان «دین و زندگی» بهتر است که جای «پیام‌های آسمان» را بگیرد. وقتی به بچه‌ها گفتم، شما از نظر دین‌داری چه نمره‌ای به خودتان می‌دهید، به غیر از یکی از بچه که به خودش نمره ۱۷ داد، بقیه ۹، ۱۰ و ۱۱ به خودشان دادند. پرسیدم: چه کسی گفته است که شما دین ندارید؟ گفتند: این نمره ورود ما به جهنم است. گفتم: چنین نیست، بلکه نمره‌های شما ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ است. رحمت خداوند خیلی زیاد است، به شرطی که خودتان هم تلاش کنید که به خداوند نزدیک شوید. بعد یکی پرسید: «خانم من می‌توانم با کت و شلوار نماز را بخوانم؟ مادرم مسخره‌ام می‌کند!» گفتم: «آری می‌توانی بخوانی.» با بچه‌ها باید به زبان خودشان صحبت کرد.

نگاه کنید به تصویرهای کتاب، همه یک نوع لباس دارند.

**علی بهشتی:** دانش‌آموزانی که این تصویرها و طرح‌ها را می‌بینند، می‌گویند این‌ها مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش‌اند و با زمان ما ارتباطی ندارند.

آیات کتاب درسی قرآن خیلی زیادند و من در کنارش تفسیر و داستان زندگی پیغمبران را می‌گویم. خودم یک «سی‌دی» با محتوای تمام آیاتی که مربوط به معجزه‌اند، فراهم کرده‌ام. می‌گویم، بچه‌ها قرآن فقط برای خواندن و کسب ثواب از این راه نیست، بلکه تعدادی از چیزهایی را که تاکنون و بعدها علم ثابت کرده و

می‌کند، در قرآن هست. مثل خلقت انسان از زمانی که نطفه تشکیل می‌شود تا زمانی که می‌میرد و پس از آن. تمام فیلم‌های مربوط به این آیات را در سی‌دی گنجانده‌ام. و به بچه‌ها نشان می‌دهم. علاقهٔ بچه‌ها تا آن حد است که زنگ غیر قرآن هم می‌گویند: «خانم شما به کلاس ما بیایید!»

بیشتر بچه‌ها را به فاز اعجاز قرآن می‌برم تا از آن طریق قرآن را بشناسند. می‌گویم: بچه‌ها نماز خواندن ما فقط با این هدف نیست که حرکاتی انجام دهیم، بلکه راهی است برای ارتباط با خداوند و برای اینکه روح ما نیز به شارژ نیاز دارد و نماز و ارتباط و اتصال به خداوند ما را و روح و جان ما را شارژ می‌کند. ما که از باتری تلفن همراه کمتر نیستیم؛ هر چند ساعت هم به شارژ نیاز دارد و گرنه کار نمی‌کند!

کل واژه‌ها را بچه‌ها روی کارت‌ها می‌نویسند؛ کارت‌هایی که پشتش آهن ربا دارد. با این کارت‌ها مسابقه برگزار می‌کنم. دو نفر از بچه‌ها داور می‌شوند و یکی مجری. من فقط می‌نشینم و نمرهٔ هر نفر را می‌دهم. در حقیقت به صورت پازل، آیات را با قرار دادن کارت کلمات کنار هم، کامل و بعد معنی فارسی می‌کنند.

**جعفری:** دانش‌آموزان در این سن و سال تنوع طلب‌اند. دانش‌آموزی می‌گفت: چرا در این کتاب به حج نپرداخته‌اند؟ کتاب نقص دارد و باید رفع نقص کرد. الان دانش‌آموز ما در سن و سالی قرار دارد که تنوع طلب است. خب به این تنوع‌طلبی تا حدی می‌توان با تنوع بخشیدن به طرح‌ها و تصویرها جواب داد. به‌نظرم خوب است، کتاب دینی از ابتدا تا انتهای دورهٔ تحصیلی یک عنوان داشته باشد. آیا مهارت زندگی فقط در دبیرستان مهم است که عنوان کتاب دبیرستان را «دین و زندگی» گذاشته‌اند؟ برای تمام عمر آدمی اهمیت دارد.

با فضای مجازی چه‌طورید؟

**علی بهشتی:** حتماً دربارهٔ فضای مجازی باید متناسب با کتاب درس دینی و

قرآن بحث شود. برخی از دبیران می‌گویند فضای مجازی را زیاد مطرح نکنیم، زیرا سبب گرایش بچه‌ها به آن می‌شود.

**میرهوند:** بنده با بچه‌ها یک گروه تشکیل داده‌ام. ابتدا بچه‌ها از چارچوب خارج می‌شدند، اما با ایجاد کانال، حالا خانواده‌ها عضو گروه شده‌اند. برنامه‌های روزانه دینی، مسائل علمی، تغذیه سالم، پوشش مناسب و ... را مورد بحث قرار می‌دهیم. من جمع‌بندی کنم. کتاب در دوره ابتدایی برنامه خاص خودش را دارد و در دوره راهنمایی بنای کار را بر این برنامه گذاشته‌ام که برای سال اول متن آن را خدمت شما داده‌ام و بیان کرده‌ام.

بعد از آن باید در پایه دوم به فلسفه زندگی پردازیم. البته نه مستقیم، بلکه باید غیرمستقیم نظریات مخالف را مطرح و با استدلال آن‌ها را رد کنیم. پنهان کردن این فضای فکری ممکن نیست، زیرا در فضای مجازی همه این نظریات وجود دارند و دانش‌آموزان می‌توانند به آن‌ها رجوع کنند، بدون اینکه دیدگاه مخالف آن‌ها را بدانند.

آوردن این همه موضوع با توجه به کمی زمان تدریس، آیا سبب پراکنده‌گویی نمی‌شود؟ آیا دانش‌آموز در این سن و سال کشش و قدرت هضم مطالب سنگین را دارد؟ گرچه می‌فرمایید نه در یک سال که برنامه چند سال است، ولی حتی یک نظریه جاف‌افتاده را نمی‌شود در یک کتاب به راحتی رد کرد. چه طور می‌خواهید تئوری‌های مختلف جاف‌افتاده را که کلی بحث برانگیخته‌اند، در یک درس آن هم در سطح دانش‌آموزی رد کنید؟

**علی بهشتی:** آن نظریه‌ها باید در کتاب دبیرستان مطرح شوند.

**میرهوند:** عرض کردم که دوره متوسطه اول این برنامه‌ها را دارد. ما فکر می‌کنیم ساعت تدریس کم است. وقتی کتاب از برنامه‌هایی مثل بیندیشیم و برنامه‌های دیگر پر شده است، قطعاً زمان کافی باقی نمی‌ماند. ولی اگر ابتدا آیه‌ای بیاید و بعد داستان



مرتبط را بدون سؤال‌های پراکنده بیاوریم، زمان کافی در اختیار خواهیم داشت. الان دخترم در دوره ابتدایی دارد مطالبی می‌خواند که دانش‌آموز دبیرستانی هم متوجه نمی‌شود. چرا؟ برای اینکه متوجه شده‌اند، مغز انسان قابلیت جذب دارد، اما ما نباید مطالبی از این شاخه و از آن شاخه وارد ذهنش کنیم. باید هدفمند برنامه‌ریزی کرد. به نظر برنامه‌ای که ارائه داده‌ام، برای رسیدن به همین هدف تهیه شده است. می‌تواند در پایه‌های متفاوت تحصیلی ادامه یابد و در دوره دبیرستان به دیدگاه فلاسفه می‌رسد که می‌توان آن را به صورت تطبیقی یا دیدگاه اسلام بررسی کرد و در درس‌های دو صفحه‌ای، رجحان فکر اسلامی را به صورت مستدل نشان داد. به این ترتیب بنیان اعتقادی دانش‌آموزان تقویت می‌شود.

**جعفری:** ما برنامه درسی ملی داریم. همه چیز باید قانونمند باشد. در برنامه درسی ملی آمده است که دانش‌آموز باید با خود، جهان، جامعه و خدا آشنا بشود و این هدف عنصری دارد که عبارت‌اند از: تعقل، علم، عمل، اخلاق و همه هم در این کتاب خلاصه می‌شوند. اما معلم دینی به تنهایی نمی‌تواند این برنامه را اجرا کند و اعضای جامعه فرهنگی همه باید دست به دست هم بدهند تا بتوانند براساس آنچه خدا، پیامبر و معصومین خواسته‌اند، برنامه تحول بنیادین نظام آموزشی را اجرا کنند. لذا ما باید فکرم‌ان را بر کتاب درسی متمرکز کنیم و ببینیم چه موضوع‌هایی برای تعالی دانش‌آموز در آن گنجانده شود. با خودمختاری نمی‌توان برنامه‌ای را پیش برد. باید براساس قانون حرکت کنیم. ما هر کدام روش تدریسی داریم، ولی باید این روش تحقق برنامه کتاب باشد.

**میرهوندی:** ما هم درباره همین کتاب داریم صحبت می‌کنیم و با استدلال گفتیم: این کتاب با این موضوع‌ها کارآمدی کمتری دارد.

می‌رسیم به دقایق پایانی گفت‌وگو درباره کتاب پایه هفتم، «پیام‌های آسمان».

صحبت‌های شما را برای ختم جلسه می‌شنویم.

**علی بهشتی:** در قرآن بچه‌ها مشکل روخوانی دارند. باید اول این مشکل حل شود. وقتی بزرگ‌تر می‌شوند و تشکیل زندگی می‌دهند، باید قرآن را درست بخوانند تا بچه‌هایشان ببینند که پدر و مادرشان حداقل قرآن را درست می‌خوانند. برای حل این مشکل بزرگ، باید از دوره ابتدایی به آموزش روخوانی و درست‌خوانی قرآنی توجه داشت و در دوره راهنمایی باید آموزش تجوید ببینند.

**جعفری:** همان‌طور که در دوره‌های متوسطه ۱ و ۲ به تخصص معلم توجه می‌شود، در دوره ابتدایی نیز این موضوع باید رعایت شود. نباید اجازه بدهند، هر معلمی کتاب دینی و قرآن را تدریس کند. حتی به معلم ورزش هم اجازه می‌دهند این کتاب را تدریس کند. این کار درست نیست و نتیجه همان می‌شود که همکارمان فرمودند. یعنی در دوره دبیرستان بچه‌ها نمی‌توانند قرآن را صحیح بخوانند. نباید کلاس دینی و قرآن را به درس ریاضی اختصاص داد، این کار تبلیغ ضد دینی است. **میرهوند:** کتاب باید زیر نظر متخصصان علوم دینی و قرآنی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت تألیف شود. طراح کتاب هم باید، ضمن تخصص در کار خودش از تعالیم دینی و قرآنی، مطلع باشد تا بتواند طرح‌ها و تصویرهایی را خلق کند که دانش‌آموز با دیدن آن‌ها به تفکر وادار شود. دروس را باید از این وضع پراکنده خارج کنند. می‌توانند برای هر درس از یک رنگ استفاده کنند. چاپ کتاب باید چشم‌نوازتر و جذاب‌تر شود. نباید صفحات زیاد سفید باشند. به‌طور کلی با پراکندگی کنونی مطالب این کتاب، به نظرم هدفش سردرگم کردن دانش‌آموزان است.

**علی بهشتی:** هر سال کلی برای چاپ کتاب هزینه می‌شود، چرا؟ به این علت که دانش‌آموزان امسال که به کلاس بالاتر می‌روند، کتاب‌های قبلی را دور می‌ریزند. حتی در یک خانواده هم که چند نفر دانش‌آموز دارد، همین کار را می‌کنند.

این کار اسراف و هدر دادن اموال عمومی است. باید کتاب‌ها طوری چاپ شوند که دانش‌آموزان مثل جواهر از آن‌ها محافظت کنند و در پایان سال کتاب‌های سالم و تمیز سال قبل را تحویل بدهند و کتاب سال جدید را دریافت کنند. باید در این زمینه فرهنگ‌سازی کرد. به این ترتیب، هزینه‌های هنگفتی را که هر سال صرف چاپ کتاب‌های درسی می‌شود، می‌توان صرف نیازهای دیگر مدارس کرد.

متشکریم، موفق باشید.

## مجلات رشد را نمی‌شناسیم، آن‌ها را معرفی کنیم! گپ‌وگفتی با دبیران دینی و قرآن مدارس دخترانه شیراز

رضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مهدی مروجی

### اشاره

در سفری به شیراز با هدف اطلاع یافتن از آرای انتقادی و پیشنهادی همکاران درباره مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی با تعدادی از دبیران دوره متوسطه دوم گفتگو کردیم. در این گفت و گو این همکاران حضور داشتند: خانم‌ها زهرا وجدان حقیقی، فاطمه ابرجی، زهره حیدری و خدیجه همت نژاد، امیدواریم این گفت و گو مورد استفاده شما قرار گیرد.

۱۱۵

● با توجه به اینکه در برنامه درسی ملی، «کتاب‌درسی» به عنوان یکی از اجزای بسطته آموزشی تعریف شده، شایسته است مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی در هندسه معرفتی بسطته آموزشی قرار گیرد و در تکمیل این شبکه آموزشی نقش داشته باشد. به نظر شما چگونه می‌توان بیش از پیش به این نقش عمل و آن را محقق کرد؟

**خدیجه همت‌نژاد:** دو موضوع مهم در خصوص معلمان دینی وجود دارد: اول اینکه تعدادی از معلمان معارف ضعف علمی دارند. دوم اینکه دانش‌آموزان ما هم در معرض تهاجم شبهه‌ها قرار گرفته‌اند. کتاب درسی فقط به ما معلمان کدهایی می‌دهد و معلم باید توانایی و هنر رمزگشایی این کدها را داشته باشد. بنده به‌عنوان معلم تا زمانی که سر کلاس از کتاب و محتوای آن می‌گویم، مشکلی ندارم. ولی اگر در جاهایی نتوانم کدها را باز کنم، آن وقت شبهه‌ها از طرف بچه‌ها آشکار می‌شوند. لذا معلم دینی باید از نظر اعتقادی و علمی قوی باشد و بتواند پاسخ‌گوی دانش‌آموزان آن هم به‌صورتی باشد که دانش‌آموز مطلب را درک کند.

به‌نظرم اگر مجلهٔ رشد قرآن و معارف اسلامی می‌خواهد به معلم دینی کمک کند، باید برنامه‌ای برای تقویت معلم و دانش‌آموز داشته باشد. باید با بیان شیوه‌هایی معلم دینی را از نظر علمی در حوزهٔ تدریس تقویت کند. باید او را راهنمایی کرد که به‌صورت تفکیکی و مشخص در هر مورد و دربارهٔ هر درس برای رفع مشکل به کدام منبع و سایت رجوع کند. به‌نظرم در مجله باید دقیق‌تر و گسترده‌تر به این موضوع بپردازد. همچنین لازم است کارهای خلاقانه و پژوهشی معلمان و نیز روش‌های ابتکاری تدریس و ارائهٔ درس توسط آنان در صفحات مشخصی چاپ شود. از یک طرف معلمان خلاق از امتیاز این کار استفاده می‌کنند و از طرف دیگر سایر معلمان از تجربه‌های ایشان بهره می‌برند.

خوب است معلمان هر استانی که توانایی و دغدغهٔ کار خود را دارند، هر ماه با تشکیل جلسه‌ای و جمع‌بندی تجربه‌هایشان، آن را برای مجله بفرستند تا با چاپ این گونه مطالب، بین معلمان سطح کشور تجربه‌ها مبادله شود.

**زهره وجدان حقیقی:** به‌نظرم خوب است هیئت تحریریهٔ مجله کسانی را برای جست‌وجو در شبکه‌های مجازی و یافتن شبهه‌ها مأمور کند. آن وقت به تجزیه و تحلیل شبهه‌های مرتبط و رساندن پاسخ آن‌ها به معلمان همراه با پاسخ‌های مقتضی

و اقتناع کننده، مبادرت کند. این کاری است برای ارتقای سطح علمی همکاران. همچنین مجله باید سایتی داشته باشد (نمی‌داند یا ندارد). همین طور باید سایت‌های خوب را شناسایی کند و برای تکمیل مفاد درسی و آنچه در مجله چاپ می‌شود، به آن‌ها ارجاع دهد. ما زمان کافی برای ارائه محتوای کتاب درسی داریم، ولی برای پاسخ به سؤال‌ها زمان نداریم. اگر بخواهیم به پرسش‌ها پاسخ بدهیم، یا باید از زمان کلاس درسی استفاده ببریم، یا باید سایت‌های شناخته شده را به دانش‌آموزان معرفی کنیم تا آن‌ها راحت‌تر، جواب سؤال‌ها را مطالعه کنند.

● این کار خوب است. مجله غیر از معرفی سایت‌ها چه کار بکند؟ یک صفحه به معرفی سایت اختصاص داده شود. در باقی مانده صفحه‌ها چه بیاوریم. آن هم با کیفیت مطلوب و مورد نیاز؟

**فاطمه ایرجی:** کار معرفی سایت خوب است و با آن موافقم. از سایت «پرسمان» اطلاع دارید؟ خودم برای دریافت جواب سؤال و چگونگی مواجهه با شبهه‌ها، آن‌ها را از طریق پیامک برای این سایت می‌فرستم و جواب می‌گیرم؛ هم از طریق پیامک و هم در سایت جواب می‌دهند. مجله رشد هم می‌تواند از این نوع کارها انجام بدهد.

● یادآور بشوم که رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، فصل‌نامه است. دانش‌آموز سؤال را مطرح می‌کند و شما جوابی به او می‌دهید، ولی مجله رشد سه ماه دیگر به شما می‌رسد.

**ایرجی:** منظور مجله نبود. بلکه به کار از طریق پیامک و سایت اشاره کردم.

**همت‌نژاد:** از طریق تلگرام می‌شود گروه‌هایی تشکیل داد.

**ایرجی:** باید اهداف بسته آموزشی را در نظر گرفت. آسان‌سازی و ایجاد تنوع برای یادگیری از مجله هدف ماست. می‌شود با استفاده از مجله، آموزش بدهیم که چه‌طور

می‌شود تدریس را آسان کرد. متأسفانه مجله شما با آنکه از نظر بنده محتوای خوب و قابل استفاده‌ای برای تمام همکاران دارد، ولی یا با آن آشنا نیستیم یا به مجله دسترسی نداریم. حداقل برای هر مدرسه یک شماره از مجله را بفرستند.

**وجدان حقیقی:** برای مدرسه ما اصلاً نمی‌آید. بنده سرگروه درس دینی و قرآن در ناحیه یک هم هستیم، خلاصه این مشکل عمومی است.

**زهره حیدری:** به نظر من کتابی که می‌نویسند، باید چهار موضوع در آن لحاظ شود: اول؛ نیاز جامعه، دوم نیاز دانش‌آموز، سوم نظر متخصصان و چهارم فلسفه تعلیم و تربیت کشور. وقتی کتاب نوشته شد، در برخی از قسمت‌های درسی نیاز به مکمل دارد. مجله رشد به‌عنوان مکمل باید مورد توجه باشد و همین شاخص‌های کتاب را داشته باشد. وقتی که دانش‌آموز و معلم ما در موردی از موارد درسی احساس نیاز کنند، باید مکمل کتاب درسی، از جمله مجله رشد را به‌دست آن‌ها برسانیم. به نظر من باید دید، معلم‌های ما به چه چیزهایی نیاز بیشتری دارند و در مجله با غنای بیشتر به رفع آن نیازها بپردازند. الان رویکردهای جدیدی در روش‌های تدریس شکل گرفته‌اند. به‌علاوه، ۲۴ نوع روش تدریس متداول است که یکی از آن‌ها «درس پژوهی» است که با مباحثه مرتبط است و مباحث خیلی به کار تدریس و آموزش معارف می‌آید. همکاران می‌فرمایند وقت نیست.

انجمن‌های علمی معلمان و انجمن‌های علمی دانش‌آموزان می‌توانند به این کار مدد برسانند. می‌توان از مطالب این انجمن‌ها در مجله رشد استفاده کرد. غیر از این کار، دبیرخانه معارف باید معرفی شود و مجله رشد به‌صورت الکترونیکی در دبیرخانه قرار بگیرد. باید از مطالب همکاران بهره گرفت. برای مثال قرآن پژوهی، درس پژوهی و اقدام پژوهی چه قدر می‌تواند کمک کند. یا آینده‌پژوهی که در رشد معارف مفید است. دغدغه همه ماست که مجله را چه‌طور به‌دست همکاران برسانیم. باید برای این معضل تدبیری اندیشید.

● لازمهٔ تحقق ایده‌های شما این است که با مجله همکاری بشود. کافی است معلمان تجربه‌های موفق و مبتکرانه، مقاله‌های پژوهشی و درس‌پژوهی و دیگر مطالب ارزشمندی را که خودتان بهتر اطلاع دارید، بنویسند و برای چاپ در مجله بفرستند. یادمان باشد، یکی از هدف‌های برگزاری این نوع نشست‌ها با همکاران، فقط گفت‌وگو نیست، بلکه هدف برانگیختن شما برای همکاری است. باید دبیران دارای دغدغه و با تجربه دست مجله را بگیرند و به غنای آن مدد برسانند. از تحریریه مجله انتظار حرکت خارق‌العاده را بدون حضورتان در میدان عمل نداشته باشید.

**فاطمه ایرجی:** یکی از راه‌ها خود مجله است. همکاران برای کسب امتیاز در ارزشیابی به هر دری می‌زنند. مقاله‌نویسی یکی از آن درهاست. نوشتن گزارش تخصصی در دیگر است. اگر مجلهٔ رشد معارف اسلامی این موقعیت را ایجاد بکند، همکاران دبیر دینی ما به این مجله روی می‌آورند.

● این هدف شما وقتی محقق می‌شود که شما، هم درخواست چنین کاری را بکنید و هم مقاله‌ها و دیگر آثار قابل استفاده را بفرستید. اگر این کار نشده است یا کم‌توجهی می‌شود، باز خودتان باید وارد میدان شوید و بخواهید که امتیاز در چرخهٔ کار قرار بگیرد. فراوانی خواسته‌های شما ما را ملزم به پیگیری و عمل می‌کند.

**(همه یک‌صدا می‌گویند: ما باید بدانیم برای چاپ نوشته امتیازی در نظر گرفته**

می‌شود.)

**وجدان حقیقی:** معرفی مجله یا کتاب بسیار اهمیت دارد. همین جلسه را که در شیراز گذاشته‌اید و خیلی با ارزش است، در استان‌های دیگر ادامه بدهید، مجله خوب است، ولی آن را معرفی نکرده‌اید.



● **خب به نظر سرکار برای معرفی چه کاری لازم است انجام بگیرد؟**

**وجدان حقیقی:** ما در ناحیه یک شهر خودمان نمایشگاه کتابی دایر کرده‌ایم و در این نمایشگاه کتاب‌های مربوط به کتاب‌های درسی را عرضه کرده‌ایم. متأسفانه فرصت نداشتیم کتاب‌ها را معرفی کنیم، ولی یکی از این کتاب‌ها در میان صحبت‌ها و پاسخ به پرسش‌ها معرفی شد و نیمی از همکاران خواستار آن شدند. چرا؟ برای اینکه ضمن جلسه آن را معرفی کردیم؛ درحالی که کتاب‌های دیگر هم خوب بودند، ولی معرفی نشده بودند. باید در کار فرهنگی هم هزینه کرد. متأسفانه الان هر جا لازم است هزینه‌ای بشود، می‌گویند نمی‌توانیم و کار را کنار می‌گذارند!

**حیدری:** اگر نمی‌توانید هزینه و معرفی کنید، به دست گروه ما بدهید تا برایتان قشنگ معرفی کنیم.

**وجدان حقیقی:** بنده به‌عنوان سرگروه عرض می‌کنم، در جلساتم حداقل ۷۰ نفر حضور می‌یابند. در جلسه بعدی کار معرفی مجله را تعهد می‌کنم، به شرطی که حداقل مجله را در اختیار بنده قرار بدهید و آن را برایم بفرستید؛ نه اینکه بفرستند جای دیگر. غیر از معرفی مجله، باید روش‌های تدریس مناسب را در مجله بگنجانید.

● در مجله روش تدریس را داریم. به این دلیل مطمئن هستیم که خود من تمام شماره‌های مجله را صفحه به صفحه می‌بینم تا محتوای آن را تحلیل کنم.

**وجدان حقیقی:** پس نمی‌بینیم چون مجله به‌دست ما نمی‌رسد یا شناختی از مجله نداریم. معرفی راهکار است. ما در شیراز چهار ناحیه آموزش و پرورش داریم. قطب‌های آموزشی هم تشکیل شده‌اند. بنده ناحیه یک شیراز - منطقه ارژن - را تحت پوشش دارم، چند نسخه از مجله را برایم بفرستید تا بتوانم در جلسه معرفی کنم. آن وقت ضمانت اجرایی می‌خواهد.

**حیدری:** گروه‌های آموزشی تحت نظر ما هستند و ما حمایت می‌کنیم. ما حتی به

آقای فرجی گفتیم مجلات رشد را خودمان می‌خواهیم توزیع کنیم.

● بنده در اصفهان پیشنهادی کردم و اینجا هم آن را تکرار می‌کنم. شما در اینجا برای هیئت تحریریه دفتر مجله در تهران اتاق فکر باشید. زیرا با توجه به تنوع فرهنگ‌ها، گرچه آسیب‌هایی که اینجا وجود دارند، با تهران مشترک‌اند، ولی آسیب‌های خاص خود شیراز (استان فارس) را هم داریم. خب شما که اینجا زندگی می‌کنید و حضور اجتماعی گسترده دارید (به دلیل شغل معلمی)، به خوبی قادر به آسیب‌شناسی هستید و می‌توانید در ارائه راه‌حل‌ها برای مقابله با آسیب‌ها و آسیب‌زدایی به دوستان دیگر کمک کنید و سرانجام هم حاصل کار در مجله منتشر شود.

**حیدری:** می‌شود این کار را کرد. بنده خودم خدمت دوستان هستم؛ به‌ویژه که سرگروه‌ها هم بسیار فعال‌اند.

**همت‌نژاد:** با توجه به اهمیت مهدویت، خوب است به این موضوع در تمام شماره‌های مجله بپردازند.

● بنده تا ۵۰ شماره را با دقت برای تحلیل محتوا مطالعه کردم و درباره مهدویت خیلی مطلب دیدم. اگر می‌خواهید مستمر باشد، باید پیشنهادها را خاص خود را بدهید. افرادی هم باید باشند که بتوانند محتوای بهینه‌ای تولید کنند تا وقتی معلم برای پاسخ به سوالات از مطلب آن‌ها، استفاده می‌کند، با رویش مواجه شود، نه با ریزش.

**همت‌نژاد:** به صورت مقالات زنجیره‌ای و سریالی باشد.

**حیدری:** به شبهات مربوط به مهدویت پرداخته شود.

● محتوای بهینه اهمیت دارد. همین جا عرض کنم، یکی از آسیب‌های امتیاز به چاپ مقاله این است که هر کس هر چه دلش خواست، برای مجله می‌فرستد. آن وقت بنده مروجی در یکی از فرایندهای کار مجله، باید تمام نوشته‌های رسیده را بخوانم. بسیاری از اوقات بعد از اتمام مطالعه، به خودم می‌گویم، این دیگر چه نوشته‌ای است؟! خیلی از نوشته‌هایی که به دفتر مجله می‌رسند بسیار ضعیف‌اند. چرا نوشته؟ برای اینکه فکر می‌کند با امتیاز آن می‌تواند معلم نمونه شود!

**حیدری:** مسائل آموزشی ما وقتی در عرصه رقابت قرار می‌گیرند، واقعاً نابود می‌شوند...

● منظورم این نیست، حالا که با آسیب مواجه هستیم، پس آن را کنار بگذاریم، خیر! باید روش‌هایی را لحاظ کنیم که آسیب‌ها به حداقل ممکن برسند. نه فقط وقت دیگران را نگیرد. بلکه آنچه هم ارائه می‌شود، بتواند به سؤال‌های دیگران پاسخ مکفی بدهد.

**حیدری:** آیا ممکن است که مجله را از طریق اداره تکنولوژی آموزشی توزیع کنیم؟

ما این پیشنهاد را داده‌ایم. در حال حاضر مجلات رشد را گروه آموزشی ابتدایی یا به ادارات و مدارس می‌فرستد یا پیغام می‌دهد که مجلات رشد پیش ماست، بیا بیا تحویل بگیرید. زمانی که در دوره متوسطه ناحیه ۴ بودم، به سختی به دستم می‌رسید.

● توزیع مجلات توسط واحد توزیع صورت می‌گیرد. باید این مورد را ببرسم. الان نمی‌توانم پاسخ بدهم.

**حیدری:** آیا می‌شود تغییری در این نوع توزیع داد؟ پیشنهاد ما این است که

توزیع آن دسته از مجلات رشد که مربوط به دوره متوسطه‌اند، توسط اداره تکنولوژی آموزشی و گروه آموزشی دوره متوسطه انجام شود. البته اگر الان وحدت رویه‌ای در سراسر کشور وجود دارد، همان رویه اعمال شود. اما اگر غیر از این است، به استان‌ها اختیار داده شود تا راهی که به توزیع بهتر و سریع‌تر منجر می‌شود، اختیار کنند. در ضمن دوست نداریم بین معاونت‌ها اختلافی بروز کند.

● با توجه به این نکته که قرار است از شماره ۱۰۱ مجله، راه تازه‌ای با مهندسی جدیدی شروع شود، از شما می‌پرسیم: اگر شما عضو هیئت تحریریه باشید، محتوای مجله را برای ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای همکاران و آگاهی آنان از تازه‌های تحولات و مسائل آموزش و پرورش، چگونه سامان می‌دهید؟ بدانید که آرای شما مؤثر است.

**فاطمه ایرجی:** یکی از هدف‌های بسته آموزشی ایجاد ارتباط بین معلم و دانش‌آموز برای برقراری رابطه صمیمی بین آن‌هاست، تا معلم بتواند به راحتی کار انتقال مفاهیم را به دانش‌آموز انجام بدهد. مجله در این زمینه خیلی می‌تواند کمک کند. می‌تواند راه‌های ایجاد ارتباط و ارتباط صمیمی را به معلم یاد بدهد. برای مثال، در سال‌های پیش معلم دینی نزد بچه‌ها خیلی عزیز بود و عزت داشت. ولی گاهی و در برخی از کلاس‌ها، این ارتباط و شأن محترمانه و معلم خیلی کم‌رنگ شده است. البته این وضعیت بازمی‌گردد به تحولات جامعه و باب شدن برخی از فناوری‌های ارتباطی روز. متأسفانه دبیران دینی به این تحولات و تغییر فناوری‌ها و عوارض آن‌ها کمتر توجه می‌کنند. لذا این گروه از دبیران به کلاس می‌روند و فقط درس می‌دهند و تمام. هیچ ارتباطی با دانش‌آموزان ندارند یا نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند.

مجله رشد می‌تواند راه‌های غلبه بر این وضعیت را آموزش بدهد؛ از طریق ترغیب معلمان برای آشنایی با تحولات اجتماعی و فناوری‌های مطرح در جامعه، و با

پاسخ دادن به شبهه‌ها، گرچه در جلسه‌های ما با همکاران، بیشتر درباره سؤال‌ها و شبهه‌های مطرح از سوی دانش‌آموزان صحبت می‌شود، ولی این جلسه ماهی یا دو ماهی یک بار برگزار می‌شود و همه هم همیشه شرکت نمی‌کنند.

● در این جلسه شما به پرسش‌ها و شبهه‌ها پاسخ می‌دهید؟

**ایرجی:** بله. این جلسه محدود است. و اگر شما مثلاً سایت کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی را معرفی کنید، همه به آن دسترسی خواهند داشت. در مجموع باید همکاران به کار وادار شوند.

● کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی حکم داروخانه‌ای را دارد که همه نوع دارو در آن هست، ولی من باید بدانم چه مرضی دارم. تشخیص مرض نیمی از درمان است. لذا ما می‌پرسیم: چه کنیم تا معلم عزیز، نایافته‌هایش را در مجله رشد معارف بیابد؟

**وجدان حقیقی:** خیلی نایافته‌ها در مجله مطرح شده‌اند، ولی معلم از آن و از محتوای آن اطلاعی ندارد. مجله را نمی‌شناسد.

● یک مشکل این است.

**وجدان حقیقی:** این موضوع خیلی مهم است.

**حیدری:** من اگر بودم، تریبون آزاد می‌گذاشتم تا معلم راحت و بدون دغدغه حرفش را با مجله در میان بگذارد.

● بخش پرسش از شما و پاسخ از ما را در مجله داریم.

**حیدری:** این را نمی‌گویم. بنده قبلاً در سازمان دانش‌آموزی مجله‌ای منتشر

می‌کردم با عنوان «۴ راه» در این مجله بخشی را با عنوان «تربیون آزاد» داشتیم. اعلام می‌کردیم ای دانش‌آموز! هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو و آن‌ها می‌گفتند. هر سؤالی که داشتند و هر حرفی را که برای مجله می‌فرستند، چاپ می‌کردیم. بعد از دانش‌آموزان مدارس می‌خواستیم، به سؤال‌ها پاسخ بدهند و آن‌ها هم جواب می‌دادند. در مجله رشد هم می‌توان این تربیون را ایجاد کرد. در این صورت مدیریت مجله از فراوانی سؤالات و نوع و چگونگی آن‌ها مطلع می‌شود. البته در مجله رشد و خطاب به معلمان باید مصداقی عمل کنیم تا نتیجه بگیریم.

موضوع دیگر مطالعات تطبیقی در زمینه مذاهب، فرقه‌ها و آیین‌هاست. گرچه ورود به آن‌ها سخت است، ولی عدم ورود هم مشکلات خودش را پدید می‌آورد. ما در شیراز می‌دیدیم که این فرقه‌ها با بچه‌های ما چه می‌کنند. لذا برای مقابله با این پدیده، مدرسه «معارف صدرا» را تأسیس کردیم که پسرانه و دخترانه دارد. این کار را در ناحیه ۴ انجام دادیم که به حاشیه شهر می‌رسد. الان دارد به هدفی که داشتیم جواب می‌دهد. لذا پیشنهاد می‌کنم مدارس معارف را از طریق مصاحبه یا گزارش در مجله معرفی کنید؛ مدارس مثل صدرا، مطهری و امین. به‌ویژه سال آینده که تألیف کتب درسی را داریم و دانش‌آموز می‌خواهد رشته انتخاب کند، یکی از رشته‌ها «علوم انسانی و معارف» است. باید این رشته خوب معرفی شود تا دانش‌آموزان و معلمان بشناسند.

۱۲۵

**وجدان حقیقی:** بنده قبلاً بیشتر مجله را مطالعه می‌کردم ولی الان کمتر شده است. بنده نظر مثبتی درباره مجله دارم. تکرار می‌کنم، این مجله معرفی نشده است!

● می‌دانید که مجله تک موضوعی نیست. عربی، فلسفه و منطق، معارف و با اضافه شدن قرآن چهار مجله شده است در حدود ۹۰ صفحه.

**وجدان حقیقی:** قسمت عربی به معلم‌های دینی خیلی کمک می‌کند. یکی

از همکارانی که قرار بود در جلسه ما شرکت کند ولی نتوانست، همین نکته را به من گفت. ایشان می‌گفت از روش‌های تدریس عربی در مجله برای تدریس معارف استفاده می‌کردم. برای مثال وقتی خوانده می‌شود «لیقوم الناس...» توضیح‌های بخش عربی دربارهٔ صرف و نحو آن کمک کار است، زیرا اگر معلم نداند اینجا «ناس» فاعل است، در کارش دچار اشتباه می‌شود. اینجا دربارهٔ جمهوریت و مردم صحبت می‌کند. لذا وقتی در بخش معارف در مورد این آیه صحبت می‌شود، ارجاع بدهند به بخش عربی که نکاتی دارد. اگر بنده دست‌اندرکار مجله بودم، حتماً کسی را موظف می‌کردم که مجله را به جاهایی و افرادی که باید آن را داشته باشند، برساند تا مطمئن شوم که به دست اهلیش می‌رسد.

#### ● از سخت‌افزاری گفتید. در نرم‌افزاری چه کنیم؟

**وجدان حقیقی:** ضمن معرفی مجله در جلسات، به همکاران خواهیم گفت که قسمت‌های مشخص شده را بخوانند و از آن‌ها امتحان می‌گیریم. با حمایتی که خانم دکتر حیدری می‌کنند، برای آن‌ها گواهی حضور و شرکت هم صادر می‌کنیم. همکاران هم دوست دارند مجله را مطالعه کنند. ولی آن را نمی‌شناسند. از یکی از همکاران هم می‌خواستم آماده شود و محتوای مجله را برای سرگروه‌ها تشریح کند. **حیدری:** پیشنهاد می‌کنم در مجله صفحه نقد هم بگذارید. متأسفانه در آموزش و پرورش بین نقد و انتقاد منصفانه با غیر آن خلط می‌شود.

**همت‌نژاد:** پیرو فرمایش خواهرمان وجدان حقیقی دربارهٔ معرفی و تبلیغ مجله، بنده اضافه کنم، برای معرفی یک مایع دستشویی در تلویزیون چه قدر سرمایه‌گذاری می‌کنند. یا قلم‌چی که تأثیر زیادی هم روی بچه‌ها ندارد، چه قدر سرمایه‌گذاری می‌کند! آیا ممکن است که مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی را برای مثال در شبکه قرآن در پنج دقیقه معرفی کنید؟ نوع معرفی را باید بررسی کنید و ببینید

چه شیوه‌ای مؤثر خواهد بود.

این آرزوی چندین ساله‌ام است و به سرگروه آموزشی هم گفته‌ام که ای کاش می‌شد از میان دبیران دینی، قرآن و معارف گروهی تشکیل می‌شد و کارهای تحقیقی می‌کرد و برای مجله می‌فرستاد. همین‌طور در سطح استان مجله الکترونیکی شکل می‌گرفت و مطالبی را که در مجله چاپ نمی‌شدند (به دلیل چهار شماره بودن در سال) در مجله الکترونیکی منتشر می‌کردیم. می‌شود فاصله انتشاراتی این مجله را هم به هم نزدیک‌تر کرد. حتماً باید کمتر از فصل‌نامه باشد و ماهانه خیلی مناسب است. همکاران هم به راحتی به آن دسترسی خواهند داشت. الان جای این مجله الکترونیکی در استان خیلی خالی است.

● شما به زبان دیگر، اتاق فکری را که بنده مطرح کردم، بیان داشتید که نشانگر امکان‌پذیری اجرای آن در استان است. کار خوبی است که فرمودید.

**ایرجی:** پیرو صحبت همکاران در معرفی سایت‌ها، سایت‌هایی هستند که به خوبی به شبهات می‌پردازند (آنتی شبهه). سایتی داریم که به شایعات توجه نشان می‌دهد و به آن‌ها پاسخ می‌دهد، یا سایت «جواب» و سایت «شهر سؤال» هست.

● در مجله رشد آموزش معارف و مجله رشد آموزش قرآن (زمانی که مستقل بود)، معرفی سایت‌ها را داشتیم و داریم.

**حیدری:** امکان دارد که در مجله بخشی هم به سرگرمی اختصاص داده شود؟ این سرگرمی هم از قرآن و معارف دینی انتخاب می‌شود. در حقیقت کار آموزشی به طریق دیگر در قالب داستان، لطیفه، معما و... انجام می‌گیرد و معلم می‌تواند سرکلاس برای ایجاد تنوع و رفع کسالت از آن‌ها استفاده کند.



● خوب است. دربارهٔ جاذبهٔ بصری مجله، طرح روی جلد، صفحه‌آرایی، رنگ‌ها و فونت حروف هم نظرتان را بفرمایید.

**وجدان حقیقی:** حروف مجله ریز است. خوانندگان مجله حداقل ۳۵ تا ۴۰ سال دارند. با این حروف، بنده در مطالعه راحت نیستم. حروف باید درشت‌تر شود. **همت‌نژاد:** از رنگ‌های تیره استفاده نکنید. جلد مجله برای جلب نظر خیلی اهمیت دارد. از رنگ‌های شاد و از طرح‌های قشنگ استفاده کنید.

● وقت تمام شد. اما قبل از آن باید تکرار کنیم که مقالات و مطالبی که از سوی همکاران به دفتر مجله می‌رسند، کم نیستند. زیاد هم هستند، ولی طبق جمع‌بندی هئیت تحریریه بسیاری از آن‌ها تکراری‌اند. گویی از روی دست دیگری نوشته شده‌اند. با شرایط یک مقالهٔ مقتضی چاپ در مجله تخصصی فاصله دارند، ارجاع ندارند. منابع و مآخذ را نمی‌آورند و چگونگی تدوین مقاله از صدر تا ذیل رعایت نشده است. این موضوع سبب می‌شود که اکثر نوشته‌ها برای استفاده مناسب نباشد.

البته همکاران هم می‌گویند چرا مجله شیوهٔ نوشتن مورد نظرش را آموزش نمی‌دهد؟ ضمن اینکه مجله حداقل می‌تواند چارچوب مقالات مورد نظرش را ترسیم کند. در استان‌ها هم گروه‌های آموزشی می‌توانند در کتابچهٔ کم‌حجمی، این کار را انجام دهند و کتابچه را در اختیار همکاران قرار دهند. پس مجله فقط منتظر دریافت نوشته‌ها نیست. باید نوشته‌هایی براساس نیاز و با حفظ اصول نگارش مقالهٔ علمی و زبان فارسی تهیه شوند.

**حیدری:** ما برای کار، کارگاه برگزار کردیم و بروشور هم آماده کردیم، ولی همکاران خیلی دنبال فراگیری این اصول نیستند. مطلب بلند را اصلاً نمی‌خوانند. اندازهٔ حروف (فونت) هم باید تغییر کند.

**همت‌نژاد:** در فضای خالی بالای صفحه‌ها، حدیث تربیتی، آیات قرآن یا سخنی

از بزرگان را بیاورید.

**حیدری:** شعر هم می‌تواند مناسب باشد.

● موفق باشید.

## شیوه درست مقاله‌نویسی را در مجله رشد آموزش بدهید! پای صحبت دبیران دینی و قرآن دبیرستان‌های دخترانه اصفهان

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مهدی مروجی

### اشاره

روال مجله بر آن است که با سفر به استان‌های کشور، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، پای صحبت‌ها و درد دل‌های دبیران دینی و قرآن بنشیند. در این شماره، با دبیران استان اصفهان به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن در پی می‌آید.

خانم‌ها نیلوفرهادوی، یلدا بابایی، زهرا فخار و اعظم رضایی در این گفت‌وگو حضور داشتند.

● ویژه‌نامه صدمین شماره رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی این امکان را فراهم آورد که امروز در خدمت شما همکاران عزیز باشیم. پرسش اول این است که اگر شما عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی بودید،

## چه تغییراتی در محتوای این مجله به وجود می‌آوردید؟

**هادوی:** با شرایط اجرای پرسش شما در مجله‌ای کشوری که ممکن است در هر ده دورافتاده‌ای راه پیدا کند و مخاطب داشته باشد، اولین کار چگونگی جذب مخاطب است. بنده که معلم و حالات معلمان را می‌شناسم، ابتدا برای جذبشان تلاش می‌کنم. می‌کوشم انگیزه آن‌ها را برای خواندن مطالب مجله زیاد کنم. به این منظور باید از همگان نیازسنجی کنیم و در جدولی نیازهایشان را بیاوریم. به‌طور طبیعی بیشتر نیازهای همکارانم مربوط به کتاب‌های جدیدی است که تألیف شده‌اند و به راهکارهایی برای تدریس جذاب‌تر نیاز دارند. پیرو همین نیازها که باید تأمین شوند، می‌توانیم مسابقه‌هایی را برگزار کنیم. در همین مجله می‌توان برای جذب همکاران فراخوان‌های نیم‌سالانه و سالانه داد. می‌دانیم که امتیاز چاپ مقاله برای معلمان مهم است و اگر هم مقاله‌شان قابل استفاده نیست، حداقل در مجله اعلام کنند که نوشته‌های این افراد به‌دقتر مجله رسیده است. مجله می‌تواند بانک ایده‌ها را تشکیل دهد و از مخاطبان بخواهد ایده‌های خود را در چارچوب اهداف مجله ارسال کنند تا از آن‌ها به‌تدریج استفاده شود. یا با طرح موضوع‌های درسی مانند حسد، عجب خودبینی و اسراف، از معلمان می‌خواهم که قشنگ‌ترین و لطیف‌ترین مطلبی را که دربارهٔ موضوع مطرح در کلاس برای دانش‌آموزان بیان داشته‌اند و سبب توجه و جذب آنان شده است، برای مجله بفرستند. ممکن است یک نفر یک بیت شعر، یک داستانک، یا خاطره‌ای داشته باشد. آنچه را که به‌دستم می‌رسد، در مجله چاپ می‌کنم تا معلمان سراسر کشور از آن‌ها در کلاس بهره ببرند. در حقیقت مجله می‌تواند اتاق فکری در حد یک کشور داشته باشد.

**بابایی:** پیشنهاد می‌کنم در مجله قسمتی برای درد دل‌های دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. در هر شماره زندگی یک مروج دینی بزرگ آورده شود. می‌توانیم در هر شماره از متون دینی صاحب‌نظران هم استفاده کنیم. خود بنده نیز می‌توانم در این

زمینه همکاری کنم، زیرا حدود چهار سال است که دارم آثار عرفا و علما را از قدیم تا کنون بررسی می‌کنم. رشته تحصیلی‌ام نیز عرفان است.

همچنین در هر شماره مصاحبه‌ای با فرد صاحب‌نظر انجام بگیرد و میزگردهای چالشی درباره موضوع‌های مبتلا به جامعه برگزار کنید و در مجله بیاورید.

**فخار:** بچه‌ها گاهی پرسش‌های ابتدایی می‌کنند، اما بنیان این سؤال‌ها قابل توجه است. لذا لازم است که به این پرسش‌ها در مجله با زبان خیلی ساده و قابل فهم برای دانش‌آموزان پاسخ داده شود. همین‌طور معلم‌ها باید بتوانند با خیال راحت، هر نوع سؤال‌ی را مطرح کنند و نباید کسی به آن‌ها اعتراض کند که چرا این حرف را زدی. همچنین باید هم به سؤال کوچک اهمیت داد و هم به سؤال‌ی که به نظر می‌آید بزرگ و با اهمیت است.

**رضایی:** لازم است سؤال‌ها و موارد چالش برانگیز هر درسی از کتاب جدید پیام آسمانی و قرآن را از طریق استان‌ها جمع‌آوری کنند و پاسخ‌های مقتضی، مناسب و اقناع‌گری را که دبیرانی به آن‌ها داده‌اند، از زبان خودشان و به همان صورتی که در کلاس برای دانش‌آموزان تشریح کرده‌اند، در مجله بیاورند. اگر این کار درس به درس انجام شود، بسیار تأثیرگذار خواهد بود. پاسخ‌ها اگر کوتاه و متنوع باشند، مفیدترند.

● مستحضرید سرمایه اصلی هر رسانه‌ای مخاطبان آن رسانه‌اند. رسانه مکتوب، شنیداری یا دیداری بدون مخاطب مرده است. هر چه مخاطب زیادتر باشد، نشانگر نفوذ رسانه در بدنه اجتماع است. حال بفرمایید برای رسانه مرتبط با شما، یعنی فصل‌نامه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی چه کار باید کرد تا مخاطبان حال حاضر را از دست ندهد و موفق به جذب مخاطبان تازه شود؟ البته آنچه در پاسخ به سؤال قبلی فرموده‌اید، به همین مورد مربوط می‌شود.

**رضایی:** حال بنده باید از شما بپرسم: چرا مجله‌ای که تولید می‌کنید برای برخی

از مدارس ارسال نمی‌شود؟ دبیرانی شکوه می‌کنند که این مجله به مدرسه‌شان نمی‌آید، حال آنکه مجلات رشد دیگر در همان مدارس توزیع می‌شوند. البته مدیران برخی از مدارس به دلیل هزینه‌ای که باید بپردازند، تمایلی به دریافت این مجله یا مجلات رشد ندارند. زیرا فکر می‌کنند مجلات رشد به درد مدرسه‌شان نمی‌خورد. برخی مدارس خاص هستند که رشدها را تهیه می‌کنند.

● دست‌اندرکاران اصلی مجله می‌گویند، مجله‌ای که رایگان برای فرد حقیقی یا حقوقی ارسال شود، ارزش خود را از دست می‌دهد.

**رضایی:** خب این مجله برای معلمان تولید می‌شود. اولاً باید اطلاع‌رسانی کافی بشود، ثانیاً وقتی هزینه تولید را می‌دهیم، باید از کالای تولید شده استفاده کنیم. اگر مدتی یک جا بدون استفاده بماند، دور انداخته می‌شود. پس چه بهتر که اصلاً برای تولیدش هزینه نشود. نکته دیگر این است که اگر خبرهای مربوط به کلاس‌های ضمن خدمت و روش‌های تدریس مطرح در این کلاس‌ها در مجله بیاید، همکاری که در کلاس حضور نداشته‌اند، می‌توانند با تهیه مجله آن را مطالعه کنند. ما هم از طریق فضای مجازی که داریم، مخاطبان را به مجله ارجاع می‌دهیم. ولی این کار در مجله رشد انجام نمی‌شود.

**هادوی:** چه‌طور می‌توان مخاطب را حفظ و جذب کرد؟ چند سال پیش که در استان اصفهان مسابقات علمی برگزار می‌شد سؤالات این مسابقات با استفاده از منابع مجلات رشد یا مجله تکنولوژی آموزشی تهیه می‌شدند و شماره‌هایی که قرار بود در مسابقه از آن‌ها سؤال استخراج شود، مخاطبان بسیاری پیدا می‌کردند. این مسابقات فقط دو سال برگزار شدند. البته تهیه شماره‌های مورد نیاز روی دوش معلمان سنگینی می‌کرد. بنده پیشنهاد دارم، از هر فصل‌نامه‌ای یک یا دو عنوان از مطالب سودمند و پرکاربرد به‌صورت آزمون برخط (online)، - نه به عنوان مسابقه -

مطرح شوند و افراد دارای بالاترین نمره در مجله معرفی و تشویق شوند. کار دیگر این است که هیئت تحریریه یکی از شبهه‌های مطرح را (براساس نیازسنجی از همکاران) در مجله مطرح کند و از همکاران بخواهد براساس سن و سال مخاطبانشان، پاسخ مستدل و روشن به آن شبهه بدهند. سپس از میان پاسخ‌های رسیده، بهترین‌ها را انتخاب کند و از طریق چاپ در مجله به اطلاع همگان برساند. به نظر من برای خرید چنین مجله‌ای همکاران صف می‌بندند، زیرا نیازهای خود را در مجله می‌یابند.

مدرسان دوره‌های ضمن خدمت هم می‌توانند در ابتدای جلسه تدریس خود یادآوری کنند که تغییرات و غلط‌های تایپی و ... مربوط به کتاب‌های جدید در مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی چاپ می‌شود تا به این ترتیب مجله عصای دست و کتاب کار معلمان شود و همواره به آن مراجعه کنند.

● اتفاقاً یکی از سؤالات اساسی ما به همین موردی که مطرح کردید، مربوط می‌شود. یعنی باید چه کار کرد تا آنچه را که نمی‌شود در کتاب درسی آورد، معلم بتواند در مجله رشد پیدا کند؟ به عبارت دیگر، چگونه باید از طریق مجله برنامه درسی ملی را پشتیبانی کرد؟ زیرا در برنامه درسی ملی، کتاب در قالب بسته آموزشی تعریف شده است که یکی از عناصر این بسته باید مجله رشد باشد.

**فخار:** مطرح شده که میان معلمان مسابقه بگذاریم، در حالی که بنده دیده‌ام دانش‌آموزان دبیرستان هم این مجله را مطالعه می‌کنند. خوب می‌شود جایزه مسابقه را دیدار از حوزه علمیه قم یا دانشگاه امام صادق (ع) و امثال اینجها گذاشت. زیرا ضمن تدریس در دبیرستان متوجه شدم، دختران دبیرستانی علاقه‌مند که این‌گونه مراکز علمی آموزشی دینی را از نزدیک ببینند. فقط هم از این طریق می‌توانند به این مراکز بروند.

● پیشنهاد ما این است که ایده‌های تان را روی معلم‌ها متمرکز کنید. زیرا مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، مخاطبان اصلی و محوری خود را معلم‌ها می‌داند.

**هادوی:** با توجه به اینکه رشته ما قرآن و معارف است، یکی از پرجاذبه‌ترین محتواهای مجله می‌تواند معرفی نظام‌های آموزشی دینی کشورهای مختلف و کتاب‌های آموزشی تبلیغی‌شان باشد. ممکن است دارای نکات الهام‌بخش هم باشد. مثل کار در مدارس ژاپن که وقتی دانش‌آموزان در ساعت قبل درس سنگینی دارند، معلم اجازه دارد در ساعت بعد به دانش‌آموزان ۱۰ دقیقه اجازه استراحت و حتی خواب بدهد تا برای درس بعدی آماده شوند. خب این کار مفید است و من هم می‌توانم در صورت لزوم این کار را در کلاس درسم انجام دهم. وقتی این روش‌ها در مجله رشد مطرح شوند، معلمان سخت‌گیر نیز متوجه می‌شوند که نباید جسم و روح خسته دانش‌آموز را برای یادگیری مفاهیمی که به جسم و روح و روان آسوده نیاز دارد، تحت فشار قرار دهند که نتیجه‌بخش نخواهد بود.

● یکی از کارهای مجله این است که تجربه‌های آموزشی و روش‌های تدریس موفق معلمان را برای استفاده دیگران منتشر کند. اگر همکاران دبیر تجربه‌های مفید یا بکر و ابتکاری خود را به صورت یک مقاله علمی آموزشی مکتوب و مدون کنند و در اختیار مجله قرار دهند، چاپ می‌شود. متأسفانه خیلی کم چنین نوشته‌هایی با حفظ ضوابط نگارش علمی به مجله می‌رسند. بدون شک معلمان راه‌های ابتکاری و مؤثری در آموزش و تدریس یافته‌اند که لازم است به مجله منتقل شوند.

**هادوی:** دو راه‌حل به نظر می‌رسد: یکی اینکه چند سال پیش فراخوانی با عنوان «بانک ایده‌های معلمین» داده شد. این کار در راستای مسئولیت فراخوان چند



استان بود؛ مثل مازندران، فارس و اصفهان. فراخوان «بانک ایده‌ها» را استان سمنان به‌عهده داشت که بنده هم شرکت کردم و حاصل تجربه آموزشی‌ام در کلاس بود که با استقبال بچه‌ها هم همراه شده بود و بعد متأسف شدم که چرا طرح بانک ایده‌ها باید در استانی بایگانی شود، بدون آنکه انعکاس بیرونی داشته باشد. مسلم است که همکاران زیادی نیز ایده‌هایی را فرستاده‌اند و معلوم هم نشد که با آن‌ها چه کرده‌اند. این بانک ایده‌ها باید در محلی مستقر شود که همگان بتوانند از آن استفاده کنند. مجله می‌تواند محمل خوبی برای طرح این ایده‌ها در هر شماره باشد.

دومین راه‌حل جریان اقدام‌پژوهی است. این کار هر سال انجام می‌شود و یک معلم پژوهنده کارهای زیادی می‌کند تا مسئله‌ای را در مدرسه‌اش حل کند. این راه‌حل‌ها و راهکارها که «معلم پژوهنده» ارائه می‌دهد، سرانجام چه می‌شوند؟ منظورم پایان‌نامه‌ها نیست که بیشتر با آمار سروکار دارند، ولی بانک ایده‌ها و کار معلم پژوهنده باید در دسترس همگان قرار بگیرد.

**بابایی:** قبلاً به پرداختن موضوع‌های روز در جامعه اشاره کردم. از جمله این موارد «شیطان پرستی» تا دو سه سال پیش بود که حتی دانش‌آموز دوم خیلی بیشتر از من معلم در مورد آن اطلاعات داشت. مدتی است که عرفان‌های کاذب جای آن‌را گرفته است. من معلم درباره این نوع عرفان‌ها، مثل عرفان کیهانی، اطلاعات کمی دارم. به نظر بنده، مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی باید مرجعی برای اطلاع‌رسانی از یک سو و نقد عالمانه این نوع پدیده‌ها از دیگر سو باشد. آن‌وقت معلم می‌تواند به‌درستی و با آگاهی از ابعاد مسئله، نارسایی‌ها و خطرات آن‌ها را برای دانش‌آموزان نوجوان و جوان تشریح کند. زیرا مروجان این نوع عرفان‌های کاذب مطالعه کرده‌اند و با برنامه عمل می‌کنند تا نبض فکری مخاطبان، به ویژه نسل جوان را در اختیار بگیرند. غیر از این گاه مشاهده می‌شود در میان برخی از خانواده‌ها نیز رسوخ کرده‌اند و برای نفوذ هم از شکاف مشکلات موجود در خانواده استفاده می‌کنند. لذا بچه‌ها

هم جذب می‌شوند. مجله ما باید هم از صاحب‌نظران استفاده کند و هم از تجربه‌های مفید معلمان در مواجهه با این موارد در میان دانش‌آموزان بهره بگیرد تا معلم و دانش‌آموزان مجله را مرجعی برای خود در این زمینه بدانند.

**رضایی:** خوب است بخشی در مجله به تجربه‌های همکاران دبیر برای داشتن کلاس شاد و در همان حال آموزش‌پذیر اختصاص یابد.

● به‌نظرم در هر استان، چند تن از همکاران می‌توانند با هم اتاق فکر هیئت تحریریه مجله را در سطح استان تشکیل دهند. در اصفهان، شما می‌توانید چنین کاری بکنید. در این صورت، هیئت تحریریه مرکزی از طریق این اتاق فکرها با واقعیت‌های سراسر کشور بیشتر آشنا خواهند شد. زیرا شماها که از نزدیک با وقایع و مسائل استان خودتان آشنایی دارید، می‌توانید به‌درستی آن‌ها را به دفتر مجله و هیئت تحریریه منعکس کنید. آن‌وقت هیئت تحریریه مجله بهتر می‌تواند محتوایی برای مجله تدارک ببیند که پاسخ‌گوی نیازهای روز باشد. اگر هم چنین نکند، باز شماها می‌توانید بازخواستشان کنید که چرا بدان‌ها نپرداخته‌اند.

**بابایی:** پیشنهاد خوبی است.

**هادوی:** همه گروه‌های رشته‌های درسی با پایگاه خودشان ارتباط دارند. برای مثال پایگاه کشوری رشته ما - معارف اسلامی - ایلام است.

**فخار:** الان سمنان است، قبلاً ایلام بود. از مهر ماه سمنان است.

**هادوی:** ببخشید، خبر نداشتم. چند سال ایلام بود. گزارش کار همه سرگروه‌های استان‌ها در نیم‌سال اول و دوم به این پایگاه، یعنی الان به سمنان ارسال می‌شود. شما باید با دبیر کشوری پایگاه در ارتباط باشید و از گزارش‌های سراسر کشور که در این پایگاه متمرکز است، برای انعکاس در مجله استفاده کنید. آن‌وقت دیگران راغب می‌شوند به مجله رجوع کنند و بدین ترتیب بر مخاطبان مجله افزوده می‌شود.

● ما در مجله نمی‌خواهیم به پایگاه کشوری مراجعه کنیم. می‌خواهیم هر استان خودش فعال شود و با مجله‌اش ارتباط برقرار کند. دست‌اندرکاران مجله هم بدانند که ایده‌های رسیده محصول اتاق فکری است برای مثال در استان اصفهان. **رضایی:** ما نمی‌دانستیم چه کار باید بکنیم. یا نمی‌دانستیم که گزارش تجربه‌های آموزشی و تدریس و کلاس‌داری خود را کجا بفرستیم. وقتی اطلاع داشته باشیم، به درستی اقدام می‌کنیم.

**فخار:** اگر ظرف سببی داشته باشیم و فقط یک خرمالو روی آن باشد، خرمالو توجه‌ها را به خودش جلب می‌کند. الان بحث‌های ما، بحث‌هایی هستند که در جامعه رواج دارند و هر شبکه‌ی تلویزیونی را هم بگیرد، از همین بحث‌ها مطرح می‌کند. شما برای جلب توجه و جذب مخاطبان جدید، باید به کاری فوق‌العاده و بهتر از کار این شبکه‌ها دست بزنید. یعنی چیزی باشد که همه نمی‌دانند. آنچه را خواهران همکار فرموده‌اند خیلی خوب است، ولی همه‌جا در دسترس است.

● البته اگر خاطره‌های دینی، منحصر به فرد و دارای نکته را بیاورند، جاذبه دارد. برای مثال، یکی از دانش‌آموزان به من اعتماد کرد و آمد بیماری‌اش را که خیلی سنگین بود به من گفت. این اعتماد هم به دلیل تفسیر یک آیه از قرآن در کلاس درس بود. نمی‌خواهم و دوست ندارم موضوع را باز کنم، ولی این دختر از خانواده‌ای بود که کسی فکر نمی‌کرد به چنین بیماری گرفتار شده است. خب این نوع خاطره‌ها برای دیگر همکاران ما جذاب‌اند و حتماً دوست دارند این خاطرات را بشنوند یا بخوانند. منظورم این است که مجله باید شامل مفادی باشد که همه جا نیست و نه آنچه که همه جا هست. زندگی‌نامه افرادی هم باید در مجله بیاید که در دسترس نیست. آنچه را که همه‌جا هست، افراد علاقه‌مند می‌توانند از جای دیگر پیدا کنند و بخوانند.

**هادوی:** بنده خاطره بسیار جالبی را که از تدریس داشتیم، با عنوان «جمال ابدی» برای مجله فرستادم و چاپ هم شد. منظور ما این است که مجله باید در سطحی قرار بگیرد که ابزار دست دائمی همکاران معلم باشد. از جمله اعلام شود که آنچه را در کلاس ضمن خدمت می‌گذرد، در اولین شماره رشد معارف خواهید خواند که می‌تواند اشکالات درسی و حتی اشکالات کتاب درسی باشد. با این کارها می‌توان مجله را به یکی از اقلام ضروری بسته آموزشی تبدیل کرد.

● این نکته‌ها را که درباره خاطره یا تجربه‌های آموزشی یا اقدام‌های جالب معلم‌ها یا دانش‌آموزان مطرح کرده‌اید، باید تدوین شود و به زبان کار مجله و دقیق و مستند ارسال شود.

**هادوی:** مجله باید بخواهد. بانک ایده‌ها را خواستند و ما فرستادیم.  
**رضایی:** من نمی‌دانم که مجله از من معلم چه می‌خواهد یا چه محتوایی را نیاز دارد که دنبالش بروم.

● یعنی می‌فرمایید اطلاع‌رسانی درباره نیازها و نوع ارتباط مجله با مخاطبان یا نیست یا ناقص است و باید دست‌اندرکاران مجله در زمینه اطلاع‌رسانی و ارتباط با مخاطبان را تقویت کنند.

**هادوی:** یکی از کارهای جالب این است که اعلام کنید معلمان قشنگ‌ترین و خلاقانه‌ترین سؤال‌های برگرفته از کتاب درسی اما متناسب با نیازهای روز را ارسال دارند تا در مجله چاپ شود. آن‌وقت دیگر همکاران هم از آن‌ها استفاده می‌کنند. مثالی بزنم. در کلاس سؤال‌ی طرح کردم و نظر بچه‌ها جلب شد. با دادن نشانی سایت‌های علمی، سؤال‌ی را به این صورت مطرح کردم که زهرا می‌خواهد با دوستی در کانادا که به تازگی مسلمان شده است، مکالمه مفیدی داشته باشد و او را با کتاب

آسمانی مسلمانان آشنا کند. به نظر شما زهرا به کدام یک از سایت‌هایی که نشانی آن‌ها را دارید، مراجعه کند؟ همه هم سایت دینی اسلامی بود. با این کار به سه هدف رسیدیم: همه دانش‌آموزان با سایت‌های مفید و مذهبی آشنا شدند، هم به این موضوع فکر کردند که چگونه می‌توانند بهتر از دینشان دفاع کنند و در همان حال به نقد این سایت‌ها پرداختند.

● درباره فضای مجازی صحبت‌هایی شد. حال بفرمایید چگونه باید ما از فضای مجازی بهتر و بیشتر استفاده بکنیم؟

**بابایی:** راستش من زیاد با فضای مجازی رابطه خوبی ندارم.

**فخار:** همین کاری که خانم هادوی گفت، ابتکار خوبی برای استفاده از فضای مجازی است.

**رضایی:** تشکیل گروه‌های اجتماعی مثل «تلگرام» یا «واتس‌آپ» و استفاده از صاحب‌نظران. ما گروه پیام آسمانی داریم که خود آقایان دلبری و شکرانی - از اعضای تحریریه مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی - در آن حضور دارند و می‌پرسند، اگر درس جدید را تدریس کرده‌اید، اشکالات آن را برای ما بیان کنید. ایشان به پرسش‌های همکاران نیز جواب می‌دهند.

**هادوی:** اتفاقی که اخیراً در واتس‌آپ و تلگرام افتاده، تشکیل گروه‌هایی در یک سال اخیر است. این گروه‌ها فعال‌اند و مطالب خوبی را رد و بدل می‌کنند. الان دبیران عربی و دبیران معارف کشوری گروه‌های خود را دارند.

**رضایی:** مدیریت گروه باید خوب باشد.

**هادوی:** مدیران گروه رشته معارف که از سراسر کشور گرد هم آمده‌اند، باید قوانین و قراردادهایی را بگذارند و اعلام کنند که اعضای گروه از اقدام‌ها و پیام‌های زائد و غیرمفید اجتناب کنند.

پیشنهاد من این است که خود مجله رشد گروهی را در فضای مجازی سازمان بدهد با عنوان «گروه رشد قرآن و معارف» با قواعد و قراردادهای مشخص تا از تبادل پیام‌ها و عکس و برچسب‌های نالازم و غیرمفید و خارج از چارچوب جلوگیری شود. به‌ویژه می‌توانید نیازسنجی‌تان را هم از این طریق انجام بدهید. حتماً بسیاری از شماره تلفن‌های همراه را در اختیار دارید و این کار را آسان می‌کند. به این ترتیب خانواده مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی در فضای مجازی اعلام موجودیت می‌کند و ما از این طریق از دغدغه‌های هیئت تحریریه هم آگاه می‌شویم و می‌توانیم در رفع این دغدغه‌ها مدد برسائیم. همان‌طور که می‌توانیم از محتوای هر شماره مجله هم آگاه شویم و آن را تهیه کنیم زیرا حتماً یک یا دو مورد از نیازهای آموزشی ما را در خود دارد.

**فخار:** تازه می‌توانید از میان مطالبی که می‌رسند و نزد شما جمع می‌شوند، بهترین‌ها را انتخاب و چاپ کنید.

**رضایی:** خیلی مفید است. حضور آقای اشکبوس در گروه عربی در فضای مجازی سبب شد تا خیلی از دبیران تغییر کنند.

● این نکته را از میان دغدغه‌های هیئت تحریریه عرض کنم که اطلاع داشته باشید، بد نیست. می‌گویند اگر مطالب غنی به ما برسد و دستمان برای انتخاب باز باشد، می‌توانیم فاصله انتشار را کمتر کنیم و مجله را از فصل‌نامه به دو ماه‌نامه یا ماه‌نامه تغییر دهیم. درباره فاصله زمانی انتشار چه نظری دارید؟

**رضایی:** اگر دو ماه‌نامه هم باشد، خوب است.

**هادوی:** دو ماه‌نامه خوب است.

**بابایی:** دو سه سالی است که مقاله‌نویسی بین معلمان جا افتاده است، ولی نمی‌دانند چگونه یک مقاله علمی را بنویسند و چگونه ارجاعات را بیاورند. به همین دلیل در

آخرین مجمعمان، یکی از استادان برجسته را دعوت کردیم و ایشان در ۹۰ دقیقه، شیوه‌ی درست مقاله‌نویسی را تشریح کرد. معلمان نیز به دنبال نوشتن مقاله به‌منظور کسب امتیاز برای ارزشیابی یا معلم نمونه شدن هستند. لذا حتی اگر مجله‌ی شما هفته‌نامه هم شود، چون به این سبب زودتر جواب می‌گیرند، از آن استقبال می‌کنند.

● **وقتی تعداد مقالات زیاد باشد و به دلیل نازل بودن رد شوند، آن وقت مقاله‌های همکاران معلم ما ریزش می‌کند و کاهش می‌یابد.**

**بابایی:** حال که به پایان وقت گفت‌وگو رسیده‌ایم، اجازه بدهید پیشنهاد دیگر را هم بیان کنم. تنوع رنگ در صفحه‌های داخلی مجله را افزایش دهید و جمع‌بندی مطالب مجله را در صفحه‌ی پایانی بیاورید. به نظرم باید اندازه و قطع مجله تغییر کند. یعنی قطع مجله را به قطع وزیری تغییر دهید که برای بایگانی (آرشیو) کردن بهتر است.

**فخار:** در رنگ‌آمیزی مجله باید دقت شود. برای مثال، رنگ آبی و قرمز را با هم کار کرده‌اند که حتی با عینک هم نمی‌توان مطلب را خواند. به ویژه که حروف هم ریز است. باید در نظر داشته باشند، افرادی که سن و سالی از آن‌ها گذشته نیز باید مجله را بخوانند.

**هادوی:** در موفقیت مجله تنوع طرح‌های روی جلد مؤثر است. مصاحبه با دانش‌آموزان که حداقل در این شماره (پاییز ۹۴) دیدم، خوب بود. خوب است کتاب‌های جدید تحلیل شوند. عکس نویسنده هر مقاله را بگذارید.

● **خانم نقد کنید!**

**هادوی:** نقد! جدول ندارد. حال می‌خواهد جدول اطلاعات عمومی باشد یا جدول با اطلاعات تخصصی.

## ● طنز دارد؟

**هادوی:** «نکته‌های لطیف» را ذیل گلچین آورده‌اید، ولی به معنای طنز و مطایبه چیزی ندارید. مطالب هم باید کوتاه کوتاه باشند. برخی مطالب طولانی‌اند و کسی رغبت ندارد آن‌ها را بخواند.

**فخار:** شما مسئولیت دارید که در رد مطالب خرافی در جامعه مطلب بنویسید؛ از جمله آنچه در تلگرام یا واتس‌آپ می‌آورند و به دین می‌چسبانند. مثلاً اگر فلان آیه را ۵۰۰ بار بخوانید چه می‌شود یا اگر فلان مطلب را چندبار منتشر نکنید، دچار چه ماجرابی می‌شوید. خوب باید با این خرافات مبارزه کرد و مجله شما باید این کار را بکند.

## ● خوب خودتان در رد این مسائل مطلب بنویسید.

**فخار:** چشم. اگر در فضای مجازی وبلاگ داشته باشید، می‌نویسم و برایتان می‌فرستم تا اگر مناسب تشخیص دادید، در مجله هم چاپ کنید.

**هادوی:** اگر می‌خواهید مجله در بسته آموزشی قرار بگیرد، باید هم نمونه سؤال‌های خلاقه در مجله بیاورید. منظوم سؤال معمولی نیست که در کتاب کارها پر است؛ مثل همان سؤالی که در معرفی سایت‌ها یاد کردم. رفع اشکالات درسی و پاسخ به شبهات، آوردن گزارشی از آنچه در دوره‌های ضمن خدمت، به ویژه در سطح کشوری مطرح می‌شود و مدرسان و استادان این دوره‌ها به مجله رشد ارجاع بدهند، ایجاد فضای مجازی تحت عنوان گروه رشد معارف به صورتی که قبلاً گفته شد، برگزاری مسابقه‌ها که کمترین تشویق، دارندگان نمره‌های بالا چاپ اسامی آن‌ها در مجله باشد، از جمله اقداماتی است که به موفقیت مجله کمک می‌کند. برای گرافیک هم می‌توانید از مجله‌ای مثل مجله «بشارت قرآنی» الهام بگیرید. این مجله از اولین شماره تاکنون بسیار بسیار زیبا بوده است، با طرح‌ها و رنگ‌آمیزی‌های خیلی جالب و جذاب و خلاقانه.



گفت‌وگو با دبیران خواهر استان‌های کشور

● متشکریم. می‌کوشیم از پیشنهادهای و بعضاً انتقادهای مفیدتان در ارتقای کیفی کلیت مجله استفاده لازم را به‌عمل آوریم. موفق باشید.

## دینی و قرآن سال اول و دانش آموزان دبیرستان نرجس گفت‌و‌گو با دانش آموزان شهر تهران درباره کتاب دینی و قرآن سال اول دبیرستان

رضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مهدی مروجی

### اشاره

از «دبیرستان دخترانه نرجس تهران»، شش نفر از دانش‌آموز دختر در گفت‌و‌گوی ما حضور یافتند و درباره کتاب «قرآن و تعلیمات دینی» سال اول متوسطه اظهار نظر کردند.

دانش‌آموزان شرکت‌کننده در گفت‌و‌گو که در سال دوم دبیرستان درس می‌خوانند، عبارت‌اند از: پاییزه نجفی، کمند هدایتی، ملیکا کاظمی، سارا کیمیا قلم، محدّثه یمینی و غزل لؤلؤ.

۱۴۵

● دختران دانش‌آموز از نظر شمّ هنری و زیبایی‌شناسی، دقت بیشتری به خرج می‌دهند و در بیشتر سال‌ها، دانش‌آموزان دختر رتبه‌های اول، دوم و سوم رشته هنری را در کنکور سراسری کسب کرده‌اند. حال بفرمایید آیا از ساختار و فرم

ظاهری کتاب، یعنی گرافیک و طراحی‌های جلد و داخل کتاب رضایت دارید؟  
به‌نظر شما آیا کتاب برای مخاطبان از نظر بصری جاذبه دارد؟

**پاییزه نجفی:** پنجره سرفصل‌های کتاب همه یک جور و دارای رنگ آبی هستند. بنده متوجه نشدم که درخت سیب روی جلد کتاب با متن آن چه ارتباطی دارد.

**کمند هدایتی:** می‌دانیم که سیب میوه بهشتی است. طرح جلد کتاب (درخت سیب) یکی از نشانه‌های زیبایی در جهان آخرت است که نیکوکاران در این دنیا به آن می‌رسند. ملیکا کاظمی: کتاب طراحی داخلی قابل توجهی ندارد. در سال‌های گذشته، کتاب‌ها همراه با توضیح مطلب و موضوع درس، تصویری داشتند که با یک نگاه می‌توانستیم بفهمیم چه می‌خواهد بگوید. متأسفانه کتاب امسال ما فقط از نوشته پر شده است. یادآور شوم که طرح مربوط به «مرحله دوم کتاب آهنگ سفر» از نظر کیفیت تصویر و طراحی عالی است. اما در متن خود درس‌ها طراحی قابل توجه، جذاب و مرتبط با موضوع و متن وجود ندارد.

**سارا کیمیا قلم:** حجم ۱۶ درس کتاب خیلی زیاد است. بخش «بیشتر بدانیم» یا مواردی مثل آن، بیشتر حجم کتاب را اشغال کرده‌اند. اصل متن درس کمتر از حواشی است.

**محدثه یمینی:** جلد کتاب رنگ‌های گرم و خیلی قشنگی دارد. اما رنگ‌های داخل کتاب، رنگ‌های مرده‌اند؛ مثل آبی‌ها. این رنگ‌ها چشم را خسته می‌کنند. متأسفانه! تنوع رنگ وجود ندارد. می‌شود از رنگ‌هایی مثل صورتی استفاده کرد که سبب خستگی چشم هم نشوند.

● درباره رسم الخط آیات چه نظری دارید؟

شش دانش آموز حاضر: رسم الخط مشکلی ندارد.

**کاظمی:** رسم الخط خوب و اعراب‌گذاری هم مناسب است. این رسم الخط کمک

می‌کند قرآن‌های دارای رسم‌الخط‌های دیگر را هم بخوانیم.

**یمینی:** این خط خیلی خوب است؛ زیرا چیزی بین خط عربی و خط فارسی است.  
**هدایتی:** خط آیات اول هر درس، که خودمان معنی می‌کنیم، خیلی خوب است.  
لذا مناسب است که خط دعا‌های موجود در کتاب متفاوت باشد اما اگر رسم‌الخط کتاب درسی با رسم‌الخط قرآن کامل نوشته شود، خیلی بهتر است.  
**کیمیا قلم:** این رسم‌الخط خوب است؛ زیرا سبب می‌شود آیات را به فارسی بخوانیم و بفهمیم اما اگر به شیوه نستعلیق نوشته می‌شد، کمک می‌کرد با رسم‌الخط قرآن نیز آشنا شویم و بتوانیم راحت‌تر و روان‌تر قرآن را بخوانیم. زیرا رسم‌الخط آیات کتاب درسی با رسم‌الخط قرآن‌ها فرق دارد.

● شما اگر به جای مؤلفین کتاب بودید، چه تغییراتی در موضوع‌های منتخب کنونی می‌دادید؟

**غزل لؤلؤ:** کل این کتاب وجهه خوبی دارد اما اگر من نویسنده آن بودم، بیشتر به سنت معصومین (ع) رجوع می‌دادم و به این علت که دختر هستیم، سوره‌های «نساء» و «نور» را در کتاب می‌آوردم، زیرا دختران نقش بسیار اساسی در خانواده دارند. در کتابی که اکنون در اختیار داریم، از سوره‌های مختلف استفاده کرده‌اند که در یادگیری آن‌ها شکی ندارم ولی سوره‌های نساء و نور بیشتر به زندگی ما نزدیک‌تر هستند.

نکته دیگر هم این است که معلم‌ها وقتی تفسیر آیه‌ای را می‌گویند، به معنی آیه خیلی شباهت پیدا می‌کند. لذا تشخیص معنی و تفسیر آیه مشکل می‌شود. در کتاب باید تفسیر آیه بیاید تا دانش‌آموز گرفتار چنین معضلی نشود. دبیر ما در غیر ساعت کلاس درس، برای ما سوره‌های نساء و نور را تفسیر می‌کند و نکته‌های خیلی خوبی را در تفسیر یادمان می‌دهد. از جمله اینکه چگونه باید در زندگی عمل کنیم و چه

پرده‌هایی باید بین ما و افراد نزدیک ما وجود داشته باشد یا یک دختر لازم است در جامعه چه کارهایی را انجام دهد.

ایشان می‌گفت: در قرآن ابتدا به مردها گفته شده، چشم‌های خود را از نامحرم نگه‌دارند، بعد به خانم‌ها فرموده است، پوشش خود را حفظ کنند. باید در کتاب درسی این چیزها را به ما یاد بدهند.

**میمینی:** من با خانم لؤلؤ درباره جدایی کتاب برای دختران و پسران موافق نیستم. در این صورت وظیفه معلم چه می‌شود؟ معلم وظیفه دارد به ما بگوید که ما در هر وضعیت باید چه کنیم. وظیفه معلم مدارس پسرانه هم همین است.

**هدایتی:** بنده هم با خانم لؤلؤ درباره جدایی کتاب پسران و دختران مخالفم. ما که می‌خواهیم خانم‌های آینده جامعه باشیم، باید چیزهای لازم را درباره مردها بدانیم؛ یعنی آنچه دین درباره مردها گفته است. کتاب آسمانی ما مسلمانان مرد و زن را برابر معرفی کرده است. پس لازم است مردان و زنان از حقوق و وظایف یکدیگر آگاه باشند و آن‌ها را رعایت کنند.

**لؤلؤ:** حرف شما درست، اما اگر به سوره نساء، به‌ویژه به سوره نور نگاه کرده باشید، دیده‌اید که هم حقوق و تکالیف مرد آمده است و هم حقوق و تکالیف زن. اینکه به جدایی کتاب‌ها اشاره کردم، به این دلیل بود که این دو سوره بیشتر به کار خانم‌ها می‌آید تا آقایان. یعنی مطالب و آیات دیگر برای دانش‌آموزان دختر و پسر مشترک باشد ولی سوره‌های نساء و نور مختص دختران باشد.

**کاظمی:** اگر در کتاب دینی و قرآن، منتخبی از احادیث و سخنان پیامبر و امامان معصوم (ع) بیاید، خیلی خوب است. همین‌طور مفید است که داستان زندگی پیامبران، امامان (ع) و بزرگان دین در کتاب آورده شود. زیرا زندگی بزرگان غیر معصوم نیز از زندگی معصومان بزرگوار سرچشمه گرفته است.

**هدایتی:** بیشتر مطالب کتاب‌های دوره راهنمایی با داستان توضیح می‌شدند. به

همین دلیل درک مطلب نیز راحت تر بود. بهتر است به جای آوردن این همه تعریف و توضیح که در کتاب‌هایی مثل کتاب سال اول آمده است، از داستان استفاده شود. اگر هم قرار است تعریفی بیاید، بعد از داستان قرار گیرد تا بازدهی کار بیشتر شود.

**یمنی:** آیه‌هایی را که در اول هر درس آمده‌اند، ابتدا باید بتوانیم خوب و درست قرائت کنیم. ترجمه کردن آن‌ها هم به عهده ماست. سرانجام باید پیام آیه استخراج شود. من اگر جای مؤلفین بودم، به جای تفکیک معنی و پیام آیه (که تا حدودی شبیه یکدیگرند) که ما آن‌ها را انجام می‌دهیم، پیام‌ها را در متن درس می‌گنجاندم.

● به همین نکته‌ای که شما می‌فرمایید، عمل شده است اما به این دلیل در کتاب روی پیام تکیه شده است و آن‌ها در بخش خاص قرار گرفته‌اند که دانش‌آموز روی پیام آن‌ها تمرکز بیشتری داشته باشد. مطالب و موضوع‌هایی که تفسیرگونه بسط داده شده‌اند و موضوع درس و موضوع آیات، این‌ها در بردارنده پیام آیات‌اند. ضمن اینکه پیام‌های مذکور جدا از متن و در کادر قرار داده شده‌اند.

شما نکته‌ای را درباره پیام آیه و شباهت آن به معنای آیه گفتید و خواستید که پیام آیه و آیات در متن درس بیاید. مؤلفین یادآوری کردند که همین کار شده است، به اضافه بزرگ‌نمایی پیام در خارج از متن. حال شما نمونه‌ای برای روشن شدن نظر خود بیاورید تا مشخص شود که پیام در متن درس نیست و فقط در خارج متن و در کادر معلومی قرار گرفته است.

**کاظمی:** مؤلفین می‌گویند پیام‌ها هم در متن درس آمده و هم در کادر مشخص قرار گرفته‌اند. مشکل از اینجا ناشی می‌شود که آیات را به ما داده‌اند و جلوی آن‌ها را خالی گذاشته‌اند. تا دانش‌آموزان معنی آیه را در جای خالی بنویسند؛ البته با دانسته‌های قبلی و به کمک معلم. بعد هم معلم می‌گوید: حال که آیه را معنی کرده‌اید، پیام آن را هم بنویسید. ما پیام را می‌نویسیم و اما با معنی تفاوت چندانی

ندارد. یعنی تفاوت ممکن است در حد یک کلمه یا جابه‌جایی کلمه‌ای باشد. برخی از درس‌ها هم کادری دارند و گفته شده است که پیام را از متن استخراج کنید و در کادر بنویسید.

معلم هم می‌گوید سر امتحان اگر گفته شد معنی آیه را بنویسید، شما باید معنی را بنویسید و اگر پیام خواسته شد، باید پیام آیه را بنویسید. ما می‌گوییم وقتی معنی و پیام این‌قدر به هم شباهت دارند، ما در تفکیک آن‌ها دچار مشکل می‌شویم. باید در کتاب راهی را به دانش‌آموز نشان داد تا اذیت نشود.

● ترجمه را کجا و کی انجام می‌دهید؟

هر شش دانش‌آموزان حاضر: در اول درس و در کلاس انجام می‌دهیم.

● این نوع ترجمه خیلی خوب است. آیا بعد از ترجمه و قبل از اینکه متن درس را بخوانید، شروع به استخراج پیام می‌کنید؟

هر شش دانش‌آموزان حاضر: بله: معلم می‌گوید: حالا که قرائت تمام شد و آیات را هم معنی کرده‌اید، شروع کنید به نوشتن پیام آیات.

● من نمی‌خواهم بگویم کار معلم شما درست نیست ولی یادآوری کنم که برای روش تدریس، الگویی تعیین می‌شود. الگوی پیشنهادی مؤلفان، جامع و عملی است و همهٔ معلمان قدرت اجرای آن را دارند. در الگوی مؤلفان، استخراج پیام بعد از قرائت و ترجمهٔ آیات و پیش از خواندن متن تشریحی نیست. البته ممکن است دبیر محترم در این کار فایده‌ای ببیند که آن موضوع دیگری است. دبیران معمولاً از روش‌های مختلفی برای تدریس استفاده می‌کنند.

اما دربارهٔ تفاوت اندک معنا و پیام - در حد یک کلمه - که فرموده‌اید، باید بگویم

چنین چیزی ممکن است. مؤلفان گفته‌اند - حتی در دوره متوسطه اول هم این طور بود- ترجمه هر آیه را کلمه به کلمه انجام دهید یعنی ترجمه تحت‌اللفظی باشد تا در کار ترجمه ورزیده شوید...

ما از شما دانش‌آموزان دبیرستان نرجس برای شرکت در این گفت‌وگو تشکر می‌کنیم.



## دینی و تدریسی فراتر از کلاس درس گفت‌وگو با فریبا حنیفی، دبیر دینی برگزیده

### معصومه دیودار

از سال ۷۶ تدریس را آغاز کرده است و حدود ۲۶ سال سابقه خدمت را در کارنامه کاری خود دارد. در طول این سال‌ها حدود ۵ سال در پایه پنجم ابتدایی تدریس کرد، و بعد از آن وارد دوره راهنمایی شده است. او اکنون ۲۰ سال است که در این دوره تحصیلی درس دینی را تدریس می‌کند.

«فریبا حنیفی» سال‌ها رتبه نخست تدریس دینی و الگوهای برتر را در استان کردستان و همدان به خود اختصاص داده و حدود ۵ سال سرگروه ناحیه ۲ همدان و ۵ سال دیگر سرگروه استانی درس دینی در این استان بوده است. با این معلم نمونه، در خصوص تدریس درس دینی و چگونگی رسیدن به این موفقیت به گفت‌وگو نشستیم.

با توجه به اینکه سال‌ها تجربه تدریس دینی در دوره راهنمایی را در کارنامه حرفه‌ای خود دارید، از تجربیات عملی موفق خود در این زمینه برایمان بگویید.

در طول سال‌ها تدریس دینی شاهد آن بودم که کتاب معارف مدت زمان طولانی هیچ نوع تغییری به خود ندیده، به طوری که می‌توان گفت دبیرانی داشتیم که هنگام محصل بودنشان همین کتاب‌ها را خوانده بودند. اما با تلاش همکاران و اظهار نظراتی که در این خصوص به دفتر تألیف ارسال کردیم هم‌اکنون شاهد تغییر کتاب درسی دینی هستیم. چنان‌که نام دینی یا معارف نیز به پیام‌های آسمان تغییر کرد.

این امر یکی از عوامل مؤثر در برقراری ارتباط با دانش‌آموز شد؛ چرا که تغییر نام درس دینی به پیام‌های آسمان به خودی خود برای دانش‌آموزان پیام دارد. در نتیجه کتاب معارف از قالب کلیشه‌ای و تمرکز بر اعداد و ارقام در آمد و وارد محتوا و متن زندگی روزمره دانش‌آموزان شد و مورد استقبال قرار گرفت. آیات، کم و مباحث مفهومی تر شدند. در واقع، تدریس از حالت حفظی بودن به درک آیات رسید.

با توجه به اینکه رویکرد کتاب ارتقای فعالیت کلاسی بود، کلاس‌های درس فعال شدند. چرا که کتاب پیام‌های آسمانی به صورت فعالی طراحی شده است. از این رو دانش‌آموزان به هنگام تدریس معلم فعال و پویا می‌شوند. البته نرم‌افزارهای بسیار خوبی نیز از سوی دفتر تألیف برای این منظور طراحی شده که قابل توجه است.

فعالیت و مشارکت دانش‌آموزان در کتاب جدید بسیار زیاد است و آن‌ها با شور و هیجان در کلاس حاضر می‌شوند. از این رو سعی می‌کنم از دانش‌آموزان در تدریس کمک بگیرم. در ابتدای امر اهداف را از درس استخراج و برای خود مشخص می‌کنم. سپس کلاس درس را با دادن اطلاعات اندک به منظور راهنمایی دانش‌آموزان و سوق دادن آن‌ها به سوی هدف مورد نظر آغاز می‌کنم. دوست دارم خودشان به هدف برسند نه آنکه

لقمه را آماده در دهانشان بگذارم.

باید توجه داشت که بسیاری از مطالب عنوان شده در کتاب پیام‌های آسمانی در متن زندگی دانش‌آموزان جاری است. از این رو سعی می‌کنم با دادن اطلاعاتی اندک آن‌ها را برای رسیدن به هدف مورد نظر درس تشویق کنم.

■ برای رسیدن به این هدف چه روش تدریسی را به کار می‌گیرید؟

از روش تدریس پرسش و پاسخ استفاده می‌کنم تا به هدف مورد نظر برسم. با مشارکت دانش‌آموزان درس را آغاز می‌کنم و بیشتر سعی می‌کنم آنچه نیاز است خودشان به دست آورند و پس از کشف آن را بیان کنند. در واقع، موضوع درس را بدون آنکه چیزی بگویم از دانش‌آموز استخراج می‌کنم.

این روش به دلیل آنکه دانش‌آموز با سعی و تلاش خود توانسته است به مقصد برسد سبب به وجود آمدن شور و شمع در او می‌شود و این خود در نهایت سبب نهادینه شدن موضوع خواهد شد. البته سعی می‌کنم از مثال و داستان نیز بهره بگیرم و روش تدریس اکتشافی را مد نظر دارم. تکیه تدریس من بر کار گروهی، بارش فکری و رسیدن به نتیجه است.

■ چند درصد دانش‌آموزان در این روش تدریس مشارکت می‌کنند؟

به جرئت می‌توانم بگویم بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزان در این روش تدریس مشارکت می‌کنند.

■ با توجه به اینکه درس پیام‌های آسمان متشکل از بخش‌های مختلف اخلاقی، دینی و عقیدتی است، برای تدریس هر یک از این بخش‌ها چه روشی را پیشنهاد می‌کنید؟

در تدریس بخش‌های اخلاقی از داستان استفاده می‌کنم. مخصوصاً از مطالب و داستان‌های شهید مطهری. چرا که بسیار آموزنده هستند و من نیز ارادت خاصی به ایشان دارم. در واقع، باید بگویم داستان و فیلم در انتقال درست مسائل اخلاقی بسیار مؤثر است.

در آموزش بخش‌های عقیدتی، سعی می‌کنم دانش‌آموز خود کشف‌کننده مطلب باشد. در این خصوص نیز با استفاده از روش پرسش و پاسخ و ایجاد جو مشورتی و نظرخواهی، دانش‌آموزان با کمک یکدیگر به اصول دین و مسائل عقیدتی واقف می‌شوند.

در خصوص مباحث دینی و عملی به واجبات، مانند نماز، روزه و تیمم، در تدریس از دانش‌آموزان استفاده می‌کنم که به صورت نمایشی مبحث مورد نظر را تصویر می‌کنند و بقیه در این خصوص نظر می‌دهند که آیا عمل او اشکال داشته است یا نه. در واقع، دانش‌آموزان عملکرد یکدیگر را ارزیابی می‌کنند.

آموزش مطالب فرهنگی نیز به فراخور اوضاع اجتماعی تدریس می‌شود. از آنجا که دانش‌آموزان با اوضاع روز جامعه پیش می‌روند و معمولاً در جریان آنچه در رسانه و شبکه‌های اجتماعی می‌گذرد هستند، سعی می‌کنم برای تفهیم مطالب فرهنگی از جریان‌ات روز جامعه استفاده کنم. اگر معلم با جریان‌ات روز همراه و از آن‌ها مطلع باشد خواهد توانست نیازهای دانش‌آموز امروزی را پاسخ دهد.

۱۵۵

هنگامی که نیاز به حفظ کردن و به خاطر سپردن مطالب باشد از روش اعضای گروه استفاده می‌کنم. به این صورت که مباحث درس را به چند بخش تقسیم می‌کنم و هر یک از اعضای گروه (که تعداد آن‌ها فرد است تا اعضای آن به دو گروه تقسیم نشوند) مسئول یادگیری یک بخش می‌شود.

در مرحله اول همه دانش‌آموزان درس مورد نظر را پیش‌خوانی می‌کنند. سپس مبحث مربوط به خودشان را می‌خوانند. در ادامه دانش‌آموزانی که مباحث یکسان

دارند، کنار یکدیگر می‌نشینند و در مورد مطلبی که خوانده‌اند با هم گفت‌گو می‌کنند. البته باید به این نکته توجه داشت که دانش‌آموزان ضعیف در بین این گروه‌ها تقسیم می‌شوند تا با قرار گرفتن در کنار دانش‌آموزان قوی درس را یاد بگیرند. سپس هر یک از دانش‌آموزان به گروه خود باز می‌گردند و مبحث مورد نظر را برای اعضای گروه خود توضیح می‌دهند. در چنین شرایطی دانش‌آموزان با اجرای کار گروهی، درس را برای یکدیگر توضیح می‌دهند و سپس گروه‌ها سؤالات مورد نظرشان را از یکدیگر می‌پرسند تا اگر نکته مبهمی برایشان باقی مانده باشد رفع شود. این روش مورد پسند دانش‌آموز است و معلم در واقع نقش هدایت‌گر را دارد.

■ برای اجرای این روش تدریس چه مدت زمانی لازم است و آیا در مدت یک زنگ درسی تحقق می‌یابد؟

بسیاری از همکاران معتقدند که زمان کافی برای چنین روش تدریسی وجود ندارد اما باید بگویم که این روش تدریس بیش از سایر روش‌ها در نهادینه شدن موضوع در دانش‌آموز تأثیرگذار است. البته این روش در طول زمان کلاس درس نیز قابل اجرا است. استفاده از این روش موفق‌تر خواهد بود از اینکه دانش‌آموز برای به‌خاطر سپردن و درک مفهوم وقت صرف کند و دبیر هم برای انتقال مطلب به زحمت بیفتد.

■ آیا از ابزارهای کمک‌آموزشی در تدریس استفاده می‌کنید؟ در این باره توضیح دهید.

صد در صد. در مرحله نخست به دنبال ساخت وسایل کمک‌آموزشی توسط دانش‌آموزان برای تدریس دینی نیستم. بیشتر سعی می‌کنم از کتاب‌های قابل قبول و شناخته شده در هر مبحث استفاده کنم. همچنین از نرم‌افزارهایی که ساخته‌ام استفاده می‌کنم. در برخی از مواقع نیز دانش‌آموزان برای درس جدید طبق الگویی

که ارائه می‌دهم، نرم‌افزار طراحی می‌کنند. از تمام وسایل کمک‌آموزشی که از سوی مرکز تألیف ارسال شده است نیز استفاده می‌کنم. البته استفاده از پویانمایی (انیمیشن) و تصویر را نیز پیشنهاد می‌کنم؛ چرا که تأثیر آن‌ها بر ذهن دانش‌آموزان بسیار بیشتر از سخنان معلم است.

■ به نظر شما تفاوت درسی دینی با سایر دروس چیست؟ چرا لازم است معلم دینی توجه ویژه‌ای به چگونگی آموزش و استفاده از ابزارهای آموزشی در تدریس دینی داشته باشد؟

نکته‌ای که در زمینه تدریس دینی مورد توجه است، باز گذاشتن دست معلم در تغییر زمان تدریس دروس مختلف است. این تغییرات با توجه به مقتضیات زمان اجرا و پس و پیش می‌شود. به‌طور مثال، درسی که با عاشورا مرتبط است در آن روزها تدریس می‌شود. حتی اگر در ترتیب دروس، کلاس به آن درس نرسیده باشد. معلم دینی باید فرصت‌هایی را فراهم کند تا دانش‌آموزان به تجربیات دینی دست یابند. به‌طور مثال، در خصوص نماز جماعت که صحبت می‌کنیم باید در آن فضا قرار بگیریم تا دانش‌آموزان با هم‌زاد پنداری، قرار گرفتن در شرایط را احساس کنند. هنگامی که پذیرش مباحث دینی با عقل و جان دانش‌آموز صورت گیرد و اجباری برای این امر در کار نباشد مسائل دینی در روح و جان دانش‌آموز نفوذ می‌کند و نهادینه می‌شود.

در این میان معلم باید با اخلاق خوب خود دانش‌آموزان را جذب کند، سپس درصد تفهیم درس برآید. معلم دینی نباید کسی را کنار بگذارد، باید همه را در کنار خود داشته باشد. دست معلم دینی باید باز باشد تا تدریس را به کلاس محدود نکند. برای اجرای فعالیت‌های دینی مانند اعیاد و مراسم مذهبی باید پا را از کلاس فراتر گذاشت.

در این میان معلم دینی بهتر است به مباحثی همچون شیمی، ریاضی، علوم و جغرافیا اشراف داشته باشد. این گونه می‌توان اعتماد دانش‌آموزان را بیشتر جذب کرد و این امر توجه دانش‌آموزان را به درس بیشتر می‌کند.

■ پیشنهادتان برای بهبود برنامهٔ درسی و برخورد بهتر با نوجوانان در درس دینی چیست؟

آموزش باید به صورت منظم انجام شود. باید مطمئن شویم که بین تدریس درس گذشته و درس جدید ارتباط برقرار شود. البته باید به این نکته توجه داشت که یکی از مهم‌ترین مسائلی که می‌تواند در تفهیم درس دینی تأثیرگذار باشد، رفتار معلم است. به طور مثال، به قولی که می‌دهیم عمل کنیم. اگر بر خواندن نماز اول وقت تأکید داریم خودمان به اجرای آن متعهد باشیم. در واقع، باید حرف و عملمان یکی باشد تا بتوان تأثیر آن را در دانش‌آموز دید. اگر دانش‌آموزان با دوگانگی، به خصوص از سوی معلم مواجه شوند نخواهند توانست بین آموزه‌ها و آنچه باید در عمل نمود پیدا کند ارتباط برقرار کنند.

سمیه احمدی

### اشاره

در پس خاطرات مدرسه به دنبال چهره‌های آشنا می‌گردیم. معلمی که - پس از والدین - گفتار و کردارش روشن‌گر راهمان شده و به زندگی‌مان معنا بخشیده است.

برای پاسخ به این سؤال که چند درصد از معنای زندگی را از معلم می‌آموزیم و چند درصد را از ... به سراغ جمعی از بچه‌های دبیرستان دخترانه ۲۲ بهمن در منطقه ۵ رفته‌ایم. با دانش‌آموزانی که هیجان حرف زدن دستپاچه‌شان کرده بود، به گفت‌وگویی صمیمی نشستیم. از تأثیر معلم و معلم تأثیرگذار پرسیدیم و شما را به خواندن نظرات صادقانه این دانش‌آموزان دعوت می‌کنیم؛ اما صبر کنید! اگر شما به پشت نیمکت‌های کلاس برگردید، چه تصویری از معلم سازنده و تأثیرگذار دارید؟



■ **بچه‌ها، به نظر شما معلم چقدر می‌تواند روی دانش‌آموز تأثیر بگذارد و باید چه**

**ویژگی‌هایی داشته باشد؟**

● **سیده بهاره:** از نظر من یک معلم واقعاً می‌تواند تأثیر بگذارد. البته اگر دانش‌آموز هم بخواهد تأثیر بپذیرد. این تأثیر می‌تواند صددرصد باشد و مسیر زندگی فرد را کاملاً تغییر دهد.

● **نرگس:** به نظر من علاوه بر اینکه معلم تأثیرگذار است، دانش‌آموز هم باید آمادگی پذیرش را داشته باشد. البته بیان معلم هم مهم است که باید به روشی باشد که برای دانش‌آموز پذیرفتنی شود.

● **نفیسه:** یک دبیر خوب با رفتار، گفتار و صحبت‌های خوب خود می‌تواند به دل بچه‌ها بنشیند و اثر بگذارد.

● **مریم:** معلم فقط در صورتی می‌تواند تأثیرگذار باشد که به حرف‌های خودش اعتقاد داشته باشد و به آن‌ها عمل کند. اگر شعار بدهد، دانش‌آموز نه آن را قبول می‌کند و نه انجام می‌دهد.

● **نگین:** معلم باید از نظر علمی و عاطفی غنی باشد.

● **فائزه:** خود دانش‌آموز هم در این تأثیرگذاری مؤثر است. تفکرات و نظرات دانش‌آموزان با اینکه هم‌سن و سال هستند، نسبت به معلم‌های مختلف، متفاوت است. ممکن است یک معلم روی یک دانش‌آموز تأثیر مثبت گذاشته باشد و روی دیگری نه، و اینکه نظر من با نظر دوستانم متفاوت است، به تربیت خانوادگی بستگی دارد؛ چون هر کس در خانواده‌ای با تربیت خاص بزرگ شده است و همین، نیازهای متفاوتی را در افراد مختلف ایجاد می‌کند. بنابراین، تأثیرپذیری از یک معلم هم متفاوت است. مثلاً شوخی و مزاح کردن یک معلم به نظر بعضی‌ها خوب است و به نظر بعضی‌های دیگر کسل‌کننده و بچگانه به نظر می‌رسد.

● **بهاره‌سادات:** به نظر من نباید درس یا پروژه‌ای که معلم ارائه می‌دهد، روی

اجبار باشد. تحمیل کردن کارهای خارج از درس تصویر ذهنی دانش‌آموز را نسبت به معلم منفی می‌کند.

● **نرگس:** بعضی وقت‌ها اجبار بد نیست؛ مثلاً همین نماز خواندن. من تا پارسال نماز نمی‌خواندم تا اینکه معلمم از من پرسید: «آیا واقعاً به تأثیرات نماز در زندگی اعتقاد داری؟»

گفتم: «بله، اما نمی‌دانم چرا نماز نمی‌خوانم.»

گفت: «به این فکر کن که اگر امشب قرار باشد زندگی‌ات تمام شود، چه می‌کنی؟» از آن روز به بعد من نماز خواندن را شروع کردم. اولش برایم خیلی سخت بود اما کم‌کم باعث شد تمام کارهای من روی برنامه انجام شود و بیشتر به خدا فکر کنم. خیلی مهم است که بتوانیم با اثبات علمی و استدلال، از دریچهٔ اعتقادات هر فرد به وجود و اطاعت از خدا برسیم. دلایل یک معلم باید متناسب با اعتقادات فرد باشد.

● **رومینا:** به نظر من معلمی شغل انبیاست. پیامبران ما برای اینکه چیزی را به بندگان خدا بیاموزند، بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده بودند. معلم‌های ما هم می‌توانند با هشدار دادن، روی بچه‌ها خیلی تأثیر بگذارند. این هشدار می‌تواند در زمینهٔ درس خواندن هم باشد که با بی‌توجهی به آن، چه سرنوشتی در انتظار ماست.

● **فائزه:** همان‌طور که پیامبر (ص) فرموده‌اند: «رطب خورده منع رطب چون کند.» اگر معلم کاری را که می‌خواهد بچه‌ها انجام دهند خود نیز انجام دهد و پایه‌پای بچه‌ها عمل کند، تأثیر بیشتری می‌گذارد.

● **بهاره‌سادات:** به نظر من اجبار کردن مخصوصاً در مسائل دینی مثل نماز، اصلاً خوب نیست. اگر معلم بیاید و بگوید که با توجه به آیات قرآن یک هفته امتحانی نماز بخوان، اگر تغییری احساس نکردی آن را کنار بگذار و در غیر این صورت آن را ادامه بده، نتیجه بهتر است. مثلاً ما را برای نماز خواندن به نمازخانه می‌برند اما فقط نماز ظهر و عصر را می‌خوانیم و در خارج از مدرسه این روند ادامه پیدا نمی‌کند.

■ تجربه‌های خودتان را از معلم‌های خوب بگویید؟

● **مریم:** من تأثیرات متعددی از معلم‌هایم گرفته‌ام. به‌طور مثال، معلم شیمی ما خیلی مهربان است. با اظهار محبت او به دانش‌آموزان، هم به درس شیمی علاقه‌مند می‌شویم و هم یاد می‌گیریم به یکدیگر محبت کنیم.

● **پگاه:** من در دورهٔ ابتدایی با معلمی آشنا شدم که مرا در راه اسلام قرار داد. او شخصی بود که زیبایی‌های مخلوقات خدا را برایم بازگو کرد. ایشان طوری دین را برای من شرح می‌داد که مشخص بود خودش از ته دل به آن ایمان دارد. حتی بعضی که شاید تکراری بود و خیلی از خانواده و سایرین شنیده بودم، خیلی در من نفوذ می‌کرد. او بسیار با محبت بود و به من آرامش می‌داد و باعث شد از کودکی با قرآن انس بگیرم و به ختم قرآن پردازم.

من هشدار دادن و اجبار را قبول ندارم؛ چرا که باعث می‌شوند از یک پر تگه دیگر بیفتیم. معلم زمانی اثر گذار است که با عطوفت با بچه‌ها برخورد کند نه با تنبیه و خشونت!

خانم احمدی دبیر پرورشی ما هستند. صحبت‌های ایشان را من با گوش جان می‌پذیرم. اوایل که نماز می‌خواندم، فقط از سر وظیفه بود و تمام کارهایم را با دیگران مقایسه می‌کردم. مثلاً می‌گفتم اگر نماز من سر وقت نیست، اشکالی ندارد؛ چون نماز خواهرم هم دیر شده است. خانم احمدی می‌گفت: «به کسی کاری نداشته باشید و نگویید که چون فلانی این کار را انجام می‌دهد، پس خوب است! ما می‌خواهیم با هم به یک نقطهٔ تکامل برسیم.»

● **رومینا:** من امسال از خدا خواستم که راهی جلوی پای من بگذارد که بهتر بشناسمش و با او انس بگیرم. این باعث شده بود به حرف‌های دیگران بیشتر توجه کنم؛ از جمله افرادی که امسال خیلی روی من تأثیر گذاشتند، خانم احمدی بود.

این روزها تقلید، کار همه شده است. کار من هم شده بود تقلید کردن. شاید نماز و روزه‌ها نیز از روی تقلید بود که به قول خانم احمدی [به نقل از مولوی]: «خلق را

تقلیدشان بر باد داد/ ای دو صد لعنت بر این تقلید باد»

خانم احمدی در ابتدای کلاس دعای فرج می‌خواند که برایم خیلی لذت‌بخش است اما فکر می‌کردم بچه‌ها مسخره می‌کنند. بعدها متوجه شدم همهٔ بچه‌ها از خواندن دعا لذت می‌برند. من از او یاد گرفتم که شخص می‌تواند با واقعیت خودش بر دیگران تأثیر بگذارد.

● **نگین:** خانم شکیبافر که با او کلاس فلسفه داریم، یک روز در کلاس از یک دانشمند غربی، که درخصوص نحوهٔ خروج انرژی منفی از بدن انسان تحقیق کرده بود، صحبت کرد. در این تحقیق بهترین روش دفع انرژی منفی سجده بر خاک رو به قبله بود. این موضوع مرا منقلب کرد که یک دانشمند غربی که از اسلام چیزی نمی‌داند، این‌گونه در دین من پژوهش می‌کند و من...؟

● **نرگس:** خانم شکیبافر در کلاس گفتند گاهی معلم جرقه‌ای در کلاس ایجاد می‌کند و دانش‌آموز باید به دنبال این باشد که آن جرقه را به ناری تبدیل کند، و از آن نور بگیرد. من به این جرقه ایمان آورده‌ام. روزی سر کلاس، ایشان گفت «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ». وقتی تفسیر این آیه را خواندم، گریه‌ام گرفت که خدا چگونه وجود خود را به ما نشان داده است.

معلم دیگری هم داشتم که با وجود جدی بودن، خیلی دوستش دارم؛ چون می‌دانم که دلسوز است و با خلوص تدریس می‌کند.

● **سیده بهاره:** سال دوم راهنمایی یک معلم جغرافیا داشتیم که مباحث جغرافیا را همراه اخلاق و دین به ما تدریس می‌کرد. بر اولین مسئله‌ای که خیلی تأکید داشت، «حق الناس» بود که اگر به آن پایبند باشیم، می‌توانیم به خیلی جاها برسیم. معلم دیگری هم داشتیم که می‌گفت: «دلّم نمی‌خواهد بچه‌های این کلاس نمرهٔ زبانشان کمتر از ۱۵ شود.»

من خیلی آشفته شدم؛ چون گرفتن این نمره برای من واقعاً دشوار بود و بالاترین نمرهٔ زبان من ۱۲ بود. به همین جهت، مشکل خود را نوشتم و به او دادم. او مرا صدا

کرد و گفت: «واقعاً برای تو متأسفم که خود را این قدر حقیر می‌شماری! مگر نسبت به بقیه بچه‌ها کم و کاستی داری که نمی‌توانی نمره خوب بگیری؟ تو باید همیشه بیست بگیری و این را ملکه ذهنّت کن.»

باور تان نمی‌شود، نمره زبان من بیست شد. حتی مادرم فکر می‌کرد نمره من اشتباه شده است. همیشه معلم زبانم را دعا می‌کنم که مرا به درس علاقه‌مند کرد. یکی دیگر از معلم‌ها هم خیلی صبور است. حتی یک بار هم، به خاطر اذیت‌های بچه‌ها داد و فریاد نکرده است و آن قدر خوب رفتار می‌کند که بچه‌ها شرمند می‌شوند. من از او یاد گرفتم زود عصبانی نشوم و همیشه با آرامش کارهایم را پیش ببرم.

● **مریم:** من چادری هستم. اول که پدرم گفت چادر سر کنم، خیلی ناراحت شدم اما به مرور که از چادر استفاده کردم و دیدم معلم‌هایی هم که دوستشان دارم با حجاب‌اند، به آن علاقه‌مند شدم و به خاطر حفظ شأن چادر، خیلی کارها را انجام نمی‌دهم.

■ با یک معلم: چرا صحبت‌های شما این همه روی بچه‌ها اثر گذاشته است؟

● **خانم احمدی، دبیر پرورشی و معاون آموزشی:** تلاش من این بوده است که چیزهایی را به بچه‌ها بگویم که خودم عمل می‌کنم. خیلی از مسائل را که یقین ندارم یا عمل نمی‌کنم یا درباره آن‌ها مطالعه کافی ندارم، مورد بحث قرار نمی‌دهم. البته به‌طور خصوصی صحبت‌هایی می‌شود اما در جمع نه. اگر صحبتی به دل بچه‌ها می‌نشیند، به خاطر ضمیر پاک بچه‌هاست که مدیون پدرها و مادرهایشان هستند.

از حضور دانش‌آموزان دبیرستان ۲۲ بهمن و دو معلم خوبشان خانم شکیبافر و خانم احمدی تشکر می‌کنیم. در مجموع می‌توان گفت که بچه‌های ما به دنبال الگوهای محسوس در زندگی هستند و بیشترین تأثیر را از الگوهای اجتماعی همچون معلمان می‌گیرند. شما معلم‌های عزیز! آیا به دنبال الگو شدن و تربیت و معرفی الگو هستید؟

## دو صد گفته چون نیم کردار نیست

گفت و گو با کتابیون (زهرا) آزادی، دبیر پیام‌های آسمانی ناحیه ۴ شیراز

### مریم جزایری

دبیر دبیرستان ناحیه ۱ شهر ری

■ از خودتان و فعالیت‌هایتان بگویید.

■ کتابیون (زهرا) آزادی، ۴۷ ساله، دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه هشتم و در حال حاضر در مدرسه راهنمایی ناحیه ۴ شیراز به خدمت مشغولم. در ماه رمضان سال ۶۶ به عنوان مبلغ در شهرستان مهاباد فعالیت داشتم و در سال ۶۷ مسئولیت واحد خواهران سازمان تبلیغات اسلامی منطقه ۲ کشور را به عهده گرفتم و به لطف خدا از سال ۷۰ در زمینه‌های گوناگونی چون اعزام مبلغ به دانشگاه‌ها و خارج از کشور و گروه‌های مختلف فرهنگی و سریال‌های صداوسیما فعالیت داشتم و پس از پنج سال تدریس، به‌طور رسمی به خدمت آموزش و پرورش درآمدم. در سال ۷۴ ازدواج کردم و در شیراز ساکن شدم. هم‌زمان با خدمت در آموزش و پرورش، به دانشگاه‌های صنعتی اصفهان و سمنان به عنوان مبلغ اعزام شدم. مدتی نیز در دانشگاه علوم پزشکی شیراز مدرس امور فرهنگی در خوابگاه بودم.

■ چرا در آموزش و پرورش؟ تربیت برایتان مهم بود؟! آیا از ابتدا تدریس دینی را انتخاب کردید؟

■ بله و این انتخاب را بسیار شایسته و از افتخارات خود می‌دانم و عمیقاً به اینکه معلمی شغل انبیاست اعتقاد دارم. البته مشروط به اینکه به‌درستی انجام شود و نتایج درخشان داشته باشد. انگیزه من شاید به دوران نوجوانی‌ام برمی‌گردد. زمانی که یک روحانی در کلاس‌های تابستانی آیه شریفه: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي...» را تلاوت کرد: من آرزو می‌کردم زمانی برسد که من هم بتوانم مانند او آیات را حفظ باشم و بخوانم و مدرس قرآن باشم.

■ مشوق دیگری هم داشتید؟ چه کسی و چگونه؟

■ بله، دو نفر در انتخاب شغل و تدریس دینی در من مؤثر بودند: یکی مسئول وقت بسیج خواهران در قم که نامشان خاطر م نیست اما همیشه دعاگوی ایشان هستم. وی از جهات معنوی خیلی تأثیرگذار بود و تدریسش به قدری جذابیت داشت که ما حتی روزهای جمعه و زیر بارش برف و با وجود سرما با اشتیاق در کلاس ایشان حاضر می‌شدیم. دیگری هم یک خانم شیعه عرب زبان، که اتفاقاً عربی هم تدریس می‌کرد و همسرش جزو شهدای مفقودالاثَر دوران دفاع مقدس بود. ایشان بین دو نوبت صبح و ظهر مدرسه، که باید با فاصله در مدرسه حاضر می‌شدیم، ما را تشویق می‌کرد که در مدرسه بمانیم و وقت کمتری برای نهار صرف کنیم تا به نماز جماعت برسیم. صبح‌های جمعه زمستان کنار یک بخاری علاءالدین برای ما کتاب می‌خواند و با رفتار بسیار مناسبی که داشت الگوی ما بود. در سال اول راهنمایی ایشان دبیر دینی ما بود. ایشان ضمن رعایت کامل پوشش، لباس‌های شاد و متنوع می‌پوشید؛ به‌طوری که بر دانش‌آموزان بسیار تأثیر مثبت می‌گذاشت و ما آرزو می‌کردیم روزی معلمی با ویژگی‌های ظاهری و باطنی ایشان، شویم. در واقع این‌ها لطف خدا بود که

سر راه من قرار داده شد و با وجود اعتراضاتی که گاه از طرف خانواده به دلیل مشغله زیاد یا دیر به منزل آمدن به من می‌شد، توانستم از این الگوها استفاده کنم.

■ از تجارب تان با دختران نوجوان دوره راهنمایی بگویید. با چه شیوه‌ای با آنها روبه‌رو شویم؟

■ با توجه به حساسیت دوران نوجوانی باید نوع رابطه ما با آنان به گونه‌ای تنظیم شود که برایشان جذاب باشد و ارتباطی شادی‌آفرین محسوب شود. چون مخاطبان ما در این سن، خودشان شادند و به مسائل عاطفی علاقه نشان می‌دهند. معلم حتی با نحوه رفتار خود به هنگام ورود به کلاس، نحوه سلام کردن، نوع نگاه به بچه‌ها و... می‌تواند ایجاد محبت و جلب نظر کند و حتی در حیات مدرسه با دانش‌آموزانی که شاگرد کلاس او نیستند، رابطه برقرار سازد و آنان را با رفتار مناسب به سوی خود جذب کند.

■ این رابطه را در فضای کلاس چگونه از طریق درس دینی ایجاد می‌کنید؟

■ با نوشتن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» بر روی تخته این رابطه آغاز می‌شود. با اینکه من خط خوبی ندارم، اما حتماً این رفتار ورودی را رعایت می‌کنم؛ به طوری که اگر غفلت شود خودشان تذکر می‌دهند.

۱۶۷

گاهی با نوشتن یک پیام اخلاقی، یا حدیث یا یک پرسش از بچه‌ها یا خواندن یک شعر، چه در ایام عزاداری و چه در جشن‌ها و اعیاد، این ارتباط را برقرار می‌کنم و این خیلی مهم است؛ چون بچه‌ها دوست دارند معلم‌شان به‌روز باشد و این شامل پوشش و تنوع رنگ در مورد دبیران دینی هم می‌شود.

به قول حجت‌الاسلام قرائتی، مگر بچه‌ها چه گناهی کرده‌اند که چندین ساعت ما را با لباس تیره تحمل کنند؟



■ از تجربه‌ها تان بگوئید. از بهترین‌هایش!

■ اتفاقاً سال گذشته، که می‌خواستیم درس اول پیام‌های آسمان پایه اول را تدریس کنیم و با توجه به محتوای درس، که درباره حضور خداوند و ناظر بودن او بر عالم است، تصمیم گرفتیم از بچه‌ها امتحان بگیریم. بچه‌ها تعجب کردند که روز اول بدون درس خواندن چگونه می‌توان امتحان داد! گفتم آنچه از هدیه‌های آسمان - سال گذشته - یاد گرفتید کافی است و بعد از دانش‌آموزانی که ز رنگ‌تر به‌نظر می‌آمدند، خواستیم با کمک حافظه‌شان سؤالاتی را طراحی کنند. از میان آن سؤالات سه سؤال را انتخاب کردم و در نصف برگه A4 نوشتیم و برگه را به شکل یک پاکت درآوردیم. البته به کمک معاون و مدیر مدرسه - که جا دارد به‌خاطر همکاری‌های همیشگی‌شان همین‌جا از آنان تشکر کنم - پاکت‌ها را طوری منگنه کردیم که بدون باز کردن آن‌ها دسترسی به سؤال و پاسخ دادن به آن امکان‌پذیر نبود. حتی برای مدیر و معاون هم این سؤال پیش آمد که این چه جور امتحانی است! و من گفتم شیوه تدریس درس اول من همین است. بعد از بچه‌ها خواستیم هر کدام به تنهایی و البته هر جایی که خواستند و دوست داشتند به سؤال‌ها جواب بدهند. شرط پاسخ دادن به سؤالات این بود که به جایی بروند و پاکت را باز کنند که کسی آن‌ها را نبیند. حدود بیست دقیقه وقت دادم. در این مدت عده‌ای مطلب را فهمیدند و از کلاس ۳۵ نفری حدود ۲۰ نفر، بدون توجه به اصل مطلب، پاکت را در محل‌های دل‌خواه خودشان مثل حیاط خلوت مدرسه، زیر پله‌ها و... باز کردند و جواب دادند! اما ۱۵ نفر بقیه گفتند چون خدا همه‌جا هست جایی پیدا نکرده‌اند که بتوانند پاکت سؤال را باز کنند. این تجربه بسیار جالب و آموزنده بود، و می‌توان از این طریق مفهوم واقعی «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» را به بچه‌ها تفهیم کرد و اینکه در هر لحظه مورد مشاهده خدا هستیم و نباید از آن غفلت کنیم. با این مقدمه درس را شروع کردم و بچه‌ها این درس را به صورت عینی و ملموس به خوبی درک

کردند. این روش را، حتی در سطح بالاتر مثل دانشگاه، در حلقه‌های دانشجویی به کار بردم و تجربه کردم که خیلی مورد توجه قرار گرفت.

■ از بهترین خاطرات خود نیز بگویید.

■ از طرف استانداری طرحی به نام حجاب و عفاف در سطح ادارات شیراز به شکل کارگاهی اجرا شد که بنده هم همکاری می‌کردم. پس از پایان کارگاه خانمی از مسئولان همان اداره مرا صدا زد و گفت که شاگرد سابق من بوده است. یا خانمی، که در انجمن معارف از اعضای اصلی انجمن بود، در جلسه رسمی اعلام کرد که شاگرد من بوده و در عملکرد خودش همان نکاتی را به کار بسته که در کلاس درس از من شنیده است. برای من جای مباهات بود که ثمره آن نصایح، که همه از لطف خدا بود، عملکرد فعلی این بزرگواران است. مسلماً برای همهٔ معلمان مشاهدهٔ افرادی که در سمت‌های مختلف فعالیت مؤثری دارند و قبلاً شاگردشان بوده‌اند بسیار جالب است. من حتی دانش‌آموزی داشتم که مکرر تخلف می‌کرد و دائم دبیران او را به دفتر می‌فرستادند. او یک‌بار سر کلاس نوشابه خورد و من با کظم غیظ به جای برخورد تند با او، از کلاس خارج شدم و بعد که کمی آرام شدم، به کلاس برگشتم. در این فاصله کوتاه خروج من از کلاس، خود دانش‌آموزان به او اعتراض کرده بودند، اما همین که من او را به دفتر نفرستادم باعث شد درس بزرگی بگیرد. سال‌ها بعد او را در باجهٔ تلفن دیدم و او هنوز از رفتارش خجل بود، اما به دلیل امنیت و اعتمادی که از جانب من نسبت به خودش احساس می‌کرد، با هم دیداری صمیمی داشتیم و در او تأثیر مثبت گذاشته بود.

۱۶۹

■ کمی هم از کتاب پیام‌های آسمان بگویید و اینکه تغییر کتاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ به جرئت می‌گویم یکی از آرزوهای معلمان دینی دورهٔ راهنمایی همین تغییر

بود! حتی در همایش‌ها انتظار دبیران برای تغییر مطرح می‌شد. شخصاً از اینکه در این برهه قرار دارم خدا را سپاس می‌گویم. حتی به کسانی که قصد بازنشستگی داشتند توصیه کردم قبل از آن حداقل یک سال آن را تدریس کنند. همکاران بازنشسته‌ای نیز هستند که در مدارس غیرانتفاعی خدمت می‌کنند و مشتاق تدریس این کتاب و گذراندن دورهٔ آموزشی روش تدریس آن هستند. البته این به معنی این نیست که کتاب هیچ اشکالی ندارد. اما جنبه‌های مثبت کتاب، مثل جذابیت محتوا، کاربردی بودن مطالب و روانی متن بسیار بهتر از قبل است و اشکالات آن هم، طی اجرای آزمایشی و بعد از یکی دو سال، ان‌شاءالله برطرف خواهد شد. در حال حاضر، این کتاب برای بچه‌ها درس زندگی محسوب می‌شود؛ مشروط به اینکه آن را با شیوه‌های مفید و همراه با ابتکار تدریس کنند. دختر خودم، که امسال دوم راهنمایی است و گاهی با دوستانش به کلاس من می‌آمد، گله داشت که محتوای به این زیبایی چرا توسط دبیر خودشان این‌گونه تدریس نمی‌شود. در واقع بچه‌ها به درس علاقه نشان می‌دهند؛ اگر دبیر هم هنر خود را به کار بگیرد و برای تدریس آن از روش‌های جذاب استفاده کند. چون هدف آموزشی کتاب با حفظ کردن تأمین نمی‌شود و طراحی دروس بر مبنای درک عینی و ملموس بچه‌ها تنظیم شده و قراردادن بخش‌هایی مثل «الهی» و دعاها، که قبلاً جایشان در کتاب خالی بود، زمینهٔ بروز استعداد بچه‌ها را فراهم کرده است.

■ نظر تان دربارهٔ مجلهٔ رشد آموزش معارف اسلامی چیست؟ چقدر با آن آشنا هستید؟

■ تقریباً از ابتدای شروع به کار مجله، آن را دنبال کرده‌ام و مجموعهٔ نسبتاً کاملی از آن را در اختیار دارم. البته به دلیل فعالیت‌های فرهنگی متعددی که داشته‌ام، مجبورم گاهی آن را با سایر مجلات مقایسه کنم و به نظر می‌رسد که در بعضی

زمینه‌ها نسبت به آن‌ها جذابیت کمتری دارد؛ حتی از نظر شکل ظاهری. البته در بسیاری از موارد محتوای مجله بسیار عالی است، اما فکر می‌کنم استفاده از کاغذ گاهی، سیاه و سفید بودن مجله و استفاده کمتر مجله از تصاویر همکاران تاحدودی آن را از جایگاه واقعی‌اش دور کرده است.

### ■ چه پیشنهادی برای بهبود کار مجله دارید؟

■ مجله متعلق به دبیران دینی و معارف اسلامی در حوزه تدریس دروس دینی، فلسفه و عربی است. پس بهتر است خودشان را در آن ببینند و حضور خود را احساس کنند؛ هر چند به صورت درج خاطرات و تجربه‌های آن‌ها باشد. می‌توان دبیرانی که در تدریس دینی نمونه شده‌اند یا با مجله همکاری داشته‌اند یا به هر دلیلی با آن مرتبط بوده و موفقیتی کسب کرده‌اند، از طریق گزارش کوتاه یا گفت‌وگوی یک صفحه‌ای در مجله، به دیگران معرفی کرد. این مسئله برای دبیران بسیار جذاب و شیرین است؛ به‌خصوص وقتی در نظر بگیریم مجله‌ای که عکس ما در آن چاپ شده است، بعدها ارزش معنوی و فرهنگی بیشتری پیدا می‌کند و شاید تا چند نسل به صورت یک منبع و مأخذ مورد استناد قرار می‌گیرد.

پیشنهاد دوم آن است که در پایان هر سال از محتوای چهار شماره مجله معارف، آزمون علمی به عمل آید و برای همکاران برتر، جوایزی از جمله اشتراک رایگان این مجله در نظر گرفته شود.

پیشنهاد دیگر اینکه گاهی مقالات به طرح شیوه‌هایی پرداخته‌اند که نمی‌توان به صورت کامل در متن با آن‌ها آشنا شد و بهتر است برای آن‌ها سی‌دی آموزشی مناسب تهیه و به مجله ضمیمه شود و آسان‌تر از شرایط کنونی - که به سختی به دست همکار می‌رسد - حتی به نشانی منزل همکاران فرستاد.

■ برای تدریس بهتر همکاران، چه نیازهایی را در اولویت می‌بینید؟

■ دبیران در دو بخش نیازمند یاری هستند: ۱. محتوا، ۲. روش تدریس. همه همکاران معمولاً در پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان با کمبود وقت روبه‌رو هستند. بنابراین چه خوب است که ماهی یک‌بار حداقل کلاس‌های دینی به صورت همایش و در سالن اجتماعات برگزار شود. دبیران دینی در آنجا صرفاً برای پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان حضور یابند. این روش را خود من بارها اجرا کرده‌ام و تجربه خوبی از آن دارم؛ به طوری که اولیای دانش‌آموزان تماس می‌گرفتند و اظهار رضایت و تشکر می‌کردند. چون بچه‌ها پاسخ سؤالاتشان را بلافاصله در منزل مطرح می‌کردند و در خلال آن اولیا در جریان فعالیت فرهنگی مدرسه و میزان تأثیر آن در فرزندشان قرار می‌گرفتند.

■ چه توصیه‌ای به همکاران و دبیران دینی دارید؟

■ تا می‌توانند مطالعه کنند و بدانند که هر چیزی تدریس می‌کنند، باید اول برای خودشان جافتاده و مستدل باشد. شیوه‌های مختلف مطالعه را بیازمایند. لازم نیست صدها کتاب را بخوانند یا فکر کنند جواب همه سؤالات را باید بلد باشند بلکه بخش‌های مورد نیاز مخاطبان خود را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند و در این خصوص احساس وظیفه کنند. بیشتر پیگیر مسائل روز باشند. الآن مسئولیت خطیر معلمی ایجاب می‌کند که دبیر دینی وارد فعالیت‌های دینی شود و حضور مؤثر داشته باشد. باید به شکرانه نعمت هدایت الهی خود را در مسیر تدریس دینی تجهیز کند؛ به طوری که هر جا وارد شد بتواند عامل تحول باشد و با رفتارش محبوبیت و جاذبه ایجاد کند نه دافعه، و بداند که آهسته آمدن و آهسته رفتن فقط رفع تکلیف است. لازمه تدریس صحیح دین، داشتن سعه صدر همراه با تلاش است و اینکه خود را از آفات شیطان مصون نداند.

جذابیت دبیر دینی باید از ظاهر و پوشش او گرفته تا عملکرد و رفتارهایش دیده شود. حتی یک لبخند گاهی یک دانش‌آموز بی تفاوت و احياناً منحرف را به دبیر دینی جذب و هدایت می‌کند.

### ■ چه توصیه‌ای به دانش‌آموزان خودتان می‌کنید؟

■ اینکه دائم بپرسند و پرسشگری آنان از طریق معلم مورد تشویق قرار گیرد. معلم اگر پاسخ سؤالی را نمی‌داند، صادقانه اعتراف کند و بعداً پاسخ بگوید؛ چون قرار نیست معلم همه چیز را بلد باشد. پیشنهاد می‌کنم برای تشویق دانش‌آموزان به مطالعه و ایجاد پرسش، روشی را که به کار برده‌ام و نتیجه خوبی هم گرفته‌ام پیاده کنند: در مدرسه نمایشگاه کتابی برپا شد و مجموعه کتاب‌هایی حاوی جملات و نکات قرآنی با بیش از ۴۹ موضوع و به قیمت هر جلد کتاب به مبلغ ۳۰۰ تومان عرضه شد. از بچه‌های کلاس خواستم هر کس یک جلد برای خودش بخرد (یعنی حدود ۳۵ عنوان از ۴۹ عنوان موجود) و بعد از آنان خواستم هر کدام بعد از خواندن کتاب خود، آن را به دوستان هم کلاس امانت دهند و به این ترتیب با پرداخت فقط ۳۰۰ تومان آن‌ها بیش از ۳۰ کتاب دیگر را هم مطالعه کردند، که در واقع رسیدن به نوعی مطالعه جمعی بدون داشتن هزینه سنگین بود.

### ■ در پایان هر مطلبی را که دوست دارید، به این گفت‌وگو اضافه کنید.

■ الحمدلله رب العالمین - همین مصاحبه لطف خدا بود. نظرات بنده قطعاً نظر تعداد زیادی از دبیران و همکاران من است. به این امید که هم خودمان و هم شاگردان خود را برای ظهور امام عصر (عج) آماده کنیم. وجود همکاران دلسوز و حمایت‌های آن‌ها در دهه‌های اخیر باعث شده است که افرادی تربیت شوند که در مقدرات مملکت تأثیرگذار باشند. ما نیز تلاش کنیم راه آنان را ادامه دهیم تا باقیات

صالحات ما نسلی باشد که خداوند توفیق تربیت آنان را به ما عطا کرده است. از شما و همکاران و کارکنان مجله نیز بسیار سپاسگزارم که فرصت بیان این مطالب را، که طرح آن‌ها ضروری به نظر می‌رسید، به بنده دادید. توفیق بیشترتان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

## گفت‌و‌گو با سهیلا صلاحی اصفهانی، دبیر موفق دین و زندگی فرصت اندیشیدن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم

آزاده شاکری

### اشاره

«فرصت اندیشیدن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم، خطاهایشان را یادآور می‌شوم و به دل‌هایشان تلنگر می‌زنم که خدا هست!»  
اینها حرف‌های سهیلا صلاحی اصفهانی، دبیر دین و زندگی است که عنوان معلم برگزیده استانی را در سابقه تدریس خود دارد. x معلمی که در کنار تدریس، تألیفات متعددی نیز برای معلمان و دانش‌آموزان داشته و در جشنواره‌ها و همایش‌های مختلف حائز رتبه برتر شده است.  
صلاحی، کارشناسی الهیات و زبان و ادبیات فارسی دارد و دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی را نیز در دانشگاه اصفهان به پایان رسانده و ۲۶ سال درس‌های دین و زندگی دبیرستان را تدریس کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌و‌گوی مجله رشد معارف اسلامی با وی برای انتقال تجربیات و استفاده از تجربه‌های این معلم موفق است.



■ اگر بخواهید توصیفی اجمالی از روش مواجهه خودتان با بچه‌ها در کلاس ارائه دهید، چگونه خواهد بود؟

● تلاش می‌کنم جو حاکم در کلاس هم منظم و قانون‌مند باشد و هم صمیمانه و راحت.

به تفکر و پسند بچه‌ها احترام می‌گذارم. از تکرار ملال‌آور مطالب پرهیز می‌کنم. اطلاعات نو و فرصت اندیشیدن را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهم. خطاهایشان را یادآور می‌شوم و به دل‌هایشان تلنگر می‌زنم که خدا هست!

■ آیا روش خاص و متفاوتی در تدریس و اداره کلاس دارید؟

● به گمان من، آن‌چه که کلاس مرا کمی متفاوت می‌کند، گسترده‌گی و تنوع فعالیت معلم و دانش‌آموز است.

من از همه شیوه‌ها و رسانه‌هایی که شاید خیلی هم مرسوم در کلاس دینی نباشد، برای آموزش استفاده می‌کنم و انواع خوراک‌های فکری را در ظرفیت‌های اجرایی مختلف برای بچه‌ها فراهم می‌کنم. از آیات و احادیث و اشعار و داستان‌ها و اخبار گرفته تا طنز و معما و جدول و سرگرمی. از سخنرانی تا بازیگری. از سؤال و جواب تا پژوهش و واحد کار. از هم‌یاری تا میزگردها و... از سی‌دی و نوار کاست تا روزنامه و بروشور و عکس و گچ و تخته.

خلاصه، به تناسب هوش‌های چندگانه برای آن‌ها برنامه دارم.

■ شاخص‌های شما برای ارزیابی خروجی و برون‌داد کلاس درستان چیست؟

● گاهی ارزیابی‌ها «کمی» است و منحصر به پاسخ‌های شفاهی و کتبی دانش‌آموزان به آموزه‌های معلم است که البته این ظاهر قضیه است.

مهم‌تر از آن «تغییر» است. تغییر در باورها، رفتارها و دل‌بستگی‌ها که امری

«کیفی» است نه «کمی».

اگر دانش‌آموز از کلاس درس من بیرون آمد و علاقه‌اش برای اقامه نماز یا پرهیز از دروغ‌گویی افزایش یافته بود، درس من را خوب یاد گرفته است. اگر باورش شد حساب و کتابی در کار است، معاد را فهمیده و اگر برای زندگی‌اش برنامه‌ریزی کرد، یعنی حرف‌های من مؤثر بوده است.

■ در برابر واکنش‌های منفی دانش‌آموزان چه عکس‌العمل‌هایی و چگونه نشان می‌دهید؟

● برخورد با دانش‌آموزان نسخه واحدی ندارد. بستگی به شرایط مدرسه، کلاس، بچه‌ها، حالت روحی خودم و نوع و شدت شیطنت و رفتار دانش‌آموزان دارد. گاهی تذکر می‌دهم، گاهی سکوت می‌کنم، گاهی یک نگاه تند، گاهی تنبیه (البته به شیوه خودم، نه کتک، جریمه، اخراج و خواستن ولی دانش‌آموز که قطعاً این شیوه‌ها جواب مناسب را نمی‌دهد).

ناگفته نماند اغلب تساهل و تسامح مؤثرترین شیوه است. مدارا کردن با بچه‌ها اگر نقطه ضعف معلم تلقی نشود، بهترین کار است.

■ گفتید که شیوه مخصوصی برای تنبیه دانش‌آموزان دارید. لطفاً بیشتر توضیح دهید.

● خوب، این شیوه‌ها را مؤثرتر می‌دانم. از قبیل: حفظ شعر یا یک عبارت، تکرار جمله، ساخت ابزار کمک آموزشی، پر کردن نوار درسی و...

■ آیا برای دانش‌آموزان مطالعات هدفمندی که با درس مرتبط باشد، ترتیب می‌دهید؟

● بله، در قالب فعالیت‌های فوق برنامه برای آن‌ها زمینه مطالعه را فراهم می‌آورم. مثلاً به آن‌ها پیشنهاد می‌کنم در خصوص موضوع درس، آیات و احادیث و اشعاری را بیابند و در کلاس بخوانند یا به شکل مقالات «تک برگی» تحقیقی را انجام دهند. گاهی فعالیتی را با نام «اطلاعات من» اجرا می‌کنیم. این فعالیت شامل سه بخش است: «آنچه می‌دانستیم»، «آنچه از کتاب آموختیم»، «آنچه دوست داشتم بدانم». دانش‌آموزان اطلاعات اولیه خود و مباحثی را که از کتاب یاد گرفته‌اند، ابتدا می‌نویسند و سپس سؤالی را خودشان مطرح می‌کنند و پاسخ آن را که در کتابی جز کتاب درسی شان یافته‌اند به آن اضافه می‌کنند. آن‌گاه نوشته‌هایشان را می‌آورند و به آن‌ها نمره‌ای نیز تعلق می‌گیرد.

■ خودتان چه قدر مطالعه می‌کنید؟ برخی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده‌تان را برای تدریس در سال‌های اخیر معرفی کنید.

● به‌طور میانگین بین دو تا سه ساعت در روز کتاب، مجله، روزنامه، حتی بروشورهای آموزشی و کاتالوگ‌های تبلیغاتی را برای «پدیده‌یابی» می‌خوانم. منابعی که برای تدریس از آنان در سال‌های اخیر استفاده کرده‌ام، شامل تفاسیر (به‌ویژه تفسیر نمونه و تفسیرهای ادبی، عرفانی) بوده است و نیز ماهنامه‌های موعود (مقالات مربوط به عناوین درس‌ها)، ویژه‌نامه‌های مختلف (با توجه به موضوعات روز)، سایت تبیان، رشد و دیگر سایت‌های مذهبی.

به علاوه چون علاقه‌مند به ادبیات هستم، کتب نظم و نثر کهن و معاصر را به طور مرتب می‌خوانم و به تناسب از داستان‌ها و اشعار آنها در کلاس استفاده می‌کنم.

■ روش‌های تدریس‌تان پویا و قابل انعطاف هستند؟

● آن قدر قابل انعطاف که به خوبی می‌توانم چند روش را با هم تلفیق کنم. ابتدای

درس را با یک شیوه شروع کنم، مبنای را از راه دیگر بروم و پایانش با تکنیکی دیگر سپری شود. حتی اتفاق افتاده است که یک روش را شروع کردم و با مهارت کامل آن را به روش دیگر تبدیل نموده‌ام و از خود این روند، شیوه جدیدی ساخته‌ام.

■ بسیاری از معلمان دینی، از همان روش‌هایی استفاده می‌کنند که شما در تدریس مورد استفاده قرار می‌دهید، چه ویژگی‌هایی کار شما را به‌عنوان دبیر دینی موفق از دیگر همکارانتان متمایز می‌کند؟

● به کار گرفتن روش تدریس باید به تناسب درسی باشد که تدریس می‌شود. بعضی از درس‌ها با بعضی روش‌ها جواب می‌دهد و با بعضی دیگر جواب نمی‌دهد. هر روشی را می‌توان در هر کلاسی پیاده کرد. بعضی از روش‌ها در بعضی پایه‌ها جواب می‌دهد و در برخی پایه‌ها نه.

برای من پیش آمده است که یک درس واحد را در دو کلاس درس بدهم و در یکی موفق باشم و در دیگری نتیجه چندان نگیرم.

گاهی اوقات نیز یک روش تدریسی را شروع کرده‌ام و در اواسط کار، متوجه شده‌ام نتیجه مطلوبی را که می‌خواستم، نتوانستم بگیرم. به نظر من مهم این نیست که از چه روشی استفاده کنیم، مهم این است که درست و به جا از روش‌ها استفاده کنیم. من کتاب‌های روش تدریس را مطالعه کرده‌ام و حتی جزوه‌هایی را برای روش تدریس دینی تألیف کرده‌ام اما آن‌چه مشخص می‌کند از چه روشی برای تدریس باید استفاده کرد، نیاز دانش‌آموز و شرایط کلاس است.

■ به نظر شما حجم و محتوای کتاب‌های درسی دین و زندگی با توانایی‌های دانش‌آموزان متناسب است؟

● بارها و بارها گفته شده است، حجم کتاب با ساعت آموزشی تناسب ندارد و

محتوای کتاب هم اشکالاتی دارد.

اما به نظر من، علاوه بر این‌ها، چیزی که باید طرح شود، زبان کتاب و نیازهای بچه‌هاست، نه فقط حجم و توانایی‌های دانش‌آموزان.

به کتاب از چند منظر می‌توان نگاه کرد: حجم آن، محتوای آن، زبان آن و تناسب آن با نیازها که از نظر دو عامل آخر، کتاب دین و زندگی قابل تأمل و بازنگری است.

■ در مواردی که سطح مطالب با سطح علمی دانش‌آموزان تناسبی ندارد، معلم چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

● کتاب‌های درسی ما «خودخوان» نیستند. قطعاً معلم مکمل کتاب است و با دانش و اطلاعات خود و مهم‌تر از آن شناختی که از دانش‌آموزان دارد می‌تواند ناهماهنگی‌ها را برطرف و جاهای خالی را به شکل صحیح پر کند. مشکل آن جایی پیش می‌آید که معلم فقط به اندازه کتاب بداند. نه مقدمات را بداند که بتواند بچه‌های ضعیف را بالا بکشد و نه اصولی را بلد باشد که پاسخ‌گوی دانش‌آموزان قوی بشود. آن وقت خسارتی پیش می‌آید که جبران‌ش آسان نیست.

■ چرا نمرات درس دینی دانش‌آموزان پایین است؟

● به نظر من «نمره» برآیند سه امر اساسی است: اول توانایی معلم در یاددهی، دوم تلاش دانش‌آموز در یادگیری و سوم، تناسب کتاب با نیازهای مخاطبان. در هر کدام از این عوامل، اگر خللی وارد شود به طور طبیعی با پدیده کاهش نمره مواجه خواهیم شد. به علاوه در درس دینی ما با موضوع دیگری هم مواجه هستیم و آن این است که هر جا که بچه‌ها در باورهای دینی و اجتماعی خود دچار تردید و شک شوند، انعکاس آن در بی‌رغبتی نسبت به درس دین و زندگی نمودار می‌شود و روشن است که نتیجه آن هم پایین آمدن نمره است.

■ شما در مدارس ایرانی خارج از کشور نیز تدریس کرده‌اید، نوع تدریس در این مدارس چه تفاوتی‌هایی با مدارس داخل ایران دارد؟

● در مدارس ایرانی خارج از کشور، شرایط به شکلی است که دبیران مجبورند به غیر از رشته تخصصی‌شان، درس دیگری را هم تدریس کنند که تناسبی با رشته تخصصی‌شان ندارد؛ به همین دلیل هر قدر معلم، دانش گسترده‌تری داشته باشد، هنر معلمی را بهتر بداند و شیوه‌های مختلفی را برای تدریس تجربه کرده باشد، بهتر از عهده کار برمی‌آید. در آن مدارس معمولاً تعداد دانش‌آموزان کم است و دختران و پسران در کنار هم در کلاس حضور دارند. بنابراین، بیان، زبان و کلام معلم و حتی مثال‌هایی که استفاده می‌کند باید به گونه‌ای باشد که پاسخ‌گوی نیاز هر دو جنس باشد.

البته بچه‌ها تفاوت‌چندانی با بچه‌های داخل کشور ندارند، چون اغلب بچه‌هایی که آنجا هستند مدت کوتاهی، مثلاً یکی، دو سال بیشتر در آنجا نیستند و کم هستند بچه‌هایی که مدت طولانی در این مدارس تحصیل کنند.

■ ظاهراً از شما تألیفاتی با قلم ساده و روان برای معلمان و دانش‌آموزان به چاپ رسیده است. لطفاً نام بپیرید.

- تألیفات و آثاری در زمینه‌های مختلف دارم، از جمله:
  - به سرعت مهربانی در دلم خانه کرد (مجموعه راهکارهای معلمی)
  - لذت‌های تحصیلی (رهنمودهایی به دانش‌آموزان برای مطالعه)
  - تا پروانه شدن (تذکرات اخلاقی - رفتاری به دانش‌آموزان)
  - مجموعه کتاب‌های کوچک پنجره با عنوانین: خودشناسی، عدالت، خانواده، پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین، سیدالشهدا و...

- مجموعه کتاب کوچک «چشمه جاری» (بازنویسی احادیث غررالحکم)
- مجموعه کتاب کوچک «یک آسمان تازه» (بازنویسی احادیث قدسی)
- بازنویسی خطبه غدیر
- راز هدیه خدا در نامه‌های دخترانه (حجاب و عفاف)
- دلی به وسعت دریا (قصه‌های چند سطری از دفاع مقدس)
- کتاب کوچک «نیم رخ اخلاق همسایگی»
- سی‌وشش حرف من (شبه شعرها)
- مجموعه سؤالات طبقه‌بندی شده دین و زندگی سال سوم دبیرستان

#### ■ و سخن پایانی!

- معلمان دینی را دریابید! محتوای کاربردی و عملی مجله را بالا ببرید و سطح علمی آن را متناسب با مخاطب تهیه کنید.

## موفقیت‌های سهیلا اصلاحی در یک نگاه:

- احراز عنوان معلم نمونه استانی در سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳؛
- معلم برتر منطقه در سال ۸۰ - ۷۹ و نیز ۸۶ - ۸۵؛
- شرکت در پژوهش‌های ستاد اعتلا و کسب رتبه در آنها؛
- شرکت در جشنواره‌های برتر تدریس و کسب رتبه اول در منطقه و رتبه دوم و سوم استانی؛
- شرکت در مسابقات تفسیر قرآن در سال‌های مختلف و کسب رتبه در آنها؛
- شرکت در مسابقه داستان‌گویی قرآن کریم و کسب رتبه دوم؛
- شرکت در همایش‌های مختلف و ارائه مقاله در آنها مانند همایش بین‌المللی سیمای پیامبر اعظم (ص) و برنامه‌های درسی، کنفرانس آموزش دینی و قرآن، جشنواره سراسری شیوه‌های نوین تدریس معارف دینی، شیوه‌های نوین در آموزش سیره پیامبر اعظم (ص) و...؛
- شرکت در جشنواره ساخت کلیپ ویدئویی و تقدیر از اثر ارسالی؛
- شرکت در سومین و چهارمین جشنواره عکس رشد؛
- پژوهش و داوری پرسش مهر؛
- طراحی سؤالات امتحانی برتر؛
- تعامل و همکاری با گروه دینی منطقه چهارده و مدرس دوره‌های ضمن خدمت منطقه؛



## تلفیق یا تفکیک؛ مسئله این است!

### دبیران استان مرکزی در گفت‌وگو با رشد آموزش قرآن

مهدی مروجی

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی

طبق قرار قبلی، با هدف گفت‌وگو به اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی در شهر اراک و خدمت همکاران محترمی رسیدیم که هریک از آن‌ها سابقه ممتدی در تدریس، به‌ویژه در درس قرآن و تعلیمات دینی دارند. در این گفت‌وگو خانم‌ها زهرا طهماسبی (سرگروه دینی و قرآن در استان مرکزی)، مژگان شفیع‌پور، اعظم رودبارانی، و آقایان حسین بابائی‌نیا و عیسی بهرامی (دبیر دبیرستان) حضور یافتند و نظرات انتقادی و اصلاحی خود را با هدف بهبود کیفیت متن درس‌های کتاب سال دوم دبیرستان و بهره‌وری بیشتر در تدریس، با ما در میان گذاشتند که اینک خدمت شما تقدیم می‌شود.

● خدمت همکاران محترم عرض کنیم که کتاب دینی و قرآن پایه دوم متوسطه مرکز نقل گفت‌وگوی ما را می‌سازد. قبل از اینکه وارد موضوع اصلی شویم که به

کتاب سال دوم دبیرستان منحصر می‌شود، به‌عنوان پیش‌درآمد گفت‌وگو، اگر دربارهٔ کتاب دینی و قرآن سال اول دبیرستان نظری دارید، بفرمایید.

**شفیع پور:** بنده امسال در کلاس اول دبیرستان این درس را ندارم اما طبق گفته‌های دیگر همکاران، در کتاب پایهٔ اول آیاتی هست که زیاد با هم انطباق ندارند. چهار ساعتی که برای تدریس در این پایه قرار داده‌اند، به‌دلیل آسان بودن درس‌ها، زیاد است. محتوای کتاب پایهٔ دوم بیشتر و جاذبهٔ آن هم برای دانش‌آموزان بیشتر است. با توجه به سه ساعت تدریس در پایهٔ دوم، بهتر است ساعات تدریس پایهٔ اول سه ساعت و پایهٔ دوم چهار ساعت باشد.

**طهماسبی:** بنده در پایهٔ اول تدریس کرده‌ام. با عنایت به چهار ساعت تدریس، کتاب محتوای لازم را ندارد. برای مثال خوب است، در درس توحید، صفات ثبوتی و صفات سلبی خداوند واضح و شفاف تشریح می‌شد. شعر سعدی هم که برای بیان این صفات آمده، به‌دلیل ویژگی شعر، گذرا گفته و رد شده است. بچه‌ها در بحبوحهٔ بلوغ، باید توحید را بهتر بشناسند. دو درس ۱۴ (همدلی و همراهی) و ۱۵ (ادب‌دوستی) در کتاب پایهٔ اول بسیار آسان‌اند. خوب است این دو با هم ادغام شوند. درس پانزدهم، تنها درسی است که حتی یک آیه از قرآن ندارد.

**رودبارانی:** بنده کتاب پایهٔ اول را تدریس نمی‌کنم اما با توجه به ارتباطی که با همکاران دارم، می‌توانم بگویم، خوب است از چهار ساعت تدریس در پایهٔ اول، یک ساعت به روخوانی قرآن اختصاص دارد. زیرا در پایه‌های بالاتر بچه‌ها در روخوانی ضعف دارند و همین ضعف سبب شده است تا زمزمهٔ جدایی درس قرآن از درس تعلیمات دینی شنیده شود. حرف‌های خواهرم، خانم طهماسبی نیز به این موضوع ارتباط می‌یابد. در این کتاب بحث‌های عملی و کاربردی خیلی کم‌اند؛ مانند موضوع‌های اخلاقی، مواجه شدن با مسائل اجتماعی، نوع رفتار با والدین، چگونگی رفتار با جنس مخالف که این موارد در کتاب جایی ندارند و موضوع‌های دیگر هم

خیلی کم هستند.

**بابائی‌نیا:** بنده ۳۲ سال سابقه تدریس دارم. لذا خواهش می‌کنم مؤلفان محترم به نکاتی که در این جلسه گفته می‌شود، عنایت کنند. در کتاب پایه اول اغلاط املائی وجود دارد. در کتاب پیش‌دانشگاهی نیز غلط املائی دیده می‌شود که بسیار بد است و دانش‌آموز با طعنه و طنز با آن برخورد می‌کند و معلم هم نمی‌تواند آن را توجیه کند. در کتاب پایه اول، نشانی آیات درست نیامده بود که البته بعد آن را اصلاح کردند. باید در تدوین کتاب قرآن و دینی، امانت‌داری را رعایت کرد. چه‌طور؟ برای مثال، اگر می‌خواهیم بخشی از یک آیه را نقل می‌کنیم، لازم است ابتدای آن سه نقطه را بگذاریم یا در صورت لزوم، ابتدا و انتهای آن سه نقطه بگذاریم تا مشخص شود، آنچه آمده، تمام آیه نیست.

نکته دیگر قابل یادآوری این است که اگر از ما بپرسند، کتاب قرآن و دینی اول دبیرستان درباره چیست، چه پاسخی داریم؟ همین پرسش را می‌توان درباره کتاب‌های پایه دیگر مطرح کرد.

● در ابتدای کتاب، ذیل «سخنی با دانش‌آموزان» آمده است.

**بابائی‌نیا:** پراکنده چیزهایی دارد؛ مثل «آمدگی در اندیشه و قلب»، «آهنگ سفر» و «قدم در راه» و شکل‌هایی هم کشیده‌اند، ولی چه می‌خواهد بگوید؟ باید بدانیم هندسه کتاب چیست تا رعایت اصول مربوط لازم شود. باید هدف‌های کتاب به‌طور واضح بیان شوند.

همکار محترم خانم رودبارانی، فرمودند درباره رفتار با والدین نکته‌ای در کتاب نیست، اما در درس ۱۲ (صفحه ۱۱۹)، آیه ۲۳ از سوره «اسراء» مربوط به والدین است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أَمَا يَبْلُغُنَّ أَنَّكَ الْكَبِيرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كَلَاهُمَا فَلَا تُقِلُّ لَهُمَا وَفِئَةٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَفِئَةٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَفِئَةٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا» اما حرف درستی

زدند که مباحث اخلاقی به‌طور کلی در کتاب‌ها کم هستند، در حالی که رسول خدا (ص) فرمودند: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»، و قرآن می‌فرماید: «وانک لعلی خلق عظیم» (قلم/ ۴)

پیغمبر خدا (ص)، اصلاً معلم اخلاق است. اگر در کشور اخلاق رعایت نشود، روی پیشرفت را نخواهد دید.

● اکنون پرسش‌ها را درباره کتاب پایه دوم با دوستان در میان می‌گذاریم. اگر شما مؤلف کتاب قرآن و دینی کلاس دوم دبیرستان بودید، از مجموع عنوان‌های اصلی کتاب چه عنوان‌هایی را حذف می‌کردید و چه عنوان‌هایی را می‌افزودید؟ چرا؟

**شفیع پور:** درس چهارم کتاب پایه دوم، یعنی آنچه در باب «ثبات شخصیت» گفته شده، مبهم است. زیرا وقتی بچه‌ها به پیش‌دانشگاهی می‌رسند، دچار تناقض می‌شوند. در این درس می‌توان تغییراتی به‌وجود آورد. از جمله تصریح کرد که روح آدمی نیز قابلیت تغییر دارد و ممکن است انسان کافر، مؤمن شود و به عکس.

در درس دهم با عنوان «اعتماد بر او»، آیات منتخب با محتوای درس هماهنگی ندارند یا این هماهنگی خیلی کم است. آیه ۱۵۹ از سوره «آل عمران» بیشتر به ویژگی‌های حکومت اسلامی مربوط می‌شود. برای این درس بهتر بود از آیات سوره «شوری» استفاده می‌کردند.

در درس یازدهم، با عنوان «دوستی با حق»، بهتر بود آیه ۴۷ سوره «سبا» را می‌آوردند: «قل ما سالتکم من اجر فهو لکم ان اجرى الا على الله و هو على کل شیء شهید»، یا آیه ۲۳ از سوره شوری را: «... قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربى...» آیات ۳۲ و ۳۳ سوره «اعراف» هم در درس دوازدهم، با عنوان «فضیلت آراستگی»، و هم در معارف آمده‌اند و درباره حقیقت معادند. وقتی بچه‌ها به پیش‌دانشگاهی می‌رسند، می‌گویند ما این آیات را درباره فضیلت آراستگی خوانده‌ایم. بهتر است در

این درس از سخنان رسول خدا (ص) و سخن امامان (ع) نیز درباره‌ی آراستگی بیاوریم. درس سیزدهم، با عنوان «زیبایی عفاف» خیلی مختصر است. در این درس هیچ تعریفی از حجاب و عفاف و حیا نداریم و درباره‌ی ارتباط حجاب و عفاف و حیا نیز مطلبی نیامده است.

**طهماسبی:** دانش‌آموزان کتاب دینی و قرآن پایه‌ی دوم را شیرین‌ترین و جذاب‌ترین کتاب می‌دانند. هنگام تدریس هم دوست دارند به حرف‌های معلم گوش کنند.

● با آنچه گفتید، آیا این کتاب سبب ترغیب دانش‌آموزان برای رجوع بیشتر به قرآن می‌شود؟

**طهماسبی:** در کلاس من این اتفاق افتاده است، زیرا کتاب با اهداف مرتبط به هم تدوین شده است و دانش‌آموز سرگردان نمی‌شود. ترتیب اهداف کتاب چنین است: اینکه خدای حکیم جهان را آفرید، بیان هدف از آفرینش، اینکه کل خلقت به سوی خدا می‌رود، انسان نیز یکی از مخلوقات است ولی رفتن وی به سوی خداوند با دیگر موجودات متفاوت است، دلیل تفاوت به ویژگی‌های انسان باز می‌گردد و این ویژگی‌ها وی را از موجودات دیگر جدا می‌کند. این ویژگی به بُعد مادی انسان مربوط نمی‌شود بلکه حقیقتی فراتر از جسم دارد.

همین‌طور در ادامه، تأثیر ویژگی‌های منحصر به فرد انسان در عاقبت او بیان می‌شود (معادشناسی) و بعد اثبات لزوم معاد و اثبات عقلانی دیدگاه اسلام بر اساس عظمت و عدل خداوند می‌آید. خوشبختانه آیات مربوط هم پشت سر هم و با توالی قرار گرفته‌اند.

اینجا یک نکته را باید اضافه کنم؛ دانش‌آموزان به من گفتند که وقتی درس دهم، «درباره‌ی بهشت و جهنم» را می‌خوانیم، احساس می‌کنیم در درس جای موضوع اسباب و علل ورود به بهشت و جهنم خالی است. بنده این موارد را از «تفسیر

موضوعی قرآن»، جلد پنجم، معاد در قرآن، تألیف حضرت آیت الله جوادی آملی استخراج کرده‌ام که در آن علت‌ها همراه با آیات مربوط آمده است. باید یادآوری کنم که بهتر است آیات کتاب با ترجمه و تفسیر همراه باشند. ترجمه تحت‌اللفظی گویا نیست. این نکته هم اهمیت دارد که ترجمه‌ها باید در تمام پایه‌ها یکنواخت باشند تا دانش آموز با آن‌ها خوب‌گیرد و در امتحان و کنکور نماند. در بخش پیام آیات نیز باید این یکنواختی رعایت شود.

#### ● آیا بخش ترجمه آیات به دانش آموز کمک نمی‌کند؟

**طهماسبی:** برخی از این ترجمه‌ها تحت‌اللفظی‌اند. بچه‌ها هم که می‌خواهند ترجمه کنند، از روی قرآن‌های متفاوت این کار را می‌کنند که نتیجه گوناگون می‌شود. به‌نظرم بهتر است این کار را دفتر تألیف انجام بدهد و از یک ترجمه هم استفاده کند. به تمام همکاران هم اعلام شود که از فلان ترجمه استفاده شده است تا بتوان به آن رجوع کرد.

#### ● آیا اشکالی دارد که دانش آموزان با بهره‌گیری از لغات ترجمه شده خودشان این کار را بکنند؟

**طهماسبی:** نه، ولی دیده‌ام که بچه‌ها در کنکور دچار مشکل می‌شوند. زیرا آنجا به جواب مشخص نیاز داریم که یکنواخت هم باشد و همان در تست کنکور بیاید. در وضع کنونی، اختلاف در ترجمه‌ها شاید سبب شود دانش آموزان گمان کنند که قرآن قابلیت ندارد از آن مطالب تستی استخراج کرد و همین سبب دل‌سردی‌شان شود.

**رودبارانی:** به آنچه همکاران فرمودند، نکته‌ای را اضافه می‌کنم. دانش آموزان می‌گویند آیاتی که در کتاب پایه دوم آمده، به جای بشارت، به ما اذار می‌دهد و ما فقط از قیامت می‌ترساند. باید در انتخاب آیات دقت کرد که بشارت بیشتر باشد

تا سبب جذب شود. در نظر خواهی‌ای که روزهای اخیر کرده‌ام، دانش‌آموزان گفتند اینکه در کتاب این نوع رفتار فقط انذار باشد، دافعه ایجاد می‌کند. وقتی آیات منتخب کتاب چنین است، همکاران وظیفه دارند آیات بشارت را هم برای دانش‌آموزان بخوانند تا جاذبه بیشتر شود. اما به‌طور کلی، کتاب پایهٔ دوم، خیلی بهتر از کتاب‌های پایهٔ سوم و پیش‌دانشگاهی است. هم جذاب‌تر و هم پرمحتواتر است. اگر به آنچه دانش‌آموزان دربارهٔ آیات بشارت و انذار اشاره کرده‌اند، توجه شود، خیلی خوب است. خودم به این موضوع توجه نکرده بودم.

**بابائی‌نیا:** با سخن خانم رودبارانی موافقم. در درس اول و دوم این کتاب، از صفحه‌های ۹ و ۱۰. تصویر ترکیبات شیمی آمده است که بنده در بیان آن‌ها برای دانش‌آموز در می‌مانم. به‌ویژه که دانش‌آموزان دارند شیمی و فیزیک می‌خوانند، ولی بنده که سالیان پیش خوانده‌ام، زیاد به یاد ندارم. اگر هم برای مثال دربارهٔ جدول صفحه ۱۰ بپرسند، به‌عنوان معلم جرئت ندارم چیزی بگویم اما دانش‌آموز انتظار دارد از معلم نکات تازه‌ای بشنود.

● در کتاب «راهنمای معلم» می‌توان آن را تشریح کرد که این کار شده است.  
**بابائی‌نیا:** باید در حد فهم عمومی معلمان باشد، تا همه بتوانند آن را به زبان خود بیان دارند. امیدوارم این نوع مشکلات حداقل در کتاب «راهنمای معلم» حل شود.

● بفرمایید آیا آیات موجود در هر درس به فهم متن کمک می‌کنند؟ آیا توالی موجود آیات در هر درس درست است؟

**بابائی‌نیا:** هم توالی دارند و هم به فهم متن درس کمک می‌کنند؛ گرچه این دو ویژگی عمومیت ندارند اما دو درس اول و دوم، یعنی «جلوه‌های حکمت و تدبیر» و «با کاروان هستی»، با درس بعدی ارتباطی ندارند. با توجه به موضوع درس‌ها باید

این ارتباط برقرار و حفظ شود.

**شفیع پور:** آیات درس سیزدهم با محتوای درس هماهنگی دارند ولی این هماهنگی بسیار مختصر است. در درس‌های دیگر آیات گزیده با توالی آمده‌اند و هماهنگی هم دارند.

● مؤلفان در ابتدای کتاب خطاب به دانش‌آموزان نوشته‌اند: «این کتاب به گونه‌ای نوشته شده است که در آموختن آن، حضور فعال و پویا داشته باشید، توان فکری خود را به کار بگیرید، احساس خویش را بیان کنید، خلاقیت‌های ادبی و هنری خود را نشان دهید و بالاخره مطابق موقعیت و سلیقه خویش برنامه‌ریزی کنید.» به نظر شما که به صورت مستقیم با دانش‌آموزان سروکار دارید، آیا چنین هدف‌هایی تحقق می‌یابند؟

**طهماسبی:** این فرصت را کتاب فراهم می‌کند و ظرفیت تحقق آن را هم دارد ولی تنوع آیات خیلی زیاد است. خوب است حداکثر دو آیه را برای کار بچه‌ها مقرر کنیم؛ زیرا حجم زیاد آیات سبب خستگی بچه‌ها می‌شود و آن‌ها را از مشارکت در کار باز می‌دارد. برای مثال، در صفحه ۶۷ ذیل «تدبّر در آیات» درباره موضوع «معاد جسمانی»، شش آیه از چهار سوره مطرح شده است که زیاد است. اکثر دانش‌آموزان اگر بخواهند مطلب را یاد بگیرند، در همان مورد اول می‌مانند.

**رودبارانی:** در اینجا مؤلفان مجبورند آیات متفاوت را از چند سوره طرح کنند؛ زیرا اگر یکی از این آیات نیاید، استدلال قرآن کریم بر معاد جسمانی ناقص می‌ماند و به نتیجه لازم نمی‌رسیم.

**بابائی‌نیا:** قبلاً از ما درباره کم و کیف کتاب سؤال‌هایی شد و ما هم پاسخ دادیم اما کتاب را اصلاح نکردند. خوب است مؤلفان به حرف‌ها معلم‌ها توجه کنند. در صفحه ۴۶ ذیل «ذکر نمونه‌ها» این پرسش آمده است: «در سوره یوسف چهار رؤیای



صادقانه نقل شده است. دو مورد آن را بیان کنید و بگویید تعبیر این خواب‌ها چه بود و چه کسانی آن‌ها را تعبیر کردند؟»

**شفیع پور:** در صفحه ۱۲۰، ذیل «بیشتر بدانیم»، متنی با عنوان «محبت با معرفت» آمده است که ادامهٔ درس دهم، «دوستی با حق» است. پیشنهاد می‌کنم این بخش به متن اصلی درس اضافه شود که مفیدتر است. در وضعیت کنونی، دانش‌آموزان به آن توجه ندارند، زیرا «محبت بدون معرفت» سر از وادی خرافات در می‌آورد.

● آیا کتاب قرآن و دینی پایهٔ دوم، این امکان را فراهم می‌آورد که دانش‌آموز برای مطالعهٔ بیشتر به قرآن کریم رجوع کند؟

**طهماسبی:** به‌نظرم محتوای کتاب می‌تواند مشوقی باشد تا بچه‌ها به قرآن رجوع کنند، اما در کلاس فرصتی برای قرائت آیات نداریم. به‌ویژه که بچه‌ها در روخوانی قرآن هم مشکل دارند. زمانی که از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، امتحان روخوانی می‌گرفتیم، حتی در روخوانی ساده مشکل داشتند. باید روخوانی را در برنامهٔ درسی دورهٔ راهنمایی گنجانند تا در دورهٔ دبیرستان این مشکل برطرف شده باشد. در دبیرستان چنین وقتی نداریم و کتاب هم چنین فرصتی را به معلم نمی‌دهد.

**شفیع پور:** با نظر خانم طهماسبی موافقم. کار ترجمه را هم باید از دورهٔ راهنمایی آغاز کنیم تا در دبیرستان مسلط شوند. برخی از دانش‌آموزان می‌توانند آیات کتاب را ترجمه کنند، ولی اگر ترجمهٔ آیات نماز را بی‌رسیم، بلد نیستند.

**رودبارانی:** آموزش و پرورش باید این برنامه را اجرایی کند. خوشبختانه از زمانی که کار را از پایه شروع کرده‌اند، دانش‌آموزان ابتدایی دارند روخوانی را خوب یاد می‌گیرند. به همین دلیل ممکن است دانش‌آموز ابتدایی بتواند بهتر از دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی قرآن را بخواند. در دورهٔ راهنمایی هم تا حدی تجوید و ترجمه را

یاد می‌گیرد.

اما دانش‌آموزانی که اکنون در دبیرستان هستند، هیچ‌کدام با چنین برنامه‌ای بالا نیامده‌اند؛ لذا هم در روخوانی و هم در ترجمه ضعیف‌اند. همکاران هم نمی‌توانند روخوانی کار کنند؛ زیرا از برنامه اصلی درس و کتاب باز می‌مانند. ما باید در دوره دبیرستان به محتوای کتاب بپردازیم تا دانش‌آموز از کنکور نماند.

ضعف روخوانی سبب شد که برخی از همکاران پیشنهاد کنند یک ساعت خاص به روخوانی قرآن در دبیرستان اختصاص داده شود.

**بابائی‌نیا:** همه آیات قرآن برای ترغیب آدمی آمده‌اند، اما اینکه آیات منتخب کتاب و محتوای آن سبب شود دانش‌آموزان به قرآن رجوع کنند، من ندیده‌ام. در صفحه‌های ۸۸ و ۸۹، ترجمه چند آیه در متن آمده است، اما نشانی آیات را در پانویس قرار داده‌اند. به نظر اگر همین آیات را در قسمت «اندیشه و تحقیق» به‌عنوان سؤال می‌آوردند تا دانش‌آموز برود درباره آن‌ها تحقیق کند، بهتر بود. دانش‌آموز می‌رفت به قرآن مراجعه می‌کرد و نتایجی را که از آیات می‌فهمید، می‌نوشت و بیان می‌کرد. در کتاب پایه دوم از این روش کم استفاده شده است. در حالی که این روش می‌تواند راهی باشد برای رجوع دانش‌آموز به قرآن.

● اگر درس قرآن را از درس دینی جدا کنند، برخی مشکلات، از جمله مشکل روخوانی حل می‌شوند؟ یعنی از دوره تلفیق کنونی باز گردیم به دوره تفکیک.

**طهماسبی:** می‌شود این کار را کرد، به شرط اینکه درس قرآن را دبیر متخصص به عهده بگیرد، نه اینکه با درس قرآن وقت‌های خالی را پر کنند. مثلاً دبیر فیزیک به دو ساعت کلاس نیاز داشته باشد و او را به کلاس قرآن بفرستند. به این ترتیب، مشکلی حل نمی‌شود و وضع کنونی از آن بهتر است.

**شفیع پور:** بنده هم همین نظر را دارم.

**بابائی‌نیا:** بازگشت به برنامه تفکیک، یعنی بازگشت به مشکل گذشته. زیرا در دوره تفکیک درس دینی راه خودش را می‌رفت و درس قرآن هم در وادی دیگری جریان داشت و ارتباطی بین آن‌ها نبود اما اکنون که به اصطلاح دوره تلفیق است، آیات مشخصی منطبق با موضوع درس انتخاب می‌شوند. البته می‌توان نارسایی‌های موجود را رفع کرد. تلفیق این معنی را می‌رساند که «دینی و قرآن» جدایی‌ناپذیرند: «قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» (انعام/ ۶۲). بنده معتقدم نیستیم که دانش‌آموزان دبیرستان قادر به خواندن قرآن نیستند. به این علت که روخوانی تکرار نمی‌شود، از یادشان می‌رود. همه ما انگلیسی خوانده‌ایم اما الان نمی‌توانیم تمام یک متن را درست بخوانیم؛ زیرا تمرین نکرده‌ایم. اینکه از امام صادق(ع) نقل شده است، روزی ۵۰ آیه قرآن بخوانید، بدون حکمت نیست. یک حکمت آن فراموش نکردن است.

**رودبارانی:** باید چه کار کرد که دانش‌آموز به قرائت قرآن عادت کند؟

**بابائی‌نیا:** دانش‌آموز باید احساس کند، آنچه یاد می‌گیرد، حلال مشکلات وی خواهد بود. آن وقت حتماً به آن مراجعه می‌کند که البته مستلزم یک کار پیگیرانه فرهنگی است.

● درس دینی و قرآن، داعیه سخن شما را دارد. آیا این درس به پرسش‌های وی

پاسخ می‌دهد و حسن نیاز به این مفاهیم را در زندگی، در وی برمی‌انگیزد؟

**بابائی‌نیا:** این کتاب چنین نمی‌کند. در مجموعه چهار کتاب، فقط درس اعجاز قرآن که در کتاب پایه سوم آمده است، تا حدی این کار را می‌کند، ولی آنجا نیز کامل نیست. به‌ویژه که این درس باید در کتاب پایه اول دبیرستان بیاید تا دانش‌آموز احساس کند، قرآن درس زندگی است. باید درس‌های عملی را در کتاب بیاوریم و همچنین لازم است در درس قرآن از رایانه استفاده شود؛ یعنی کلاس هوشمند باشد.

این کار سبب علاقه دانش آموز می شود.

● آیات قرآنی همه زیبا و باجاذبه‌اند اما ما داریم درباره کتاب خاص صحبت می‌کنیم. به نظر شما کدام درس کتاب پایه دوم برای دانش آموزان جذابیت بیشتری دارد؟

**بابائی‌نیا:** در درس دهم با عنوان «اعتماد بر او»، آیه ۱۵۹ آل عمران آمده است که خیلی روی دانش آموزان تأثیر دارد: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم في الامر فاذا عزم فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين» این آیه به روشنی می‌گوید که اخلاقیات درس عملی رسول خدا (ص) است و واقعاً همه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. قبلاً اشتباه بود که همیشه از جنگ‌های رسول خدا (ص) می‌گفتیم. باید این نوع آیات در کتاب بیابند تا مشخص شوند، چرا پیغمبر اسلام (ص) رسول محبت است؛ رسولی که خداوند او را با «خلق عظیم» خطاب می‌کند: «انك لعلى خلق عظيم» (قلم/ ۴)

● یکی از هدف‌های کتاب ایجاد انس بین قرآن و دانش آموزان است. این هدف تا چه حد جامعه عمل می‌پوشد؟

**شفیع پور:** درس سوم، با عنوان «سرمایه‌های انسان»، به این امر کمک می‌کند. به‌ویژه آیه ۷۰ سوره اسرا که در کتاب آمده، سبب ارتباط با قرآن می‌شود؛ زیرا بر ارزش انسان در قرآن و نزد خداوند تأکید می‌کند: «و لقد كرمنا بنى ءادم و حملناهم في البرّ و البحر و رزقناهم من الطيبات و فضلناهم على كثير ممن خلقنا تفضيلاً.» وقتی در درس «زیبایی عفاف و حجاب» به این نکته اشاره می‌شود که عزت نفس و فضیلت‌های خود را باید با بی‌حجابی از دست ندهید، مفید می‌افتد. همین مثال‌هایی که درباره حضرت مریم (س) و حضرت یوسف (ع) گفته می‌شود، در ایجاد زمینه

انس با قرآن تأثیر دارد ولی باید راه تعمیق آن هم فراهم آید. به‌طور کلی هسته اصلی انس با قرآن در این کتاب وجود دارد و به همین علت کتاب را بچه‌ها دوست دارند. به عبارت دیگر، آیات و محتوایی که به هم پیوسته باشند، استمرار داشته باشند و با علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان نزدیک باشند، می‌توانند این انس را تقویت کنند.

**رودبارانی:** کلاس و کتاب بدون شک بر بسیاری از دانش‌آموزان تأثیر مثبت می‌گذارند، ولی باید به وضع محیط اجتماعی بیرون از مدرسه هم توجه داشت که این تأثیرات را کم‌رنگ می‌کند. ما توجه و علاقه بچه‌ها را در کلاس شاهدیم ولی وقتی از مدرسه خارج می‌شوند، اتفاق دیگری می‌افتد. البته نه برای همه، ولی این نکته واقعیت دارد.

**بابائی‌نیا:** وقتی آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره «بقره» که مربوط به «ربا»ست و در صفحه ۱۶۲ آمده، مطرح می‌شود، دانش‌آموزان واکنش‌های حادی نشان می‌دهند و آن‌ها می‌گویند. وضع بانک‌ها چنین و چنان است. باید این موضوع حداقل در کتاب «راهنمای معلم» به خوبی پخته و حل‌جی شود تا معلم بتواند با اشراف به جمیع جوانب، آن را برای دانش‌آموزان تشریح و آنان را اقناع کند. الآن می‌گوییم به فتوای مرجع تقلیدتان در رساله‌های عملیه عمل کنید.

● رجوع به فتوای مرجع تقلید، مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا همه ما ناچاریم با بانک ارتباط داشته باشیم. از جنبه دیگر، موضوع مقررات بانکی، بحث حکومتی دارد و حاکم زمان (ولی فقیه) طبق نظر کارشناسان یا به اجتهاد خویش، می‌گوید در بانک‌داری اسلامی ربا وجود ندارد و هر عملی، نام خاص خود را دارد. گرچه این وضع مخالفانی هم دارد اما وقتی ولی فقیه به این مقررات اعتراضی ندارد و وجه شرعی و اقتصادی آن را می‌پذیرد، فتاوی مراجع دیگر، تأثیری در جریان عمل

ندارد. با این حال، جنبهٔ اقناعی و استدلالی موضوع سر جای خود محفوظ است. لازم هم است به انتقادهای، اگر پاسخی هست، داده شود. وگرنه باید مشخص شود آیا بانک بدون ربا داریم یا خیر.

**بهرامی:** هدف ما در درس دینی و قرآن، این است که دانش‌آموز با قرآن انس پیدا کنند. اینکه ربا و واکنش دانش‌آموزان مطرح شد، درست است. به نظر من، موضوع ربا باید در دانشگاه مطرح شود؛ زیرا مخاطبان ما در دبیرستان نمی‌توانند آن را هضم کنند. به جای بحث ربا، باید تأثیر اخلاق در معیشت را بیاوریم که متناسب با سن و سال آنان است. همان‌طور که درس‌های «فضیلت آراستگی» و «دوستی با حق» چنین است. بنده معتقدم که در کتاب دینی و قرآن، با توجه به سه مرحلهٔ آن، بین «اندیشه و قلب» و «تقویت عزم و اراده» و بحث برنامه، تناسب چندانی وجود ندارد.

#### ● مصداقی ذکر بفرمایید.

**بهرامی:** برای مثال، در درس «ولایت فقیه» کتاب پایهٔ سوم و همین موضوع ربا در کتاب پایهٔ دوم. مخاطب بین آنچه در جامعه می‌بیند، با آنچه در چارچوب کتاب آمده است، تفاوت می‌بیند و لذا دچار تعارض می‌شود که این تفاوت‌ها ناشی از چیست.

دانش‌آموز می‌گوید: وقتی قرار است خمس و زکات بدهیم، پس مالیات چیست که باید بپردازیم؟ اگر بحث حاکمیتی را مطرح کنیم، ذهن دانش‌آموز نمی‌تواند آن را حل‌جی کند و بپذیرد. بنابراین، به نظر بنده لازم نیست گفته شود و باید آسیب‌شناسی کرد. باید خودشناسی را جدی بگیریم. طرح توحید و معاد بسیار ضروری است. اگر انسان خود را بشناسد، پیش‌درآمدی برای جهان‌شناسی است و مقدمه‌ای می‌شود برای کمال انسان و خداشناسی.

در کتاب پایهٔ دوم بحث خودشناسی ناچیز است. در درس اول این کتاب،

می‌خواهیم از جهان‌شناسی به خداشناسی برسیم. خب لازم است همین‌جا به موضوع خودشناسی توجه لازم بشود.

در بحث بهشت و جهنم، ویژگی‌های هریک را می‌گوییم، اما از راه‌هایی که به بهشت و جهنم ختم می‌شوند، سخنی در کتاب نیست. با توجه به اینکه دنیا مزرعهٔ آخرت است، پس باید به دانش آموز بگوییم که چه راه‌هایی در این دنیا به بهشت و چه راه‌هایی به جهنم ختم می‌شوند.

بزرگ‌ترین درس علم اخلاق، صبر است و در قرآن نیز بسیار روی صبر تأکید می‌شود، چیزی که جامعهٔ ما بدان بسیار نیاز دارد و صبر یکی از راه‌های مهم رسیدن به بهشت است. سعهٔ صدر در جامعه و در خانواده کمتر دیده می‌شود. این موضوع باید در کتاب درسی بیاید.

معلم هم ابزار روزآمدی برای القای درس کتاب در کلاس ندارد. فضای کلاس باید معنوی شود که در این زمینه شخصیت خود معلم و دانش وی به همراه صداقت او، خیلی کارآمد است.

● برسیم به این پرسش که دوستان دربارهٔ جاذبهٔ بصری کتاب که شامل طراحی‌ها، تصویرها، رنگ‌ها و حروف‌چینی کتاب می‌شود، نظرشان را مطرح کنند.

**طهماسبی:** جلد کتاب در وضعیت کنونی هیچ جاذبه‌ای ندارد. خوب است با منظره‌ای، تصویری یا طراحی، گیراتر و بامفهوم‌تر می‌شد.

**رودبارانی:** در صفحهٔ ۱۰۹ طراحی آمده است که هیچ مشخص نیست. در صفحه‌های دیگر هم چنین وضعیتی دیده می‌شود.

**طهماسبی:** طرحی را که در صفحهٔ ۱۱۲ آمده است، باید با دقت بسیار بررسی کرد تا دریافت که چیست. این‌گونه طراحی برای کتاب دانش‌آموزی مفید نیست.

**بابائی‌نیا:** کتاب صفحه‌های کتاب پیش‌دانشگاهی، طراحی‌های هنرمندانه آمده‌اند.

این گونه طرح‌ها و نقاشی‌ها، خیلی به فهم موضوع درس کمک می‌کنند. دانش‌آموز با دیدن طرح‌ها و نقاشی‌های مذبور، می‌فهمد که درس درباره چیست. در کتاب پایه دوم هم می‌شود همین کار را کرد. خوب است در کتاب راهنمای معلم طرح‌ها را برای معلم تشریح کرد تا در کلاس بیان کند. الآن متوجه نمی‌شوم، طرح صفحه ۱۰۲ در درس دهم، برای چه هدفی آمده است. **شفیع پور:** تصویرهایی که در کتاب پایه اول آمده‌اند، جاذبه به وجود می‌آورند ولی در این کتاب اصلاً تصویر نیامده است. طرح‌های کتاب پایه دوم نه مطلوب‌اند نه جاذبه دارند. تصویرها در فهم درس به دانش‌آموز کمک می‌کنند.

● جمع‌بندی همکاران این است که حداقل طراحی‌های تصویری کتاب مبهم‌اند و در حد ابزاری برای پر کردن کتاب آمده‌اند. وگرنه نه جاذبه دارند و نه به عنوان کمک کار و مدرسان برای فهم موضوع‌های درس از آن‌ها بهره گرفته شده است. در نهایت از جاذبه‌های تصویری در کتاب پایه دوم خبری نیست. **بهرامی:** بنده هم فقط می‌خواهم این جمله را بگویم که تصویرها مبهم‌اند و هنر در خدمت متن کتاب نیست.

● آخرین پرسش ما این است که نظر شما درباره ارزشیابی مستمر و غیر مستمر چیست؟

**رودبارانی:** ارزشیابی مستمر کمتر مورد توجه است، زیرا روی قرائت و روخوانی در دبیرستان کار نمی‌شود. همکاران وقت این کار را در پایه‌های دوم و سوم ندارند. چهار نمره ارزشیابی پایانی هم برای کسری نمره دانش‌آموز ارفاق می‌شود، بدون اینکه امتحان و آزمون در بسیاری از دبیرستان‌ها برگزار شود. یکی از علت‌های ضعف در روخوانی همین نبود ارزشیابی است. می‌گویند چهار نمره ارزشی ندارد. باید سطح



نمره را بالاتر برد.

**بهرامی:** باید بارمبندی را تغییر داد. با توجه به بارمبندی کنونی، اگر بخواهیم برای هر غلط مقداری از نمره کم کنیم، از چهار نمره چیزی نمی‌ماند. به‌ویژه چیزی برای دانش‌آموزان ضعیف‌تر نمی‌ماند. باید سطح نمره را بالا ببریم و اگر نمی‌خواهیم محتوای آیات موجود را تغییر بدهیم، حداقل یک جزء از قرآن را مخصوص قرائت در کتاب بگجانیم و طبق آن نمره را با جزئیات منظور کنیم. البته به‌شرط اینکه بارمبندی تغییر کند و نمره از ۲۰ محاسبه شود. این کار برای دانش‌آموزان انگیزه ایجاد می‌کند؛ هم برای دانش‌آموزان مستعد و هم برای دانش‌آموزان ضعیف.

**بابائی‌نیا:** باید نمره جدا شود. در مورد ارزشیابی گفته شده است، از آیاتی که ترجمه آن‌ها در کتاب آمده است، سؤال نکنید اما برای مثال در صفحه ۳۳ فقط دو جمله از آیه مانده که دانش‌آموز باید ترجمه کند. این مورد سبب می‌شود دانش‌آموز آیات ترجمه شده را کنار بگذارد و به آن‌ها توجه نکند. نباید این آیات را از ارزشیابی حذف کنیم.

**طهماسبی:** در کارنامه باید دو نمره جدا منظور شود و هر نمره از ۲۰ باشد.

● خیلی متشکریم. زحمت کشیدید. موفق باشید.

## تلفیق یا تفکیک؛ مسئله این است

گفت‌وگو با صدیقه باقری و سهل البیع، دبیران درس «دینی و قرآن»

رضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
مهدی مروجی

### اشاره

دبیران محترم، خانم صدیقه باقری، عضو گروه دینی و قرآن منطقه ۶ و خانم سهل البیع، عضو گروه دینی و قرآن منطقه ۳ تهران مهمانان این شماره مجله رشد آموزش قرآن‌اند. گفت‌وگو با این دو تن در اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران انجام شد. آنان آرای خود را درباره کیفیت کتاب‌های دینی و قرآن در دوره تلفیق و قبل از آن، آینده این دو درس و برآوردشان از نوع رابطه دانش‌آموزان با موضوع‌های درسی، با مجله در میان گذاشتند و گفتند که مجله رشد باید چه راهی را برای بهبود کیفیت در پیش بگیرد.

۲۰۱

● یکی از مسائل مطرح در میان دست‌اندرکاران و دبیران آموزش و پرورش، به درس دینی و قرآن مربوط می‌شود. همان‌طور که می‌دانید، جمعی از دبیران به

بازگشت به وضع پیشین اعتقاد دارند و گروهی نیز وضع کنونی (دورهٔ تلفیق) را می‌پسندند، با این شرط که اصلاحاتی در مباحث درسی کتاب پدید آید. سرکار بر اساس اطلاعات و تجربیات خود چه نظری دارید؟ استقلال این دو درس از هم را ترجیح می‌دهید یا از وضعیت کنونی راضی هستید؟ در هر حال چرا؟

○ باقری: بنده هم زمانی که کتاب دینی در قالب «بینش دینی» و قرآن در قالب کتابی مستقل در اختیار دانش‌آموزان بود تدریس کرده‌ام و هم در دورهٔ کنونی، که به دورهٔ تلفیق اشتهار دارد، و درس قرآن و دینی تحت عنوان کتاب «دینی و قرآن» درآمده است. به نظرم تلفیق محاسنی دارد. از جمله در کتاب درسی این دوره، آیات قرآنی آمده است که دانش‌آموزان ضمن آشنایی با معنای کلمات، آیات را به فارسی ترجمه می‌کنند. این کار سبب می‌شود حتی اگر دانش‌آموز ماهی یک بار هم به سراغ قرآن برود، کلمه‌های قرآنی برایش ناآشنا نباشند، زیرا در کلاس آن‌ها را کار کرده است.

آشنایی دانش‌آموزان با بخشی از کلمات پر بسامد قرآنی، می‌تواند در آشنایی با قرآن به آنان کمک زیادی کند. امتیاز دیگر این است که بر موضوع تدبر در قرآن نیز تأکید می‌کند. تدبری که در آیهٔ ۸۲ سورهٔ نساء، آیهٔ ۲۴ سورهٔ محمد (ص) و آیهٔ ۲۹ سورهٔ «ص» بدان پرداخته می‌شود. کتاب دینی و قرآن تا حدودی بچه‌ها را به این هدف نزدیک می‌کند.

بنده نیز هنگامی که با دانش‌آموزان برای ترجمهٔ آیات کار می‌کردم، می‌گفتم حال با توجه به ترجمه‌هایتان از آیات، بگویید چه پیام‌های کاربردی از آیات فرا گرفته‌اید که در زندگی به کارتان می‌آید. به بچه‌ها خیلی خوب و عملی نشان داده می‌شود که قرآن واقعاً در متن زندگی ما حضور دارد. اما زمانی که کتاب قرآن و کتاب دینی جدای از هم بود، بچه‌ها مجبور بودند ترجمهٔ آیاتی را که مثلاً دربارهٔ زکات یا قصص انبیا بود حفظ کنند. در آن دوره، فعال کردن ذهن بچه‌ها خیلی سخت بود.

باید اشاره کنم، کتاب بینش دینی در دوره قبل برای بچه‌ها کتاب درسی سختی بود. حتی بچه‌هایی که در رشته علوم انسانی تحصیل می‌کردند، مباحث این کتاب، نسبت به درس‌هایی مانند جامعه‌شناسی و اقتصاد برایشان سخت‌تر بود. زیرا مطالب کتاب بینش دینی، مایه‌های فلسفی و پیچیده‌ای داشت؛ ضمن اینکه موضوع‌های درسی ساده و روان تشریح نشده بودند.

کتاب «دینی و قرآن» کنونی هم نقص‌هایی دارد ولی در مقایسه با کتاب «بینش اسلامی» قدیم محاسنی دارد که برخی را برشمردم. اضافه کنم که کتاب دوره قبل ظاهر نازیبایی داشت؛ بدون عکس و طرح و سیاه و سفید. اما کتاب دینی و قرآن فعلی از آن حالت درآمدن است. در این دوره، به ویژه دست معلم باز است که بتواند بحث‌های کتاب را به صورت کاربردی تدریس کند. برای مثال، در اولین صفحه کتاب پایه سوم (قبل از درس اول) آیه ۲۴ سوره انفال آمده است: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم واعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه و انه الیه تحشرون».

در اولین جلسه کلاس، این آیه را که خطاب به مؤمنان است و آنان به چیزی دعوت شده‌اند که زندگی می‌دهد، ترجمه کردم و بعد به کمک دانش‌آموزان، در جدولی مشخصات و ممیزات «انسان زنده» و «انسان مرده» را ثبت کردیم. در مرحله بعد، با عنایت به همین آیه، نتیجه گرفتیم آنچه را انسان زنده بدان نیاز دارد، از راه دین حاصل می‌شود. بنابراین، اگر دین چنان که باید آموخته و تدریس شود، حاصلش کسب نشاط و شادابی و هدفمندی و تعقل است که می‌تواند به همه انسان‌ها از جمله دانش‌آموزان جهت بدهد.

در نهایت، اگر تفکیک دوباره درس، مستلزم بازگشت به وضع سابق است، همان معضل پیش خواهد آمد و بچه‌ها باید کلاس و درس خشک را تحمل کنند.

● به اعتقاد دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و تدوین کتاب درسی چنین نیست که اگر وضع کنونی نباشد، وضع قبلی باز گردد. فقط کتاب عوض می‌شود. استنادهای قرآنی سر جای خود خواهند بود و همان آیات در کتاب حفظ خواهند شد.

**باقری:** من درباره متن حرف نمی‌زنم. درباره روش صحبت می‌کنم. وقتی می‌گوییم قرآن کتاب زندگی و انسان‌سازی است و سعی داریم این ویژگی قرآنی را به دانش‌آموز بفهمانیم، اگر درس قرآن را از درس دینی جدا کنیم، در اولین قدم و در عمل، خلاف این هدف و شعار عمل کرده‌ایم.

● تفکیک به این صورت نخواهد بود که استنادهای قرآنی حذف شود، بلکه درس قرآن شامل خواندن، ترجمه و تدبیر خواهد بود اما در کتابی مستقل.

**باقری:** با توجه به آنچه می‌فرمایید، کتاب دینی شامل چه مطالبی خواهد بود؟ در کتاب دینی پایه سوم کنونی، وقتی می‌خواهیم درباره حقانیت امام علی (ع) بحث کنیم، آن را به متن آیه‌ای که در کتاب دینی آمده است مستند می‌کنیم؛ برای مثال به آیه تطهیر یا آیه ولایت. حال اگر کتاب این درس مستقل شود و به روال سابق هم بازنگردد، کتاب جدید با چه محتوایی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد؟

همچنین اکنون هنگام بحث درباره «وارثان زمین»، با استناد به آیات موجود در کتاب، پیروان امام مهدی «عج» را وارثان زمین معرفی می‌کنیم. یعنی در دوره تالیق، موضوع‌های دینی و قرآنی با هم رابطه دارند. ولی ما نمی‌دانیم در صورت تفکیک دوباره، بر سر این موضوعات چه خواهد آمد!

● یکی از دغدغه‌های مهم تعدادی از دبیران در وضعیت کنونی این است که به قرآن کمتر پرداخته می‌شود. اشکال آنها به این وضع این است که امکان پرداختن مستقل به مباحث و نیازهای دانش‌آموزان به قرآن را ندارند. این گروه یکی از

علت‌ها را کمی ساعت تدریس در وضعیت کنونی یعنی دوره تلفیق می‌دانند. با توجه به ضعف برخی از دانش‌آموزان در آشنایی با قرآن، حتی در قرائت درست آیات، این مشکل بزرگ‌تر می‌شود.

گروه موافق تفکیک دو درس (دبیران و برنامه‌ریزان) می‌گویند: در کتاب مستقل دینی، به صورت کنونی که مورد توجه شما هم است، عمل می‌شود، ضمن این که درس قرآن نیز با مباحث آموزشی مستقل و ساعات مشخص تدریس خواهد شد. به این ترتیب، کیفیت آموزش درس قرآن بهبود می‌یابد. در مجموع، موافقان می‌گویند طرح تفکیک نباید تداعی گر بازگشت به وضع گذشته از نظر محتوایی باشد، بلکه این تشابه فقط در ظاهر کار و آن هم در اصل تفکیک و استقلال کتاب‌هاست.

**باقری:** اگر قرار است به ساعت درس قرآن اضافه شود، چرا این کار را برای وضع کنونی لحاظ نمی‌کنند؟ می‌دانید که حجم کتاب دینی و قرآن پایه سوم، یک و نیم برابر حجم کتاب پایه دوم است، ولی فقط سه ساعت برای تدریس آن اختصاص داده‌اند. در حالی که کتاب پایه سوم را برای امتحان نهایی در نظر گرفته‌اند و معلمان باید بیشتر با بچه‌ها کار کنند. به این نکته هم باید عنایت داشت که ۲۵ درصد نمره کنکور هم براساس نمره امتحان نهایی دانش‌آموزان محاسبه می‌شود که بر اهمیت درس این پایه می‌افزاید. پس مشکل کمبود وقت به ویژه برای معلمان پایه سوم همیشگی است و این معضل در این پایه بیشتر از پایه دوم خود را نشان می‌دهد. لذا بنده پیشنهاد می‌کنم بر تعداد آیات کتاب درسی کنونی بیفزایند اما همین حالت تلفیقی برقرار باشد و برای گرفتن نتیجه بهتر، ساعت کلاس درس را هم اضافه کنند. به این ترتیب، با افزایش زمان تدریس، امکان توجه به آیات هم به وجود می‌آید.

**سهل‌البیع:** ما باید از تجربه تمام مدارس جمع‌بندی داشته باشیم. در بازدیدی که از برخی مدارس تهران داشتیم، دانش‌آموزانی که آیاتی از قرآن را خواندند، هیچ‌کدام بدون غلط موفق به قرائت نشدند. به همین دلیل می‌توان گفت زمان آموزش قرآن

کم است و لازم است افزایش یابد تا معلمان بتوانند زمان بیشتری را صرف قرائت و تمرین آن بکنند.

● **نظرتان این است که در وضع کنونی حق آموزش قرآن ادا نمی‌شود؟**

**سهل البیع:** بله! به نظرم باید برای قرآن وقت خاصی در نظر بگیرند. در حالت تلیفیک، امکان دارد از وقت درس قرآن برای تدریس دینی استفاده شود؛ به ویژه معلمانی که به موضوع دینی بیشتر می‌پردازند یا با دانش‌آموزان «تست» کار می‌کنند، ناچارند از وقت آموزش قرآن بکاهند. در صورت جدا شدن کتاب درسی قرآن، امکان تدریس و تمرین بیشتر این درس در اختیار معلم قرار می‌گیرد و فرصت تلاوت و ترجمه آیات نیز افزایش می‌یابد. در مجموع، کیفیت قرائت و تلاوت و آشنایی با ترجمه قرآن بهبود می‌یابد. اما این جدایی نباید تا آن حد باشد که رابطه محتوایی این دو کتاب کاملاً قطع شود. آیات کتاب درسی قرآن باید چنان باشد که هر درس از قرآن با مثلاً یک درس از دینی مربوط باشد تا دانش‌آموزان ارتباط این دو را دریابند. در حال حاضر، در منطقه ما، دانش‌آموزانی در درس «دین و قرآن» داریم که میانگین نمراتشان زیر ۱۰ است؛ به ویژه در برخی از هنرستان‌ها و مدارس پسرانه این ضعف بیشتر دیده می‌شود.

● **مشکل قرائت صحیح قرآن به دوره متوسطه مربوط نمی‌شود. باید به این موضوع در دوره ابتدایی توجه و حداکثر در دوره راهنمایی دنبال شود.**

**سهل البیع:** بنده با نظر شما موافقم.

● **شما به عنوان معلمی که تجربه تدریس دارید و اکنون سرگروه درس دینی و قرآن در منطقه ۳ هستید، بفرمایید در صورت تفکیک چه مباحثی را باید در**

## کتاب درسی قرآن گنجانده؟

**سهل البیع:** موضوعها باید با کتاب درسی دینی مرتبط باشند.

● به فرض که این ارتباط در تدوین کتابها برقرار شد، برای بهبود کیفیت قرائت قرآن چه نظری دارید؟ با عنایت به نگارش و کتابت قرآنهای متعدد، چه نوع کتابتی از قرآن را برای آموزش رسمی از ابتدایی تا متوسطه پیشنهاد می‌کنید؟

**سهل البیع:** به نظر من مشکل دانش‌آموزان در نداشتن تمرین است. برای این کار وقت نمی‌گذارند. طبق بررسی‌ها و آمار به دست آمده، دانش‌آموزان در دوران تحصیل خیلی کم برای قرائت درست آیات قرآن وقت صرف می‌کنند. ما در مرحله اجرایی ضعف داریم. واقعاً با بچه‌ها کار نشده است.

با عنایت به کتابت‌های مختلف قرآن، باید بررسی شود که دانش‌آموزان با کدام نگارش بهتر و راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنند و زودتر می‌توانند قرآن را درست بخوانند. به این دلیل، اکنون نمی‌توانم قرآن با کتابت خاصی را پیشنهاد کنم. باز تأکید می‌کنم، ضعف اصلی به مرحله اجرایی باز می‌گردد که برخی از معلمان برای این کار وقت کافی نمی‌گذارند. لذا این نارسایی در دوره ابتدایی ظهور کرده و در دوره‌های راهنمایی و متوسطه و دانشگاه با آنان همراه است، اگر خود دانش‌آموزان در صدد درست خوانی نباشند، همیشه با این مشکل زندگی خواهند کرد. در نهایت، باید بررسی شود که علل این مشکل چیست؟ آیا از کتابت قرآن است؟ آیا معلمان قادر به آموزش درست نیستند؟ یا علت‌های دیگر دارد.

**باقری:** به نظر من دانش‌آموزان باید با تدبر و تفکر در آیات نیز آشنا شوند.

● سؤال این است که حق قرآن در آموزش دوره متوسطه ادا می‌شود یا خیر؟

**باقری:** اصلاً ادا نمی‌شود.



**سهل البیع:** خانم باقری! چقدر از وقت کلاس را صرف تلاوت آیات می‌کنید؟  
**باقری:** از بچه‌ها می‌خواهم این کار را در خانه انجام بدهند؛ زیرا در مدرسه فرصت این کار را نداریم.

**سهل البیع:** به نظر من موضوع تدبر و تفکر در آیات قرآن بحث جداگانه‌ای است و باید بدان پرداخت. اما تلاوت و قرائت آیات هم موضوع مهمی است. به همین دلیل، دانش‌آموز دوره متوسطه باید بتواند آیات را از رو، درست بخواند. اگر قادر به درست خواندن نباشد نمی‌تواند آیات را ترجمه و درک کند. به همین دلیل، در قدم اول باید آیات قرآن را درست تلاوت کند.

● شما نظرتان را درباره ضعف و قوت کتاب «دینی و قرآن» بیان نکردید.  
**سهل البیع:** کتاب‌های دینی و قرآن خیلی بهتر از کتاب‌های دوره‌های قبل از تلفیق تدوین شده است.

● چرا؟

**سهل البیع:** زیرا در این دوره، بین دینی و قرآن بیشتر ارتباط برقرار شده است. کتاب پایه اول خیلی زیباست. در این کتاب با طرح هدف‌های پایان‌پذیر و پایان‌ناپذیر، دانش‌آموزان درگیر این بحث‌ها می‌شوند. زیرا این موضوع برایشان جاذبه دارد. با این حال، این کتاب هم با هدف آرمانی فاصله دارد. باید بحث‌های مورد توجه دانش‌آموزان بیشتر شود. اما کتاب سال سوم برای دانش‌آموزان هنرستان قابل هضم نیست. بنده براساس تجربه تدریس در هنرستان این نکته را عرض می‌کنم. مباحث این کتاب برای هنرجو سنگین است. باید پی‌چاره بود.

● خانم باقری، شما نمونه‌هایی از امتیازهای کتاب دینی و قرآن را برشمردید اما

نظر تان را درباره نارسایی و نقص احتمالی این کتاب مطرح نکردید.

**باقری:** در جاهایی باید مطالب بیشتر، اما ساده تر، روان تر و در قالب مثال باشد. برای نمونه به تازگی و شادابی قرآن در کتاب در حد یک پاراگراف اشاره می شود، دانش آموزان توضیح ناچیز کتاب را کلیشه ای و شعار تلقی می کنند. آنان متوجه شادابی و طراوت دائمی و جامعیت قرآن به صورت یقینی نمی شوند و نمی توانند متوجه شوند که چرا قرآن کتابی برای همه زمان هاست.

در کتاب سال سوم آمده است: «قرآن کتاب دیروز، امروز و فرداهای ماست» بدون این که علت آن را توضیح دهد. لذا بچه ها باید آن را حفظ کنند. متأسفانه حتی یک مثال قرآنی هم در این باره ندارد. همین کتاب به تحدی و اعجاز قرآن نیز اشاره دارد؛ آن هم روی اعجاز لفظی قرآن تأکید می شود. متأسفانه در کتاب به موضوع هایی که می توانند پاسخی باشند به شبهه هایی که بچه ها با آن درگیرند، کمتر توجه شده است.

● یکی از هدف های تلفیق کتاب های آموزش قرآن و دینی این است که نشان دهد دین و زندگی با هم ارتباط وثیق دارند. حال براساس آنچه فرمودید، می توان پرسید با نتایج حاصل از تجربه شما، این هدف اساسی تا چه حد تحقق یافته است؟ تا چه میزان دانش آموزان با عنایت به موضوع های کتاب درسی به چنین درکی از ارتباط دین و زندگی می رسند؟

**سهل البیع:** باید به نیازها بیشتر توجه و پرداخته شود.

● به عبارت دیگر معتقد به نیازسنجی هستید؟

**باقری:** درست است، باید نیازسنجی کرد.

**سهل البیع:** پس از نیازسنجی می توان تغییرهای لازم را در محتوای کتاب به

وجود آورد.

**باقری:** بنده هم تأیید می‌کنم که باید حذف و اضافاتی در موضوع‌ها صورت بگیرد.

● به فرض که پیشنهاد شما دربارهٔ نیازسنجی و بعد تدوین کتابی براساس نتایج نیازسنجی عملی شد. آیا شما به ادامهٔ وضع کنونی که از آن به دورهٔ تلفیق یاد می‌شود، رضایت می‌دهید یا می‌فرمایید باید این دو درس از هم تفکیک شوند؟

**سهل‌البیع:** باید بیشتر دربارهٔ آن فکر کنم. در حال حاضر نمی‌توانم نظر قطعی بدهم. اکنون آیات با موضوع‌ها مرتبط‌اند. اگر در وضع تفکیک هم چنین باشد خوب است. به علاوه، در صورت تفکیک معلمان وقت بیشتری دارند تا به آموزش بهتر قرآن بپردازند. به هر حال، باید بیشتر بررسی شود که کدام وضع بهتر و مفیدتر و کارآمدتر است.

**باقری:** به نظر من باید دورهٔ تلفیق ادامه یابد. با تفکیک کتاب‌ها باز هم بچه‌ها فکر می‌کنند قرآن چیزی جدای از دینی است. وقتی دینی و قرآن با هم و در یک کتاب درسی باشند، بچه‌ها قادر به حاشیه راندن آن نیستند. بنده با توجه به وضعیت نسل امروز چنین نظری دارم.

● از این که در این گفت‌وگو شرکت کردید از شما تشکر می‌کنیم.

## معلمان را تغذیه فکری کنیم

دو تن از دبیران درس «دینی و قرآن» در گفت‌وگو با مجله رشد آموزش قرآن

رضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی  
فریبا انجمنی

### اشاره

پنج‌شنبه روزی از سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در دبیرستان طلوع شهرک قدس حاضر شدیم و پای سخنان دو تن از دبیران با تجربهٔ درس «دینی و قرآن» نشستیم؛ خانم‌ها بتول اکرام جعفری و زهرا ترابی هر دو ۲۲ سال تجربه دارند و بخش بیشتر آن را در کلاس درس گذرانده‌اند. آن‌ها با امید به توجه و دریافت‌هایشان در درس دینی و قرآن و تألیف کتاب‌های درسی، اصلاح نواقص موجود و نیز توجه به پربار کردن دوره‌های آموزش ضمن خدمت، خواهان قراردادن امکانات کمک‌آموزشی کافی و مفید در اختیار مدارس هستند.

این دو دبیر با تجربه، با دغدغهٔ زیاد، به ابعاد توطئه دشمنان اشاره دارند که دانش‌آموزان را هدف گرفته‌اند تا آنان را نسبت به دین و آیینشان بدبین

کنند. به این دلیل و به‌خاطر احساس مسئولیت و تکلیف، خواهان عطف توجه مدیران آموزش و پرورش به این معضل می‌شوند و پیشنهاد می‌کنند، دبیران این درس هرچه بیشتر با مسائل روز تغذیه فکری شوند تا بتوانند به پرسش‌های دانش‌آموزان پاسخ قانع‌کننده بدهند، شبهه‌های القایی را بزدايند و ترديد‌ها را از ذهن آنان پاک کنند.

### **جمع‌بندی نظرات دبیران درس «دینی و قرآن» خانم‌ها اکرام جعفری و ترابی:**

۱. حجم کتاب‌های درسی دینی و قرآن زیاد است و وقت تدریس کم.
۲. دوره‌های آموزش ضمن خدمت از نظر محتوایی بسیار ضعیف برگزار می‌شوند.
۳. هنگام تغییر محتوای کتاب‌های درسی باید به آرای دبیران با سابقه نیز توجه کنند.
۴. عمده تغییرات اعمال شده در کتاب‌های درسی «دینی و قرآن»، نسبت به کتاب‌های قبلی نزول کیفی داشته است.
۵. دانش‌آموزان در درست‌خوانی و روان‌خوانی قرآن بسیار ضعف دارند. و بخش قرآن کتاب‌های دینی و قرآن در کلاس‌ها به درستی انجام نمی‌شود.
۶. چرا مجله رشد آموزش قرآن را برای مدارس نمی‌فرستند تا در دسترس دبیران قرار گیرد و از آن استفاده شود؟

\*\*\*

● رشد آموزش قرآن شنونده نظرات انتقادی و اصلاحی شما درباره درس و کتاب «دینی و قرآن» است.

**اکرام جعفری:** ابتدا باید از کسانی که نام کتاب را از «بینش دینی» به «دینی و قرآن» براساس آیات قرآن کریم تغییر دادند، تشکر کنم. گرچه کتاب بینش دینی خوب بود، ولیکن درس «دینی و قرآن» ما را وامی‌دارد با دانش‌آموزان بیشتر کار کنیم.

نکتهٔ اول این است که درس «دینی و قرآن» در حد دانش باقی مانده است. به همین علت، بچه‌ها از نظر اطلاعات و دانش دینی در سطح خیلی خوب قرار دارند. برای مثال در کنکور، تست‌های مربوط به معارف اسلامی را خوب می‌زنند و رتبه‌های خوبی هم می‌آورند، ولی باید محاسبه شود که دانش آن‌ها چه قدر جنبهٔ عملی و رفتاری به خود گرفته است. این بسیار اهمیت دارد.

گاهی رفتارهای دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی نشان می‌دهد، با وجود این که ده سال تعلیمات دینی و قرآن را آموزش دیده‌اند، ولی میان آن‌چه خوانده‌اند و آن‌چه می‌کنند، تضاد وجود دارد. می‌خواهم بدانم، به چه علت درس «دینی و قرآن» در حد دانش باقی مانده است؟ آسیب‌شناسی این موضوع اهمیت دارد.

ترابی: یکی از مشکلات ما به عنوان دبیر درس «دینی و قرآن»، نداشتن وقت کافی برای تدریس است، زیرا حجم کتاب زیاد است. تمام همکارانی که آموزش این کتاب را به عهده دارند، می‌دانند برخی از درس‌ها وقت زیادی می‌طلبند، زیرا باید روی آن‌ها توقف و کار کرد. لذا با عنایت به متناسب نبودن زمان در اختیار و حجم بسیار کتاب، مجبوریم برخی درس‌ها را با مروری گذرا، رد کنیم. کمبود وقت برای ما مشکل‌زاست.

مشکل دیگر از آن‌جا ناشی می‌شود که ما در کلاس تأکید داریم که فرق آموزه‌های کتاب «دینی و قرآن» با کتاب‌های درسی دیگر این است که آن‌چه را از درس‌های این کتاب فرامی‌گیریم، باید در رفتار ما تجلی بیابد و در زندگی خود را نشان بدهد. نمرهٔ ۲۰ در این درس، باید نشانگر تغییر رفتار ما تا آن حد باشد که اطرافیانمان آن را دریابند. در حالی که ما روی این نکته وقت می‌گذاریم، اما در امتحان نهایی مشاهده می‌شود، کلیهٔ سؤال‌های درس «دینی و قرآن» مانند سؤال‌های فیزیک و ریاضی است و روی کلمه‌ها و نکته‌های جزئی بسیار تأکید می‌شود و دانش‌آموز را به حفظ مطالب وامی‌دارد. این‌گونه طرح سؤال، دانش‌آموز را وامی‌دارد به محفوظات ذهنی

ببفزاید و از توجه به عمل بازماند. به همین علت، بنده به عنوان معلم مجبور می‌شوم در کلاس به این موضوع توجه داشته باشم و به دانش‌آموزان یاد بدهم که چگونه در امتحان به چنین پرسش‌هایی پاسخ بدهند. این کار مستلزم وقت و موشکافی است و وقت می‌برد؛ در حالی که ما در حد آموزش متداول نیز کمبود وقت داریم.

ما در دوره کلاس‌های آموزش ضمن خدمت، به مدرسان محترم گفتیم که سه ساعت مقرر کنونی برای این درس کم است؛ یا بر ساعت آموزش بیفزایند یا حجم کتاب را کمتر کنند. این حجم از کتاب برای تدریس مستلزم داشتن چهار تا پنج ساعت وقت آموزشی در هفته است.

● خانم اکرام جعفری شما به موضوع آسیب‌شناسی موردنظر تان پردازید.

**اکرام جعفری:** قبل از پرداختن به موضوع آسیب‌شناسی باید اعلام کنم، به این علت که خداشناسی فطری است، دانش‌آموزان ذاتاً زمینه پذیرش مطالب مذهبی را دارند و گرایش به دین در رفتار بچه‌ها مشهود است، اما شناسایی عواملی که سبب فاصله گرفتن آنان از فطرتشان می‌شود نیز اهمیت دارد. یک عامل، تضاد فرهنگی میان دبیر دینی و قرآن با خانواده دانش‌آموزان است. گاهی این تضاد خود را نشان می‌دهد که در جای خود به آن می‌پردازم. البته برای از میان بردن تضاد، می‌توان مثلاً هر بار یک رفتار و عمل را در کلاس موضوع تمرین قرار داد. برای مثال من دو هفته را اختصاص می‌دهم به چگونگی کنترل خشم، یا احترام به پدر و مادر. در حقیقت همان موضوع‌هایی در این کار موردنظرند که در قرآن بر آن‌ها تأکید شده است. البته به چنین کاری نمره‌ای اختصاص نمی‌دهم تا مبادا کسب نمره، آن‌ها را به انجام تمرین وادارد، بلکه توجه آن‌ها را جلب می‌کنم به نتیجه آن؛ هر کس به این تمرین‌ها عمل کند، آثار مفید و مثبتش را در زندگی خود خواهد دید و عمل نکردن به آن‌ها بر زندگی تأثیر منفی می‌گذارد. این روش تا حد قابل قبولی موفقیت‌آمیز است که نشانگر زمینه پذیرش در بچه‌هاست.

● آیا شما از نزدیک بر این موفقیت‌ها شاهد بوده‌اید؟

**اکرام جعفری:** بلی! تقریباً دو سال است دارم این کار را انجام می‌دهم. برای این که دریابم چرا از دانش خود بهره نمی‌گیریم و بدان عمل نمی‌کنیم؟ لذا با کمک دانش‌آموزان، با شناسایی نکات منفی و بررسی ضعف رفتار، آن‌ها را یادداشت می‌کنیم. بعد بچه‌ها می‌آیند تجربه‌های خود را در زمینه موضوع‌های مطرح شده می‌گویند. از جمله برخی از آنان، از این که توانسته‌اند خشم خود را کنترل کنند، یا به پدر و مادرشان احترام بگذارند، ابراز مسرت می‌کنند. درباره نماز نیز از این روش استفاده کرده‌ام و شکر خدا تا حدی نتیجه مثبت گرفته‌ام.

● آن چه را که شما عامل موفقیت می‌دانید، آیا زمینه‌ای در کتاب درسی «دینی و قرآن» هم دارد؟ منظورم این است که کتاب برای بهره‌گیری از این روش کمکی کرده است؟

**اکرام جعفری:** اصلاً! اما هدف کتاب «دینی و قرآن» غیر از این نیست که دستورات قرآن را انجام دهیم. در حقیقت کتاب راهنمای زندگی ما، قرآن است و قرآن راه‌های رسیدن به موفقیت را به ما نشان می‌دهد.

● با دانش‌آموزان کدام پایه این تمرین‌ها را انجام می‌دهید؟

**اکرام جعفری:** با دانش‌آموزان اول و دوم متوسطه.

● این روش را که موفق می‌دانید، آیا در مناطق متفاوت آموزش و پرورش آزموده‌اید؟

**اکرام جعفری:** در مناطق دیگر به صورت غیرمستقیم انجام می‌دادم، ولی از سال تحصیلی گذشته در این مدرسه به صورت مستقیم اجرا می‌کنم. البته کمبود وقت سبب می‌شود در تمام کلاس‌ها نتوانم پی‌گیر این روش باشم، ولی موضوع تا حد



ممکن در برنامه کاری‌ام قرار دارد. زیرا از این طریق بچه‌ها را به تفکر و تدبیر دربارهٔ اعمالشان وامی‌دارم.

● خانم اکرام جعفری، سرکار به آسیب‌شناسی در درس «دینی و قرآن» اشاره کردید، خوب است ادامه مطالب خود را بفرمایید.

**اکرام جعفری:** وجود تضاد فرهنگی بین خانواده‌ها و برخی از دستورات کتاب «دینی و قرآن»، یکی از آن‌هاست. در مواردی دانش‌آموزان با آن‌چه در کتاب آمده است، بسیار بیگانه‌اند؛ از جمله حجاب یا دست دادن با نامحرم. چنان در میان برخی خانواده‌ها عادی است که به قول خودشان، آن را «بدون منظور» می‌دانند، زیرا با این فرهنگ در خانواده رشد کرده‌اند و داشتن حجاب و دست ندادن با نامحرم را به عنوان «دستور دینی» نمی‌شناسند.

دوم، می‌دانیم که رسالت رسانه‌های ارتباط جمعی ما، آگاهی دادن به جامعه است تا به آنان بینش ببخشند. متأسفانه بین اکثر دانش‌آموزان با رسانه‌های داخلی فاصله به وجود آمده است.

سوم، دانش‌آموزان فکر می‌کنند که دین را باید از افراد یاد بگیرند. اگرچه بارها یادآور می‌شویم که نباید چنین باشد، بلکه الگوهای ما باید پیامبر (ص) و امامان (ع) باشند، اما آنان افراد عادی را الگو قرار می‌دهند، لذا وقتی کار خطایی از افراد سر می‌زند، آن را به پای دین می‌نویسند. به این ترتیب، به باورهای دینی آنان ضربه وارد می‌شود.

● این نکته در جامعه قابل مشاهده است؛ یعنی وجود تضاد در جامعه، در خانواده، در مدرسه و بین افراد با هم. اما باید به این پرسش پاسخ داد که درس «دینی و قرآن» باید چه راهکارهایی ارائه دهد تا این تضادها بین دانش‌آموزان به حداقل برسد؟

**اکرام جعفری:** باید محتوای این درس را برای بچه‌ها جذاب کنیم. دانش‌آموزان در راهنمایی درس دینی را به صورت داستان فرامی‌گرفتند، اما با پا گذاشتن به کلاس اول دبیرستان، ناگهان در این درس با «تدبر در قرآن» مواجه می‌شوند که هضم آن برایشان مشکل است و در این ارتباط احساس سنگینی می‌کنند و واکنش تند نشان می‌دهند. طرح ناگهانی و دفعی تدبر، از نکات مثبت درس «دینی و قرآن» می‌کاهد. انتظار بنده به عنوان دبیر این درس این بوده است که تغییرها سنجیده‌تر اعمال شود. همکاران ما تغییرات درس «دینی و قرآن» کلاس دوم را مثبت نمی‌دانستند. آیا فقط مؤلفان به این نتیجه رسیده‌اند که باید در درس تغییر به‌وجود بیاید یا تغییر علل دیگری دارد؟ این نوع تغییر، از جاذبه درس برای دانش‌آموز می‌کاهد و بین محتوای درسی و دانش‌آموز شکاف ایجاد می‌کند.

**ترابی:** کتاب‌های پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان حاوی موضوع‌های بسیاری است. فراوانی موضوع و دقت کم سبب شده است که به برخی از آن‌ها فقط اشاره‌ای شود.

در کتاب سال دوم، یکی از دروس به «رشد» اختصاص دارد. کتاب قبلی حق مطلب درباره این موضوع را بهتر ادا می‌کرد، ولی کتاب جدید، به سرعت از موضوع رشد رد می‌شود. با این حال، بنده پیرامون موضوعی مثل «نفس آماره» یا «شیطان» یک تا دو جلسه بحث می‌کنم و به بچه‌ها هم فرصت اظهار نظر می‌دهم. به این ترتیب، آن‌ها با طرح تجربه‌های تلخ خود - که بیشتر درباره دام‌های شیطانی است - با یکدیگر تبادل تجربه می‌کنند که برایشان مفید و آموزنده است. البته ابتدا به ساکن، تمام مسائل مربوط به این موضوع‌ها را مطرح نمی‌کنم، اما پس از اظهار نظر دانش‌آموزان، آن وقت رشته بحث را به دست می‌گیرم و به صورت مشاوره، راه‌هایی را برای سد کردن نفوذ شیطان پیشنهاد می‌کنم. لذا آن‌چه در کتاب آمده است، با استفاده از تجربه‌ها و دانسته‌های دانش‌آموزان تبیین می‌شود و دخالت دانش‌آموزان

در بحث، بر آنان تأثیر مثبت بیشتری دارد.

یکی از مشکلات به‌ویژه در مناطق شمال تهران نفوذ فرهنگ غربی در خانواده‌هاست، تا آن حد که بیشترشان رسانه‌های ارتباط جمعی و خبری کشور را غیرقابل اعتماد می‌دانند. منبع خبری بچه‌ها، بیشتر تلویزیون‌های ماهواره‌ای است و بدان‌ها اعتماد دارند.

● به چه دلیل چنین احساسی دارید؟

ترابی: از این بُعد که باید به عنوان معلم از نظر فکر و دانش دینی بسیار غنی باشم.

● به نظر من در طول سال‌های آموزشی، به این پرسش مقدر دانش آموز پاسخ داده نشده است که چرا بشر دین نیاز دارد؟ اصلاً «دین» چیست؟ آیا بشر باید دین داشته باشد؟ به نظر می‌رسد آموزش و پرورش ما در حوزه دین بیشتر درصدد تحریک عواطف بوده است تا بخواهد تعقل را در دانش‌آموزان تقویت کند و رنگ عقلانی و استدلالی به مبنای اعتقادی ببخشد. به‌ویژه در زمان حاضر، باید به این سؤال‌ها و مشابه آن‌ها پاسخ مقتضی بدهد تا راه نفوذ فرهنگ غربی باز نماند. باید این نوع واکنش‌ها، نظام آموزش و پرورش ما را هشیار کند تا به دنبال سدرخنه‌ها باشند.

ترابی: منظور بنده نیز همین است. باید منابعی را که در بچه‌ها شک ایجاد می‌کنند، شناخت. ما اکنون درباره این منابع و جریان‌ها آگاهی نداریم. البته درباره معاد، نبوت و امامت اطلاعات لازم را برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانش‌آموزان دارم، ولی درباره جریان و منابع معاند ندارم. کاملاً مشخص است برخی از سؤال‌هایی که دانش‌آموزان در کلاس طرح می‌کنند، بدون شک از جاهایی به آنان القا می‌شود. نمونه‌ای را بازگو کنم عده‌ای از همکاران آموزشی و پرورشی دو هفته به مدرسه ما می‌آمدند تا در کلاس سخنرانی یکی از خانم‌ها درباره حجاب شرکت کنند.

دانش‌آموزان نیز در این جلسات شرکت می‌کردند. پرسش‌هایی را که برخی از دانش‌آموزان مطرح می‌کردند، در حد دانش‌آموزان دوم و سوم دبیرستان نبود. برداشت من این بود که پرسشگر با شرکت در جلساتی یا از طریق سایت‌ها پرسش‌هایی به وی القا می‌شود؛ آن هم از جنبه منفی. مدتی است که عده‌ای از دانش‌آموزان، «تحریف قرآن» را مطرح می‌کنند. به‌ویژه وجود «قرآن کریم» به‌عنوان یکی از دلایل «ختم نبوت» در کتاب «دینی و قرآن» آمده است. بچه‌ها می‌گویند، چه‌طور می‌خواهید ثابت کنید قرآن تحریف نشده، در حالی که کتاب‌های آسمانی دیگر تحریف شده‌اند. بنده اطمینان دارم القای این شبهه توسط دیگران به بچه‌هاست تا به این هدف برسند و جا بیندازند که قرآن نیز مانند دیگر کتاب‌های آسمانی تحریف شده است. چنین القاها و پرسش‌هایی نیز این موضوع را تعقیب می‌کند که بگویند «دین» تاریخ مصرف دارد و قرآن دیگر کاربردی ندارد. یعنی در همهٔ مبانی و ارکان دین شک به‌وجود می‌آورند.

● عده‌ای از همکاران آموزشی می‌گویند، از جمله نارسایی‌ها و کمبودهای کتاب «دینی و قرآن»، کمتر پرداختن به جاودانگی قرآن با ارائهٔ آیات و روایات است. به نظر شما اگر این موضوع به‌صورت بهتر و بیشتر در کتاب درسی بیاید، یا از طریق امکانات کمک‌آموزشی یا تشکیل کلاس‌های ضمن خدمت بدان پرداخته شود، می‌تواند در مواجه شدن با این نوع پرسش‌ها یا شبهه‌ها، کمک کند تا پاسخ مقتضی و قانع‌کننده به دانش‌آموزان بدهند، نظر شما چیست؟

**ترابی:** برداشت من این است که در چند سال اخیر، برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت بدون کیفیت و در حد رفع تکلیف‌اند. کسی که در هفته دور روز و هر روز چهار ساعت در کلاس می‌نشیند، انتظار دارد بار محتوایی آن خوب باشد و مطالب و اطلاعات سودمندی دریافت کند، اما این کلاس‌ها نه‌تنها سودمند نیست، بلکه تکرار

دانسته‌های شرکت‌کنندگان است. این دوره‌ها باید دبیران را از اطلاعات جدیدی که در دسترس نیست، غنی کنند. اگرچه دبیران درسی دینی و قرآن، احساس مسئولیت می‌کنند و با رجوع به منابع می‌کوشند. دانش قرآنی خود را افزایش دهند اما آموزش و پرورش هم نباید در قبال مسئولیتش قصور کند. جالب است بدانید، معلمی که در کلاس آموزش ضمن خدمت شرکت می‌کند، هنوز اطلاع ندارد که کتاب راهنمای معلم چاپ شده است یا از تغییر کتاب سال دوم بی‌خبر می‌ماند. بنده هفته اول مهرماه وقتی سر کلاس رفتم، از موضوع آگاه شدم. به اطلاع‌رسانی نادرست آموزش و پرورش معترضم، چرا نباید درباره تغییر کتاب حتی یک بخش‌نامه به دست معلم برسد؟ باید خبر چاپ کتاب راهنمای معلم به همه مناطق برسد و نمونه کتاب نیز موجود باشد تا آن را در اختیار تمام معلمان قرار دهند.

● اشاره داشتید که کتاب‌های راهنمای معلم را برایتان نفرستاده‌اند، آیا آموزش ضمن خدمت داشتید؟

**ترابی:** خیر! نه اطلاع‌رسانی شد و نه دوره آموزش ضمن خدمت داشتیم. اول مهر وقتی سر کلاس رفتم، دیدم کتابی که در دست دانش‌آموزان است، تغییرات دارد. دوره آموزش ضمن خدمت ما تازه از ۹ آبان ماه شروع شد.

**اکرام جعفری:** همکارم تقریباً بیشتر مسائل را گفتند. خیلی گذرا تأکید می‌کنم که جامعه در مقابل تهاجم فرهنگی قرار دارد. مقام معظم رهبری بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند. پرسش بنده این است: «برای مقابله با تهاجم فرهنگی چه کرده‌ایم؟» اکثر همکاران می‌گویند، دانش‌آموزان در کلاس پرسش‌های خاصی را مطرح می‌کنند. که ظاهراً از جایی هدایت می‌شود، پرسش‌هایی مثل «از کجا می‌دانید قرآن تحریف نشده است؟» یا «رعایت حجاب چه لزومی دارد؟»، پرسش‌های مشترک عده‌ای از دانش‌آموزان است که نشان می‌دهد آنان از منبع یا منابعی خط می‌گیرند.

بنابراین بسیار مهم است که معلمان بدانند، در مقابل پایگاه‌های اینترنتی خط‌دهنده، چه پایگاه‌های دیگری برای مقابله با شبهه‌ها وجود دارد. ضروری است معلمان تغذیه فکری شوند تا بتوانند به‌صورت روزآمد، دانش‌آموزان را آگاه و به پرسش‌های آنان پاسخ دقیق و قانع‌کننده بدهند. اکثر همکاران در حوزه مسائل فکری، خوب تغذیه نمی‌شوند و اطلاعات لازم و مقتضی در اختیار آنان قرار نمی‌گیرد. آیا نهادی یا فردی وجود دارد که با جمع کردن تمام سؤال‌ها و دسته‌بندی، به آن‌ها پاسخ بدهد؟

همه می‌گویند کلاس‌های انحرافی به نام عرفان زیاد شده است. دانش‌آموزان هم می‌گویند به چنین کلاس‌هایی می‌روند. وقتی در این باره صحبت می‌شود، می‌توان دریافت که این عده، غیرمستقیم در حال از دست در رفتن هستند.

پیشنهاد بنده این است که حداقل در دوره‌های آموزشی سؤال‌های دانش‌آموزان را جمع‌آوری و به آن‌ها پاسخ بدهند تا همکارانی که به‌صورت مستقیم با دانش‌آموزان ارتباط دارند، قادر به ارائه پاسخ‌های لازم باشند. پایگاه‌های اینترنتی انحرافی را به همکاران معرفی کنند و نیز نشانی پایگاه‌های خوب زیادی را که برای مقابله وجود دارد، در اختیار ما قرار دهند. بنده وقتی پایگاه تبیان را سر کلاس معرفی کردم، بچه‌ها متعجب بودند که چنین سایتی هم وجود دارد.



● خرداد ماه امسال، سرگروه‌های درس «دینی و قرآن» استان‌ها در نشست مشهد، قرار گذاشتند هر استان که پایگاه‌های اینترنتی مفیدی را می‌شناسد یا سایت‌هایی را که خود اداره می‌کند، به دیگران اطلاع بدهد و آنان نیز در سطح مناطق اطلاع‌رسانی کنند. آیا در این زمینه خبری دارید؟ آیا فصل‌نامه رشد آموزش قرآن، به شما می‌رسد؟ اگر مطالعه می‌کنید، تا چه حد قابل استفاده است، یعنی مسائل مبتلا به معلمان هنگام تدریس را مطرح می‌کند؟

**ترابی:** درباره پایگاه‌ها هیچ خبری به ما نرسیده است. رشد آموزش قرآن را هم در

چند سال اخیر ندیده‌ام یا خیلی در دسترس نبوده است.  
**اکرام جعفری:** قبلاً این مجله در کتاب‌خانهٔ مدرسه موجود بود. ولی مدت‌هاست آن را نمی‌بینم.

● اگر امسال در ماه مبارک رمضان به نمایشگاه قرآن کریم می‌آمید، می‌توانستید به‌عنوان معلم درس دینی و قرآن، مشترک شوید. حدود ۸۰۰ نفر از معلمان در نمایشگاه، مشترک مجله شده‌اند و یا مدرسه می‌تواند متقاضی دریافت مجلهٔ رشد آموزش قرآن از طریق اشتراک بشود؛ ضمن این که معلم نیز می‌تواند درخواست اشتراک کند تا برایش ارسال شود.

**اکرام جعفری:** مگر چند درصد از همکاران توانسته‌اند به نمایشگاه قرآن بروند؟ معلمان که فقط در تهران نیستند، در سراسر کشور پراکنده‌اند. درخواست ارسال مجله باید از طریق مناطق و مدارس صورت گیرد.

مجله برای معلمان تولید می‌شود، اما به دستشان نمی‌رسد. نمی‌گویم مجله را به تک‌تک دبیران این درس بدهند، حداقل برای هر مدرسه، نسخه‌ای بفرستند تا در کتاب‌خانه نگه‌داری شود و همگان مطالعه کنند.

اگر بتوان از طریق پایگاه اینترنتی به‌صورت برخط (آن‌لاین) پرسش‌های دانش‌آموزان را با کارشناسان درمیان گذاشت و جواب مناسب و مقتضی دریافت کرد، تحولی در این درس پدید می‌آید. بنده به صورت غیرمستقیم این کار را انجام می‌دهم، اما دلم می‌خواهد مشکلات و پرسش‌ها را با فردی درمیان بگذاریم که از آموزش و پرورش است و معضلات این حوزه را از نزدیک می‌شناسد و تجربهٔ کار در آموزش و پرورش و مدرسه را دارد. یادآوری کنم، سال گذشته، دانش‌آموزان فیلم «سنگسار» را از پایگاه‌های اینترنتی دیده بودند و می‌پرسیدند آیا سنگسار در اسلام وجود دارد؟ اگر اسلام دین رأفت و عطوفت است، آیا چنین کاری را اجازه می‌دهد؟

این پرسش‌ها مهم و بنیانی است و به جواب‌های دقیق و مستدل و قانع‌کننده نیاز دارد. آیا کسی را در آموزش و پرورش داریم که درد معلمان را حس کرده باشد و بتواند پاسخ‌گوی پرسش‌ها و رافع مشکلات باشد؟ آیا امکان ارتباط با چنین افرادی به‌صورت مستمر وجود دارد؟

**ترابی:** شنیده و دیده‌ایم که وهابی‌ها بین مردم کتاب‌های رایگان توزیع می‌کنند؛ آن هم برای ترویج مبانی فکری خود. ما یک‌سوم هزینه‌ای را که وهابی‌ها برای تبلیغات می‌کنند، برای قرآن صرف نمی‌کنیم.

**اکرام جعفری:** در تکمیل گفته خانم ترابی اضافه کنم، اکنون وهابی‌ها از بهترین محققان خود استفاده می‌کنند تا دریابند چگونه با مذهب تشیع مبارزه کنند. درصددند مواردی را به‌عنوان نکته‌های ضعف در میان شیعیان اشاعه دهند و شبیه به‌وجود آورند؛ یعنی همان بحث‌هایی که گاهی عده‌ای از دانش‌آموزان مطرح می‌کنند.

● نکته این نیست که ما در حوزه دین و مذهب محقق و پژوهشگر زبده نداریم، بسیار هم داریم. مشکل این است که مدیریت عملگرا و برنامه‌ریز بر مبنای نیازها برای جهت دادن امور نداریم. اگر هم مدیریتی وجود دارد، به‌صورت اصولی بدان نمی‌پردازد تا نقاط آسیب‌پذیر و گلوگاه‌های ورود میکروب را شناسایی و درمان مناسب را تجویز کند. به نظر می‌رسد آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌هاست که می‌تواند میکروب شبیه و انحراف را به درون خود راه دهد. همین مواردی را که شما مطرح می‌کنید، آیا نشانگر چنین آسیب‌پذیری نیست؟

**اکرام جعفری:** پس از ۳۰ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، نباید چنین مشکلاتی را در آموزش و پرورش که یکی از گلوگاه‌های راهبردی است، مشاهده کرد.





● به نظر شما چه نکته‌هایی در کتاب قابل طرح است که تا الان نشده است؟  
**اکرام جعفری:** در پایان آداب قرائت قرآن، دربارهٔ انس با قرآن پیشنهادی کرده که مفید است. یعنی به دانش‌آموزان گفته شده است که می‌توانند برای انس یافتن با قرآن، از آیات کوتاه آغاز کنند.

و اداشتن دانش‌آموزان به تدبیر، برای مؤلفان مهم بوده است. برای این کار پیام‌هایی را در قالب پرسش طرح کرده‌اند که بچه‌ها نه دربارهٔ آن زمینهٔ ذهنی قبلی دارند و نه این جهش آموزشی، متناسب با آمادگی ذهنی و فکری آنان است. باید این کار مرحله به مرحله صورت می‌گرفت تا مفید واقع شود.

**ترابی:** دانش‌آموز باید دقت کند و به استخراج پیام دست بزند. اما بین متن آیه و ترجمهٔ فارسی آن فاصله انداخته‌اند و پیام را در صفحهٔ دیگر نوشته‌اند. خیلی از دانش‌آموزان قادر به ترجمهٔ آیات نیستند، لذا باید به صورت مکرر به صفحه‌های قبلی رجوع کنند. پیام باید بلافاصله بعد از ترجمهٔ آیه قرار گیرد، یعنی همان جایی که معانی لغات را نوشته‌اند.

● به نظر می‌آید مؤلفان با فاصله‌گذاری خواسته‌اند دانش‌آموز را به تفکر و تدبیر وادارند. یعنی دانش‌آموز ابتدا خودش دربارهٔ پیام آیه فکر کند، بعد از آن از ترجمه مدد جوید و در نهایت، در صورت ناتوانی حل مسئله، از دیگران کمک بخواهد.

**اکرام جعفری:** این کار باید تدریجی انجام شود و قدم‌به‌قدم باید پیش رفت. در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، درس سطحی است، اما در دورهٔ متوسطه ناگهان دانش‌آموز را وارد فضایی کاملاً نو و سنگین می‌کنند که بازده لازم را ندارد.

● اگر موضوع تدبیر و تفکر از ابتدای کتاب به اواسط آن منتقل شود، آیا مفید خواهد بود یا هنوز معتقدید اشکال دارد؟

**ترایی:** مهم این نکته است که به دانش آموز بفرمانیم از آیات قرآن به آسانی می توان بهره گرفت و این کار هم فقط از طریق ترجمه آیات ممکن است. با ترجمه آیه، وی می تواند پیام آیه را کامل کند و درباره آن بیندیشد و تدبیر کند.

● کتاب با این پیش فرض تدوین شده است که دانش آموزان این پایه تحصیلی می توانند آیات ساده را به فارسی برگردانند.

منظورم این است که بچه ها با آموختن ترجمه ساده، می توانند پیام آیات را کامل کنند. با این عمل دانش آموز درمی یابد تا چه حد توانسته است قرآن را بیاموزد و بدین ترتیب نتیجه می گیرد درس «دینی و قرآن» راحت است و قابلیت درک آن را دارد. بنده این کار را هنگام آموزش در پایه های دوم و سوم انجام می دهم. از دانش آموزان می خواهم پیام آیات را بگویند و آنان این کار را می کنند. هدفم این است که دانش آموز پس از کلاس نیز بتواند پیام آیه را استخراج کند، نه این که پس از مطالعه توضیح های مربوط به درس، پیام را بیابد، بلکه باید بتواند با خواندن آیه، پیام آن را دریابد. بنده این اشکال را متوجه کتاب می دانم.

داشتن صفحه های زیاد و زائد، اشکال دیگر کتاب است. درست است که برخی از صفحه ها حاوی شعر و برخی دارای تصویرند، ولی آثار روانی منفی این صفحه ها بر دانش آموزان، بیشتر از آثار مثبت است. دانش آموز کلاس سوم وقتی کتاب ۲۱۵ صفحه ای را می بیند، با تعجب می پرسد: «خانم ما می توانیم تا امتحان نهایی ۲۱۵ صفحه کتاب را تمام کنیم؟!» بعد متوجه می شود که بسیاری از صفحه ها زائدند. یکی از دانش آموزان صفحه های زائد را شمرده بود و فقط ۱۱۵ صفحه را مربوط به درس می دانست. حدود ۱۰۰ صفحه دیگر شامل مطالب غیردرسی است. بنده برای هر درس، تعداد صفحه های اصلی را مشخص می کنم.

● آیا صفحه‌های اضافی برای ایجاد جذابیت نیست؟

**ترابی:** از نظر دانش‌آموزان جواب منفی است. به نظر خودم، برخی از مطالب مفیدند. عده‌ای از همکاران پیشنهاد می‌کردند مطالب مفید را از کتاب درسی خارج کنند و به کتاب راهنمای معلم بیفزایند تا معلمان از آن‌ها استفاده کنند. گاهی سرکلاس از یک نفر می‌خواهم که مطالب مفید درس را بخواند و بقیه هم گوش کنند. برخی مطالب کتاب برای معلم مفید است. حجم زیاد هیچ جاذبه‌ای برای دانش‌آموز ندارد و این دلهره همواره دانش‌آموز را تحت فشار می‌گذارد که مبدا لازم باشد همه مطالب را برای امتحان آماده کنیم؟

● درباره ادغام درس «دینی و قرآن» نظرها متفاوت است. به‌طور کلی دو نظر اصلی - موافق و مخالف - داریم. نظر شما در این زمینه چیست؟

**ترابی:** ادغام کار بسیار خوبی بود که انجام دادند. در دوره قبل، درس‌های قرآن و تعلیمات دینی جدا بودند. در قالب کنونی - خلاف قبل - آیات قرآن و مطالب دینی، در یک کتاب و در یک راستا قرار گرفته‌اند که بسیار مفیدتر است.

**اکرام جعفری:** اگر هدف، این است که در دانش‌آموزان، تدبر و تفکر در قرآن را تقویت کنیم و وقتی به آنان آیات قرآن را آموزش می‌دهیم، به پیام آیات نیز ارجاع بدهیم. لذا ادغام برای تحقق این هدف بهتر است.

الان درس‌ها موضوع‌بندی شده‌اند و درباره هر موضوع آیاتی از قرآن آمده است. بنابراین، ادغام - وضع کنونی - از نظر بنده خیلی بهتر است و این اندیشه را القا می‌کند که «قرآن کتاب زندگی است».

● این موضوع مطرح است که دانش‌آموزان حتی در متوسطه نمی‌توانند آیات قرآن را صحیح بخوانند و مشکل را ناشی از نارسایی آموزش این درس می‌دانند.

بسیاری معتقدند، دانش آموزان باید بتوانند در دوره ابتدایی بر درست خوانی و روان خوانی تسلط پیدا کنند و در مقاطع دیگر این کار تقویت شود. در دوره متوسطه نباید دانش آموزان نتوانند آیات قرآن را صحیح و روان بخوانند، شما چه نظری دارید؟

**ترابی:** در هیچ دوره‌ای نباید قرائت قرآن تعطیل شود. «دینی و قرآن»، می‌تواند مثل گذشته که یک ساعت مختص آموزش قرآن بود و دو ساعت مختص درس دینی بود انجام شود دانش آموزان ولی به شرط آن که در درس دینی آیات باقی بماند.



نظام آموزشی ما فقط روی خواندن و حفظ کردن تأکید دارد و هنوز وارد درك و فهم نشده است. به نظرم، در چند سال اخیر این کتابها خیلی خوب تدوین شده‌اند؛ از جمله کتاب دین و زندگی. ولی خروج از مرحله محفوظات و ورود به مرحله تفکر و ادراك زمان می‌برد. هنوز دانش‌آموزان به تأمل و تفکر عادت نکرده‌اند. باید آرام آرام هم ما و هم دانش‌آموزان به این سمت برویم که با دیدن تصویر به کنه مطلب برسیم. این کتابها البته به این جهت‌گیری کمک می‌کنند.

